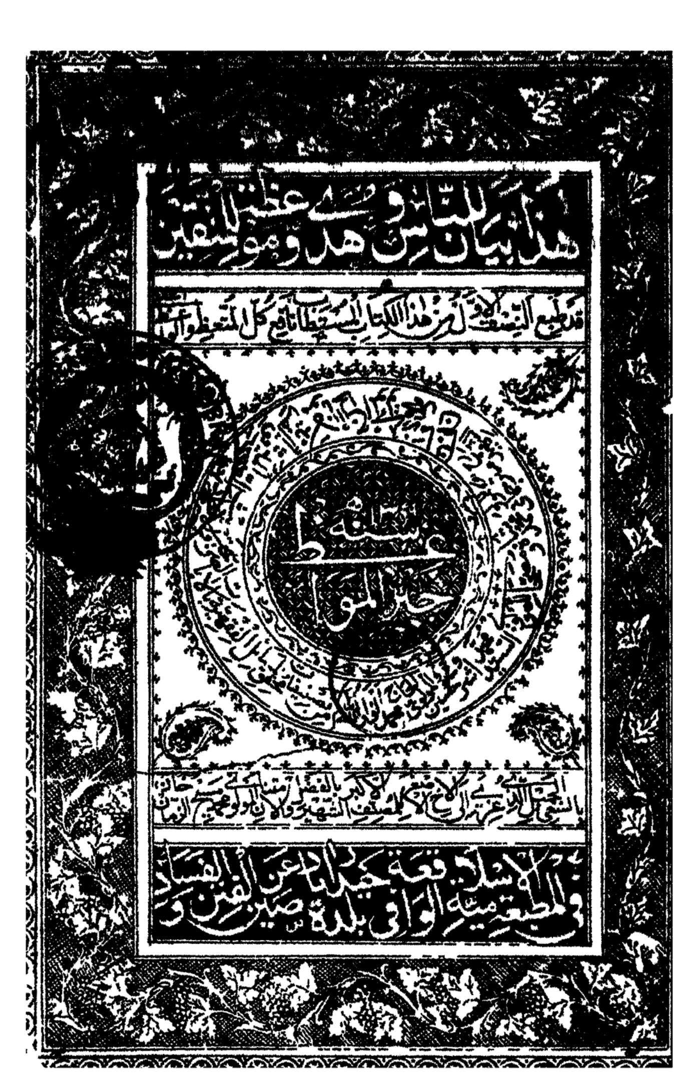
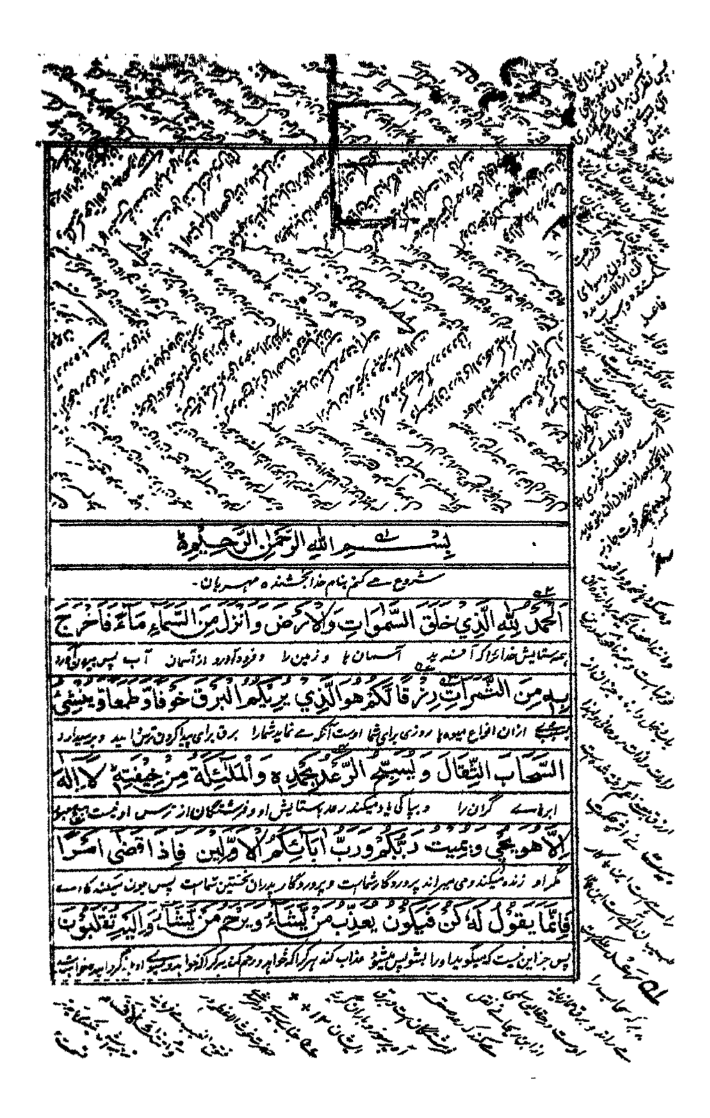
فہرست مضامین خیر المواعظ

تمت


هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين



بسم الله الرحمن الرحيم

شروع مے کنم بنام خدا بخشنده مهربان۔

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وانزل من السماء ماء فاخرج

همه ستایش خدا راکه آفرید آسمانها و زمین را و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

به من الثمرات رزقا لكم هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ

بسبب آن از انواع میوه ها روزی برای شما اوست آنکه مے نماید شما را برق برای پیدا کردن ترس امید و پیدا آورد

السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملئكة من خيفته لا اله

ابرهاے گران را و پاکی یاد میکند رعد بستایش او و فرشتگان از ترس او نیست هیچ معبود

الا هو يحيي ويميت ربكم ورب ابائكم الاولين فاذا قضى امرا

مگر او زنده میکند و می میراند پروردگار شما است و پروردگار پدران نخستین شما است پس چون حکم کند کارے

فانما يقول له كن فيكون يعذب من يشاء ويرحم من يشاء واليه تقلبون

پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود عذاب کند هر کرا خواهد و رحم کند هر کرا خواهد و بسوی او باز گردانیده خواهید شد

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و مقرر ساخت برای او منزلها تا بدانید

عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ

شمار سالها و حساب را اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ۝ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِ

و هست خدا بر این کار توانا بسیار با برکت هست آنکه فرود آورد فرقان بر بندهٔ خویش

يَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ۝ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ۝ يَهْدِي بِهِ

تا باشد ترساننده عالمیان را هر آئینه آمد شما را از جانب خدا نور و کتاب روشن راه می نماید به

اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

خدا کسی را که طلب رضا کرد بسوی راه نجات و بیرون می آرد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنی

بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ

بحکم خود و راه می نماید ایشان را بسوی راه راست هر آئینه نعمت فراوان داد خدا بر مسلمانان چون فرستاد

فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

در ایشان پیغمبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهای خود و پاک میسازد ایشان را و می آموزد ایشان را

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ فَآمِنُوا

کتاب و علم و هر آئینه ایشان بودند پیش از این در گمراهی ظاهر پس ایمان آرید

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ

بخدا و به پیغمبر او که نبی امی هست آنکه تصدیق میکند بخدا و سخنان او و پیروی او نمائید تا شما

تَهْتَدُونَ ۝ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

راه یابید محمد پیغمبر خداست و آنانکه همراه وی اند سخت اند بر کافران مهربان اند

بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ

در میان خود می بینی ایشان را رکوع کنندگان و سجده نمایندگان می طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را نشان ایشان

فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

و در روی ایشان است از اثر سجود — هر آئینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۞ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ

ای مسلمانان — درود فرستید بروی و سلام سلام گفتنی — و سبقت کنندگان نخستیان

مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ

از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا از ایشان

وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

و خوشنود شدند ایشان ازوی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا

أَبَدًا ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۞ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا

همیشه این است فیروزی بزرگ — ای پروردگار بیامرز ما را و برادران ما را که سبقت کردند بما

بِالْإِيمَانِ ۞ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بایمان آوردن — ای پروردگار ما تمام کن برای ما نور ما و بیامرز ما را هر آئینه تو بر هر چیز توانا است

فِي ثَنَاءِ اللّٰهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَعَزَّ اسْمُهُ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ

همه ستایش خدای راست که مر اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۞ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ

و اوست با حکمت آگاه — میداند آنچه در میشود به زمین و آنچه بر می‌آید ازوی و آنچه فرود می‌آید

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۞ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ

از آسمان و آنچه بالا میرود بروی و اوست مهربان آمرزنده — نو پیدا کننده آسمانها

وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۞ وَهُوَ

و زمین است و چون بخواهد کاری پس جز این نیست که میگوید او را شو پس میشود و او

القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير وهو الذي ينزل الغيث

غالب بر بندگان خود و اوست باحکمت دانا و اوست آنکه فرو می آرد باران

من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ومن آياته خلق

بعد از آن که نا امید شدند و می گستراند رحمت خود را و اوست کارساز ستوده و از نشانهای او

السموات والارض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء

آفریدن آسمانها و زمین و آنچه پراگنده کرده است در میان آنها از جانوران و اوست بر جمع کردن ایشان

قدير رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين يسئله

تواناست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه در میان آنهاست اگر ایمان آرید سوال

من في السموات والارض كل يوم هو في شان وسخر لكم

می کنند از خدا هر که در آسمانها و زمین است هر روز خدا در حالتی است و رام ساخت برای شما

الفلك لتجري في البحر بامره وسخر لكم الانهار وسخر لكم

کشتی را تا برود در دریا بحکم او و رام ساخت برای شما جویها را و رام گردانید برای شما

الشمس والقمر دائبين وسخر لكم الليل والنهار وآتيكم من كل

آفتاب و ماه همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز و داد شما را هر چه

ما سالتموه تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا

خواستید از او بسیار با برکت است آنکه ساخت در آسمان برجها و ساخت در آنها چراغ

وقمرا منيرا ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض ولا في

و ماه روشن هر آینه خدا پوشیده نمی شود بر وی چیزی در زمین

السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو

آسمان او آنست که صورت می بندد شما را در رحم ها چنانکه خواهد نیست معبودی بجز او

العزيز الحكيم والله اخرجكم من بطون

غالب با حکمت و خدا بیرون آورد شما را از شکم



أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

نا دران شما نمیدانستید چیزی را و ساخت برای شما شنوائی و چشمها و دلها

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنْ تَكْفُرُوا

شاید که شما شکر کنید و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد آنرا اگر کفران نعمت

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ

کنید شما و هر که در زمین است همه پس بدرستیکه خدا توانگر است ستوده شده اگر خواهد نابود

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ وَلَوْ شَاءَ

سازد شما را و بیارد آفرینش نو و نیست اینکار بر خدا دشوار + و اگر خواستی

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

پروردگار تو هر آینه ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان هر آینه خدا میکند آنچه میخواهد

وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ وَإِنْ

و او داناتر است بانچه میکنند + و هر که را خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی دارنده و اگر

يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ

برساند ترا خدا الم پس هیچ دفع کننده نیست او را مگر او و اگر نعمت رساند بتو

بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ

پس او بر هر چیز توانا است + بگو بار خدایا ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را

مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ

هر کرا خواهی و باز میگیری پادشاهی را از هر که میخواهی و عزیز میسازی هر کرا خواهی و خوار میسازی

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

خواهی بدست تست نیکی + هر آینه تو بر هر چیز توانا هستی + در می آری شب را

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

در روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده

ينشئ السحاب ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء وهم يجادلون

می‌شمارند و میفرستد صاعقها پس میرساند آنرا بهر که خواهد و کافران مکابره میکنند

في الله وهو شديد المحال عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء

در باب خدا و او سخت کننده عقوبت است داناست به پنهان و آشکارا بزرگ است بلند قدر

منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب

یکسانست از شما کسیکه پوشیده سخن را و کسیکه آواز بلند گوید آنرا و کسیکه وی پنهان است در شب و سیلر

بالنهار له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من

او میرود بروز برای او فرشتگانند از پی یکدیگر میآیند پیش وی و پس پشت او نگاه میدارند او را

أمر الله إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وهو

بحکم خدا هر آینه خدا بدل نمیکند حالی را که بقومی باشد تا تغییر کنند آنچه ایشانند و او است

القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة حتى إذا جاء أحدكم

غالب بر بندگان خود و میفرستد بر شما نگاهبانان تا وقتیکه بیاید یکی

الموت توفته رسلنا وهم لا يفرطون ثم ردوا إلى الله مولاهم

از شما مرگ قبض روح او کنند فرشتگان ما و ایشان تقصیر نمیکنند پس باز گردانیده شوند بسوی خدا

الحق ألا له الحكم وهو أسرع الحاسبين ويوم يحشرهم كأن لم

ایشان که حق است بدانید مر او راست حکم و او شتاب کننده ترین حساب کنندگانست و روزیکه جمع کند ایشانرا

يلبثوا إلا ساعة من النهار يتعارفون بينهم وما قدروا الله

گویا درنگ کرده بودند مگر ساعتی از روز شناسا باشند یکدیگر را و نشناختند خدا را

حق قدره والأرض جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات

حق شناختن او و زمین همه در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده

بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ونفخ في الصور فصعق

بدست راست او پاکی او است و برتر است از آنچه شریک می‌آرند و دمیده شود در صور پس بیهوش گردد

مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

هر که در آسمان و هر که در زمین هست مگر آنکه خواسته خدا هست باز دمیده شود در

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ

بار دیگر پس ناگهان ایشان استاده گان باشند می نگرند و روشن شود زمین بنور پروردگار خود و نهاده شود

الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

نامۀ اعمال و آورده شود پیغامبران و گواهان و حکم کرده شود میان ایشان براستی و ایشان ستم کرده نشوند

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ

و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است بانچه می کنند براستی خدا ظلم نمی کند

النَّاسَ شَيْئًا وَلٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ

بر مردمان و لیکن مردمان بر خویشتن ستم می کنند ✤ آیا بلکه پرستیدم کسی که ساخت زمین قرارگاه

جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا

و پیدا کرد در میان جویها ✤ و پیدا کرد برای زمین کوه ها ✤ و پیدا کرد میان دو دریا حجاب

أَإِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ

آیا معبودی دیگر هست با خدا بلکه بیشتر ایشان نمی دانند آیا بلکه پرستیدم کسی را که قبول می کند از درمانده

وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ قَلِيلًا مَّا

بخوانندش و بردارد سختی را و بسازد شما را جانشین در زمین آیا معبودی دیگر هست با خدا اندکی

تَذَكَّرُونَ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ

پند می پذیرید ✤ آیا بلکه پرستیدم کسی را که راه می نماید شما را در تاریکی بیابان و دریا و کسی که میفرستد بادها

بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ تَعَالَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مژده دهنده پیش از رحمت او ✤ آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنچه شریک می سازند

أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

آیا بلکه پرستیدم کسی که پیدا کرد خلق را ابتدا باز آرد او را و آنکه روزی می دهد شما را از آسمان و زمین

ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ وَلَوْ اَنَّ مَا فِى الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهٗ

آیا معبودی هست با خدا اما اگر آنچه در زمین است از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی آن شده

مِنْ بَعْدِهٖ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ

از پس او هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنان خدا هر آینه خدا غالب با حکمت است

فَسُبْحٰنَ الَّذِيْ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝

پس پاکست آنکه بدست اوست بادشاهی هر چیز و بسوی او باز گردانیده شوید

وَعَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ اَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَّاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ

وسلم مر خدا تعالی راست صد رحمت فرود آورده است ازان صد رحمت یک رحمت را میان

وَالْاِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُوْنَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُوْنَ

پریان و آدمیان و میان چارپایان و جنبنده های روی زمین پس بآن رحمت آنها مهربانی میکنند بر یکدیگر

وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلٰى وَلَدِهَا وَاَخَّرَ اللّٰهُ تِسْعًا وَّتِسْعِيْنَ رَحْمَةً

و بآن رحمت می بخشایند بر یکدیگر و بآن رحمت مهربانی میکند جانور وحشی بر فرزند خود و پس گذاشته است خدای تعالی نود و نه رحمت

يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِىْ رِوَايَةٍ لِّمُسْلِمٍ عَنْ

که رحم میکند بآن بر بندگان خود روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی

سَلْمَانَ نَحْوَهٗ وَفِىْ اٰخِرِهٖ قَالَ فَاِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ اَكْمَلَهَا بِهٰذِهِ الرَّحْمَةِ

مانند این آمده است و در آخرش این عبارت است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام سازد آنرا باین یک رحمت

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بر وی

وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعُقُوْبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهٖ

و سلام اگر بداند مؤمن چیزی را که نزد خداست از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مَا قَنَطَ مِنْ جَنَّتِهٖ أَحَدٌ متفق عليه

یکی از مؤمنان و اگر بداند کافر چیزی را که نزد خداست از رحمت ناامید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللّٰهِ مَلْأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ

دست عنایت خدا پر است تهی نمیسازد او را هیچ نفقه عطای ریزنده و سیل کننده در شب و روز

مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهٖ وَكَانَ عَرْشُهُ

دیدید چه قدر انفاق و عطا کرده است وی تعالی از آن باز که پیدا کرده است آسمان و زمین را پس بدرستی که عطا کم نساخت چیزی را در

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ متفق عليه

دست او بود و در وقت پیدا کردن آسمان و زمین عرش او بر آب بدست قدرت اوست ترازو پست میکند و بر میدارد و ترازو را متفق علیه

وَعَنْ أَبِي مُوسٰى رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِينَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت ایستاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و تذکیر پنج سخن پس گفت آنحضرت بدرستی که خدا تعالی خواب

لَا يَنْبَغِيْ لَهٗ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ

نمیکند و نمی‌سزد او را که خواب کند پست میکند ترازو را و بالا میبرد او را بر داشته میشود بسوی وی عملهای

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّوْرُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده حق تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهٖ مَا انْتَهٰى إِلَيْهِ بَصَرُهُ

اگر بکشاید این پرده را هر آینه بسوزد تجلی انوار روی وی هر چیز را که رسیده است بوی نظر بصر خدا

مِنْ خَلْقِهٖ رواه مسلم وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

که خلق خدا باشد رواه مسلم و روایت است از ابی ذر رضی الله عنه فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول الله تعالى يا عبادي كلكم ضال

صلى الله عليه وسلم میگوید خدای تعالی ای بندگان من همه شما گمراهید

إلا من هديت فاسئلوني الهدى أهدكم وكلكم فقراء إلا

مگر کسی که راه نمودم من او را پس سوال کنید از من راه راست بنمایم شما را راه راست و همه شما فقیرانید

من أغنيت فسلوني أرزقكم وكلكم مذنب إلا من عافيت

مگر کسی که غنی کردم من او را پس سوال کنید از من که روزی دهم شما را و همه شما گناهگارانید مگر کسی که معفو کردم من

فمن علم أني ذو قدرة على المغفرة فاستغفرني غفرت له

او را پس کسیکه بداند که من خداوند قدرتم بر آمرزیدن گناهان پس طلب آمرزش کنید از من می آمرزم

ولا أبالي ولو أن أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم

او را و باک ندارم واگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما

ويابسكم اجتمعوا على أتقى قلب عبد من عبادي ما ازداد

و خشک شما جمع شوند بر ترسنده تر دل بنده از بندگان من زیاده نگرداند

ذلك في ملكي جناح بعوضة ولو أن أولكم وآخركم وحيكم

آن در ملک من مقدار بازوی پشه واگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما

وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا على أشقى قلب عبد

و مرده شما و تر شما و خشک شما جمیع شوند بر بدبخت ترین دل بنده

من عبادي ما نقص ذلك من ملكي جناح بعوضة ولو أن

از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشه واگر بدرستی

أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا

که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند

في صعيد واحد فسأل كل إنسان منكم ما بلغت أمنيته

در یک روی زمین پس سوال کند هر آدمی از شما چیزی که نهایت آرزوی اوست ۔

فَاَعْطَيْتُ كُلَّ سَائِلٍ مِّنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِيْ اِلَّا كَمَا
پس بدہم ہر سائل را ہرچہ خواہد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکہ کم کند
لَوْ اَنَّ اَحَدَكُمْ مَرَّ بِالْبَحْرِ فَغَمَسَ فِيْهِ اِبْرَةً ثُمَّ رَفَعَهَا ذٰلِكَ
یکی از شما در دریا پس فرو برد دران سوزنی را پستر بردارد آن سوزن را
بِاَنِّيْ جَوَادٌ مَاجِدٌ اَفْعَلُ مَا اُرِيْدُ عَطَائِيْ كَلَامٌ وَعَذَابِيْ كَلَامٌ
آن بجہت اینکہ من بخشندہ ام بخشایش کنندہ بزرگم میکنم ہرچہ میخواہم واون من سخن ست وعذاب من سخن ست
اِنَّمَا اَمْرِيْ لِشَيْءٍ اِذَا اَرَدْتُ اَنْ اَقُوْلَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ رَوَاهُ اَحْمَدُ
نیست کار من بچیزی وقتیکہ خواہم مگر اینکہ بگویم مرا آنچیز را شو پس میشود آنچیز روایت کرد
وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمَا
این حدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجہ و روایت ست از عبد اللہ ابن عمر رضی اللہ تعالی
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَطْوِي اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بہ پیچید خدای تعالی آسمان ہا را
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَاْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنٰى ثُمَّ يَقُوْلُ اَنَا الْمَلِكُ
روز قیامت پس بگیرد آسمانہا بدست راست خود باز میگوید منم بادشاہ
اَيْنَ الْجَبَّارُوْنَ اَيْنَ الْمُتَكَبِّرُوْنَ ثُمَّ يَطْوِي الْاَرَضِيْنَ بِشِمَالِهٖ
کجا اند جبر کنندگان و کجا اند تکبر کنندگان پستر بہ پیچید زمین ہا را بدست چپ خود
وَفِيْ رِوَايَةٍ يَاْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْاُخْرٰى ثُمَّ يَقُوْلُ اَنَا الْمَلِكُ اَيْنَ
و در روایت دیگر ست کہ بگیرد آنہا را بدست دیگر خود پستر میگوید منم بادشاہ کجا اند
الْمُتَكَبِّرُوْنَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ اَتَيْتُ
تکبر کنندگان روایت کرد اینحدیث را مسلم و روایت ست از فرزند دیلمی گفت آمدم
اُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهٗ قَدْ وَقَعَ فِيْ نَفْسِيْ شَيْءٌ مِّنَ الْقَدَرِ
نزد ابی ابن کعب پس گفتم مر او را بتحقیق در افتاد در دل من چیزے شک از قضا و قدر

فحدثني لعل الله ان يذهبه من قلبي فقال لو ان الله
پس حدیثی بخوان مرا شاید که خدا تعالی ببرد آن شک را از دل من پس گفت اگر [illegible] خدا تعالی

عذب اهل سمواته واهل ارضه عذبهم وهو غير ظالم
عذاب میکرد تمام آسمانیانرا و زمینیانرا عذاب کند ایشانرا و حال آنکه وی غیر ظالم

لهم ولو رحمهم كانت رحمته خيرا لهم من اعمالهم
کنند مر ایشانرا و اگر رحمت میکرد برآنها میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان

الحديث رواه احمد وابو داود وابن ماجة وعن ابي ذر
تا آخر حدیث رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه روایت است از ابی ذر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فيما يروي عن
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آنچه روایت می کند از

الله تبارك وتعالى انه قال يا عبادي اني حرمت الظلم
خدا تعالی که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم را

على نفسي وجعلته بينكم محرما فلا تظالموا يا عبادي كلكم
بر نفس خود و گردانیده ام ظلم را در میان شما حرام پس ظلم نه کنید بر یکدیگر ای بندگان من همه

ضال الا من هديته فاستهدوني اهدكم يا عبادي كلكم جائع
گمراهید مگر کسیکه راه نمودم او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شما را ای بندگان من همه شما گرسنه

الا من اطعمته فاستطعموني اطعمكم يا عبادي كلكم عار
مگر کسیکه طعام بخورانم او را پس طلب طعام کنید از من که اطعام کنم شما را ای بندگان من همه شما برهنه

الا من كسوته فاستكسوني اكسكم يا عبادي انكم
مگر کسی که جامه پوشانم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شما را ای بندگان من تحقیق شما

تخطئون بالليل والنهار وانا اغفر الذنوب جميعا
گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا

پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شما را ای بندگان من تحقیق که شما [illegible] رسید

ضَرِّي فَتَضُرُّونِي وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي يَا عِبَادِي

گزند مرا تا که گزند رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتْقَى

اگر باشند اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر پرهیزگارترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یک مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر گناه کننده ترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یکمرد از شما کم نه کند آن از ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما بایستند در یک روی زمین

وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا

پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را کم نکند آن از آنچه

عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ

نزد من است مگر چنانچه کم میکرداند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن

أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيهَا عَلَيْكُمْ ثُمَّ أُوَفِّيكُمْ إِيَّاهَا فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا

عملهای نیک و بد مگر عملهاسے که می شمارم بر شما پس تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه بیابد نیکی را

فَلْيَحْمَدِ اللهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید شکر کند خدا را و کسیکه بیابد غیر نیکی را پس باید که نکوهش نکند مگر نفس خود را رواه مسلم

فی مدح النبیّ القرشیّ الهاشمیّ المکیّ صلوٰۃ اللّٰہ وسلامہ علیہ وعلیٰ آلہٖ وصحبہٖ

لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ

البتہ تحقیق آمدہ است بشما پیغمبری از قبیلہ شما دشوار است بروی رنج شما حریص است

عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ۝ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰى اِنْ

بر ہدایت شما بمسلمانان شفقت کنندہ مہربان است وسخن نمیگوید از خواہش نفس نیست

هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُّوْحٰى ۝ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا

آن سخن مگر وحی کہ بسوی او فرستادہ میشود فرمود خدای تعالی ہر آئینہ ما فرستادیم ترا بحق مژدہ دہندہ

وَّنَذِيْرًا وَّلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحٰبِ الْجَحِيْمِ ۝ وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ

و ترسانندہ و پرسیدہ نخواہی شد از اہل دوزخ و فرود آوردہ است خدا برتو کتاب

وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ

و دانش و آموختہ است ترا آنچہ نمیدانستی و ہست فضل خدا بر تو

عَظِيْمًا ۝ وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى ۝ وَمَا كَانَ اللّٰهُ

بزرگ و نہ افگندی تو وقتیکہ افگندی ولیکن خدا افگند و نیست خدا کہ عذاب کند

لِيُعَذِّبَهُمْ وَاَنْتَ فِيْهِمْ ۝ وَمَآ اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝

ایشان را و تو درمیان ایشان باشی و نہ فرستادیم ما ترا مگر رحمت برای عالمیان -

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ شَاهِدًا وَّمُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ۝ وَّدَاعِيًا

ای پیغامبر ہر آئینہ ما فرستادیم ترا گواہی دہندہ و مژدہ دہندہ و ترسانندہ و خوانندہ

اِلَى اللّٰهِ بِاِذْنِهٖ وَسِرَاجًا مُّنِيْرًا ۝ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ بِاَنَّ لَهُمْ

بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن و بشارت دہ مومنان را بآنکہ ایشان را باشد

مِنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَيْكُمْ
از جانب خدا بخشایش بزرگ بگو که ای مردمان هرآینه من فرستاده خدا ام بسوی

جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
همه شما آنکه اوراست بادشاهی آسمانها و زمین نیست معبود مگر او زنده میکند

يُحْيِي وَيُمِيتُ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ
ومی میراند اوست آنکه برانگیخت در ناخواندگان پیغامبر را از قوم ایشان

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
میخواند بر ایشان آیات اورا و پاک میکند ایشانرا و می آموزد ایشانرا کتاب و دانش

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ
واگرچه ایشان بودند پیش ازین در گراهی ظاهر هرآینه خدا و فرشتگان او درود

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بروی و سلام گوئید سلام گفتنی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ
من سردار فرزندان آدم روز قیامت و نخست کسی ام که شگافته خواهد شد از وی قبر

وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ
و من نخستین شفاعت کننده ام و نخستین کسیکه قبول کرده شود شفاعت وی، رواه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم من بهتر فرزندان آدمم روز قیامت

وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ
و نمیگویم بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست هیچ پیغمبری در روز قیامت چه آدم

وَمَنْ سِوَاهُ إِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ

و جز او سوای اوست مگر آنکه در زیر لوای من در آید و من اَم که نخستین شکافته شود از وی زمین

وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

و نیست فخر روایت کرد ترمذی و روایت است از جابر که آنحضرت صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ

وسلم فرمود و من پیشوای مرسلینم و نیست فخر و من خاتم

النَّبِيِّينَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ

الانبیا ام و نیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

روایت کرد ترمذی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا إِذَا بُعِثُوا وَأَنَا

علیه وسلم من نخستین مردمم از روی بیرون آمدن از قبر وقتیکه برانگیخته شوند از قبور من

قَائِدُهُمْ إِذَا وَفَدُوا وَأَنَا خَطِيبُهُمْ إِذَا أَنْصَتُوا وَأَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ

پیشوای مردمم وقتیکه بیایند بدرگاه خدا و من خطبه خواننده ایشانم وقتیکه تکلم نتوانند کرد و من طلب کرده شفاعت ایشانم

إِذَا حُبِسُوا وَأَنَا مُبَشِّرُهُمْ إِذَا أَيِسُوا الْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيحُ

شفاعت ایشان بخدا وقتیکه حبس کرده شوند مردم و من بشارت دهنده ام مردم را وقتیکه ناامید شوند بزرگی و کلیدها

يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِي وَأَنَا أَكْرَمُ وُلْدِ

آنروز بدست من باشد و لوای حمد در آن روز بدست من باشد و من بزرگترینم فرزندان

آدَمَ عَلَى رَبِّي يَطُوفُ عَلَيَّ أَلْفُ خَادِمٍ كَأَنَّهُمْ بَيْضٌ مَكْنُونٌ

آدمم نزد پروردگار خود گرد من میگردند هزار خادم گویا این خادمان بیضهای پوشیده اند

أَوْ لُؤْلُؤٌ مَنْثُورٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

یا مرواریدهای پراگنده شده روایت کرد این را ترمذی و دارمی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي
گفت رسول پیغامبر صلے الله علیه وسلم من تحقیق کسی ام که شفاعت کنند در
الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ وَإِنَّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ
بهشت تصدیق کرده نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آن مقدار که تصدیق کرده شدم و تحقیق از جمله پیغامبران
نَبِيًّا مَا صَدَّقَهُ مِنْ أُمَّتِهِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ رواه مسلم وَعَنْ
پیغمبری است که تصدیق نکرد او را از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و در روایت است
جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ
از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم را که میفرمود
إِنَّ لِي أَسْمَاءً أَنَا مُحَمَّدٌ وَأَنَا أَحْمَدُ وَأَنَا الْمَاحِي الَّذِي يَمْحُو اللّٰهُ
تحقیق که مرا نامها است من محمدم و من احمدم و من ماحی ام آنکه محو می کند خدا
بِيَ الْكُفْرَ وَأَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى قَدَمِي وَأَنَا
بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من
الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِي لَيْسَ بَعْدَهُ نَبِيٌّ متفق عليه وَعَنْ
عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی کسی پیغمبری متفق علیه است و در روایت است
أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ
از ابی هریره رض از پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود که من رحمت
مُهْدَاةٌ رواه الدارمي والبيهقي في شعب الإيمان وَعَنْ عَمْرِو
و راه یافته شده رواه دارمی و البیهقی در شعب الایمان و در روایت است از عمرو
بْنِ قَيْسٍ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ
بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلے علیه وسلم فرمود ما در وجود
الْآخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَإِنِّي قَائِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ
پسترانیم و در مرتبه سابق و پیشیم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری بی افتخار

ابراهیم خلیل الله وموسی صفی الله وانا حبیب الله ومعی

که ابراهیم خلیل الله است وموسی برگزیده خداست ومن محبوب خدا ام وبا من باشد

لواء الحمد یوم القیمة وان الله وعدنی فی امتی واجارهم

لوای حمد روز قیامت وبتحقیق خدا تعالی وعده کرد مرا در باب ایشان وامان داد ایشان را

من ثلث لا یعمهم بسنة ولا یستاصلهم عدو ولا یجمعهم

از سه چیز در نگیرد ایشان را بقحط سال وهلاک نمیگرداند ایشان را دشمنان وجمع نمی کند

علی ضلالة رواه الدارمی وعن ابن عباس قال ان الله تعالی

ایشان را بر گمراهی رواه الدارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق که خدا تعالی

فضل محمدا صلی الله علیه وسلم علی الانبیاء وعلی اهل السماء

فضیلت داد آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر پیغمبران وبر اهل آسمان

فقالوا یا ابا عباس بم فضله علی اهل السماء قال ان الله تعالی

گفتند ای ابا عباس بچه چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اهل آسمان گفت تحقیق که خدای تعالی

قال لاهل السماء ومن یقل منهم انی اله من دونه فذلک

فرمود فرشتگان را این کلام وکسی که گوید از فرشتگان که من خدا ام جز خدا پس آنکس را داش

نجزیه جهنم کذلک نجزی الظلمین وقال الله تعالی لمحمد

میدهیم دوزخ را بچنین باداش میدهیم ظالمان را وفرمود خدای تعالی مر آنحضرت

صلی الله علیه وسلم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله

صلی الله علیه وسلم را تحقیق که فتح دادیم ترا فتح ظاهر تا بیامرزد مر خدای ترا

ما تقدم من ذنبک وما تاخر قالوا وما فضله علی الانبیاء

هرچه پیش رفته از گناه تو هر چه بعد تر آید گفتند وچیست فضل محمد بر انبیا

قال قال الله تعالی وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه

گفت فرمود خدای تعالی ونفرستادیم ما هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَّشَاءُ الاٰيَة وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

تا بیان کند برای قوم خود پس گمراه میگرداند خدا هرکه را میخواهد تا تمام آیة و گفت خدای تعالیٰ مر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَا اَرْسَلْنٰكَ اِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ فَاَرْسَلَهٗ اِلَى الْجِنِّ

علیه و سلم و نفرستادیم ما ترا مگر برای کافه آدمیان پس فرستاد خدا یتعالیٰ اورا بسوی پریان

وَالْاِنْسِ رواه الدارمي وَعَنِ الْعَبَّاسِ رض اَنَّهٗ جَاءَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

و آدمیان رواه دارمی و روایت است از عباس رض که وی آمد بسوی آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَاَنَّهٗ سَمِعَ شَيْئًا فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ

علیه و سلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی را پس ایستاد آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر سر منبر

فَقَالَ مَنْ اَنَا فَقَالُوْا اَنْتَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا

پس فرمود که من کیستم پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدای صلی الله علیه و سلم فرمود که من

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ اِنَّ اللّٰهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالیٰ پیدا کرد خلق را پس گردانید

خَيْرِهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُمْ فِرْقَتَيْنِ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ فِرْقَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ

مرا در بهترین ایشان پستر گردانید آدمیان را دو گروه پس گردانید مرا در بهترین فرقه ایشان پستر گردانید ایشانرا

قَبَائِلَ فَجَعَلَنِيْ فِيْ خَيْرِهِمْ قَبِيْلَةً ثُمَّ جَعَلَهُمْ بُيُوْتًا فَجَعَلَنِيْ

قبیله پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله پستر گردانید ایشانرا خانه ها پس گردانید مرا

فِيْ خَيْرِهِمْ بَيْتًا فَاَنَا خَيْرُهُمْ نَفْسًا وَخَيْرُهُمْ بَيْتًا رواه الترمذي

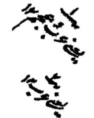
در بهترین خانهای ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه رواه ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلِيْ

و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مثال من

وَمَثَلُ الْاَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ قَصْرٍ اُحْسِنَ بُنْيَانُهٗ تُرِكَ مِنْهُ مَوْضِعُ

و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیک کرده شد بنای او و گذاشته شد از آن جای



لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهِ إِلَّا مَوْضِعَ
خشت پس گرد اگرد گشتند نظر کنندگان در حالیکہ تعجب میکردند از خوبی بناے آن مگر جاے

تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ أَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ
آن خشت کہ خالی ماند پس بودم من کہ بستم جاے آن خشت را ختم کردہ شد بمن

الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِي رِوَايَةٍ فَأَنَا اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ
بنا و ختم کردہ شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کنندہ

النَّبِيِّينَ متفق عليه وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
پیغمبران ام متفق علیہ ست و در روایت ست از انس رضہ گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَسْتَفْتِحُ
صلے اللہ علیہ وسلم می آیم در بہشت را روز قیامت پس طلب کنم کشادن در را

فَيَقُولُ الْخَازِنُ مَنْ أَنْتَ فَأَقُولُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ
پس میگوید دارو غہ بہشت کہ تو کیستے پس میگویم من محمد ام صلے اللہ علیہ وسلم پس میگوید آن داروغہ

بِكَ أُمِرْتُ أَنْ لَا أَفْتَحَ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ رواه مسلم وَعَنِ الْعِرْبَاضِ
بسبب تو امر کردہ شدم کہ نہ کشایم برای کسے پیش از تو رواہ مسلم و در روایت ست از عرباض

بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ
ابن ساریہ رضہ از پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بتحقیق آنحضرت فرمود

إِنِّي عِنْدَ اللّٰهِ مَكْتُوبٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِنَّ آدَمَ لَمُنْجَدِلٌ
کہ بتحقیق من نزد خدا نوشتہ شدہ ام خاتم پیغمبران حال آنکہ آدم ہر آئینہ افتادہ بود

فِي طِينَتِهِ وَسَأُخْبِرُكُمْ بِأَوَّلِ أَمْرِي دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ وَبِشَارَةُ
در گل خود و قریب ست کہ خبر دہم شما را بہ نخست کار خود دعاے ابراہیم ست و خوشخبری

عِيسٰى وَرُؤْيَا أُمِّيَ الَّتِي رَأَتْ حِينَ وَضَعَتْنِي وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُوْرٌ
عیسی ست و خواب مادر من ست کہ دید وقتیکہ زائید مرا و بتحقیق برآمد مر آمنہ را روشنی

اَضَاءَ لَهَا مِنْهُ قُصُوْرُ الشَّامِ رَوَاهُ فِیْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَرَوَاهُ
کہ ظاہر شد برای آنکہ از ان نور کوشکہای شام روایت کرد آنرا در شرح سنہ و روایت کرد
اَحْمَدُ عَنْ اَبِیْ اُمَامَةَ مِنْ قَوْلِہٖ سَاُخْبِرُکُمْ اِلَخْ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ
احمد از ابی امامہ از قول او کہ ساخبرکم ہست تا آخر و روایت ہست از ابی ہریرہ
عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ فَاُکْسٰی حُلَّةً مِّنْ حُلَلِ
از پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم گفت پس پوشانیدہ میشوم من حلہ از حلہای
الْجَنَّةِ ثُمَّ اَقُوْمُ عَنْ یَّمِیْنِ الْعَرْشِ لَیْسَ اَحَدٌ مِّنَ الْخَلَائِقِ
بہشت پس تر می ایستم من از جانب راست عرش نیست کسے از خلق
یَقُوْمُ ذٰلِكَ الْمَقَامَ غَیْرِیْ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَفِیْ رِوَایَةِ
کہ باستد دران مقام بجز من رواہ ترمذی و در روایۃ
جَامِعِ الْاُصُوْلِ عَنْهُ اَنَا اَوَّلُ مَنْ یَّنْشَقُّ عَنْهُ الْاَرْضُ فَاُکْسٰی
جامع اصول ابینست کہ من اول آنکسے ام کہ شگافتہ میگردد از وی زمین پس پوشانیدہ میشوم
وَعَنْ اُبَیِّ بْنِ کَعْبٍ عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا
و روایت ہست از ابی بن کعب از پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت چون
کَانَ یَوْمُ الْقِیٰمَةِ کُنْتُ اِمَامَ النَّبِیِّیْنَ وَخَطِیْبَھُمْ وَصَاحِبَ
باشد روز قیامت باشم پیشوائے پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند
شَفَاعَتِھِمْ غَیْرَ فَخْرٍ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی
شفاعت ایشان بے آنکہ فخر کنم رواہ ترمذی و روایت ہست از نبی صلے
اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ سَلُوا اللّٰہَ لِیَ الْوَسِیْلَةَ قَالُوْا یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ
اللہ علیہ وسلم فرمود بخواہید از خدا برای من وسیلہ گفتند ای پیغمبر خدا
وَمَا الْوَسِیْلَةُ قَالَ اَعْلٰی دَرَجَةٍ فِی الْجَنَّةِ لَا یَنَالُھَا اِلَّا رَجُلٌ
و چیست وسیلہ فرمود وسیلہ بلند ترین پایہ ایست در بہشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد

وَّاحِدٌ اَرْجُوْا اَنْ اَكُوْنَ اَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم کہ باشم من آن مرد رواه ترمذی و روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْاَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثلہ بن اسقع رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را

يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى كِنَانَةَ مِنْ وُّلْدِ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى

کہ میگفت کہ بتحقیق کہ خدا برگزید کنانہ را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفٰى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِيْ هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِيْ

قریش را از کنانہ و برگزید از قریش بنی ہاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِيْ هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلتِّرْمِذِيِّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

از بنی ہاشم رواه مسلم و در روایت ترمذی اینقدر زیاده کرد بتحقیق خدا برگزید

مِنْ وُّلْدِ اِبْرَاهِيْمَ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى مِنْ وُّلْدِ اِسْمٰعِيْلَ بَنِيْ كِنَانَةَ

از فرزند ابراہیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانہ را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

و روایت است از وے گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَّبِيٍّ اِلَّا قَدْ اُعْطِيَ مِنَ الْاٰيَاتِ مَا مِثْلُهٗ اٰمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

ہیچ پیغمبرے مگر بتحقیق داده شد از معجزات معجزه کہ مثل وی در اعجاز ایمان آورده اند بر او آدمیان

وَاِنَّمَا كَانَ الَّذِيْ اُوْتِيْتُ وَحْيًا اَوْحَى اللّٰهُ اِلَيَّ فَاَرْجُوْا اَنْ

و جز این نیست معجزه کہ داده شده ام من وحی است کہ فرستاده است خدا بسوے من پس امید میدارم کہ

اَكُوْنَ اَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز یوم قیامت متفق علیہ و روایت است از وے

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

بتحقیق پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود فضیلت داده شدم من بر پیغمبران

بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأُحِلَّتْ
بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم برعب و حلال کرده شد
لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا وَأُرْسِلْتُ
برای من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاک و فرستاده شدم من
إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
بسوے تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایت از
ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ
ثوبان گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بتحقیق خدا
زَوَى لِيَ الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَإِنَّ أُمَّتِي
جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آئینه امت من
سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا وَأُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ
نزدیک ست که رسد بادشاهی ایشان آنقدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شد مرا دو گنج
الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ الْحَدِيثَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا يَا
سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت ست از ابی هریره گفت گفتند صحابه ای
رَسُولَ اللّٰهِ مَتَى وَجَبَتْ لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ
پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود درانحال که آدم میان روح
وَالْجَسَدِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ لَقِيتُ
و جسد بود رواه ترمذی و روایت ست از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم
عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ
عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعضے صفات
رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي التَّوْرٰاةِ قَالَ أَجَلْ وَاللّٰهِ
پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم که در توریت ست گفت آرے سوگند بخدا

إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَاةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ
تحقیق کہ آنحضرت وصف کردہ شدہ است در توریت ببعض صفات وے کہ در قرآن است
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَحِرْزًا
اے پیغمبر ما فرستادیم ترا گواہی دہندہ و بشارت دہندہ و بیم کنندہ و پناہ
لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكِّلَ لَيْسَ بِفَظٍّ
مر عرب را تو بندۂ خاص من و پیغمبر من ہستے نام نہادہ ام ترا متوکل کہ نیست درشت خو
وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ
و نہ درشت سخن و نہ آواز بلند کنندہ در بازار و نہ دور کند بہ بدے
السَّيِّئَةَ وَلَكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ يَقْبِضَهُ اللّٰهُ حَتّٰى يُقِيمَ
بدے را و لیکن درگذر میکند و می پوشد و ہرگز قبض نمیکند خدا تعالیٰ او را تا آنکہ راست میکرد
بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَيَفْتَحُ بِهَا أَعْيُنًا
بوجود وے دین قوم کج را کہ بگویند لا الٰہ الا اللہ و تا آنکہ میکشاید بدان کلمہ چشمہا
عُمْيًا وَآذَانًا صُمًّا وَقُلُوبًا غُلْفًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَكَذَا الدَّارِمِيُّ
کوررا و گوشہاے کر را و دلہای را کہ بی فہم روایت کرد بخاری و ہمچنین روایت کرد دارمی
عَنْ عَطَاءٍ ابْنِ سَلَامٍ نَحْوَهُ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ
از عطا بن سلام مانند آن و روایت است از جابر رضی اللہ عنہ تحقیق کہ پیغمبر صلی اللہ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَنِي لِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ
علیہ وسلم فرمود ہر آئینہ خدا فرستادہ است مرا برای اتمام خوبیہاے نیک
وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ
و برای کامل گردانیدن نیک اعمال رواہ فی شرح السنۃ و روایت است از
كَعْبٍ يَحْكِي عَنِ التَّوْرَاةِ قَالَ نَجِدُ مَكْتُوبًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ
کعب رضی اللہ عنہ حکایت میکند از توریت گفت کہ یافتیم نوشتہ کہ محمد رسول اللہ

عَبْدِي الْمُخْتَارُ لَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ وَلَا صَخَّابٌ فِي الْأَسْوَاقِ

بندۂ برگزیدۂ من است نہ سخت خوست و نہ درشت سخن و نہ آواز بلند کنندہ در بازار

وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَّعْفُوْ وَيَغْفِرُ مَوْلِدُهٗ

و پاداش نمیدہد بدی را بہ بدے مر او لیکن محو میکند و می بخشد ولادت او

بِمَكَّةَ وَهِجْرَتُهٗ بِطَيْبَةَ وَمُلْكُهٗ بِالشَّامِ وَاُمَّتُهُ الْحَمَّادُوْنَ

در مکہ است و ہجرت او بمدینہ و بادشاہی او در شام و امت وے بسیار حمد گویانند

يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي كُلِّ

کہ حمد میگویند مر خدارا در شادی و غمی حمد میگویند مر خدارا در ہر

مَنْزِلَةٍ وَيُكَبِّرُوْنَهٗ عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ رُعَاةٌ لِّلشَّمْسِ يُصَلُّوْنَ

منزل و تکبیر میگویند خدارا در ہر جاے بلند رعایت کنندگان آفتاب اند میگذارند

الصَّلٰوةَ اِذَا جَآءَ وَقْتُهَا يَتَأَزَّرُوْنَ عَلٰى اَنْصَافِهِمْ

نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بر میانہاے خود

وَيَتَوَضَّئُوْنَ عَلٰى اَطْرَافِهِمْ مُنَادِيْهِمْ يُنَادِيْ فِيْ جَوِّ

و وضو میکنند بر اطراف خود آواز کنندۂ ایشان آواز میکند در میان

السَّمَآءِ صَفُّهُمْ فِي الْقِتَالِ وَصَفُّهُمْ فِي الصَّلٰوةِ سَوَآءٌ لَهُمْ

آسمان و صف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را

بِاللَّيْلِ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ هٰذِهٖ لَفْظُ الْمَصَابِيْحِ

در شب آوازیست مانند آواز مگس شہد این لفظ مصابیح است

وَرَوَى الدَّارِمِيُّ مَعَ تَغَيُّرٍ يَسِيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ

و روایت کرد دارمے باندکے تغیر از عبد اللہ بن سلام

قَالَ مَكْتُوْبٌ فِي التَّوْرٰىةِ صِفَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نوشتہ است در توریت صفت محمد صلے اللہ علیہ وسلم

وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ يُدْفَنُ مَعَهُ قَالَ اَبُو مَوْدُودٍ وَقَدْ بَقِيَ
واینکه عیسی بن مریم دفن خواہد شد با آنحضرت گفت ابو مودود و بتحقیق باقیمانده است
فِي الْبَيْتِ مَوْضِعُ قَبْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
در خانه آنحضرت جاے یکقبر رواه ترمذی وروایت است از ابن عباس
قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِّنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلے الله علیه وسلم
فَخَرَجَ حَتّٰى اِذَا دَنَا مِنْهُمْ سَمِعَهُمْ يَتَذَاكَرُوْنَ قَالَ بَعْضُهُمْ
پس بیرون آمد آنحضرت تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت ایشانرا شنید اصحابرا که تذکره میکردند گفت بعض ایشان
اِنَّ اللّٰهَ اتَّخَذَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلًا وَقَالَ اٰخَرُ مُوْسٰى
بتحقیق که خدائتعالے گرفت ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی
كَلَّمَهُ تَكْلِيْمًا وَقَالَ اٰخَرُ عِيْسٰى كَلِمَةُ اللّٰهِ وَرُوْحُهُ
سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسے کلمه خدا و روح خداست
وَقَالَ اٰخَرُ اٰدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُوْلُ
و گفت دیگر که آدم برگزیده وےرا خدا پس ناگاه بیرون آمد برایشان پیغمبر
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ
خدا صلے الله علیه وسلم و فرمود بتحقیق شنیدم من سخن شمارا
وَعَجَبَكُمْ اَنَّ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلُ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَمُوْسٰى
و تعجب آوردن شمارا که ابراهیم دوست خداست و وی همچنین است و موسے
نَجِيُّ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَعِيْسٰى رُوْحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ
همراز خداست و وی همچنین است و عیسے روح خدا و کلمه خداست و وی
كَذٰلِكَ وَاٰدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ وَهُوَ كَذٰلِكَ اَلَا وَاَنَا حَبِيْبُ اللّٰهِ
همچنین است و آدم برگزیده خداست و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام



وَلَا فَخْرَ وَاَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

ونیست فخر ومن بردارندهٔ لواے حمد روز قیامت ام

تَحْتَهُ اٰدَمُ فَمَنْ دُوْنَهُ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا اَوَّلُ

زیر آن لواے حمد آدم است و ہر کہ جز اوست ونیست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَّاَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا

شفاعت کنندہ واول شفاعت قبول کردہ شدہ ام روز قیامت ونیست فخر ومن

اَوَّلُ مَنْ يُّحَرِّكُ حِلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللّٰهُ لِيْ

اول آنکہ جنبانند حلقہاے بہشت را پس بکشاید خدا براے من

فَيُدْخِلُنِيْهَا وَمَعِيْ فُقَرَاءُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا فَخْرَ

پس آورد مرا در بہشت حال آنکہ با من باشند درویشان مسلمانان ونیست فخر

وَاَنَا اَكْرَمُ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ عَلَى اللّٰهِ وَلَا

ومن بزرگترین اولین وآخرین ایشانم بر خدا ونیست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْاِيْمَانِ

فخر رواہ ترمذی ودارمی

هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَةِ

اوست خدا آنکه نیست ہیچ معبود مگر او داننده نہان و آشکارا

هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا

اوست بخشاینده مہربان اوست خدا آنکه نیست ہیچ معبود مگر

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ

او بادشاہ نہایت پاک سلامت از ہمہ عیبہا امن دہنده

الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ

نگاہبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی

اللّٰهِ عَمَّا یُشْرِكُوْنَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

خدا راہست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفریدگار نو پیدا آرنده

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى یُسَبِّحُ لَهٗ مَا

صورت سازنده او راست نامہاے نیک بپاکی یاد میکند او را ہرچہ

فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ

در آسمانہا و زمین است و اوست غالب باحکمت



هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا

اوست آنکه آفرید شمارا از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ وَهُوَ

و مدتی معین است نزدیک او باز شما شک میکنید واوست

الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیدها و دلها

قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

اندکی شکرگزاری میکنید واوست آنکه پیدا کرد شمارا

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَهُوَ الَّذِي

در زمین و بسوی او برانگیخته خواهید شد واوست آنکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند و می میراند و او راست آمد و شد شب و روز

أَفَلَا تَعْقِلُونَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

آیا نمی فهمید فرمود حق تعالی ای مردمان



إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

اگر در شک اید از رستخیز پس ما آفریده‌ایم

خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شما را از خاک باز از نطفه باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ

از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

و غیر صورت داده تا واضح سازیم برای شما و قرار میدهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

در رحم‌ها چیزی را که خواهیم تا میعادی

مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون می‌آریم شما را کودک باز

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ

تربیت میکنیم تا برسید بنهایت جوانی خود و از شما کسی بود که قبض روح کرده شود



وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

واز شما کسیکه بود که باز گردانیده شود طرف بدترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ

داند چیزے را بعد از آنکه میدانست بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

وآنچه فرود آورده شده است بر ما وآنچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیره گان وے

وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ

وآنچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران را

مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکے از ایشان

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدارا منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي

کی باشد استقرار آن بگو جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار من

لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ

ظاهر نه کند آن را در وقت او مگر او گران شده است در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً إِنَّمَا

و زمین نیاید بشما مگر ناگهان جز این نیست

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ

که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدای

وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

بترسد دل ایشان و چون خوانده شود بر ایشان

آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

آیات خدا زیاده سازد آن ایمان ایشان و بر پروردگار خویش

يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا

توکل میکنند آنانکه برپا میدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

روزی داده ایم ایشانرا خرج می کنند این جماعت ایشانند مومنان به تحقیق

لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

ایشانراست مرتبه‌ها نزدیک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک



وعن عمر بن الخطاب قال بينما نحن

روایت است از عمر بن خطاب رض گفت در اثنای آنکه ما نزد

عند رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودیم

يوم إذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامه‌ها سخت

شديد سواد الشعر لا يرى عليه أثر السفر ولا يعرفه

سخت سیاه موی دیده نمی‌شد بروی نشان سفر حال آنکه نمی‌شناخت او را

منا أحد حتى جلس إلى النبي صلى الله عليه

از ما هیچ یکی تا آنکه نشست پیش آنحضرت صلی الله علیه

وسلم فأسند ركبتيه إلى ركبتيه ووضع كفيه

وسلم پس تکیه داد هر دو زانوی خود را بهر دو زانوی آنحضرت و نهاد آنمرد هر دو کف دست خود را

على فخذيه وقال يا محمد أخبرني عن الإسلام

بر هر دو ران آنحضرت و گفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

قَالَ الْاِسْلَامُ اَنْ تَشْهَدَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ

فرمود آنحضرت اسلام عبارت است که گواهی دهی تو که نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و بتحقیق

مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَتُقِيْمَ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِيَ

محمد فرستادهٔ خداست و برپا داری نماز را و بدهی

الزَّكٰوةَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ اِنِ

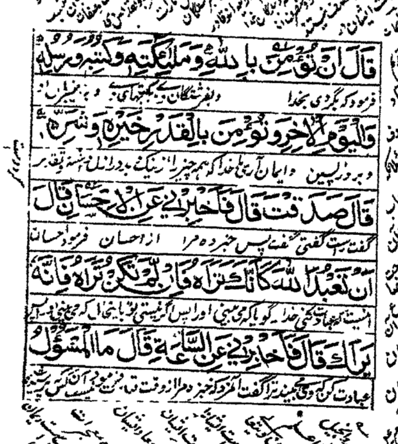
زکوة را و روزه داری بجای رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

اسْتَطَعْتَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا قَالَ صَدَقْتَ فَعَجِبْنَا

بتوانی بسوی وی راه گفت آنمرد راست گفتی پس شگفت داشتیم ما

لَهٗ يَسْئَلُهٗ وَيُصَدِّقُهٗ قَالَ فَاَخْبِرْنِيْ عَنِ الْاِيْمَانِ

حال آنمرد را که می‌پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند او را گفت آنمرد پس خبر ده مارا از ایمان



قَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ

فرمود که بگروی بخدا و بفرشتگان وی بکتابهای وی و بپیغمبران وی

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ

و بروز پسین و ایمان آری بآنکه خدا همه چیز را از نیک و بد در ازل نوشته تقدیر

قَالَ صَدَقْتَ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

أَنْ تَعْبُدَ اللّٰهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ

آنست که عبادت کنی خدا را گویا که می‌بینی او را پس اگر نیستی تو با این حال که می‌بینی او را

يَرَاكَ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ قَالَ مَا الْمَسْئُولُ

عبادت کن که وی می‌بیند ترا گفت پس خبر ده مرا از وقت قیامت فرمود آن کس که پرسیده

عنها باعلم من السائل قال فاخبرني

از قیامت داناتر از کسی که پرسنده است گفت پس خبر ده مرا

عن اماراتها قال ان تلد الامة ربتها

از علامتهای قیامت فرمود اینکه بزاید کنیزک مربی خود را

وان ترى الحفاة العراة العالة رعاء

و ببینی برهنه پایان برهنه تنان فقرای چرانندگان

الشاء يتطاولون في البنيان قال ثم

گوسفندانرا زیادتی کنندگان بر یکدیگر در بناها گفت عمر رض پستر

انطلق فلبثت مليا ثم قال لي يا عمر

روان شد پس درنگ کردم زمانی دراز باز فرمود آنحضرت مرا ای عمر رض

اتدري من السائل قلت الله ورسوله

آیا در می یابی که بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

اعلم قال فانه جبرئيل اتاكم يعلمكم

داناتر است فرمود پس این سائل جبرئیل بود آمد شما را در حالیکه تعلیم میکند

دينكم رواه مسلم ورواه ابو هريرة مع

بشما دین شما را روایت کرد آنرا مسلم و روایت کرد این حدیث را ابوهریره

اختلاف وفيه اذا رأيت الحفاة العراة

اختلافی که با حدیث عمر دارد و در حدیث ابوهریره است که چون ببینی تو برهنه



الصم البكم ملوك الارض في خمس

کران و گنگان را صاحب ملک جاه علم قیامت دران پنج گنجینه است

لا يعلمهن الا الله ثم قرء ان الله عنده

که نمیداند آنها را بجز خدا پس بر خواند آنحضرت بدرستیکه نزد خداست

علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في

علم قیامت و علم باران و علم آنچه در

الارحام الاية متفق عليه وعن ابن عمر

شکم زن حامله است تا آخر آیت متفق علیه است و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بني الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن آنکه نیست معبودی بجز خدا

وان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة

و بیان اینکه محمد صلی الله علیه وسلم دوم برپا کردن نماز

وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ

وسوم دادن زکوٰة چهارم حج وپنجم روزهٔ ماه رمضان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ

متفق علیه ست ودروایت ست از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا

ایمان هفتاد وچند شاخ ست پس فاضلترین شعبها ایمان

قَوْلُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذٰى

گفتن لا اله الا الله کلمهٔ طیبه وفروترین شعبها دور کردن انچه ایذا کند مردم را

عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ

از راه وشرم داشتن شعبهٔ عظیمه ست از ایمان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ

متفق علیه ست ودروایت ست از عبد الله بن

عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عمرو رض که گفت فرمود رسول الله صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ

علیه وسلم مسلمان کامل کسی هست که سلامت مانند مسلمانان



مِنْ لِّسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ مَا نَهَى

از زبان وی و از دست وی و هجرت کننده کسی است که ترک کند چیزی را که منع کرده

اللهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ

خدا از آن روایت کرد بخاری این حدیث را از انس رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم ایمان نمی آرد

اَحَدُكُمْ حَتّٰى اَكُوْنَ اَحَبَّ اِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ

یکی از شما تا آنکه باشم من دوست داشته تر بسوی او از پدرش

وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

و فرزندانش و همه مردم متفق علیه است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالَّذِيْ نَفْسُ مُحَمَّدٍ

الله علیه و سلم سوگند بخدا آنکه بقای ذات محمد

٤٠

بيده لا يسمع بي احد من هذه الامة يهودي ولا نصراني

در دست اوست نشنود مرا هيچ يكي ازين امت يهودي باشد يا نصراني

ثم يموت ولم يؤمن بالذي ارسلت به الا كان من

پس بميرد در حال آنكه ايمان نياورد بدين دين كه فرستاده شده ام من بآن مگر آنكه باشد

اصحاب النار رواه مسلم وعن ابي هريرة قال قال

اهل آتش از دوزخيان روايت كرد مسلم و روايت است از ابو هريره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الله تعالى يؤذيني

پيغمبر خدا صلى الله عليه و سلم گفت خداي تعالى مي رنجاند مرا

ابن آدم يسب الدهر وانا الدهر بيدي الامر اقلب

فرزند آدم دشنام ميدهد ابن آدم روزگار را و حال آنكه منم در دست منست كار كه ميگردانم

الليل والنهار متفق عليه وعن ابي موسى الاشعري

شب و روز را متفق عليه است روايت است از ابو موسى اشعري رضي الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما احد اصبر على

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه و سلم نيست هيچ كس صابر تر از خدا بر

اذى يسمعه من الله يدعون له الولد ثم يعافيهم ويرزقهم

رنجي كه بشنود آنرا ميخوانند براي وي فرزند پس تندرست ميدارد و روزي ميدهد ايشانرا

متفق عليه وعن ابي ذر قال اتيت النبي صلى الله عليه

متفق عليه و روايت است از ابي ذر رض گفت آمدم پيغمبر را صلى الله عليه

وسلم وعليه ثوب ابيض وهو نائم ثم اتيته وقد

وسلم و حال آنكه بود بر آنحضرت جامه سفيد و آنحضرت در خواب بود پس آمدم او را و حال آنكه به تحقيق

استيقظ فقال ما من عبد قال لا اله الا الله ثم مات

بيدار شده بود پس گفت نيست هيچ بنده كه گفت لا اله الا الله پس مرد

عَلٰی ذٰلِكَ لَا دَخَلَ الْجَنَّةَ قُلْتُ وَاِنْ زَنٰی

بر اینکه گمراه نگردد در می آید ان بنده بهشت را گفتم اگرچه زنا کرده باشد

وَاِنْ سَرَقَ قَالَ وَاِنْ زَنٰی وَاِنْ سَرَقَ

و دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قُلْتُ وَاِنْ زَنٰی وَاِنْ سَرَقَ قَالَ وَاِنْ زَنٰی

گفتم اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد

وَاِنْ سَرَقَ قُلْتُ وَاِنْ زَنٰی وَاِنْ سَرَقَ

و اگرچه دزدی کرده باشد گفتم من اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده

قَالَ وَاِنْ زَنٰی وَاِنْ سَرَقَ عَلٰی رَغْمِ اَنْفِ

گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد داخل شود برغم انف یعنی

اَبِیْ ذَرٍّ وَکَانَ اَبُوْ ذَرٍّ اِذَا حَدَّثَ بِهٰذَا

ابی ذر بود ابو ذر در وقتی که بیان میکرد این حدیث را

قَالَ وَاِنْ رَغِمَ اَنْفُ اَبِیْ ذَرٍّ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ

میگفت اگرچه خاک آلوده شود بینی ابو ذر رضه متفق علیه است

وعن ابي امامة رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من احب لله وابغض لله واعطى

علیه وسلم کسیکه دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکه دشمن دارد برای خدا و دهد

لله ومنع لله فقد استكمل الايمان رواه

برای خدا و ندهد برای خدا پس بتحقیق کامل گرداند ایمان خود را رواه

ابوداود وعن ابي ذر رض قال قال

ابوداود و در روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فاضل ترین

الاعمال الحب في الله والبغض في الله رواه

عملها دوست داشتن است کسی را از جهت خدا و دشمن داشتن از جهت خدا روایت کرد او را

ابوداود وعن جابر رض قال قال

ابوداود در روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ثنتان

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

موجبتان قال رجل يا رسول الله ما الموجبتان

واجب گرداننده اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان



قال من مات يشرك بالله شيئا دخل النار

فرمود کسیکه مرد در حالیکه شریک میگردانید با خدا چیزی را می درآید آتش دوزخ

ومن مات لا يشرك بالله شيئا دخل الجنة

وکسیکه بمیرد در حالیکه شریک نگرداند بخدا چیزی را میدرآید بهشت

رواه مسلم وعن معاذ بن جبل

رواه مسلم در روایت است از معاذ ابن جبل

قال قال لي رسول الله صلى الله عليه

گفت فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم مفاتيح الجنة شهادة ان لا اله

وسلم کلید های بهشت گواهی دادن است باین کلمه که لا اله

الا الله رواه احمد وعن وهب بن

الا الله است رواه احمد روایت است از وهب ابن

منبه رح قيل له أليس لا اله الا الله مفتاح

منبه رح گفته شد او را آیا نیست لا اله الا الله کلید

الجنة قال بلى ولكن ليس مفتاح إلا وله أسنان

بهشت گفت آری ولیکن نیست کلیدے مگر آنکه مراو را دندانہا ہست

فإن جئت بمفتاح له أسنان فتح لك وإلا لم يفتح لك

پس اگر آری تو کلید که مراو را دندانہا است کشاده شود برای تو وگرنه کشاده نشود برای تو

رواه البخاري في ترجمة باب وعن أبي هريرة رض

رواه بخاری در ترجمه باب روایت ہست از ابی ہریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أحسن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم چون نیک گرداند

أحدكم إسلامه فكل حسنة يعملها تكتب بعشر

یکی از شما اسلام خود را پس هر کار نیک که بکند او را نوشته می شود

أمثالها إلى سبع مائة ضعف وكل سيئة يعملها

برابر ده چند تا هفت صد زیادتی و هر بدی که می کند

تكتب بمثلها حتى لقي الله متفق عليه وعن

نوشته می شود مثل یکی تا دم مرگ و لقاے خدا متفق علیه و روایت ہست از

أبي أمامة رض أن رجلا سأل رسول الله صلى الله

ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را صلے الله

عليه وسلم ما الإيمان قال إذا سرتك

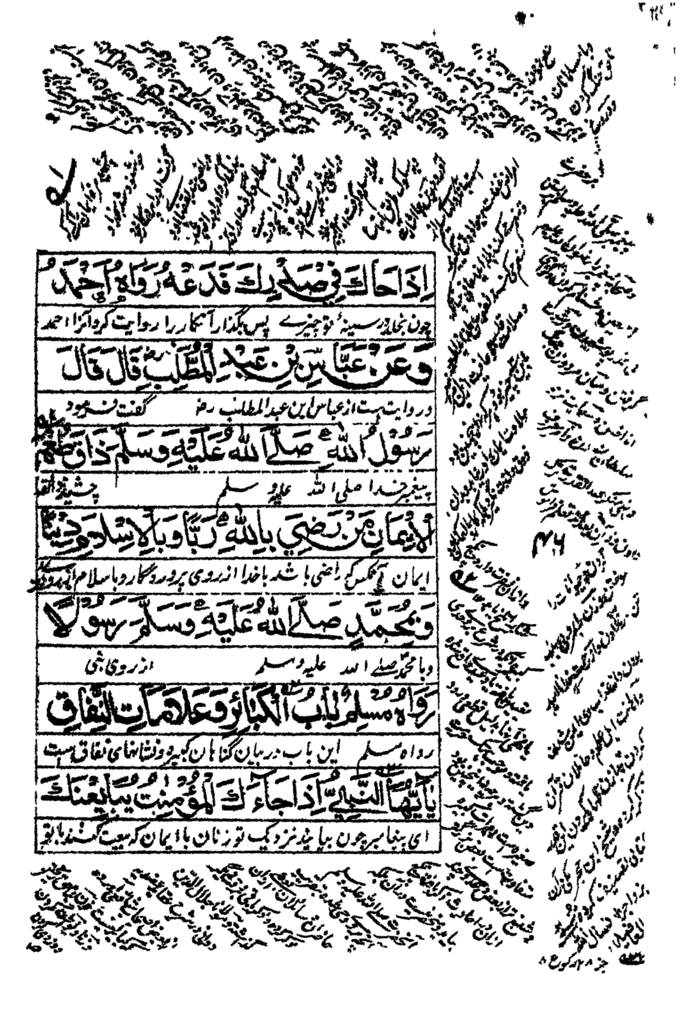
علیه وسلم چیست نشان ایمان فرمود چون شاد گرداند ترا

حسنتك وساءتك سيئتك فأنت مؤمن

عمل نیک تو و اندوهگین گرداند ترا بدی تو پس تو مؤمن ہستی

قال يا رسول الله فما الإثم قال

گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه



اذا حاك في صدرك فدعه رواه احمد

چون بخلد در سینهٔ تو چیزے پس بگذار آنکار را روایت کرد آنرا احمد

وعن عباس بن عبد المطلب قال قال

و روایت است از عباس ابن عبد المطلب رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ذاق طعم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چشید مزه

الايمان من رضي بالله ربا وبالاسلام دينا

ایمان آنکس که راضی باشد بخدا از روی پروردگار و باسلام از روی دین

وبمحمد صلى الله عليه وسلم رسولا

و با محمد صلی الله علیه وسلم از روی نبی

رواه مسلم باب الكبائر وعلامات النفاق

رواه مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهای نفاق است

يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات يبايعنك

ای پیغامبر چون بیایند نزدیک تو زنان با ایمان که بیعت کنند با تو

عَلَىٰ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ

بر این شرط که شریک نکنند با خدا چیزی را و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ

يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ

که بسته باشند آن را در میان دستهای خویش و پاهای خویش نافرمانی نکنند ترا

فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ

در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ○ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن

هر آینه خدا آمرزگار مهربان است هر آینه خدا نه آمرزد آن را

يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ

که شریک آرد بخدای و می آمرزد غیر شریک را هر که را خواهد

وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

و هر که شریک مقرر کند با خدا هر آینه گمراه شد از حق گمراهی دور یعنی در نهایت ضلالت

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ

صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از هفت خصلت که هلاک کننده گان اند

قالوا یا رسول الله وما هن قال الشرک

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چه چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن

بالله والسحر وقتل النفس التی حرم

با خدا و جادو کردن و کشتن ذاتیکه حرام کرده است

الله الا بالحق واکل الربوا واکل مال الیتیم

خدا مگر بحق و خوردن ربا و خوردن مال یتیم را

والتولی یوم الزحف وقذف المحصنت

و پشت دادن روز جنگ و دشنام دادن بزنان پارسا

الغافلات المؤمنات متفق علیه وعنه

مسلمان غافل از بدکرداری مسلمانان متفق علیه است و مرویست

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا یزنی الزانی حین یزنی وهو مؤمن

زنا نمیکند زنا کننده در هنگامی که زنا میکند و حال آنکه وی مؤمن است

وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ

و دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامی که دزدی میکند و حال آنکه مومن است و نمی‌نوشد شراب را کسی

حِينَ يَشْرَبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَنْتَهِبُ نُهْبَةً يَرْفَعُ النَّاسُ

هنگامی که مینوشد و حال آنکه وی مومن است و غارت نمیکند کسی غارت کردنی که برمیدارند مردم

إِلَيْهِ فِيهَا أَبْصَارَهُمْ حِينَ يَنْتَهِبُهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَغُلُّ

بسوی آن غارت کننده در آن غارت کردن چشمهای خود را وقتیکه غارت میکند و حال آنکه وی مومن است و خیانت نمیکند

أَحَدُكُمْ حِينَ يَغُلُّ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَإِيَّاكُمْ إِيَّاكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

یکی از شما از غنیمت هنگامیکه خیانت میکند و حال آنکه وی مومن است پس دور دارید خود را ازین گناه متفق علیه است

وَفِي رِوَايَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَلَا يَقْتُلُ حِينَ يَقْتُلُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و در روایت ابن عباس است و نمیکشد هیچکس هنگامیکه میکشد و حالانکه وی مومن است

قَالَ عِكْرِمَةُ قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ كَيْفَ يُنْزَعُ الْإِيمَانُ مِنْهُ

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان ازین شخص

قَالَ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهَا فَإِنْ تَابَ

گفت اینچنین و تشبیک کرد میان انگشتان خود پس از هم بیرون آورد انگشتان را پس

عَادَ إِلَيْهِ هٰكَذَا وَشَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ وَقَالَ

اگر توبه کرد و برگشت از آن معصیت باز میگردد ایمان بسوی وی و تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفته است

أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ لَا يَكُونُ هٰذَا مُؤْمِنًا تَامًّا وَلَا يَكُونُ

ابو عبدالله بخاری نمیباشد این شخص مومن کامل و نمیباشد

لَهُ نُورُ الْإِيمَانِ هٰذَا لَفْظُ الْبُخَارِيِّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

مر او را نور ایمان این عبارت بخاری است روایت است از ابوهریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَنَى الْعَبْدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم چون زنا میکند بنده



خرج منه الإيمان فكان فوق رأسه كالظلة فإذا

بیرون می‌آید ازوی ایمان پس می‌باشد بالای سر وی مانند سایبان پس چون

خرج من ذلك العمل رجع إليه الإيمان رواه

بیرون می‌آید بنده ازان عمل باز میگردد بسوی وی ایمان روایت کرد او را

الترمذي وأبو داود ح وعن أبي هريرة رض

ترمذی وابو داود ح وروایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود رسول الله صلى الله عليه وسلم

آية المنافق ثلث زاد مسلم وإن صام و

نشان منافق سه خصلت است زیاده کرده مسلم اگرچه روزه دارد

صلى وزعم أنه مسلم ثم اتفقا إذا

نماز بگذارد و گمان می‌برد که من مسلمانم پس اتفاق کردند بخاری و مسلم چون

حدث كذب وإذا وعد أخلف وإذا اؤتمن

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خان متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أربع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم چهار خصلت است

٥٠

مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ

هر کس که باشند این چهار در وی باشد منافق خالص و هر که باشد در وی

خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ

یک خصلت از این چهار باشد در وی یک خصلت از نفاق

حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت داده شود خیانت کند و چون سخن گوید دروغ گوید

وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و چون عهد بندد بشکند و چون پیکار کند سرکشی ورزد متفق علیه

بَابٌ فِي الْوَسْوَسَةِ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا

این باب در بیان وسوسه است و هر آینه آفریدیم

الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

آدمی را و میدانیم چیزیکه وسوسه میکند بدان نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بِسْمِ اللَّهِ

و نزدیکتریم بآدمی از رگ جان بنام خدای بخشاینده

الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ

بخشاینده مهربان بگو پناه میگیرم به پروردگار مردمان پادشاه

النَّاسِ إِلَٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس خزنده

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ

آنكه وسوسه مى افكند در سينه هاى مردمان از جنس جن يا از جنس

وَالنَّاسِ عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مردمان روايت است از ابى هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ تَجَاوَزَ عَنْ

صلى الله عليه وسلم بدرستيكه خداى تعالى در گذرانيده است

اُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُورُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ

از امت من چيزيكه وسوسه كرد بدان چيز سينهاى ايشان تا دم كه عمل نكرده

بِهِ اَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بدان چيز يا نگفته متفق عليه است روايت است از وى گفت

جَاءَ نَاسٌ مِّنْ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

آمدند جماعت از یاران پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلُوْهُ

وسلم بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسیدند آنحضرت را

اِنَّا نَجِدُ فِيْ اَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ اَحَدُنَا اَنْ يَّتَكَلَّمَ

بتحقیق می‌یابیم در ذاتهای خود از وسواس چیزی که سخت بزرگ میدارد یکی از ما که

بِهٖ قَالَ اَوَقَدْ وَجَدْتُمُوْهُ قَالُوْا نَعَمْ قَالَ ذَاكَ

از گفت آیا بتحقیق یافته‌اند شما آنرا گفتند آری گفت این

صَرِيْحُ الْاِيْمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ

محض ایمان است روایه مسلم در روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهٖ قَرِيْنُهٗ

نیست از شما کسی یک مگر آنکه به تحقیق گماشته شده است بروی قرین وی

مِنَ الْجِنِّ وَقَرِيْنُهٗ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ قَالُوْا وَاِيَّاكَ

از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و خود را ای تو نیز

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ وَاِيَّايَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ اَعَانَنِيْ

ای پیغمبر خدا فرمود و خود را نیز ولکن حق تعالی یاری داد مرا

عليه فاسلم فلا يأمرني الا بخير رواه مسلم

پس در آمد در اسلام او و دیگر امر نکند مرا به هیچ چیز مگر به نیکی روایت کرد این را مسلم

وعن انس رض قال قال رسول الله صلى

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم ان الشيطان يجري

الله علیه وسلم هر آینه شیطان میرود

من الانسان مجرى الدم متفق عليه

در آدمی مانند رفتن خون در بدن متفق علیه است

وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم ان ابليس يضع عرشه

الله علیه وسلم هر آینه ابلیس مینهد تخت خود را

على الماء ثم يبعث سراياه يفتنون الناس

بر آب پس میفرستد لشکرهای خود را که در فتنه می اندازند مردم را

فادناهم منه منزلة اعظمهم فتنة يجيء

پس نزدیکترین ایشان از روی مرتبه بزرگترین ایشان است از روی فتنه می آید

احدهم فيقول فعلت كذا وكذا فيقول

یکی از ایشان پس میگوید کردم چنین و چنین پس میگوید ابلیس

ما صنعت شيئا قال ثم يجيء أحدهم فيقول

نکردی چیزی را گفت جابر پس می آید یکی از لشکریان او پس میگوید

ما تركته حتى فرقت بينه وبين امرأته قال

نگذاشتم فرزند آدم را تا آنکه جدائی افگندم میان وی و میان زن وی گفت

فيدنيه منه فيقول نعم أنت قال الأعمش

پس نزدیک میگرداند اورا پس میگوید نیکو یاری تو گفت اعمش

أراه قال فيلتزمه رواه مسلم وعن

گمان میبرم من جابر را که گفت پس در کنار میگیرد اورا روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است

عثمان بن أبي العاص رض قال قلت يا

از عثمان ابن ابی العاص رضی الله عنه گفت گفتم ای

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الشيطان قد حال بيني وبين صلوتي و

شیطان حائل میگردد میان من و میان نماز من و

بين قراءتي يلبسها علي فقال رسول الله صلى

میان قراءة من و تخلیط میکند قراءة را بر من پس گفت پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم ذاك شيطان يقال له

الله علیه وسلم آنکه حائل میشود شیطانیست که گفته میشود مر اورا

خنزب فإذا أحسسته فتعوذ بالله منه واتفل

خنزب پس چون دریابی این وسوسه را پس پناه جوی بخدا از آن شیطان و تف کن

على يسارك ثلثا ففعلت ذلك فأذهبه الله

بر جانب چپ خود سه بار پس کردم این پس دور گردانید اورا خدا



عنی رواه مسلم باب الایمان بالقدر

ازمن روا ه مسلم　این باب ایمان بقدر است

وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو

ونزدیک اوست کلیدهای غیب نمیداندش　مگر او

ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من

ومیداند آنچه در بیابان و دریاست ونمی افتد　هیچ

ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض

برگ مگر میداندش ونمی افتد هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

ونه هیچ تری ونه هیچ خشکی مگر ثبت است در کتاب روشن

وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها

نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی

ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب

ومیداند جای ماندن او را وجای نگاه داشتن او را همه یکی در کتاب

۵۶

مُّبِينٌ ۝ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ

روشن ست و روایت ست از عبد الله بن عمرو رضـ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَتَبَ اللّٰهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نوشت خدا تعالی

مَقَادِيْرَ الْخَلَائِقِ قَبْلَ اَنْ يَّخْلُقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

اقدار خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین

بِخَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ قَالَ وَكَانَ عَرْشُهٗ عَلَى الْمَاءِ

پنجاه هزار سال گفت و بود عرش خدا بر آب

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم و روایت ست از ابی هریره رضـ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِحْتَجَّ اٰدَمُ وَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مباحثه کردند یکدیگر آدم و

مُوْسٰى عِنْدَ رَبِّهِمَا فَحَجَّ اٰدَمُ مُوْسٰى قَالَ مُوْسٰى اَنْتَ اٰدَمُ

موسی نزدیک پروردگار ایشان پس غالب آمد حجت آدم بر موسی گفت موسی تو آن آدمی

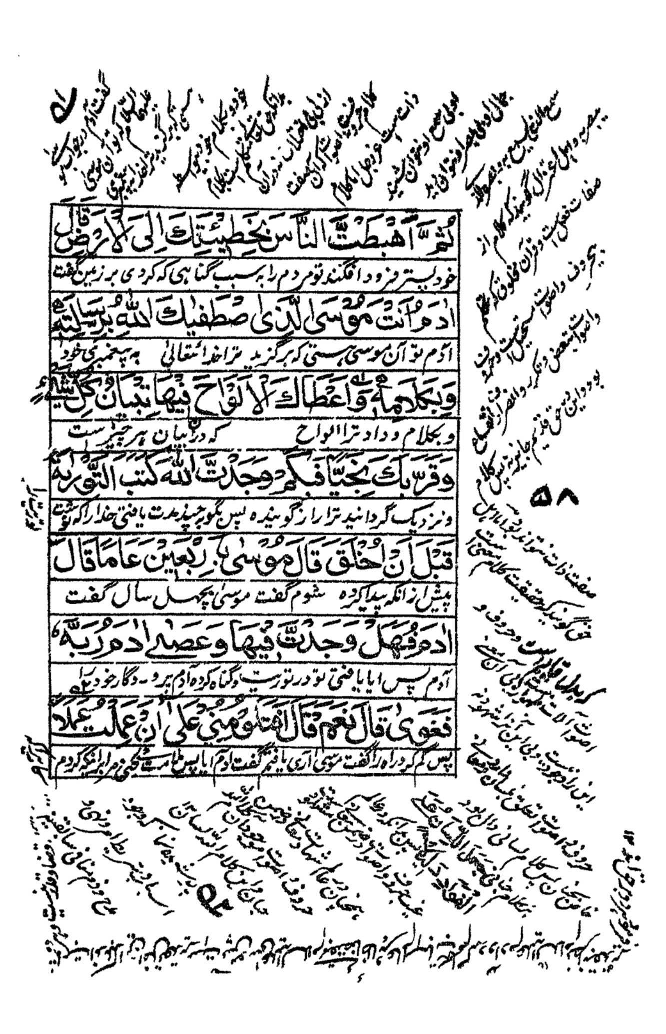
الَّذِيْ خَلَقَكَ اللّٰهُ بِيَدِهٖ وَنَفَخَ فِيْكَ مِنْ رُّوْحِهٖ

که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود و دمید در تو از روح خود

وَاَسْجَدَ لَكَ مَلٰٓئِكَتَهٗ وَاَسْكَنَكَ فِيْ جَنَّتِهٖ

و ساجد گردانید مر ترا فرشتگان خود را و سکونت داد ترا در بهشت

فرو افتادن وی ایشان نیز بزمین افتادند پس با وجود این قدر مرتبه که تو داشتی نمی بایست این کار کرد و مقصود ایشان که بایستی که گناه



ثم اهبطت الناس بخطيئتك الى الارض قال

خود بیفتادی و افگندی تو مردم را به سبب گناهی که کردی بر زمین گفت

آدم انت موسى الذی اصطفیك الله برسالته

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وبكلامه واعطاك الالواح فيها تبيان كل شيء

و بکلام و داد ترا الواح که در آن بیان هر چیز است

وقربك نجيا فكم وجدت الله كتب التورية

و نزدیک گردانید ترا راز گوینده پس بگو چه قدر یافتی خدا را که نوشت

قبل ان اخلق قال موسى باربعين عاما قال

پیش از آنکه پیدا کرده شوم گفت موسی بچهل سال گفت

آدم فهل وجدت فيها وعصى آدم ربه

آدم پس آیا یافتی تو در توریت و گناه کرده آدم پروردگار خود را

فغوى قال نعم قال افتلومني على ان عملت عملا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر آنکه کردم

٥٨



كتبه الله على ان اعمله قبل ان يخلقني باربعين

نوشت خدا بر من كه بكنم آنرا پيش از انكه پيدا كند مرا بچهل

سنة قال رسول الله صلى الله عليه

سال فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم فحج آدم موسى رواه مسلم وعن

وسلم پس غالب آمد آدم بر موسى رواه مسلم وروايت است

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از ابي هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه

وسلم نيست هيچ زائيده شده مگر انكه زائيده ميشود بر فطرت پس مادر و پدر

يهودانه او ينصرانه او يمجسانه كما تنتج

يهودي مي گردانند او را يا نصراني يا مجوسي ميسازند او را چنانكه زايانيده ميشود

البهيمة بهيمة جمعاء هل تحسون فيها من

چهارپايه چهارپاي تمام كامل در اعضا آيا مي بينيد شما در آن بهايم هيچ بهيمه

جدعاء ثم يقول فطرة الله التي فطر الناس

يا گوش بريده پس گفت و خواند اين آيه را لازم گيريد خلقت خدا كه پيدا كرده است

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم

آدميان را بر آن نيست تغير پيدايش خدا را اين مقتضاي دين وامت است

٥٩



متفق علیه وعن عبادة بن الصامت قال قال

متفق علیه روایت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اول ما

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که نخستین چیزی که پیدا کرد

خلق الله القلم فقال له اكتب قال ما اكتب قال اكتب القدر

خدا قلم است پس گفت مر او را بنویس گفت چه نویسم گفت بنویس مر چیزرا

فكتب ما كان وما هو كائن الى الابد رواه

که تقدیر کرده شده است پس نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا ابد روایت کرد

الترمذي وعن ابي خزامة عن ابيه قال قلت

ترمذی و روایت است از ابی خزامه و او از پدر خود گفت گفتم

يا رسول الله ارأيت رقى نسترقيها ودواء

ای پیغمبر خدا خبر ده ما را از حال افسونها که افسونگری میکنیم با آنها و از انها

نتداوى به وتقاة نتقيها هل ترد من قدر

تداوی میکنیم بآن و بچاؤها که پناه میجوییم بدان آیا باز می گرداند آنها

الله شيئا قال هي من قدر الله رواه احمد

از قضا و قدر خدا تعالی چیزی را گفت این چیزها از قضا و قدر خدا است روایت کرد احمد

والترمذي وابن ماجة وعن ابي هريرة قال

و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت

٦٠

خرج علينا رسول الله صلى الله عليه وسلم

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

ونحن نتنازع في القدر فغضب حتى احمر

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئلهٔ قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وجهه حتى كانما فقئ في وجنتيه حب

روی وی گویا شکسته شده است در هر دو رخسار وی دانهاے

الرمان فقال ابهذا امرتم ام بهذا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شمارا یا باین

ارسلت اليكم انما هلك من كان قبلكم

فرستاده شده ام من بسوے شما هلاک شدند کسانیکه بودند پیش از شما

حين تنازعوا في هذا الامر عزمت عليكم

که هنگامیکه بحث کردند در قضا و قدر واجب میگردانم بر شما

عزمت عليكم الا تتنازعوا فيه رواه

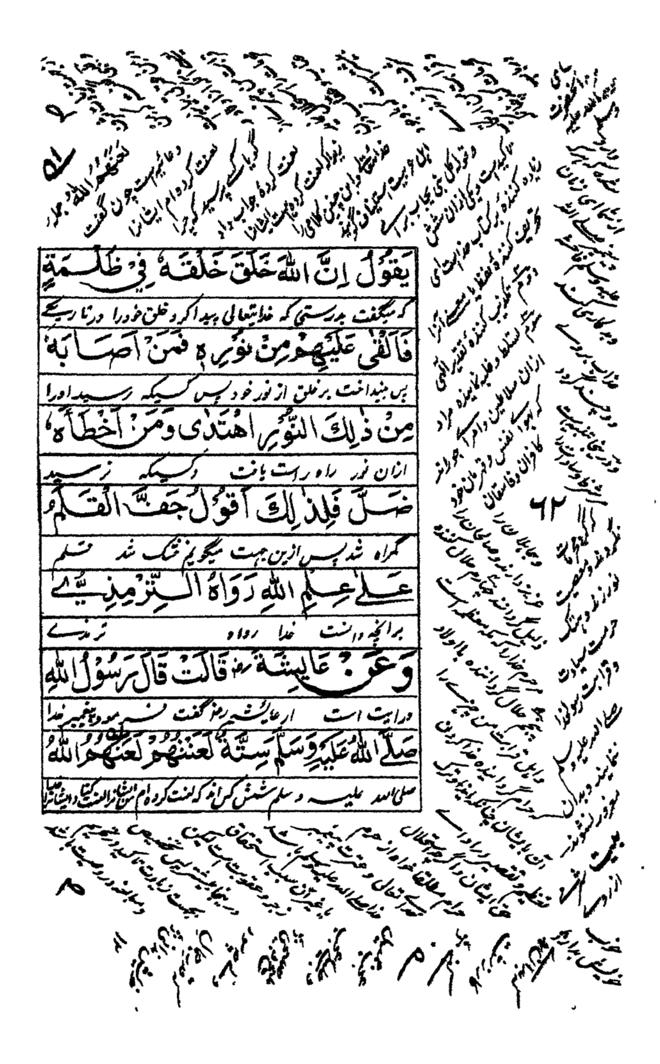
واجب میگردانم بر شما که نزاع مکنید در این امر روایه

الترمذي وعن عبد الله بن عمر قال

ترمذی و روایت است از عبد الله ابن عمر رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

شنیدم من پیغمبر خدا را صلى الله عليه وسلم



يقول إن الله خلق خلقه في ظلمة

که میگفت بدرستی که خدا تعالی پیدا کرد خلق خود را در تاریکی

فألقى عليهم من نوره فمن أصابه

پس بینداخت بر خلق از نور خود پس کسیکه رسید اورا

من ذلك النور اهتدى ومن أخطأه

ازان نور راه راست یافت وکسیکه نرسید

ضل فلذلك أقول جف القلم

گمراه شد پس ازین جهت میگویم خشک شد قلم

على علم الله رواه الترمذي

بر آنچه دانست خدا روایت کرده ترمذی

وعن عائشة رض قالت قال رسول الله

وروایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ستة لعنتهم لعنهم الله

صلی الله علیه وسلم شش کس اند که لعنت کرده ام ایشانرا لعنت کناد ایشانرا خدا

وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابُ الزَّائِدُ فِي كِتَابِ

وهر پیغمبر ... قبول کرده شده است دعای او یکی از ان زیاده کننده در کتاب

اللّٰهِ وَالْمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللّٰهِ وَالْمُتَسَلِّطُ

خدا دوم تکذیب کننده بتقدیر الهی سوم غلبه نماینده بر مردم

بِالْجَبَرُوتِ لِيُعِزَّ مَنْ أَذَلَّهُ اللّٰهُ وَ

بتکبر تا گرامی وارجمند گرداند کسیرا که خوار گردانیده است خدا او را

يُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللّٰهُ وَالْمُسْتَحِلُّ لِحَرَمِ

و خوار گرداند کسیرا که عزیز گردانیده است او را خدا چهارم استحلال کننده مر حرم

اللّٰهِ وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللّٰهُ

خدا را پنجم حلال داننده از اهل قرابت من چیزیرا که حرام گردانیده است خدا

ایشان را تا دلایل عبرت و قدرت نه بیند بعده امام احمد فرمود که ایا فساد اعظم از قتل آل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هست —

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الْمَدْخَلِ

و ششم ترک کننده سنت مرا رواه بیهقی در مدخل

وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ رض

و رزین در کتاب خود و روایت است از مطر بن عکامس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون

قَضَى اللّٰهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ

حکم کند خدا برای بنده که بمیرد در زمین بگرداند مرآن بنده را

إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوی آن زمین حاجتی رواه احمد والترمذی و روایت است

أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی فارغ شده بسوی هر بنده



مِنْ خَلْقِهِ مِنْ خَمْسٍ مِنْ أَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَمَضْجَعِهِ

که از مخلوقات اوست از پنج چیز از اجل او وا ز عمل هر بنده واز سکون

وَأَثَرِهِ وَرِزْقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِي

وحرکت ورزق هر بنده رواه احمد وروایت است از ابن دیلمی

قَالَ أَتَيْتُ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب پس گفتم من اورا تحقیق که افتاد

فِي نَفْسِي مِنَ الْقَدَرِ فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُذْهِبَهُ

در دل من چیزی از قضا وقدر پس حدیث بگو مرا شاید که خدا تعالی بروان

مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ

از دل من پس گفت اگر هر آئینه آنست که خدا عذاب بکند تمامه آسمانیان را

وَأَهْلَ أَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

و زمینیان را عذاب میکرد ایشانرا و حال آنکه وی غیر ظالم است مر ایشان را و اگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَهُمْ مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَوْ أَنْفَقْتَ مِثْلَ أُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهاے ایشان و اگر خرج کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مَا قَبِلَهُ اللّٰهُ مِنْكَ حَتّٰى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلا را در راه خدا قبول نکند خدا او را از تو تا آنکه ایمان بیاری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ

و تا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود و آنکه نرسید ترا بدانی که آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلٰى غَيْرِ هٰذَا لَدَخَلْتَ النَّارَ

نبود که برسد ترا و اگر بمیری بر غیر این حال هر آینه در آیے باتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ مَسْعُودٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پس آمدم من عبد الله ابن مسعود رضو را پس گفت مانند

ذٰلِكَ قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پس آمدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ أَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِي

مانند این سخن پس آمدم زید بن ثابت را پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذٰلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

روایت کرد احمد و ابو داود و ابن ماجه

بَابُ الْاِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن کتاب و سنت است

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ

بگو اگر دوست میدارید خدا را پس پیروی من کنید تا دوست دارد شما را خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قُلْ

و بیامرزد شما را گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است بگو

أَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر رو گردانید همانا خدا دوست ندارد

الْكَافِرِينَ ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ

کافران را هر که فرمان برد خدا و رسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق

أُولٰئِكَ رَفِيقًا ۝ ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ

اند ایشان این بخشایش از خدا است و بس است خدا



عَلِيمًا ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

دانا ونیافریدیم جن و انس را

لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

مگر تا که پرستند مرا نمیخواهم از ایشان رزق را

وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که مرا طعام دهند هر آئینه خدا همونست رزق دهنده

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

خداوند توانائی استوار وهرچه بدهد شما را پیغمبر

فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

بگیرید آنرا و هرچه منع کند شما را ازان باز ایستید و بترسید از خدا



٦٩

إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۘ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا

هر آئینه خدا سخت کننده عقوبت است و فرمان برداری کنید خدا و فرمان برداری

الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

کنید رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغامبر ما رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ

آشکار است ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تأمل کند

نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ

هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هر آئینه خدا خبردار است

بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمٰوَاتِ

بآنچه میکنید هر آئینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمان

وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

و بر زمین و بر کوه ها پس قبول نکردند که بردارند آنرا و ترسیدند

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

از آن و برداشت آنرا آدمی هر آئینه وی هست ستمگار نادان

سے جزء ۲۸ رکوع ۶   سے جزء ۲۲ رکوع ۵

وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و در روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَتَتَّبِعُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا

و سلم هر آئینه پیروی خواهید کرد شما طریقه پیشینیان را شبر بشبر و دست

بِذِرَاعٍ حَتّٰى لَوْ دَخَلُوا جُحْرَ ضَبٍّ تَبِعْتُمُوهُمْ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ

بدست تا آنکه اگر داخل شوند ایشان در سوراخ سوسمار پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفتند ای پیغمبر خدا

الْيَهُودَ وَالنَّصَارٰى قَالَ فَمَنْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

اراده میکنی یهود و نصاری را فرمود پس کیست متفق علیه و در روایت است

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هٰذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست از این دین پس آن چیز مردود است متفق علیه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و در روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللّٰهِ وَخَيْرَ الْهَدْيِ

در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه

هَدْيُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحْدَثَاتُهَا

طریقه محمد است صلی الله علیه و سلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است

وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

و هر بدعت سبب گمراهی است رواه مسلم و در روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللّٰهِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

ثَلٰثَةٌ مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ

سہ کس اند الحاد کنندہ در زمین حرم وطلب کنندہ در اسلام طریقہ جاہلیت را

وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِئٍ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهَرِيقَ دَمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

وطلب کنندہ خون مردیرا ناحق برای آنکہ بریزد اورا روایت کرد بخاری

وَعَنْ أَبِي مُوسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از ابوموسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِيَ اللّٰهُ بِهِ كَمَثَلِ رَجُلٍ

وسلم جز این نیست کہ قصہ من وقصہ چیزی کہ فرستادہ است مرا پروردگار بدان چیز مانند قصہ مردیکہ

أَتٰى قَوْمًا فَقَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي رَأَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنَيَّ وَإِنِّي أَنَا

آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستی کہ من دیدہ ام لشکر را بدو چشم خود وبدرستیکہ من

النَّذِيرُ الْعُرْيَانُ فَالنَّجَاءَ النَّجَاءَ فَأَطَاعَهُ طَائِفَةٌ مِّنْ قَوْمِهِ

خبر خوف رسانیدہ ام برہنہ شتابی کنید شتابی کنید پس فرمانبرداری کردند او را بعض از قوم او

فَأَدْلَجُوا فَانْطَلَقُوا عَلٰى مَهْلِهِمْ فَنَجَوْا وَكَذَّبَتْ طَائِفَةٌ

پس رفتند شبا شب پس رفتند بر آہستگی خود پس رستگاری یافتند وتکذیب کردند بعض

مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا مَكَانَهُمْ فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَأَهْلَكَهُمْ

از قوم وی پس صبح کردند وبایستادند بمکان خود پس صبح گردانید ایشان لشکر ہر اداشان را پس ہلاک گردانید ایشان را

وَاجْتَاحَهُمْ فَذٰلِكَ مَثَلُ مَنْ أَطَاعَنِي فَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهِ

واز بیخ برکندایشان را پس این قصہ کسی است کہ فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزی را کہ آوردہ ام آن را

وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ مَا جِئْتُ بِهِ مِنَ الْحَقِّ

وحال کسیکہ نافرمانی کرد مرا و دروغ داشت چیزی را کہ آوردہ ام من آن را از نزد خدا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

متفق علیہ وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم مثلي كمثل رجل استوقد نارا

صلى الله عليه وسلم حال من بمچو حال مردى است كه افروخت آتشى را

فلما اضاءت ما حولها جعل الفراش وهذه الدواب

پس هرگاه كه روشن گردان آتش آنچه كه گرداوست در هستاد پروانه و اين خبيده وكرمهاى

التي تقع في النار يقعن فيها وجعل يحجزهن ويغلبنه

كه در عادت ايشان هست كه مى افتند در آتش در رستاد و مرد كه منع ميكند انداو را و غالب مى شوند دواب بر آنكس

فيتقحمن فيها فانا آخذ بحجزكم عن النار وانتم

پس ازدحام كردند در آتش پس من گيرنده ام جايكبند ازار شما را كه باز دارم شما را از آتش و شما

تقحمون فيها هذه رواه البخاري ولمسلم نحوها

ازدحام ميكنيد در آن آتش اين روايت بخاريست و مر مسلم را مانند اين روايت است

وقال في آخرها قال فذلك مثلي ومثلكم انا آخذ

و گفته است مسلم در آخر اين روايت خود گفت پس آنند كور حال من و حال شماست من گيرنده ام

بحجزكم عن النار هلم عن النار هلم عن النار فتغلبوني

جايكبند ازار شما از آتش بيائيد بسوى من از آتش پس غالب مى آئيد مرا

تقحمون فيها متفق عليه وعن ابي هريرة

مى افتيد در آتش متفق عليه و روايت است از ابي هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

يكون في آخر الزمان دجالون كذابون يأتونكم

پيدا شوند در آخر زمان تلبيس كنندگان دروغ گويان مى آرند شما را

من الاحاديث بما لم تسمعوا انتم ولا آباؤكم

از احاديث آنچه نشنيده ايد شما و نه پدران شما

فَإِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّونَكُمْ وَلَا يَفْتِنُونَكُمْ

دور دارید خود را از ایشان و ایشان را از خود تا گمراه نکرده در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا

صلی الله علیه وسلم بس است مرد را از روی دروغ گفتن

أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

آنکه حدیث کند هر چیز را که شنیده است رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ

کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را از اجر مقدار

أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ

مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ

اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند بسوی گمراهی

احادیث برای ترویج مذاهب خود مے نمودند و بعد از توبه و رجوع اقرار بدان مے کردند



كان عليه من الاثم مثل آثام من تبعه

باشد بر وى از بزه مقدار بزهاى كسانيكه پيروى كنند او را

لا ينقص ذلك من آثامهم شيئا رواه

كم نمى كند اين از آثام ايشان چيزيرا رواه

مسلم وعنه قال قال رسول الله

مسلم و روايت است از وى رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم بدأ الاسلام غريبا

صلى الله عليه وسلم پيدا شد اسلام در آغاز كار غريب

وسيعود كما بدأ فطوبى للغرباء رواه مسلم

و قريب است كه باز گردد غريب چنانكه پيدا شده بود پس خوشى باد مر غريبان را رواه مسلم



وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ

و روایت است از وی که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الْإِيمَانَ لَيَأْرِزُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ إِلَى جُحْرِهَا

ایمان گرد می آید بسوی مدینه چنانکه باز میگردد مار بسوی سوراخ خود

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رض قَالَ فِي

متفق علیه است و روایت است از عرباض ابن ساریه رض گفت در

حَدِيثِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي

حدیث خود از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت من

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا

و سنت خلفای راشدین که راه یافتگان اند چنگ در زنید بسنت من

وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْأُمُورِ

و سخت بزنید بر سنت بدندانها و دور باشید از کارهای نو پیدا

فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ

پس بدرستیکه هر خصلت احداث کرده شده بدعت است و هر بدعت ضلالت است رواه

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو

و ابو داود و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبدالله ابن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد



أَحَدُكُمْ حَتّٰى يَكُوْنَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهٖ

یکی از شما تا آنکه باشد هوای نفس او تابع مر شریعتی را که آورده من آنرا

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ

روایت کرد در شرح سنة این حدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

الْمُزَنِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحْيٰى سُنَّةً مِنْ سُنَّتِيْ

علیه وسلم کسیکه زنده گرداند سنتی از سنتهای مرا

قَدْ أُمِيْتَتْ بَعْدِيْ فَإِنَّ لَهٗ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ أُجُوْرِ

که بتحقیق میرانیده شده است پس از من پس بدرستیکه مر او راست از مزد مانند مزدهای

مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُوْرِهِمْ

کسانیکه کار کنند بآن سنت بی آنکه کم کرده شود از مزدهای ایشان

شَيْئًا وَمَنِ ابْتَدَعَ بِدْعَةً ضَلَالَةً لَا يَرْضَاهَا اللّٰهُ

چیزی و کسی که بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت که راضی نیست ازان بدعت خدا

٧٦

وَرَسُوْلُهُ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْاِثْمِ مِثْلُ اٰثَامِ مَنْ عَمِلَ بِهَا

پیغمبر خدا باشد بر وی از بزه مقدار بزه‌های کسانیکه پیروی کرده اند

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ اَوْزَارِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

او را کم نمیکند این از اثام ایشان چیزی را . رواه ترمذی و روایت است

عَمْرِو بْنِ عَوْفٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عمرو بن عوف رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّ الدِّيْنَ لَيَأْرِزُ اِلَى الْحِجَازِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ

وسلم بدرستیکه اسلام گردی آید بسوی حجاز چنانچه باز میگردد مار

اِلٰى جُحْرِهَا وَلَيَعْقِلَنَّ الدِّيْنُ مِنَ الْحِجَازِ مَعْقِلَ الْاُرْوِيَّةِ

بسوی سوراخ خود و هر آینه پناه بگیرد دین از زمین حجاز بگیر پناه جستن بز کوهی

مِنْ رَاْسِ الْجَبَلِ اِنَّ الدِّيْنَ بَدَأَ غَرِيْبًا وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَأَ

از سر کوهی بدرستیکه دین پیدا شده است غریب و تنها و قریب است که باز گردد چنانکه

فَطُوْبٰى لِلْغُرَبَاءِ وَهُمُ الَّذِيْنَ يُصْلِحُوْنَ مَا اَفْسَدَ النَّاسُ

بود پس خوش خبری باد مر غریبان را و غریبان آن کسانی اند که نیکو می سازند چیزی را که بد ساخته اند مردم

مِنْ بَعْدِيْ مِنْ سُنَّتِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ

بعد از من از سنت من رواه ترمذی و روایت است از عبد الله

بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

لَيَأْتِيَنَّ عَلٰى اُمَّتِيْ كَمَا اَتٰى عَلٰى بَنِيْ اِسْرَآءِيْلَ حَذْوَ النَّعْلِ

هر آینه بیاید بر امت من مانند آنچه آمده بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بِالنَّعْلِ حَتّٰى اِنْ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ اَتٰى اُمَّهٗ عَلَانِيَةً لَكَانَ

تا آنکه اگر بود از بنی اسرائیل کسیکه آمد به مادر خود را آشکارا هر آینه باشد



فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذٰلِكَ وَإِنَّ بَنِي إِسْرَاۤئِيلَ

در امت من کسیکه بکند آن فعل شنیع را و هر آینه بنی اسرائیل

تَفَرَّقَتْ عَلٰى ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِيْنَ مِلَّةً وَتَفْتَرِقُ

جدا شدند بر هفتاد و دو ملت و جدا شوند

أُمَّتِي عَلٰى ثَلٰثٍ وَسَبْعِيْنَ مِلَّةً كُلُّهُمْ

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

فِي النَّارِ إِلَّا مِلَّةً وَاحِدَةً قَالُوْا مَنْ هِيَ يَا

مستحق در آمدن دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ای

رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ مَا أَنَا عَلَيْهِ وَأَصْحَابِي رَوَاهُ

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر آن روایت کرده

التِّرْمِذِيُّ وَفِي رِوَايَةِ أَحْمَدَ وَأَبِي دَاوُدَ

ترمذی و در روایت احمد و ابی داؤد

عَنْ مُعَاوِيَةَ ثِنْتَانِ وَسَبْعُوْنَ فِي النَّارِ

از معاویه آمده که اہل هفتاد و دو ملت در آتش اند

وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ وَإِنَّهُ سَيَخْرُجُ

واحد یک ملت در بهشت و آن مسمی به جماعت است و بدرستی که شان اینست که بیرون خواهند آمد

فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَتَجَارَى بِهِمْ تِلْكَ الْأَهْوَاءُ

در امت من گروه‌های که روان میشود با ایشان آن اهوا

كَمَا يَتَجَارَى الْكَلْبُ بِصَاحِبِهِ لَا يَبْقَى مِنْهُ عِرْقٌ

چنانکه سرایت میکند گزیدن سگ در صاحب خود را باقی نمیماند از صاحب او هیچ

وَلَا مَفْصِلٌ إِلَّا دَخَلَهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

و نه بندی مگر درمی آید در آن و روایت است از ابن عمر رضی الله عنه گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ لَا يَجْمَعُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه گرد نمی آرد خدا

أُمَّتِي أَوْ قَالَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم را

عَلَى ضَلَالَةٍ وَيَدُ اللهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَذَّ شَذَّ

بر گمراهی و دست احسان حق بر جماعت است و کسیکه تنها ماند از جماعت انداخته شد

فِي النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وعنه قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى

در آتش روایت کرد این را ترمذی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّبِعُوا السَّوَادَ الْاَعْظَمَ فَاِنَّهُ مَنْ شَذَّ شُذَّ

الله علیه وسلم پیروی کنید جمهور را بدرستیکه شان اینست که کسیکه تنها افتد از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ لِي

در آتش روایت کرد این را ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بُنَيَّ اِنْ قَدَرْتَ اَنْ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِاَحَدٍ فَافْعَلْ

صبح کنی و شام کنی و حال آنکه نیست در دل تو کینه با هیچ کسی پس بکن

ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ وَذٰلِكَ مِنْ سُنَّتِيْ وَمَنْ اَحَبَّ سُنَّتِيْ فَقَدْ

بعد گفت ای پسرک من و آن کار از سنت من است و کسیکه دوست داشت سنت مرا پس تحقیق

اَحَبَّنِيْ وَمَنْ اَحَبَّنِيْ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دوست میدارد مرا و کسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت روایت کرد این را ترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِيْ عِنْدَ فَسَادِ اُمَّتِيْ فَلَهُ

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند بسنت من نزد فساد امت من پس او راست

أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ لَهُ مِنْ

مزد وثواب صد شهید روایه بیهقی در کتاب الزهد لفظ وبهتر از فا

حَدِيثِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

از حدیث ابن عباس رض ودروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود رسول الله

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مَنْ تَرَكَ مِنْكُمْ عُشْرَ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه شما در زمانی هستید که هرکه بگذارد از شما دهم حصه

مَا أُمِرَ بِهِ هَلَكَ ثُمَّ يَأْتِي زَمَانٌ مَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ بِعُشْرِ

آنچه امر کرده شده است بدان هلاک شود پس تری آید زمانیکه هرکه بکند از ایشان ده حصه

مَا أُمِرَ بِهِ نَجَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رض

آنچه امر کرده شده است بدان نجات یابد روایه ترمذی ودروایت است از معاذ ابن جبل

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الشَّيْطَانَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان

ذِئْبُ الْإِنْسَانِ كَذِئْبِ الْغَنَمِ يَأْخُذُ الشَّاذَّةَ وَالْقَاصِيَةَ

گرگ آدمی است مانند گرگ گوسفند که میگیرد گوسفند را که از انس نا گیرنده ست یکجا

وَالنَّاحِيَةَ وَإِيَّاكُمْ وَالشِّعَابَ وَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ

ودور رونده از گله ویک جانب ایستاده است ودور دارید خود را از راههای میان دو کوه لازم گیرید

الْعَامَّةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ

رواه احمد ودروایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه جدائی کرد جماعت را

شِبْرًا فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

مقدار یک شبر پس بتحقیق برکشید ربقه اسلام را از گردن خود رواه احمد



وابوداود وعن ابراهيم بن ميسرة رض

و ابو داود و روایت است از ابراهیم ابن میسره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من وقر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعظیم کرد

صاحب بدعة فقد اعان على هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس بتحقیق مدد کرد بر ویران کردن دین اسلام

رواه البيهقي في شعب الايمان مرسلا وعن

روایه بیهقی در شعب الایمان مرسل و روایت است از

ابن مسعود رض قال من كان مستنا فليستن بمن

ابن مسعود رض گفت کسیکه میخواهد که برود در راه راست پس باید که برود راه

قد مات فان الحي لا تؤمن عليه الفتنة اولئك

کسانیکه بتحقیق از عالم گذشته اند پس بدرستیکه زندگان ایمنی کرده نمیشود بر ایشان از فتنه آنمردگان

اصحاب محمد صلى الله عليه وسلم كانوا افضل

یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند که بودند فاضل تر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از هرکه جز ایشان است درین امت و نیکتر بودند از روی دلها و دور اندیش تر از روی علم و کمتر بودند از روی

تكلفا اختارهم الله لصحبة نبيه ولاقامة دينه

از روی تکلف برگزید ایشان را خدا از برای صحبت پیغمبر خود و برای بر پا داشتن دین وی



۸۳

فَاعْرِفُوا لَهُمْ فَضْلَهُمْ وَاتَّبِعُوهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ وَتَمَسَّكُوا

پس بشناسید برای ایشان فضل ایشان و پیروی کنید ایشان را بر نشانهای ایشان و چنگ در زنید

بِمَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ أَخْلَاقِهِمْ وَسِيَرِهِمْ فَإِنَّهُمْ كَانُوا

بانچه توانید از خوی های ایشان و روشهای ایشان که بتحقیق بودند

عَلَى الْهُدَى الْمُسْتَقِيمِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ

بر راه راست رواه رزین و روایت از

أَنَسٍ رض أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

انس رض بدرستیکه وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ

وسلم ایمان نمی آرد یکے از شما تا آنکه باشم دوست داشته تر بسوی او

مِنْ نَفْسِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَوَالِدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

از جانش و از مالش و از فرزندش و پدرش و مردمان همه

رَوَاهُ الشَّيْخَانِ وَأَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

رواه شیخان و احمد و نسائی و ابن ماجه

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتَى اَكُونُ

وگفته شد مر پیغمبر خدا را صلے الله علیه وسلم که کی باشم

مُؤْمِنًا وَفِي لَفْظٍ اٰخَرَ مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ اِذَا اَحْبَبْتَ

مومن و در لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

اللّٰهَ فَقِيلَ وَمَتَى اُحِبُّ اللّٰهَ فَقَالَ اِذَا اَحْبَبْتَ رَسُولَهُ

خدا را پس گفته شد وکی باشم که دوست دارم خدا را پس فرمود چون دوست داشته باشی پیغمبر او را

فَقِيلَ وَمَتَى اُحِبُّ رَسُولَهُ قَالَ اِذَا اتَّبَعْتَ طَرِيْقَتَهُ

پس گفته شد وکی دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

وَاسْتَعْمَلْتَ سُنَّتَهُ وَاَحْبَبْتَ بِحُبِّهِ وَاَبْغَضْتَ بِبُغْضِهِ

وعمل کنی سنت او را و دوست داری کسی را بسبب دوستی او و دشمن داری کسی را بسبب دشمنی وی

وَوَالَيْتَ بِوِلَايَتِهِ وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهِ وَيَتَفَاوَتُ

و دوست شوی بدوستی وی و عداوت کنی بعداوت وی و متفاوت اند

النَّاسُ فِي الْاِيْمَانِ عَلٰى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي مَحَبَّتِي

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

٨٢

جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وسلم فقال كيف تقول في رجل احب قوما ولم يلحق بهم فقال المرء مع من احب

ويتفاوتون في الكفر على قدر تفاوتهم في بعض الا

ومتفاوت میشوند در کفر باندازهٔ تفاوت ایشان در بعض من آگاه باشید

لا ايمان لمن لا محبة له الا لا ايمان لمن لا محبة له

نیست ایمان مرآن شخص را که نیست محبت مر ورا آگاه باش نیست ایمان مرآنکس را که نیست محبت مر او را

الا لا ايمان لمن لا محبة له كذا في الدلائل وقيل

آگاه باش نیست ایمان مرآنکس را که نیست محبت آنرا چنین ست در دلائل خیرات — و گفته شد

لرسول الله صلى الله عليه وسلم نرى مؤمنا يخشع و

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می بینیم مومنی را که خوف میکند

مؤمنا لا يخشع ما السبب في ذلك فقال من وجد لايمانه

و مومنی را که خوف نمیکند چیست سبب درانمیان پس گفت هر که یابد برای ایمان خود

حلاوة خشع ومن لم يجدها لم يخشع فقيل بم توجد

ذائقه خوف میکند و کسیکه نیافت آنرا خوف نمی کند پس گفته شد بچه یافته میشود آن حلاوت

او بم تنال وبما تكتسب قال بصدق الحب في الله فقيل

یا بچه حاصل کرده میشود و باچه کسب کرده میشود گفت براست محبت در مقدمهٔ خدا پس گفته شد

وبم يوجد حب الله او بم يكتسب فقال بحب رسوله

و بچه یافته میشود محبت خدا یا بچه کسب کرده شود پس گفت بسبب محبت پیغمبر وی

فالتمسوا رضاء الله ورضاء رسوله في حبهما كذا في الدلائل

پس بجوئید رضای خدا و رضای پیغمبر او در محبت هردو چنانست در دلائل الخیرات

٨٥

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ

وگفته شده مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را کیستند آل محمد

الَّذِينَ أُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَإِكْرَامِهِمْ وَالْبُرُورِ بِهِمْ فَقَالَ

که امر کرده شده ایم بمحبت ایشان وگرامی کردن ایشان ونیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

أَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ آمَنَ وَأَخْلَصَ فَقِيلَ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

صاحب صفا ووفا واحسان که ایمان آورد وخالص کرد پس گفته شد وچیست نشانهای ایشان

فَقَالَ إِيثَارُ مَحَبَّتِي عَلَى كُلِّ مَحْبُوبٍ وَاشْتِغَالُ الْبَاطِنِ

پس گفت اختیار کردن محبت من بر همه دوست داشته شده ومشغول داشتن باطن خود را

بِذِكْرِي بَعْدَ ذِكْرِ اللهِ وَفِي أُخْرَى عَلَامَتُهُمْ إِدْمَانُ

بذکر من بعد از ذکر خدا ودر روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذِكْرِي وَالْإِكْثَارُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ دَلَائِلُ وَقِيلَ

ذکر من بسیار درود فرستادن بر من است وگفته شد

لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْإِيمَانِ

مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم کیست قوی در ایمان آوردن

بِكَ فَقَالَ مَنْ آمَنَ بِي وَلَمْ يَرَنِي فَإِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِي عَلَى

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آرد بمن وندیده مرا پس بدرستیکه وی مومن است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِي مَحَبَّتِي وَعَلَامَةُ ذَلِكَ مِنْهُ أَنَّهُ

شوقیکه او راست وبر صدقیکه در محبت من است ونشان آن از او است که او

يَوَدُّ رُؤْيَتِي بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ وَفِي أُخْرَى مِلْءَ الْأَرْضِ

دوست میدارد دیدار مرا باتمام آنچه که مالک شده است ودر روایت دیگر لفظ ملا الارض

ذَهَبًا ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ بِي حَقًّا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ

ذهبا است آنکس مومن است بامن حقیقةً چنین است در دلائل وگفته است



صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِي هٰذِهِ الْاَحَادِيْثِ الْاَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع درین چهار حدیث

اَعْرِفُهَا وَلَمْ اَجِدْهَا كِتٰبُ الْعِلْمِ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نمیشناسم اینها را و نیافتم این هر چهار را جز این نیست که میترسد خدا

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ

عالمان از بندگان او و شتابی مکن بخواندن قران پیش از آنکه

اَنْ يُّقْضٰى اِلَيْكَ وَحْيُهٗ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او و بگو ای پروردگار من بیفزا مرا علم

بَابُ مَا جَآءَ فِيْ فَضْلِ الْعِلْمِ



وَالْعُلَمَاءِ وَعَنْ كَثِيرِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كُنْتُ
و روایت است از کثیر ابن قیس گفت بودم من
جَالِسًا مَعَ أَبِي الدَّرْدَاءِ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ
نشسته با ابو درداء در مسجد دمشق پس آمد اورا مردے
فَقَالَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ إِنِّي جِئْتُكَ مِنْ مَدِينَةِ الرَّسُولِ
پس گفت ای ابا درداء بدرستیکه من آمده ام ترا از مدینه پیغمبر
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَدِيثٍ بَلَغَنِي أَنَّكَ تُحَدِّثُهُ
صلی الله علیه و سلم جهت شنیدن حدیثے که رسیده است مرا که تو خبر میدهی از ان
عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جِئْتُ لِحَاجَةٍ
از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیامده ام از جهت حاجتے دیگر
قَالَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
گفت پس بدرستیکه من شنیده ام پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را
يَقُولُ مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللّٰهُ بِهِ
گفت کسے که برود راه را که طلب کند دروے علمے ببرد خدا اورا
طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا
براہے از راه ہاے بہشت و بدرستیکه فرشتگان ہر آئینہ می نہند بازو ہاے خود را
رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ
بجهت رضامندی طالب علم و بدرستیکه عالم ہر آئینہ آمرزش میخواہد برای او ہر که

فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

در آسمان است و هر که در زمین است و ماهیان در میان آب

وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

و بدرستیکه فضیلت عالم بر عابد همچو فضل ماه شب

الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چهاردهم است بر باقی همه کواکب و بدرستیکه عالمان وارثان

الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند و بدرستیکه پیغمبران وارث نگردانیده دینار را و نه درهم را

وَإِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ رَوَاهُ

و نگذاشته اند بارث مگر علم را پس کسیکه گرفت علم را گرفت نصیبی تمام روایت کرد

أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَ

احمد و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه و

الدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ ابْنَ كَثِيرٍ

دارمی و نام ورثت را ویرا ترمذی به قیس ابن کثیر

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ

علیه و سلم چون بمیرد آدمی بریده شود از وی هر عملی که میکند



إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

مگر از سه عمل یکی از آن صدقه جاریه و یا علم که نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوْ لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بان یا فرزند نیک کردار که دعا کند اورا رواه مسلم و در روایت است

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي الْاثْنَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر در دو کس مرد یکه داد اورا خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

مال پس گماشت وی تعالی انرا بر ہلاک کردن اتمال در طاعت حق و مرد یکه داد اورا خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِيْ بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس او حکم و عمل میکند بدان و تعلیم میکند انرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوْا عَنِّيْ وَلَوْ آيَةً

صلے اللہ علیہ وسلم برسانید از من اگرچه آیتی باشد

وَحَدِّثُوْا عَنْ بَنِيْ إِسْرَائِيْلَ وَلَا حَرَجَ

و حکایت کنید از بنی اسرائیل و نیست گناهی

وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

و هر که دروغ بربندد و برمن قصدا پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

روایت کرد بخاری رحمه الله ازوی روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلی الله علیه وسلم کسیکه رهائش دهد و دور گرداند از مسلمانی اندوهی

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللّٰهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوه های دنیا آسایش دهد و دور گرداند خدا تعالی از آنکس اندوه را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلٰى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

اندوه های روز قیامت و کسیکه آسان گرداند کار بر تنگدستی در دشواری افتاده است آسان گرداند خدا بروی دشواری

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللّٰهُ فِي

در دنیا و آخرت و کسیکه بپوشد عیب مسلمانی را بپوشد او را خدا تعالی

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاللّٰهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنیا و آخرت و خدای تعالی در یاری کردن بنده است مادام که بنده

فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللّٰهُ

در یاری کردن برادر خود است و کسیکه برود در راهی که طلب کند در وی علمی را آسان گرداند حق تعالی

لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللّٰهِ

مر او را بسبب آن راه راهی بسوی بهشت و نه فراهم آیند گروهی در خانه از خانه های خدا



يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم الا نزلت

که بخوانند قرآن را بطريق ورد و با تعليم کنند آنرا با يکديگر مگر آنکه فرو آيد بر ايشان

عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم

آرام باطن و بپوشد ايشانرا رحمت و گرد ميگيرند ايشانرا

الملئكة وذكرهم الله فيمن عنده ومن بطأ

فرشتگان و ياد ميکند ايشانرا خدا تعالى در ميان جمعى که نزد او يند و کسيکه

به عمله لم يسرع به نسبه رواه مسلم

پس اندازد اورا عمل او پيش نمى آرد او را نسب او رواه مسلم

وعن ابي امامة الباهلي رض قال ذكر

روايت است از ابى امامه باهلى رض گفت ذکر کرده شد بر

لرسول الله صلى الله عليه وسلم رجلان

رسول خدا صلى الله عليه وسلم دو مرد يکى

احدهما عابد والآخر عالم فقال رسول الله

ازان دو مرد عابد و ديگر عالم پس فرمود پيغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فضل العالم على العابد

صلى الله عليه وسلم فضل عالم بر عابد

كفضلي على ادناكم ثم قال رسول الله صلى الله

همچو فضل من است بر ادنائى شما پس فرمود پيغمبر خدا صلى الله

٩٢

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمٰوٰتِ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی و فرشتگان او واسمانیان

وَالْأَرْضِ حَتَّى النَّمْلَةَ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوتَ لَيُصَلُّونَ

وزمینیان تا مورچه در سوراخ خود وتا ماهی هرائینه درود میفرستند

عَلٰى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بر تعلیم کنند خیر مردم را رواه ترمذی وروایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيمِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ

سخن علم وحکمت چیز گم شده حکیم است پس هر جا که یافت الکلمه را پس الحکیم

أَحَقُّ بِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

سزاوار تر است بانکه رواه ترمذی وابن ماجه روایت است

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَقِيهٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ

وسلم یک فقیه سخت تر است بر شیطان از هزار

عَابِدٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض

عابد رواه ترمذی وابن ماجه وروایت است از انس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم طلب العلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب علم

فريضة على كل مسلم وواضع العلم عند غير اهله

فرض است بر هر مسلم و نهنده علم نزد کسیکه اهل آن نیست

كمقلد الخنازير الجوهر واللؤلؤ والذهب

همچو اندازنده است بگردن خوکان قلاده جواهر و مروارید و طلا

رواه ابن ماجة وروى البيهقي في شعب الايمان

رواه ابن ماجه و روایت کرد بیهقی در شعب ایمان

الى قوله مسلم وقال هذا حديث متنه مشهور

تا قول او که مسلم است و گفت این حدیث است که متن او مشهور شده است

واسناده ضعيف وقد روي من اوجه كلها ضعيف

در میان مردم و اسناد او ضعیف است و تحقیق روایت کرده شده است از وجوه طرق که همه ضعیف است

وعن انس رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از انس رض که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من خرج في طلب العلم فهو في سبيل

علیه وسلم کسیکه بیرون آمد برای طلب علم پس وی در راه

الله حتى يرجع رواه الترمذي والدارمي

خدا است تا هنگام بازگشتن رواه ترمذی و دارمی

تا هنگام باز آمدن بخانه چنانکه کسیکه جهاد با کفار برآید تا باز آمدن در راه خداست و درج نیز همچنین گفته اند

و آمرورنکه این حدیث روایت کرده بود ترسیده بود از هیبت نزد و برگشت و موی بر اندام او بالیستاد و لکوشت کردر میان دوکتف

وَعَنْ سَخْبَرَةَ الأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

و روایت است از سخبره ازدی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ كَانَ كَفَّارَةً

صلی الله علیه وسلم هرکه طلب کند علم را باشد این طلب او کفارت

لِمَا مَضَى رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ

گناهان را که گذشته است رواه ترمذی و دارمی و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَنْ يَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّى يَكُونَ مُنْتَهَاهُ

هرگز سیر نمیگردد مومن از شنیدن سخن نیک تا آنکه میباشد عاقبت کار او

الْجَنَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ

بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رض گفت شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ نَضَّرَ اللهُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت تر و تازه گرداند خدای تعالی

۹۵

عرض داشت کرد که یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من هرچه از زبان مبارک شما می شنوم یاد میگیرم بعض حدیث یاد نمی ماند رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود



اِمْرَءً سَمِعَ مِنَّا شَيْئًا فَبَلَّغَهُ كَمَا سَمِعَهُ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ اَوْعٰى لَهُ مِنْ

مردیرا که شنید از ما چیزیرا پس برسانید آنرا همچنانکه شنید آنرا پس بسا کسیکه رسانیده شد بوی نگاهدارنده‌تر است

سَامِعٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَوْفِ بْنِ مَالِكٍ الْاَشْجَعِيِّ

شنونده روایت کرد ترمذی و روایت است از عوف ابن مالک اشجعی رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقُصُّ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وعظ نمیگوید

اِلَّا اَمِيْرٌ اَوْ مَامُوْرٌ اَوْ مُخْتَالٌ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ

مگر حاکم یا کسیکه امر کرده است او را حاکم یا مردی متکبر روایت کرد ابو داود و روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی علیه وسلم کسیکه

اُفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ اِثْمُهُ عَلٰى مَنْ اَفْتَاهُ وَمَنْ اَشَارَ عَلٰى

فتوی داده شد بی دانش باشد گناه او بر کسیکه استفتا نمود و او را و کسیکه امر کرد

اَخِيْهِ بِاَمْرٍ يَعْلَمُ اَنَّ الرُّشْدَ فِيْ غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ رَوَاهُ

برادر خود را بکاری که میداند آنکه صلاح کار در غیر آن کار است پس بتحقیق خیانت کرد او را روایت کرد

أبو داود وعن معاوية قال إن النبي صلى الله عليه

ابو داود و روایت ست از معاویه که گفت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله

وسلم نهى عن الأغلوطات رواه أبو داود وعن

علیه وسلم نهی کرد از اغلوطات یعنی از مغالطات رواه ابو داود و روایت است

أبي هريرة رواية يوشك أن يضرب الناس أكباد

از ابی هریره رض بطریق روایت نزدیکست که بزنند مردم جگرهای

الإبل يطلبون العلم فلا يجدون أحدا أعلم

شتران را در اینحالیکه طلب می کنند علم را پس نیابند هیچ یکی را داناتر

من عالم المدينة رواه الترمذي

از عالم مدینه مطهره رواه ترمذی



وعنه فيما اعلم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی در آنچه میدانم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اینحدیث را فرمود

قال ان الله عز وجل يبعث لهذه الامة على راس كل

پیغمبر خدا بتحقیق خدا برانگیزد برای نفع این امت بر سر هر

مائة سنة من يجدد لها دينها رواه ابو داود وعن

صد سالی کسے را که نو می گرداند برای این امت دین او را. رواه ابوداود و روایت است از

الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

حسن رض از روی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من جاءه الموت وهو يطلب العلم ليحيي به الاسلام

کسیکه بیاید او را مرگ حال آنکه وی طلب کند علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام

فبينه وبين النبيين درجة واحدة في الجنة رواه

پس میان او و میان پیغمبران یکپایه تفاوت است در جنت رواه

الدارمي وعن واثلة بن الاسقع قال قال رسول الله

دارمی و روایت است از واثله بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم فادركه كان له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس بیابد آنرا باشد مر او را

كفلان من الاجر فان لم يدركه كان له كفل من الاجر

دو نصیب از ثواب پس اگر در نیافت آن علم را باشد مر او را یک ثواب

٩٨

رواه الدارمي وعن ابي هريرة رضه قال قال رسول الله

رواه دارمی در روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان مما يلحق المؤمن من عمله

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از انچه میرسد مسلمانرا از ثواب کردار وے

وحسناته بعد موته علما علمه ونشره وولدا

و از نیکیهای وے بعد از مرگ وے علمیست که دانست او و او پراگنده کرد آنرا و فرزندے

صالحا تركه او مصحفا ورثه او مسجدا بناه او بيتا

نیک کردار که گذاشت او را یا مصحفے که بارث گذاشت او را یا مسجدے که بنا کرد او را یا خانه

لابن السبيل بناه او نهرا اجراه او صدقة اخرجها

که برای مسافران بنا کرده است یا نهرے که روان ساخت آنرا یا صدقه که بیرون آورد آنرا

من ماله في صحته وحياته تلحقه بعد موته

از مال خود در تندرستی خود و در حیات خود میرسد ثواب این چیزها آن مسلمانرا پس مرگ او

رواه ابن ماجه والبيهقي في شعب الايمان

روایت ابن ماجه و بیهقی در شعب الایمان

وعن عائشة رض انها قالت سمعت رسول الله

و روایت است از عائشه رض بدرستیکه گفت شنیدم من آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول ان الله عز وجل اوحى الي

صلی الله علیه وسلم میگفت بدرستیکه خدای تعالی وحی کرد بسوی من

٩٩



أَنَّهُ مَنْ سَلَكَ مَسْلَكًا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ سَهَّلَتْ لَهُ طَرِيقَ

هر که برود راهی در طلب علم آسان گردانم مراو را راه

الْجَنَّةِ وَمَنْ سَلَبْتُ كَرِيمَتَيْهِ أَثَبْتُهُ عَلَيْهِمَا الْجَنَّةَ وَفَضْلٌ

بهشت و کسیکه بربایم من هر دو چشم او را ثواب دهم او را در مقابله دو چشم بهشت و زیادتی

فِي عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ فَضْلٍ فِي عِبَادَةٍ وَمِلَاكُ الدِّينِ الْوَرَعُ

در علم بهترست از زیادتی در عبادت و سبب استحکام و قوة دین ورع و تقوی ست

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

روا کرد بیهقی در شعب الایمان و روایت ست از ابن عباس رضه

قَالَ تَدَارُسُ الْعِلْمِ سَاعَةً مِنَ اللَّيْلِ خَيْرٌ مِنْ إِحْيَائِهَا

گفت درس گفتن علم یک ساعت از شب بهترست از زنده گردانیدن تمام شب

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو رض أَنَّ

روا کرد دارمی و روایت ست از عبد الله بن عمرو رضه بدرستیکه

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِمَجْلِسَيْنِ فِي مَسْجِدِهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بدو مجلس که در مسجد شریف وی بود

فَقَالَ كِلَاهُمَا عَلَى خَيْرٍ وَأَحَدُهُمَا أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ أَمَّا

پس فرمود آن حضرت اهل هر دو مجلس ثابت اند بر نیکی و یکی از آن دو اهل مجلس فاضلتر است از دیگر

هٰؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللهَ وَيَرْغَبُونَ إِلَيْهِ فَإِنْ شَاءَ

اما جماعت مشغول اند بدعا پس میخوانند خدا را و رغبت می کنند بسوی او پس اگر میخواهد

أَعْطَاهُمْ وَإِنْ شَاءَ مَنَعَهُمْ وَأَمَّا هٰؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ

میدهد ایشان را و اگر میخواهد منع کند ایشان را واما این طایفه که مشغول اند بمذاکره

الْفِقْهَ أَوِ الْعِلْمَ وَيُعَلِّمُونَ الْجَاهِلَ فَهُمْ أَفْضَلُ

فقه را یا علم را و می آموزند نادان را پس ایشان فاضلتر اند

١٠٠

وَاِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ثُمَّ جَلَسَ فِيْهِمْ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَبِي

و فرستاده شده ام من مگر آموزنده علم را پس نشست آنحضرت در میان آن قوم روایت کرده دارمی و روایت است از ابی

الدَّرْدَاءِ قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي

درداء رضی الله عنه گفت پرسیده شد از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

اِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيْهًا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چون برسد مرد این مرتبه را باشد در اعداد فقها پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ حَفِظَ عَلٰى اُمَّتِيْ اَرْبَعِيْنَ حَدِيْثًا فِيْ اَمْرِ دِيْنِهَا بَعَثَهُ اللّٰهُ فَقِيْهًا

کسیکه یاد کرد و برساند برامت من چهل حدیث از کار دین ایشان برانگیزد خدا تعالی او را در زمره فقها

وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شَافِعًا وَّشَهِيْدًا وَعَنْ اَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

و باشم من او را روز قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَدْرُوْنَ مَنْ اَجْوَدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا در یابید که کیست زیاده تر

جُوْدًا قَالُوا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ اَعْلَمُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اَجْوَدُ جُوْدًا ثُمَّ اَنَا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا داناتر است گفت کامل تر از روی جود خدا تعالی است پس تر من

اَجْوَدُ بَنِيْ اٰدَمَ وَاَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِيْ رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهٗ

جوادترم از میان آدمیان جوادترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يَاْتِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَمِيْرًا وَّحْدَهٗ اَوْ قَالَ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَعَنْهُ

می آید روز قیامت تنها مانند امیری که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند امت واحده و روایت است از وی

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نمی شوند

مَنْهُوْمٌ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ وَمَنْهُوْمٌ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمیشود

بدانکه این حدیث بطرق متعدده روایت شده علما کبار از سلف و خلف اربعینات تصنیف کرده اند و مراد بشفاعت و شهادت آنحضرت صلی الله علیه وسلم … بخصوص … از انسان … پس … باشد ایشان را … و بعضی از … [illegible]

مِنْهَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَقَالَ

ازان روایت کرد بیہقی این ہر سہ احادیث را در شعب الایمان وگفت

قَالَ الْاِمَامُ اَحْمَدُ فِي حَدِيْثِ اَبِي الدَّرْدَاءِ هٰذَا مَتْنٌ مَشْهُوْرٌ فِيْمَا

کہ گفت امام احمد درحدیث ابی درداء متن اینحدیث مشہور است درمیان

بَيْنَ النَّاسِ وَلَيْسَ لَهٗ اِسْنَادٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ عَوْنٍ قَالَ قَالَ عَبْدُ اللّٰهِ

مردم ونیست مرویرا اسناد صحیح وروایت ازعون گفت گفت عبداللہ

بْنُ مَسْعُوْدٍ مَنْهُوْمَانِ لَا يَشْبَعَانِ صَاحِبُ الْعِلْمِ وَصَاحِبُ الدُّنْيَا

ابن مسعود [illegible] دو حریص سیرنمی شوند اہل علم و اہل دنیا

وَلَا يَسْتَوِيَانِ اَمَّا صَاحِبُ الْعِلْمِ فَيَزْدَادُ رِضًا لِلرَّحْمٰنِ. وَاَمَّا

وبرابر نیستند این ہردو اما صاحب علم پس زیادہ میکند خوشنودی خدای مہربان را ولیکن

صَاحِبُ الدُّنْيَا فَيَتَمَادٰى فِي الطُّغْيَانِ ثُمَّ قَرَأَ عَبْدُ اللّٰهِ كَلَّا اِنَّ

صاحب دنیا پس نہایت میرود در سرکشی باز خواند عبداللہ این آیہ را حقا ہرآئینہ

الْاِنْسَانَ لَيَطْغٰى اَنْ رَّاٰهُ اسْتَغْنٰى قَالَ وَقَالَ الْاٰخَرَ

آدمی ازحد میگذرد وقتیکہ می بیند خود را توانگر شدہ گفت وگفت باردیگر

اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

جز این نیست کہ می ترسند از خدا عالمان از بندگان او رواہ دارمی ومرویست ازوی

مُرْسَلًا قَالَ سُئِلَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلَيْنِ

ازروی مرسل گفت پرسیدہ شد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ازحال دو مرد

كَانَا فِي بَنِي اِسْرَائِيْلَ اَحَدُهُمَا كَانَ عَالِمًا يُصَلِّي الْمَكْتُوْبَةَ ثُمَّ

کہ بودند در فرزندان یعقوب یکے ازان دو مرد بود عالم کہ میگذارد نماز فرض را پس

يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ وَالْاٰخَرُ يَصُوْمُ النَّهَارَ وَيَقُوْمُ

می نشست پس می آموخت مردم را علم و دیگر روزه میداشت بروز ونماز میگذارد

اللَّيْلَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضْلُ هٰذَا

در شب کدام یکے ازین دو مرد فاضلتر است فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم زیادتی ثواب این

الْعَالِمِ الَّذِي يُصَلِّي الْمَكْتُوبَةَ ثُمَّ يَجْلِسُ فَيُعَلِّمُ النَّاسَ الْخَيْرَ عَلَى

عالم که صفتش اینست که میگذارد نماز فرض را پستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بران

الْعَابِدِ الَّذِي يَصُومُ النَّهَارَ وَيَقُومُ اللَّيْلَ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ

مرد عابد که روزه میداشت بروز و نماز میگذارد بشب همچو فضل منست بر مرد یکیست پایه ترست از شما

رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ بَابُ مَا جَاءَ فِي عِلْمٍ بِلَا عَمَلٍ وَشِرَارِ الْعُلَمَاءِ

روایت کرد [illegible] باب آنچه وارد شده است در علم بلا عمل و بدترین علماء

أَفَرَأَيْتَ [illegible] اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ

آیا دیدی [illegible] خواهش نفس خود را و گمراه کرد او را خدا با وجود دانش و مهر نهاد

عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ

بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را

بَعْدِ اللّٰهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

بعد از خدا آیا پند نمی گیرید آیا میفرمائید مردمان را بنکوکاری و فراموش میکنید

أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

خویشتن را و شما میخوانید کتاب آیا نمی فهمید و روایتست از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ عِلْمٍ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم مثال علمے که نفع گرفته نمی شود بو

كَمَثَلِ كَنْزٍ لَا يُنْفَقُ مِنْهُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ

مانند حال گنج است که داده نمی شود از وی در راه خدا روایت کرد احمد و دارمی

وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوشِكُ

و روایت است از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم نزدیک است

اَنْ يَّاْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقٰى مِنَ الْاِسْلَامِ اِلَّا اسْمُهٗ

که بیاید بر مردم روزگاری که باقی نماند از دین مگر نام او

وَلَا يَبْقٰى مِنَ الْقُرْاٰنِ اِلَّا رَسْمُهٗ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ

و باقی نماند از قرآن مگر آئین وی مسجدهای ایشان آبادان است و حال آنکه آن مسجدها ویران

مِنَ الْهُدٰى عُلَمَاءُهُمْ شَرٌّ مَنْ تَحْتَ اَدِيْمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ

از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيْهِمْ تَعُوْدُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

بیرون می آید فتنه و باز هم در ایشان باز میگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و مروی است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

تَعَوَّذُوْا بِاللّٰهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پناه جوئید بخدا از جب حزن گفتند ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا جُبُّ الْحُزْنِ قَالَ وَادٍ فِيْ جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ

و سلم و چیست جب حزن فرمود وادی است در دوزخ پناه میجوید از وی دوزخ هر

يَوْمٍ اَرْبَعَ مِائَةِ مَرَّةٍ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَنْ يَدْخُلُهَا قَالَ

روز چهار صد مرتبه گفته شد ای پیغمبر خدا که می درآید آنرا فرمود

اَلْقُرَّاءُ الْمُرَاءُوْنَ بِاَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَكَذَا ابْنُ مَاجَةَ

قرآن خوانندگان ریا کنندگان بعملهای خود رواه ترمذی و همچنین ابن ماجه

وَزَادَ فِيْهِ وَاِنَّ مِنْ اَبْغَضِ الْقُرَّاءِ اِلَى اللّٰهِ الَّذِيْنَ يَزُوْرُوْنَ الْاُمَرَاءَ

و زیاده کرد در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته شده ترین قراء بسوی خدا آن کسان اند که طاقات میکنند امرا را

قَالَ الْمُحَارِبِيُّ يَعْنِي الْجَوَرَةَ وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ

گفت محاربی مراد به امرا جابران اند و روایت است از حسن رض گفت علم دو علم است

فَعِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَاكَ حُجَّةُ

پس یک علم علمی ست کہ در دل ست پس آن علمی ست سودمند و دیگر علمی ست کہ بر سر زبانست پس این علم حجت

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ابْنِ آدَمَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ زِيَادِ بْنِ

خدا است بر آدمیان کہ بدان الزام خواہد داد ابن آدم را رواہ الدارمی و روایت ہست از زیاد ابن

حُدَيْرٍ قَالَ لِي عُمَرُ رض هَلْ تَعْرِفُ مَا يَهْدِمُ الْإِسْلَامَ قُلْتُ لَا قَالَ

حدیر کہ گفت مرا عمر رض ایا می شناسی چہ چیز می شکند بنای اسلام را گفتم من نمی شناسم گفت عمر

يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْأَئِمَّةِ

می شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امرای جور

الْمُضِلِّينَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ إِنَّ مِنْ

کہ گمراہ کنندگان خلق اند رواہ دارمی و مرویست از ابی درداء گفت بدرستیکہ از جملہ

أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ رَوَاهُ

بدترین مردمان نزد خدا تعالی از روی مرتبہ روز قیامت عالمی ست کہ فائدہ نمیگیرد از علم خود رواہ

الدَّارِمِيُّ وَعَنِ الْأَحْوَصِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ النَّبِيَّ

دارمی و روایت ست از احوص بن حکیم از پدر خود رض گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشَّرِّ فَقَالَ لَا تَسْأَلُونِي عَنِ الشَّرِّ وَسَلُونِي

صلی اللہ علیہ وسلم از بدے پس فرمود مپرسید مرا از شر و بپرسید مرا

عَنِ الْخَيْرِ يَقُولُهَا ثَلٰثًا ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ شَرَّ الشَّرِّ شِرَارُ الْعُلَمَاءِ وَإِنَّ

از خیر فرمود این کلمہ را سہ بار بعد فرمود بدانید کہ بدرستی بدترین بدان بدان علما اند و بدرستی کہ

خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ سُفْيَانَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ

نیکترین نیکان نیکان علما اند رواہ دارمی و مرویست از سفیان بدرستی کہ عمر ابن

الْخَطَّابِ رض قَالَ لِكَعْبٍ مَنْ أَرْبَابُ الْعِلْمِ قَالَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِمَا يَعْلَمُونَ

خطاب رض گفت مر کعب را کہ کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند کہ عمل میکنند بانچہ علم دارند

قَالَ فَمَا أَخْرَجَ الْعِلْمَ مِنْ قُلُوبِ الْعُلَمَاءِ قَالَ الطَّمَعُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

گفت پس چه چیز بیرون می کند نور علم را از دلہائے علما را گفت طمع بیرون می کند رواه دارمی

وَعَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آفَةُ الْعِلْمِ

و روایت است از اعمش رحمه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم آفت علم

النِّسْيَانُ وَإِضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ مُرْسَلًا

فراموشی است و ضائع گردانیدن علم اینست که حدیث کنی علم را بغیر اہل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ صَانُوا الْعِلْمَ

و روایت است از عبد الله ابن مسعود رضه گفت اگر بودے که اہل علم نگاه میداشتند علم را

وَوَضَعُوهُ عِنْدَ أَهْلِهِ لَسَادُوا بِهِ أَهْلَ زَمَانِهِمْ وَلٰكِنَّهُمْ بَذَلُوهُ

و می نهادند علم را نزد اہل آن هر آئینه مهتر می شدند بسبب علم اہل زمان خود را و لیکن اہل علم در باختند علم را

لِأَهْلِ الدُّنْيَا لِيَنَالُوا بِهِ مِنْ دُنْيَاهُمْ فَهَانُوا عَلَيْهِمْ سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ

مر اہل دنیا را تا بیابند بدان علم چیزے از دنیائے ایشان پس خوار شدند نزد اہل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هَمًّا وَاحِدًا هَمَّ آخِرَتِهِ

صلے الله علیه وسلم میفرمود کسے که بگرداند قصدہائے خود یک مقصد که قصد آخرت است

كَفَاهُ اللهُ هَمَّ دُنْيَاهُ وَمَنْ تَشَعَّبَتْ بِهِ الْهُمُومُ أَحْوَالَ الدُّنْيَا

بسنده کند او را خدا از قصدہائے مقصود دنیا وی او را و کسے که پریشان گرداند او را قصدہائے او که احوال دنیا است

لَمْ يُبَالِ اللهُ فِي أَيِّ أَوْدِيَتِهَا هَلَكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

باک نه پرواند ارد خدا که در کدام یکے از وادیہائے دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُنَاسًا

ابن عباس رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم بدرستیکه بعض مردم

مِنْ أُمَّتِي سَيَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ وَيَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ وَيَقُولُونَ

از امت من نزدیک باشد که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و بگویند

نأتي الأمراء فنصيب من دنياهم ونعتزلهم بديننا ولا يكون

می آئیم امرا را پس میرسیم چیزے از دنیاے ایشان و گوشه میگیریم از ایشان با دین خود و نمی شود

ذلك كما لا يجتنى من القتاد إلا الشوك كذلك لا يجتنى من قربهم

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خاردار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إلا قال محمد بن الصباح كأنه يعني الخطايا رواه ابن ماجة وعنه

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد ازان گناهان را رواه ابن ماجه و روایت است ازو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أول الناس يقضى عليه

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه و سلم بدرستیکه نخستین مردیکه که حکم کرده شود برو

يوم القيمة رجل استشهد فأتي به فعرفه نعمه فعرفها فقال

روز قیامت مردیست که کشته شده در راه خدا پس آورده میشود پس شناساند خدا مر آنرا نعمت های خود را پس شناسد پس گفت خدا پس

فما عملت فيها قال قاتلت فيك حتى استشهدت قال كذبت

با آنمرد پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت بگوید آنمرد کارزار کردم براے تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

ولكنك قاتلت لأن يقال جريء فقد قيل ثم أمر به فسحب

و لیکن تو کارزار کردی براے اینکه گفته شود که فلان دلیر است پس تحقیق گفته شد بسترا امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود

على وجهه حتى ألقي في النار ورجل تعلم العلم وعلمه وقرأ

بر روے خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

القرآن فأتي به فعرفه نعمه فعرفها قال فما عملت فيها قال

قرآن را پس آورده شود او را پس شناساند او را خدا نعمتها خود پس شناسد او آن نعمتها را بگوید خدا پس چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آنمرد

تعلمت العلم وعلمته وقرأت فيك القرآن قال كذبت ولكنك

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضاے تو میگوید خدا تعالے دروغ گفتی و لیکن تو

تعلمت العلم ليقال إنك عالم وقرأت القرآن ليقال هو قارئ

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا بگویند مردم که فلان خواننده قرآن است

فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار ورجل وسع

پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی وی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دیگر مردیکه فراخ گردانیده است

الله عليه الرزق وأعطاه من أصناف المال كله فأتي به فعرفه نعمه

خدا بر وی روزی و داده است او را از گونه های مال همه مال پس آورده شود او را پس شناسانده شود او را نعمتهای او پس خود

فعرفها قال فما عملت فيها قال ما تركت من سبيل تحب أن ينفق

بشناسد آن نعمت ها را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که صرف کرده شود

فيها إلا أنفقت فيها لك قال كذبت ولكنك فعلت ليقال هو

درین مگر آنکه صرف کردم در آن برضای تو میگوید خداتعالی دروغ گفتی ولیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او

جواد فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه ثم ألقي في النار رواه

سخی است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی خود پس انداخته شود در دوزخ رواه

مسلم وعن عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

مسلم و روایت است از عبد الله بن عمرو رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم إن الله لا يقبض العلم انتزاعا ينتزعه من العباد ولكن يقبض

وسلم بدرستیکه خدا بر نگیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان ولیکن باز میگیرد

العلم بقبض العلماء حتى إذا لم يبق عالما اتخذ الناس رؤسا

علم را بمیرانیدن علماء تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را بگیرند مردم سران

جهالا فسئلوا فأفتوا بغير علم فضلوا وأضلوا متفق عليه وعن

جاهلان را پس پرسیده شوند پس فتوی دهند بی علم پس هم گمراه شوند و هم دیگران را گمراه کنند متفق علیه و روایت است از

أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سئل عن علم

ابی هریره رضه گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی

علمه ثم كتمه ألجم يوم القيامة بلجام من نار رواه أحمد

که میداند آنرا پس بپوشد آنرا لگام کرده شود در دهان او روز قیامت از آتش دوزخ رواه احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ أَنَسٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ

و ابوداود و ترمذے ورواه ابن ماجه از انس رضہ و روایت از کعب ابن

مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُجَارِيَ بِهِ

مالک رضہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکہ طلب کند علم را تاکہ همراهی کند علما را

الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ أَدْخَلَهُ

بآن یاآنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم روی های مردم بسوی خود درآوردا ورا

اللّٰهُ النَّارَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَعَنِ

خدا درآتش دوزخ رواه ترمذے و روایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رضہ و روایت از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ

ابن عباس رضہ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم هرکہ بگوید درقرآن تفسیر

بِرَأْيِهِ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

ازقیاس خود پس باید کہ بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذے و روایت است از ابی ہریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ

گفت فرمود رسول خدا صلے الله علیه وسلم کسیکہ بیاموزد علمے را از جنس علمے کہ طلب کرده شود بدان علم

وَجْهُ اللّٰهِ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ

ذات الٰہی نیاموزد آن علم را مگر آنکہ برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَعْنِي رِيحَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

بهشت روز قیامت رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت از اسامه بن زید رضہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ

آورده شود مردے روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت رودهای او در آتش

فَيَطْحَنُ فِيهَا كَطَحْنِ الْحِمَارِ بِرَحَاهُ فَيَجْتَمِعُ أَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ أَيْ

پس آس میکند گرد ردهای خود را چنانچه آس گرد خر آسیای خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آن مرد پس بگویند ای

فُلَانُ مَا شَأْنُكَ أَلَيْسَ كُنْتَ تَأْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَانَا عَنِ الْمُنْكَرِ

فلان چه حال تست آیا نبوده تو که امر میکردی مارا بمعروف ونهی میکردی مارا از منکر

قَالَ كُنْتُ آمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَاكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ

میگوید آن مرد بودم من که امر میکردم شمارا بمعروف و خود نمیکردم آنرا ونهی میکردم شمارا از منکر وخود میکردم آنرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

متفق علیه وروایتست از انس که بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت

رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي رِجَالًا تُقْرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ

دیدم من شبیکه سیر کنانیده شدم مرا مردمانرا که بریده میشد لبهای ایشان از مقراضهای آتش

قُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا جِبْرِئِيلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ أُمَّتِكَ

گفتم من کیستند ایشان ای جبرئیل گفت ایشان خطیبها اند از امت تو که

يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

بودند امر کنندگان مردم را بانیکی و فراموش میکردند ذاتهای خود را روایه در شرح سنة

كِتَابُ الطَّهَارَةِ

این کتاب طهارتست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ

ای مسلمانان چون برخیزید بسوی نماز پس بشوئید رویهای خود را ودستهای خود را

إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ

تا آرنج ومسح کنید سرهای خود را وبشوئید پایهای خود را تا شتالنگ واگر باشید

جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضٰى أَوْ عَلٰى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ

با جنابت پس غسل کنید واگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما

مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا

از خلا جاے یا مساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک

طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ

پاک را پس مسح کنید بر روہاے خود و دستہاے خود از آن خاک نمیخواہد خدا تعالے که مقرر کند بر شما

مِنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ

مشقتے ولیکن میخواہد که پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شوید که

تَشْكُرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

شکر کنید و روایتست از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

اَلَا اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَا يَمْحُو اللّٰهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوْا بَلٰى

آیا راه نمایم شما را بر عملہائیکه محو میکند خدا تعالے بسبب آن گناہان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبہا را گفتند آری

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِسْبَاغُ الْوُضُوْءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطٰى اِلَى

راه نما ای پیغمبر خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در ہنگام مشقت و بسیارے گامہا در رفتن بسوے

الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ فَذٰلِكُمُ الرِّبَاطُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

مسجدہا و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط رواه مسلم

وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

و مروی است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم کسیکه

تَوَضَّاَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ

وضو کند و نیک کند وضو را می برآیند گناہان او از بدن او تا آنکه مے برآید از

تَحْتِ اَظْفَارِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

زیر ناخنہاے او متفق علیه و روایت است از ابی ہریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّاَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ اَوِ الْمُسْلِمُ فَغَسَلَ وَجْهَهٗ

صلے الله علیه وسلم چون وضو میکند بندهٔ مؤمن یا مسلم پس می شوید روے خود را

خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ خَطِيْئَةٍ نَظَرَ اِلَيْهَا بِعَيْنَيْهِ مَعَ الْمَاءِ اَوْ مَعَ اٰخِرِ

بیرون می آید از روی وی هر گناه که نظر کرده است بسوی آن گناه بهر دو چشم خود همراه آب یا با آخر

قَطْرِ الْمَاءِ فَاِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيْئَةٍ بَطَشَتْهَا

قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو دست خود را بیرون می آید از دست وی هر گناهی که بگرفت آن گناه را

يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ اَوْ مَعَ اٰخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ فَاِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَ كُلُّ

هر دو دست او همراه آب یا همراه آخر قطره از قطرهای آب پس چون می شوید هر دو پای خود بیرون می آید هر

خَطِيْئَةٍ مَشَتْهَا رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاءِ اَوْ مَعَ اٰخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتّٰى يَخْرُجَ

گناهیکه رفته است بسوی آن هر دو پای او همراه آب یا با آخر قطره از قطرهای آب تا آنکه بیرون می آید

نَقِيًّا مِنَ الذُّنُوْبِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از جای وضو پاک از گناهان رواه مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلٰوةٌ مَكْتُوْبَةٌ

صلے الله علیه وسلم نیست هیچ مردے مسلمان که حاضر میشود او را وقت نماز فرض

فَيُحْسِنُ وُضُوْءَهَا وَخُشُوْعَهَا وَرُكُوْعَهَا اِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا

پس نیک میکند وضو نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفاره مر آنچیز را که پیش

مِنَ الذُّنُوْبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيْرَةً وَذٰلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

ازین کرده است از گناهان مادام که بوجود نیارد گناه کبیره را و این کفاره بودن همیشه است رواه مسلم

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عقبه ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ وُضُوْءَهُ ثُمَّ يَقُوْمُ فَيُصَلِّيْ رَكْعَتَيْنِ

نیست هیچ مسلمانے که وضو کند پس نیک سازد وضوء خود را پستر بایستد پس بگذارد دو رکعت

مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ اِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

در حالیکه وی پیش آینده است بدان دو رکعت بدل خود و روے خود مگر آنکه واجب گردد مر وے را بهشت رواه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمَّتِي
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه امت من
يُدْعَوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوْءِ فَمَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ
خوانده شود در محشر غر محجلین از آثار وضو پس کسیکه می تواند از شما
أَنْ يُطِيلَ غُرَّتَهُ فَلْيَفْعَلْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ
که دراز کند غره خودرا باید که بکند متفق علیه و ازوی روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَبْلُغُ الْحِلْيَةُ مِنَ الْمُؤْمِنِ حَيْثُ يَبْلُغُ الْوُضُوْءُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
علیه وسلم میرسد سیما و نشان وضو در دست و پای مؤمن تا آنجا که میرسد آب وضو رواه مسلم
وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو سازد
عَلٰى طُهْرٍ كُتِبَ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض
بر طهارت نوشته شود برای وی ده نیکی رواه ترمذی و روایت است از جابر رض
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ الصَّلٰوةُ وَمِفْتَاحُ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کلید بهشت و مقدمه درآمدن آن نماز است و کلید
الصَّلٰوةِ الطُّهُوْرُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ الصُّنَابِحِيِّ رض قَالَ
نماز و مقدمه او طهارت است رواه احمد و روایت است از عبد الله صنابحی رض گفت
قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فَتَمَضْمَضَ
فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون وضو سازد بنده مسلمان پس آب در دهن میکند
خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ فِيْهِ وَإِذَا اسْتَنْثَرَ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ
بیرون می آیند گناهان از دهن وی و چون بینی می افشاند بیرون می آیند گناهان از
أَنْفِهِ وَإِذَا غَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ وَجْهِهِ حَتّٰى تَخْرُجَ
بینی وی و چون می شوید روی خود را بیرون می آیند گناهان از روی وی تا آنکه

أَشْفَارِ عَيْنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ يَدَيْهِ حَتَّى تَخْرُجَ

سوی پلکہای چشم او پس چون می شوید هردو دست خود را بیرون می آیند گناہان از هردو دست وے تا آنکه بیرون می آیند

مِنْ أَظْفَارِ يَدَيْهِ فَإِذَا مَسَحَ بِرَأْسِهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى

از ناخنہای هردو دست وے پس چون مسح میکند بسر خود بیرون می آیند گناہان از سر وے تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ أُذُنَيْهِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتِ الْخَطَايَا مِنْ رِجْلَيْهِ حَتَّى

بیرون می آیند از هردو گوش وی پس چون می شوید هردو پای خود را بیرون می آیند گناہان از هردو پای وی تا آنکه

تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلٰوتُهُ

بیرون می آیند از زیر ناخنہای هردو پای او پستر میباشد رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نَافِلَةً لَهُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ أُهْدِيَتْ

زیادتی برپاک شدن از گناہان مراورا رواه مالک و نسائی و مرویست از ابی رافع رض گفت بهدیه فرستاده شد

لَهُ شَاةٌ فَجَعَلَهَا فِي الْقِدْرِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

مراورا گوسفندے پس گردانید آن گوسفندرا ابورافع در دیگ پس درآمد پیغمبر خدا صلے اللہ علیه وسلم پس فرمود

مَا هٰذَا يَا أَبَا رَافِعٍ فَقَالَ شَاةٌ أُهْدِيَتْ لَنَا يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَطَبَخْتُهَا فِي

آنحضرت چیست اینکه در دیگ ست ای ابا رافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که بهدیه فرستاده شده است برای ما ای پیغمبر خدا پس پختم آنرا

الْقِدْرِ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ يَا أَبَا رَافِعٍ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي

درین دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابا رافع پس دادم آنحضرت را ذراع پستر فرمود بده مرا

الذِّرَاعَ الْآخَرَ فَنَاوَلْتُهُ الذِّرَاعَ الْآخَرَ ثُمَّ قَالَ نَاوِلْنِي الذِّرَاعَ الْآخَرَ

ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پستر فرمود بده مرا ذراع دیگر

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّمَا لِلشَّاةِ ذِرَاعَانِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

پس گفت ای پیغمبر خدا نمی باشد گوسفندرا مگر دو ذراع پس فرمود مراورا پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَا إِنَّكَ لَوْ سَكَتَّ لَنَاوَلْتَنِي ذِرَاعًا فَذِرَاعًا مَا سَكَتَّ

علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش میماندی هرآئینه میدادی مرا ذراعی بعد از ذراعی مادام که خاموش می بودی

ثم دعا بماء فتمضمض فاه وغسل أطراف أصابعه ثم قام فصلى

پستر طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دهان مبارک خود را و شست کرانهای انگشتان خود را پستر ایستاد پس گذارد نماز

ثم عاد إليهم فوجد عندهم لحما باردا فأكل ثم دخل المسجد

پستر بازگشت بسوی اهل و عیال ابی رافع پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس بخورد آنحضرت پستر درآمد در مسجد را

فصلى ولم يمس ماء رواه أحمد وعن أنس قال كان رسول الله

پس گذارد نماز را و مس نکرد آب را رواه احمد و مرویست از انس رض گفت بود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يتوضأ برطلين ويغتسل بالصاع جمع الجوامع

صلی الله علیه وسلم که وضو میکرد از دو رطل و غسل میکرد از یک صاع مرویست در جمع الجوامع

وعن أبي الدرداء قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أنا أول من يؤذن له بالسجود يوم القيمة وأنا أول من يؤذن

من اول کسی ام که دستوری داده شود مرا در السجده روز قیامت و من نخستین کسی ام که اذن کرده شود

له أن يرفع رأسه فأنظر إلى ما بين يدي فأعرف أمتي من بين

مرا ورا که بردارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی خلقی که ایستاده اند پیش رو دست من پس شناسم امت خود را از میان

الأمم ومن خلفي مثل ذلك وعن يميني مثل ذلك وعن شمالي

امتهای دیگر و بینم از جانب پس پشت خود مانند آن و بینم از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مثل ذلك فقال رجل يا رسول الله كيف تعرف أمتك من بين

مانند آن پس گفت مردی ای پیغمبر خدا چگونه شناسی امت خود را از میان

الأمم فيما بين نوح إلى أمتك قال هم غر محجلون من أثر

امت ها در میان نبی مدینه که در میان نوح است تا امت تو گفت امت من نورانی پیشانی اند از نشان

الوضوء ليس أحد كذلك غيرهم وأعرفهم أنهم يؤتون كتبهم

وضو نیست هیچ کس باین صفت غیر ایشان و شناسم ایشان را بانکه داده شود ایشان را نامه های

بِاَيْمَانِهِمْ وَاَعْرَفُهُمْ تَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ

بدست راست ایشان و شناسم ایشان را بانکه بروند پیش پیش ایشان فرزندان خود ایشان رواه احمد

بَابُ اٰدَبِ الْخَلَاءِ

این باب در آداب بیت الخلا است

عَنْ اَبِیْ اَیُّوْبَ الْاَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا

مرویست از ابی ایوب انصاری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم چون

اَتَيْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوْهَا وَلٰكِنْ شَرِّقُوْا

بیائید شما قضای حاجت را پس رو مکنید بسوی قبلہ و نہ پشت دہید بجانب آن ولیکن رو بجانب شرقی کنید

اَوْ غَرِّبُوْا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ نَهَانَا يَعْنِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ

یا جانب غرب متفق علیہ ومرویست از سلمان رض گفت نہی کرد مارا یعنی پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ لِغَائِطٍ اَوْ بَوْلٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِيَ

صلی اللہ علیہ وسلم ازروی آوردن بقبلہ برای پائخانہ وشاشہ واز استنجا کردن ما

بِالْيَمِيْنِ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِيَ بِاَقَلَّ مِنْ ثَلٰثَةِ اَحْجَارٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِيَ بِرَجِيْعٍ

بدست راست واز استنجا کردن بکمتر از سہ سنگ ونہی کرد از استنجا کردن بسرگین

اَوْ بِعَظْمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

یا باستخوان رواہ مسلم ومرویست از انس رض گفت انس کہ بود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ يَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ

اللہ علیہ وسلم چون درمی آمد بہ خانہ را میگفت اللھم انی اعوذ بک من

الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

الخبث والخبائث ومرویست از ابن عباس رض گفت گذشت پیغمبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ اِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِيْ كَبِيْرٍ

علیہ وسلم بہ دو گور پس فرمود بدرستیکہ صاحبان این دو گور ہر آئینہ عذاب کردہ میشوند وعذاب کردہ نمیشوند

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِهُ

امایکی از آن دو حالش این بود که پرده نمیگرفت در بول و در روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً

از بول اما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پس گرفت شاخی از خرما که تر بود

فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

پس بازکرد آن شاخ را بدو پاره پس در خلانید در هر قبر یکی از آن دو پاره را پس گفتند ای پیغامبر خدا

لِمَ صَنَعْتَ هٰذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم بامید آنکه سبک گردانیده شود عذاب از آن دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّقُوا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بپرهیزید

اللَّاعِنَيْنِ قَالُوا وَمَا اللَّاعِنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از دو کار که سبب لعنت میشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

قَالَ الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم در روایت است از

أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ

انس رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون میخواست که در آید در متوضا

نَزَعَ خَاتَمَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ هٰذَا

می کشید انگشتری خود را رواه ابو داود و نسائی و ترمذی و گفت ابو داود این

حَدِيثٌ مُنْكَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ وَضَعَ بَدَلَ نَزَعَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ

حدیث منکر است و در روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع و مرویست از زید ابن ارقم رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذِهِ الْحُشُوشَ مُحْتَضَرَةٌ فَإِذَا أَتَى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستی که این اینجاها جای حاضر شدن جن و شیاطین اند پس چون بیاید

أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

بخلا یعنی آبخانه را باید که پناه بجوید و بگوید این کلمه را که اعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وابن ماجه و مروایست از علی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

سِتْرُ مَا بَيْنَ أَعْيُنِ الْجِنِّ وَعَوْرَاتِ بَنِي آدَمَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْخَلَاءَ أَنْ

پرده میان چشمهای جن و اندام شرم آدمیان چون درآید یکے از شما محل قضای حاجت را اینست

يَقُوْلَ بِسْمِ اللّٰهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ لَمَّا قَدِمَ

که بگوید بسم الله رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه گفت هرگاه که آمدند

وَفْدُ الْجِنِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنْهَ أُمَّتَكَ

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند اے پیغامبر خدا نهی کن امت خود را

أَنْ يَسْتَنْجُوْا بِعَظْمٍ أَوْ رَوْثَةٍ أَوْ حُمَمَةٍ فَإِنَّ اللّٰهَ جَعَلَ لَنَا فِيْهَا رِزْقًا

از استنجا کردن ایشان با استخوان یا سرگین یا انگشت زیرا که خدا تعالی گردانید برا ما درین سه چیز روزی

فَنَهَانَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذٰلِكَ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ

پس نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم ازان رواه ابو داؤد

بَابُ السِّوَاكِ

این باب در بیان مسواک کردن است

عَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَشْرٌ

روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم ده خصلت

مِنَ الْفِطْرَةِ قَصُّ الشَّارِبِ وَإِعْفَاءُ اللِّحْيَةِ وَالسِّوَاكُ وَاسْتِنْشَاقُ

از فطرت است کوتاه کردن سبلت و فرو گذاشتن ریش و مسواک کردن و آب در بینی

الْمَاءِ وَقَصُّ الْأَظْفَارِ وَغَسْلُ الْبَرَاجِمِ وَنَتْفُ الْإِبْطِ وَحَلْقُ الْعَانَةِ

کردن و گرفتن ناخنها و شستن بندهای انگشتان و برکندن موی بغل و ستردن موے زهار

وَانْتِقَاصُ الْمَاءِ يَعْنِي الْاِسْتِنْجَاءَ قَالَ الرَّاوِيْ وَنَسِيْتُ الْعَاشِرَةَ اِلَّا اَنْ

وکم کردن آبست یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد و گفت راوی حدیث و فراموش کردم خصلت دہم را مگر اینکه

يَكُوْنَ الْمَضْمَضَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

باشد مضمضه رواه مسلم و مرویست از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِّلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِّلرَّبِّ رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم مسواک پاک کننده است مر دهن را و راضی کننده پروردگار را رواه

الشَّافِعِيُّ وَاَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى الْبُخَارِيُّ فِيْ صَحِيْحِهِ بِلَا اِسْنَادٍ

الشافعی واحمد والدارمی والنسائی و روایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر از اسناد

وَعَنْ اَبِيْ اَيُّوْبَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرْبَعٌ

و مرویست از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت اند

مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِيْنَ اَلْحَيَاءُ وَيُرْوَى الْخِتَانُ وَالتَّعَطُّرُ وَالسِّوَاكُ

از سنتهای پیغمبران سابق یکی حیاست و روایت کرده می شود ختان بجای حیا دوم استعمال خوشبو نمودن سوم مسواک

وَالنِّكَاحُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و چهارم نکاح کردن است رواه ترمذی و روایت است از ابی امامه رض بدرستیکه پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا جَاءَنِيْ جِبْرِيْلُ قَطُّ اِلَّا اَمَرَنِيْ بِالسِّوَاكِ

صلی الله علیه وسلم گفت نیامد جبرئیل هرگز مگر آنکه امر کرد مرا بمسواک کردن

لَقَدْ خَشِيْتُ اَنْ اُحْفِيَ مُقَدَّمَ فِيَّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ

هر آیینه ترسیدم از بس مبالغه که بست کنم پیش دهان خود را رواه احمد و مرویست از انس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ اَكْثَرْتُ عَلَيْكُمْ فِي السِّوَاكِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آیینه بتحقیق بسیار کردم بر شما سخن از جهت مسواک رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَفْضُلُ الصَّلٰوةُ

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زیاده می شود در ثواب نمازیکه

نفس ... و الاحباب ... نه بیج ... عزیزی ... (handwritten margin note, partly illegible)

الَّتِيْ يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِيْ لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِيْنَ ضِعْفًا رَوَاهُ

مسواک کرده شده برای وی بر نماز یکه مسواک کرده نمیشود برای وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ابْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان و مرویست از محمد بن یحیی ابن حبان رض گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ اَرَاَيْتَ وُضُوْءَ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ

من مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبر ده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ اَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ اَسْمَاءُ

برای هر نماز وضو باشد یا بی وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسماء

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ اَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ ابْنِ اَبِيْ عَامِرٍ الْغَسِيْلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اُمِرَ بِالْوُضُوْءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسما بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز با وضو باشد یا بی وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَوُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوْءُ اِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرٰى اَنَّ بِهٖ قُوَّةً عَلٰى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهة بی وضوئی گفت عبید الله پس عبد الله که اعتقاد میکرد که مر ویرا قوتست بر این پس میکرد آنکار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ ؎ كِتَابُ الصَّلٰوةِ ؎ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ

مرد روایه احمد این کتاب صلوة است و برپا دارید نماز را

وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ؎ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ

و بدهید زکوة را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبایی

وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخَاشِعِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ يَظُنُّوْنَ اَنَّهُمْ مُّلَاقُوْا

و نماز و هر آینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد

رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ ۝ حَافِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى

با پروردگار خویش و آنانکه ایشان بسوی وی باز خواهند گشت محافظت کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه

وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قَانِتِيْنَ ۝ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ

و بایستید برای خدا فرمان بردار شده پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش پیش از برآمدن

الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوْبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُوْدِ

آفتاب و پیش از فرو شدن او و در بعضے اوقات شب پس بپاکی یاد کن خدا را عقب نماز

بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّرْغِيْبِ فِيْهَا

باب احادیثے که در ترغیب آن وارد شده اند

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ

هر آینه کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشان است

اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝ اَقِمِ الصَّلٰوةَ

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند برپا دار نماز را

لِدُلُوْكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ

وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب لازم گیر قرآن خواندن فجر را هر آینه قرآن خواندن فجر

مَشْهُوْدًا وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ

حاضر میشوند فرشتگان و روایت است از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه گفت پرسیدم پیغامبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الْاَعْمَالِ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الصَّلٰوةُ لِوَقْتِهَا

صلی الله علیه وسلم کدام عمل از عملها محبوب تر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقتش

قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ قُلْتُ ثُمَّ اَيٌّ قَالَ الْجِهَادُ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ

گفتم پس کدام گفت نیکی کردن بمادر و پدر گفتم پس کدام فرمود کارزار کردن با کافران در راه خدا

قَالَ حَدَّثَنِي بِهِنَّ وَلَوِ اسْتَزَدْتُهُ لَزَادَنِي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال و اگر طلب زیاده میکردم از آنحضرت هر آینه زیاده میداد متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ زَمَنَ الشِّتَاءِ وَالْوَرَقُ تَهَافَتُ

بدرستی که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکه برگهای درختان می افتاد پیاپی

فَأَخَذَ بِغُصْنَيْنِ مِنْ شَجَرَةٍ قَالَ فَجَعَلَ ذٰلِكَ الْوَرَقُ تَهَافَتُ وَقَالَ

پس گرفت آن حضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس افتادن گرفت برگهای آن درخت بیشتر از آنچه بطور خود می افتاد گفت ابوذر

فَقَالَ يَا أَبَا ذَرٍّ قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استاده ام ای رسول خدا فرمود بدرستیکه بنده مسلمان

لَيُصَلِّي الصَّلٰوةَ يُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللهِ تَعَالٰى فَتَهَافَتُ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا

هر آینه میگذارد نماز را در حالیکه میخواهد بآن نماز ذات خدا تعالی پس پیاپی می افتد از بنده گناهان او چنانکه

تَهَافَتُ هٰذَا الْوَرَقُ عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ

می افتد این برگها ازین درخت روایت کرد احمد و مرویست از زید ابن

خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى

خالد جهنی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بجا آرد

سَجْدَتَيْنِ لَا يَسْهُو فِيهِمَا غَفَرَ اللهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ رَوَاهُ

دو رکعت را که سهو و غفلت نکند در آن بیامرزد خدا مر او را هر چه گذشته است از گناه وے روایت کرد

أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الصَّلٰوةُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ

نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه دیگر و روزه رمضان تا رمضان دیگر

مُكَفِّرَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتُنِبَتِ الْكَبَائِرُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ

محو کننده اند گناهان را که واقع شده اند میان آنها وقتیکه پرهیز کرده شود از گناهان کبیره روایت کرد مسلم و هم از ابی هریره است

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهْرًا بِبَابِ أَحَدِكُمْ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم خبر دهید مرا اگر ثابت شود که جوی روان است بر در خانهٔ یکی از شما

يَغْتَسِلُ فِيْهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسًا هَلْ يَبْقٰى مِنْ دَرَنِهٖ شَيْءٌ قَالُوْا لَا يَبْقٰى مِنْ

که غسل میکند وی در آن جوی هر روز پنج وقت آیا باقی بماند از چرک وی هیچ گفتند باقی نمی ماند

دَرَنِهٖ شَيْءٌ قَالَ فَذٰلِكَ مَثَلُ الصَّلَوٰتِ الْخَمْسِ يَمْحُو اللّٰهُ بِهِنَّ الْخَطَايَا

از چرک وی چیزی فرمود پس این حال مثال نماز پنجگانه است محو میکند خدا تعالی بآنها گناهان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

متفق علیه و روایت است از عباده ابن صامت رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسُ صَلَوٰتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللّٰهُ تَعَالٰى مَنْ أَحْسَنَ

صلی الله علیه وسلم پنج نماز است که فرض گردانیده است آنها را خدا تعالی کسیکه نیک کند

وُضُوْءَهُنَّ وَصَلَّاهُنَّ لِوَقْتِهِنَّ وَأَتَمَّ رُكُوْعَهُنَّ وَخُشُوْعَهُنَّ كَانَ

وضوء آن نمازها و بگذارد آنها را در وقت شان و بتمام بجا آرد رکوع شان و خشوع و خضوع شان میباشد

لَهٗ عَلَى اللّٰهِ عَهْدٌ أَنْ يَغْفِرَ لَهٗ وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَيْسَ لَهٗ عَلَى اللّٰهِ

مر او را بر خدا تعالی عهد که بیامرزد مر او را و کسیکه نکند آنرا نگذارد نماز بر آن وجه پس نیست مر او را بر خدا

عَهْدٌ إِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهٗ وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهٗ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْ دَاوُدَ وَرَوٰى

عهد لازم اگر میخواهد بیامرزد و را و اگر میخواهد عذاب کند او را رواه احمد و ابو داود و روایت کرد

مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ نَحْوَهٗ وَعَنْ أَبِيْ أُمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلُّوْا خَمْسَكُمْ وَصُوْمُوْا شَهْرَكُمْ وَأَدُّوْا زَكٰوةَ

صلی الله علیه وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزه دارید ماه خود را که رمضان است و بدهید زکوة

أَمْوَالِكُمْ وَأَطِيْعُوْا ذَا أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوْا جَنَّةَ رَبِّكُمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

مالهای خود را و فرمانبرداری کنید خداوند امر خود را در آیید به بهشت پروردگار خود را رواه احمد و الترمذی

وعن ابن مسعود قال ان رجلا اصاب من امرأة قبلة فاتى
و مرویست از ابن مسعود رض گفت بدرستیکه مردی رسید از زنی بوسه را پس آمد
النبي صلى الله عليه وسلم فاخبره فانزل الله تعالى واقم الصلوة
پیغمبر را صلی الله علیه وسلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرو فرستاد خدا تعالی این آیه را و برپا دار نماز
طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات
در دو طرف روز و بگذار نماز را در چند ساعت که نزدیک بروزند بدرستیکه نیکیها میبرند بدیها را
فقال الرجل يا رسول الله الي هذا قال لجميع امتي كلهم وفي رواية
پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا آیا مراست اینحکم فرمود آنحضرت مر همه امت مراست و در روایت دیگر آمده
لمن عمل بها من امتي متفق عليه وعن عمارة بن رويبة
مر هر کس را که عمل کند بحسنات از امت من متفق علیه و مرویست از عمارة بن رویبه
قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لن يلج النار احد
گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه
صلى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها يعني الفجر والعصر رواه مسلم
نماز گذارد پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر را
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
يتعاقبون فيكم ملئكة بالليل وملئكة بالنهار ويجتمعون في
در پی یکدیگر فرود می آیند در میان شما جماعت فرشتگان از شب و جماعت از فرشتگان از روز و جمع میشوند این جماعات
صلوة الفجر وصلوة العصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسئلهم
در نماز فجر و نماز عصر پس بالا میروند آن کسانیکه شب کردند در میان شما پس می پرسد ایشان را
[illegible] كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم
[illegible] حال بندگان مرا چگونه گذاشته آمدید بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشانرا

وَهُمْ يُصَلُّونَ وَاَتَيْنَاهُمْ وَهُمْ يُصَلُّونَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ

درحالتیکه ایشان نماز میکردند وآمدیم درحالتیکه ایشان نماز میکردند متفق علیه و مرویست از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بدانند مردم ثوابیکه در اذان گفتن است

وَالصَّفِّ الْاَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوْا اِلَّا اَنْ يَسْتَهِمُوْا عَلَيْهِ لَاسْتَهَمُوْا وَلَوْ

و دریافتن صف اول پستر نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند بران هر آئینه قرعه می اندازند و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِي التَّهْجِيْرِ لَاسْتَبَقُوْا اِلَيْهِ وَلَوْ يَعْلَمُوْنَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ

بدانند فضیلتے که در نیم روز رفتن است هر آئینه پیشی میجویند بسوے آن و اگر بدانند فضیلتے که در گزاردن نماز عشا و صبح است

لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

هر آئینه بیایند آنرا و نده بر هر دو دست و سینه متفق علیه و مرویست از وی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ صَلٰوةٌ اَثْقَلَ عَلَى الْمُنَافِقِيْنَ مِنَ الْفَجْرِ وَالْعِشَاءِ وَلَوْ

علیه وسلم نیست هیچ نمازی گران تر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر

يَعْلَمُوْنَ مَا فِيْهِمَا لَاَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُثْمَانَ

بدانند ثوابی که درین دو نماز است هر آئینه می آمدند این دو نماز را اگرچه بطریق حبو باشد و مرویست از عثمان رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِيْ جَمَاعَةٍ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسے که بگذارد نماز عشا را بجماعت

فَكَاَنَّمَا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِيْ جَمَاعَةٍ فَكَاَنَّمَا صَلَّى اللَّيْلَ

پس چنانکه نماز گذارد نیم شب و کسیکه گذارد نماز صبح بجماعت پس گویا نماز گذارد

كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَلْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

تمام شب رواه مسلم و مرویست از سلمان رض گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ غَدَا اِلَى صَلٰوةِ الصُّبْحِ غَدَا بِرَايَةِ الْاِيْمَانِ وَمَنْ غَدَا

وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوے نماز بامداد میرود برایت ایمان و کسیکه بامداد میرود

إلى السوق غدا براية إبليس رواه ابن ماجة وعن ابن عمر قال

بسوی بازار میرود برایت ابلیس روایت کرد ابن ماجه و مرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلوا في بيوتكم من صلواتكم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردانید در خانهای خود چیزی از نماز های شما

ولا تتخذوها قبورا متفق عليه وعن أبي هريرة قال قال

و مگیرید خانهای خود را مانند گور متفق علیه و مرویست از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه بنده

ساجد فأكثروا الدعاء رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده روایت کرد مسلم و مرویست از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان

صلی الله علیه وسلم چون میخواند آدمی آیه سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو میگرید

يبكي يقول يا ويلتى أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت

در حالیکه میگرید میگوید ای اندوه امر کرده شد آدمی بسجده پس سجده کرد پس او راست بهشت و امر کرده شدم

بالسجود فأبيت فلي النار رواه مسلم وعن ربيعة بن كعب

بسجده پس باز زدم از سجده پس مراست آتش روایت کرد مسلم و روایت است از ربیعه بن کعب رضی الله عنه

قال كنت أبيت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيته بوضوئه

گفت بودم من که شب میباشیدم با آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آوردم برای آنحضرت آب وضو را

وحاجته فقال لي سل فقلت أسألك مرافقتك في الجنة قال أو غير

و میآوردم چیزهای دیگر او را پس فرمود مرا [illegible]

ذلك قلت هو ذاك قال فأعني على نفسك بكثرة السجود رواه مسلم

[illegible] پس مدد کن مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجده روایت کرد مسلم

وَعَنْ مَعْدَانَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ لَقِيتُ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

و مرویست از معدان بن طلحه رض گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کردهٔ آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ اَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ اَعْمَلُهُ يُدْخِلُنِي اللهُ بِهِ الْجَنَّةَ فَسَكَتَ

علیه وسلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کاری که کنم آن کار را تا در آرد مرا خدا تعالی بسبب آن کار در بهشت پس خاموش ماند

ثُمَّ سَاَلْتُهُ فَسَكَتَ ثُمَّ سَاَلْتُهُ الثَّالِثَةَ فَقَالَ سَاَلْتُ عَنْ ذٰلِكَ رَسُولَ اللهِ

باز پرسیدم او را پس خاموش ماند پس پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم من ازین عمل پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُوْدِ فَاِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلّٰهِ

صلی الله علیه وسلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنی پس بدرستیکه تو نمی کنی برای

سَجْدَةً اِلَّا رَفَعَكَ اللهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيْئَةً قَالَ

سجده مگر آنکه رسیدارد ترا خدا تعالی بسبب آن سجده پایهٔ بزرگ و کم میکند از تو بسبب آن سجده گناه را گفت

مَعْدَانُ ثُمَّ لَقِيتُ اَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَاَلْتُهُ فَقَالَ لِي مِثْلَ مَا قَالَ لِي ثَوْبَانُ

معدان پس ملاقات کردم ابو درداء را پس پرسیدم او را نیز پس گفت مرا مانند آنچه گفته بود مرا ثوبان

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ كَانَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسِيْنَ وَالْغُسْلُ

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت بوده است نماز پنجاه گانه و غسل

مِنَ الْجَنَابَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَغَسْلُ الْبَوْلِ مِنَ الثَّوْبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَزَلْ

از جنابت هفت مرتبه و شستن جامه از بول هفت بار پس همیشه بود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْاَلُ حَتّٰى جُعِلَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسًا وَغُسْلُ

رسول خدا صلی الله علیه وسلم که سوال میکرد تا که گردانیده شد نماز پنجگانه و غسل

الْجَنَابَةِ مَرَّةً وَغَسْلُ الثَّوْبِ مِنَ الْبَوْلِ مَرَّةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

از جنابت یک مرتبه و شستن ثیاب از بول یک مرتبه رواه ابو داود

بَابُ مَا جَاءَ فِيْ اِثْمِ تَارِكِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که وارد شده در گناه ترک کننده نماز

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ

و مروایت از ابی ہریرہ رض گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت بدرستیکہ

اَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنْ عَمَلِهٖ صَلوٰتُهٗ فَاِنْ صَلُحَتْ

نخستین چیزیکہ محاسبہ کردہ شود بسبب آن چیز بندہ روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست آمد نماز

فَقَدْ اَفْلَحَ وَاَنْجَحَ وَاِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ فَاِنِ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيْضَتِهٖ شَيْءٌ

پس بتحقیق فلاح و نجات یافت آن مرد و اگر فاسد شد آن نماز پس بتحقیق ناامید خاسر شد آن مرد پس اگر ناقص شود از فریضہ آن بندہ چیزی

قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اُنْظُرُوْا هَلْ لِعَبْدِيْ مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكَمَّلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ

گوید پروردگار تبارک و تعالی به بینید آیا ہست مر بندہ مرا چیزے از نفل تا کامل کردہ شود بسبب آن نفل آنچہ ناقص شدہ

مِنَ الْفَرِيْضَةِ ثُمَّ يَكُوْنُ سَائِرُ عَمَلِهٖ عَلٰى ذٰلِكَ وَفِيْ رِوَايَةٍ ثُمَّ الزَّكوٰةُ

از فرض او پس تر می باشد باقی عمل او ہمو آنچنان طور و در روایت دیگر ہمچنین ہست پس تر زکوٰۃ

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ تُؤْخَذُ الْاَعْمَالُ عَلٰى حَسَبِ ذٰلِكَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَرَوَاهُ

مانند آن پس تر مواخذہ کردہ شود اعمال برابر این طریق رواہ ابوداود و روایت کرد

اَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ طَلْقِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَنَفِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

احمد از مردے و روایت ہست از طلق بن علی حنفی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ اِلٰى صَلوٰةِ عَبْدٍ لَا يُقِيْمُ فِيْهَا صُلْبَهٗ

اللہ علیہ وسلم نمی نگرد خدا عزوجل بسوے نماز بندہ کہ راست نمی کند استخوان پشت خود را

بَيْنَ خُشُوْعِهَا وَسُجُوْدِهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

میان رکوع و سجود نماز رواہ احمد و مروایت از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلَّذِيْ تَفُوْتُهٗ صَلوٰةُ الْعَصْرِ فَكَاَنَّمَا وُتِرَ اَهْلُهٗ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ فوت شود او را نماز عصر گویا نقصان کردہ شد اہل خانہ او

وَمَالُهٗ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و مال او و از بریدہ روایت ہست کہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ صَلٰوةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیہ وسلم کسیکہ ترک کند نماز عصر دیدہ و دانستہ پس تحقیق باطل شود تمام عمل او روایہ بخاری

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ اَوْصَانِيْ خَلِيْلِيْ اَنْ لَّا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ شَيْئًا

و روایت ست از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من کہ شریک مگردان بخدا چیزے را

وَاِنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَتْرُكْ صَلٰوةً مَّكْتُوْبَةً مُّتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا

اگرچہ پارہ پارہ کردہ شوی و سوختہ شوی و ترک مکن نماز فرض را دیدہ و دانستہ پس ہرکہ ترک کند نماز فرض را

مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَاِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ

دیدہ و دانستہ پس بیزار شد ازوی عہد مسلمانی و منوش شراب را پس بدرستیکہ آن کلید ہمہ

شَرٍّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ شَقِيْقٍ قَالَ كَانَ اَصْحَابُ

بدی ست روایہ ابن ماجہ و روایت ست از عبد اللہ بن شقیق رہ گفت بودند یاران

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئًا مِّنَ الْاَعْمَالِ تَرْكُهٗ كُفْرًا

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم اعتقاد نمیکردند ہیچ عملی را کہ ترک وے کفر باشد

غَيْرَ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ

جز نماز روایہ ترمذے و روایت ست از عبد اللہ بن عمرو بن عاص رضہ

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ ذَكَرَ الصَّلٰوةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ

از پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کہ آنحضرت ذکر کردہ نماز را روزے پس فرمود کسیکہ نگاہبانی کند

عَلَيْهَا كَانَتْ لَهٗ نُوْرًا وَّبُرْهَانًا وَّنَجَاةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَّمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا

برنماز باشد مر او را نماز سبب روشنی و حجت قوی و نجات روز قیامت و کسیکہ محافظت نکند بر نماز

لَمْ تَكُنْ لَّهٗ نُوْرًا وَّلَا بُرْهَانًا وَّلَا نَجَاةً وَّكَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ قَارُوْنَ وَ

نباشد مر ویرا نور و نہ حجت و نہ سبب رستگاری و باشد آنکس در قیامت با کافران کہ قارون

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَاُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

فرعون و ہامان ست و ابی ابن خلف کہ اشقی این امت ست روایت کرد آنرا احمد و دارمی و بیہقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رض

در شعب الایمان و روایت ست از عمرو بن شعیب و او از پدر خود و او از جد او رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلٰوةِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کنید فرزندان خود را بنماز گذاردن

وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَ

حال آنکه ایشان هفت ساله باشند و بزنید فرزندان خود را بر گذاردن نماز چون ده ساله شوند و

فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَكَذَا رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ عَنْهُ

جدا کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابوداود و همچنین روایت کرده است در شرح السنه از عمرو بن شعیب

وَفِي الْمَصَابِيحِ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ مَعْبَدٍ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

و در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد و روایت ست از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلٰوةُ مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ

صلی الله علیه وسلم عهد و امانتیکه در میان ما و میان منافقان است نماز ست پس کسیکه ترک گذارد نماز را

فَقَدْ كَفَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

پس بتحقیق ظاهر کفر کرد روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

حدیکه واقع شده ست میان بنده و میان کفر همین نماز ست روایت کرد این حدیث را مسلم

بَابُ تَعْجِيلِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثیکه در فضیلت عجلت نماز وارد شده اند

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ

[illegible] نمازها [illegible] عصر است و بایستید برای خدا فرمانبردار شده

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الوقت الاول

وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت

من الصلوة رضوان الله والوقت الآخر عفو الله رواه الترمذي وعن

از نماز سبب رضامندی خداتعالی و گذاردن نماز در آخر وقت عفو خداست رواه ترمذی و روایت است

علي رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال يا علي ثلث لا تؤخرها الصلوة

از علی رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن دران یکی نماز

اذا أتت والجنازة اذا حضرت والأيم اذا وجدت لها كفوا رواه

چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زن بی شوهر وقتیکه بیابی مر او را کفو رواه

الترمذي وعن رافع بن خديج قال كنا نصلي المغرب مع رسول الله

ترمذی و روایت است از رافع بن خدیج رض گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فينصرف احدنا وانه ليبصر مواقع نبله متفق

صلی الله علیه وسلم پس میگشت یکی از ما و حال آنکه وی هر آئینه میدید جای افتادن تیر خود را متفق

عليه وعن ابي ايوب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علیه و مرویست از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزال امتي بخير او قال على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب الى ان

همیشه امت من پیوسته به نیکی یا گفت همیشه اند بر آفرینش اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز مغرب را تا آنکه

تشتبك النجوم رواه ابو داود وعن النعمان بن بشير رض قال

مختلط شوند ستارها رواه ابوداود و مرویست از نعمان بن بشیر رض گفت

انا اعلم بوقت هذه الصلوة صلوة العشاء الآخرة كان رسول الله

من داناترم بوقت این نماز که نماز عشاء پسین باشد میگذارد پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يصليها لسقوط القمر لثالثة رواه ابو داود والدارمي

صلی الله علیه وسلم آنرا در وقت افتادن ماه در غروب در شب سوم رواه ابوداود و دارمی

وعن رافع بن خديج رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروایت است از رافع بن خدیج رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اسفروا بالفجر فانه اعظم للاجر رواه الترمذي وابوداود والدارمي

اسفار کنید در فجر در روشنی بگذارید آنرا پس بدرستیکه اسفار بزرگتر است از جهت مزد و ثواب روایت کرد آنرا ترمذی و ابوداود و دارمی

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اشتد

و روایت از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه سخت شود

الحر فابردوا بالصلوة وفي رواية البخاري عن ابي سعيد بالظهر

گرمی پس سرد کنید بنماز و در روایت بخاری از ابی سعید لفظ بالظهر واقع شده

فان شدة الحر من فيح جهنم واشتكت النار الى ربها فقالت

زیرا که تحقیق گرمی از جوشیدن دوزخ است و گله کرد آتش بسوی پروردگار خود پس گفت

يا رب اكل بعضي بعضا فاذن لها بنفسين نفس في الشتاء

ای پروردگار من خورد اجزاء من یکدیگر را پس دستوری داد پروردگار مر آتش را بدو نفس بر آوردن یکی در زمستان

ونفس في الصيف اشد ما تجدون من الحر واشد ما تجدون

و دوم دیگر در تابستان سخت تر چیزی می یابید شما از گرمی و سخت تر آنچه می یابید شما

من الزمهرير متفق عليه وفي رواية للبخاري فاشد ما تجدون

از سرد سرمای ازان دو نفس است متفق علیه و در روایت دیگر مر بخاری را چنین آمده است پس سخت تر آنچه می یابید

من الحر فمن سمومها واشد ما تجدون من البرد فمن زمهريرها

از گرمی پس از دم گرم آتش است و سخت تر آنچه می یابید شما از سردی پس از دم سرد اوست

باب فضل الاذان واجابة المؤذن

عن ابي سعيد الخدري رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لا يسمع مدى صوت المؤذن جن ولا انس ولا شيء الا شهد له

وسلم نمی شنوند غایت آواز موذن را نه جن ونه انس ونه هیچ شی مگر آنکه گواهی میدهد برای

يوم القيمة رواه البخاري وعن معاوية رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلى

روز قیامت رواه بخاری ومرویست از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی

الله عليه وسلم يقول المؤذنون اطول الناس اعناقا يوم القيمة رواه مسلم

الله علیه وسلم که میگفت موذنان گردن دراز ترند از مردمان روز قیامت رواه مسلم

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نودي

ومرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده میشود

للصلوة ادبر الشيطان له ضراط حتى لا يسمع التاذين فاذا قضي

برای نماز پشت میدهد شیطان درحالیکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده شود

النداء اقبل حتى اذا ثوب بالصلوة ادبر حتى اذا قضي التثويب اقبل

اذان پیش آید تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت پیش آید

حتى يخطر بين المرء ونفسه يقول اذكر كذا اذكر كذا لما لم يكن يذكر

تا آنکه وسوسه می اندازد درمیان مرد ومیان نفس وی میگوید یاد کن چنین را یاد کن چنان را چیزیکه نبود یاد

حتى يظل الرجل لا يدري كم صلى متفق عليه وعن ابي هريرة قال

تا آنکه میگردد مرد چنانکه درنمی یابد که چند رکعت گذارده است متفق علیه ومرویست از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الامام ضامن والمؤذن مؤتمن

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام بر خود گیرنده است کار را ومؤذن امانت دار است

اللهم ارشد الائمة واغفر للمؤذنين رواه احمد وابوداود والترمذي

خدایا راه راست نما امامان را وبیامرز موذنان را رواه احمد وابوداود وترمذی

والشافعي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وشافعی ومرویست از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ اَذَّنَ سَبْعَ سِنِيْنَ مُحْتَسِبًا كُتِبَ لَهٗ بَرَاءَةٌ مِّنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کسیکه اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ رواه ترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و ابن ماجه و روایت است از عقبه بن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعْجَبُ رَبُّكَ مِنْ رَاعِيْ غَنَمٍ فِيْ رَأْسِ شَظِيَّةٍ لِلْجَبَلِ يُؤَذِّنُ

علیه وسلم عجب دارد پروردگار تو از چرانندهٔ گوسفندان در سر بلندی کوه که اذان میگوید

بِالصَّلٰوةِ وَيُصَلِّيْ فَيَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اُنْظُرُوْا اِلٰى عَبْدِيْ هٰذَا يُؤَذِّنُ

برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بفرشتگان نظر کنید بسوی بنده من که این است اذان میگوید

وَيُقِيْمُ الصَّلٰوةَ يَخَافُ مِنِّيْ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِيْ وَاَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ

و برپای دارد نماز را میترسد از من بتحقیق آمرزیدم این بندهٔ خود را دادم او را در بهشت رواه

اَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابوداود و نسائی روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ عَلٰى كُثْبَانِ الْمِسْكِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَبْدٌ اَدّٰى حَقَّ اللّٰهِ

علیه وسلم سه کس بر تلهای مشک در روز قیامت یکی بنده که گزارد حق خدا را

وَحَقَّ مَوْلَاهُ وَرَجُلٌ اَمَّ قَوْمًا وَهُمْ بِهٖ رَاضُوْنَ وَرَجُلٌ يُنَادِيْ بِالصَّلٰوةِ

و حق خداوند خود را دیگر مردیکه امامت کرد گروهی را و ایشان بوی راضی اند دیگر مردیکه اذان میگوید بجهت

الْخَمْسِ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ وَعَنْ

نماز را هر روز و شب پنج بار روایت کرد ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْمُؤَذِّنُ يُغْفَرُ لَهٗ مَدٰى

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گوینده آمرزیده شود مر او را تا غایة

صَوْتِهٖ وَيَشْهَدُ لَهٗ كُلُّ رَطْبٍ وَّيَابِسٍ وَّشَاهِدُ الصَّلٰوةِ يُكْتَبُ لَهٗ خَمْسٌ

آواز او و گواهی دهد برای او هر تر و خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج

وعشرون صلوة ويكفر عنه ما بينهما رواه احمد وابوداود وعن

نماز و بخشیده میشود از وی گناهان که واقع میشود میان هردو نماز روایت کرد احمد و ابوداود و روایت است از

عثمان بن ابی العاص قال قلت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم اجعلنی

عثمان بن ابی العاص رض گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بگردان مرا

امام قومی قال انت امامهم واقتد باضعفهم واتخذ مؤذنا لا یاخذ

امام قوم من فرمود تو امام قومی و اقتدا کن بضعیف ترین ایشان و بگیر موذنی را که نگیرد

علی اذانه اجرا رواه احمد وابوداود وعن ابن عمر ان رسول الله صلی

بر اذان خود اجرت رواه احمد و ابوداود و روایت است از ابن عمر رض که پیغامبر خدا صلی

الله علیه وسلم قال من اذن ثنتی عشرة سنة وجبت له الجنة و

الله علیه وسلم فرمود کسیکه اذان گوید دوازده سال واجب گردد مر او را بهشت

کتب له بتاذینه فی کل یوم ستون حسنة وبکل اقامة ثلثون

و نوشته میشود مر او را بجزا اذان گفتن وی هر روز هر بار شصت نیکی و هر اقامت را سی

حسنة رواه ابن ماجة وعن سهل بن سعد قال قال رسول الله

نیکی رواه ابن ماجه و روایت است از سهل ابن سعد رض گفت گفت پیغامبر خدا

صلی الله علیه وسلم ثنتان لا تردان الدعاء عند النداء وعند

صلی الله علیه و سلم دو چیز است که رد کرده نمیشود دعا نزد بانگ نماز و نزدیک

الباس حین یلحم بعضهم بعضا وفی روایة وتحت المطر رواه ابوداود

جنگ کافران وقتیکه بکشند بعضی ایشان بعض را و در روایتی آمده که دعا زیر باران مقبول است رواه ابوداود

وعن ام سلمة قالت علمنی رسول الله صلی الله علیه وسلم

و روایت است از ام سلمه رضی الله عنها گفت که تعلیم کرد مرا رسول الله صلی الله علیه وسلم

ان اقول عند اذان المغرب اللهم هذا اقبال لیلک وادبار نهارک

اینکه بگویم نزد بانگ نماز شام این دعا را خداوندا این وقت پیش آمدن شب تست و وقت پس شدن روز تست

واصوات دعاتك فاغفر لي رواه ابو داود والبيهقي في الدعوات الكبير

و این آوازهای خوانندگان تست بعبادت پس بیامرز مرا روایت کرد اورا ابوداود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علي فانه من صلى علي

چون بشنوید موذن را که اذان میگوید پس گوئید مانند آنچه وی میگوید باز درود بفرستید بر من زیرا که هر که درود فرستد

صلوة صلى الله عليه بها عشرا ثم سلوا الله لي الوسيلة فانها منزلة

یکبار درود بفرستد خدا تعالی بر وی بجزای آن ده بار پس سوال کنید خدا را از برای من وسیله زیرا که وسیله درجه ایست

في الجنة لا تنبغي الا لعبد من عباد الله تعالى وارجو ان اكون انا

در بهشت نمی سزد آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خدای تعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

فمن سال لي الوسيلة حلت عليه الشفاعة رواه مسلم وعن

پس هر که سوال کند برای من وسیله فرود آمد بروی شفاعت روایت کرد مسلم و روایت است از

جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع النداء

جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة ات محمدا

خداوندا ای پروردگار این دعای تمام و صلوة قایم بده محمد را

الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما محمودا الذي وعدته حلت له

وسیله و فضیلت و برانگیز او را در مقام محمود آنکه وعده کرده او را فرود آمد برای وی

شفاعتي يوم القيمة رواه البخاري وعن سعد بن ابي وقاص

شفاعت من روز قیامت روایت کرد اورا بخاری و روایت است از سعد پسر ابی وقاص رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع المؤذن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه گوید هنگام شنیدن اذان

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

اینکه گواهی میدهم که نیست هیچ معبود بحق مگر خدا که واحد لاشریک است و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و رسول او ست

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ رَوَاهُ

راضی شدم با خدا تعالی از روی رب و بمحمد از روی رسول و با اسلام از روی دین آمرزیده شوند مراورا گناهان صغار و رواه

مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَصْلَتَانِ

مسلم و روایت است از ابن عمر رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

مُعَلَّقَتَانِ فِي أَعْنَاقِ الْمُؤَذِّنِينَ لِلْمُسْلِمِينَ صِيَامُهُمْ وَصَلٰوتُهُمْ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

آویخته شده اند در گردنهای بانگ نماز گویندگان برای مسلمانان روزه شان و نماز ایشان رواه ابن ماجه

بَابُ فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

هر آینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانیکه ایمان آورده اند درود فرستید

وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا وَعَنْ أَنَسٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و سلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس رضـ گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلٰوةً وَاحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خدا تعالی بر وی ده بار درود را و افگنده شود

عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ

از وی ده گناه و برداشته شود مراورا ده پایه در قرب حق رواه نسائی

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَى

و روایت از ابن مسعود رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکترین

النَّاسِ بِي يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلٰوةً رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

مردم بمن روز رستخیز بیشترین ایشانست بر من درود گوینده رواه ترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلّٰهِ مَلٰئِكَةً

واز وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مر خدای را فرشتگانند

سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند بر من رواه نسائی و دارمی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ

وروایت است از ابی هریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یکی

يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللّٰهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتّٰى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

که سلام میفرستد بر من مگر آنکه باز میفرستد خدای تعالی بر من روح مرا تا آنکه جواب گویم بر وی سلام را رواه ابوداود

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و بیهقی روایت کرده در دعوات کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا وَلَا تَجْعَلُوا قَبْرِي عِيدًا

علیه وسلم میگفت که مگردانید خانهای خود را مانند قبرها و مگردانید قبر مرا عیدگاه

وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْهُ

و درود فرستید بر من زیرا که درود شما میرسد مرا هرجا که باشید رواه نسائی و روایت است از وی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر کرده شوم نزد او

فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ وَرَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَيْهِ رَمَضَانُ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ

پس درود نفرستد بر من و خاک آلوده باد بینی مردی که درآید بر وی رمضان پس بگذرد پیش از آنکه

أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَرَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ أَدْرَكَ عِنْدَهُ أَبَوَاهُ الْكِبَرَ أَوْ

آمرزیده شود او را و خاک آلوده باد بینی مردی که دریابد نزد وی مادر و پدر وی پیری را یا

أَحَدُهُمَا فَلَمْ يُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ

یکی از مادر و پدر پس نیارند ویرا در بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابی طلحه بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم جاء ذات يوم والبشر في وجهه فقال

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد پیش اصحاب روزی و حال آنکه خوشحالی در روی مبارک بود پس فرمود

إنه جاءني جبرئيل فقال إن ربك يقول أما يرضيك يا محمد أن لا يصلي

بدرستیکه آمد جبرئیل مرا پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید آیا راضی نمیسازد ترا ای محمد آنکه درود نفرستد

عليك أحد من أمتك إلا صليت عليه عشرا ولا يسلم عليك أحد من

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود بفرستم بروی ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یکی

أمتك إلا سلمت عليه عشرا رواه النسائي وعن أبي بن كعب رض

امت تو مگر آنکه سلام بفرستم بروی ده بار روایت کرده نسائی و روایت است از ابی بن کعب رض

قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم إني أكثر الصلوة عليك فكم

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود بر تو پس چه مقدار

أجعل لك من صلوتي فقال ما شئت قلت الربع قال ما شئت فإن

قرار دهم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود هر مقدار که میخواهی گفتم چهار یک از زمان فرمود هر قدر میخواهی پس اگر

زدت فهو خير لك قلت النصف قال ما شئت فإن زدت فهو خير

زیاده میکنی از ربع پس آن بهتر است مر ترا گفتم نصف زمان را بگردانم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لك قلت فالثلثين قال ما شئت فإن زدت فهو خير لك قلت

مر ترا گفتم پس دو ثلث گفت فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است مر ترا گفتم

أجعل لك صلوتي كلها قال إذا يكفى همك ويكفر لك ذنبك رواه

میگردانم برای تو زمان دعای خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده شود مقصود تو و بخشیده کرده شود گناه تو

الترمذي وعن علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرده ترمذی و روایت است از علی رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

البخيل الذي من ذكرت عنده فلم يصل علي رواه الترمذي

بخیل آنست که یاد کرده شوم من نزد وی پس او درود نفرستد بر من روایت کرده ترمذی

ورواه أحمد عن حسين بن علي رض وعن أبي هريرة رض قال قال

و رواه احمد از حسین بن علی رض و روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى علي عند قبري سمعته ومن صلى

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بمن نزد قبر من می شنوم درود او را و کسیکه درود

علي نائيا أبلغته رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عبد الله

بمن از دور رسانیده شود درود او مرا رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت ست از عبد الله

بن عمرو رض قال من صلى على النبي صلى الله عليه وسلم واحدة صلى

بن عمرو رض گفت کسیکه درود بفرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یکبار درود فرستد

الله عليه وملائكته سبعين صلوة رواه أحمد وعن رويفع أن

خدا تعالی بر وی و فرشتگان وی هفتاد بار درود رواه احمد و روایت ست از رویفع که

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى على محمد وقال اللهم أنزله

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر محمد صلی الله علیه وسلم و بگوید خداوندا در آر محمد را

المقعد المقرب عندك يوم القيمة وجبت له شفاعتي رواه أحمد

در نشستگاه که نزدیک گردانیده شده نزد تو در روز رستخیز واجب گردد باو شفاعت من رواه احمد

وعن عمر بن الخطاب رض قال إن الدعاء موقوف بين السماء

و روایت ست از عمر بن الخطاب رض گفت بدرستیکه دعا ایستاده گردانیده شود میان آسمان

والأرض لا يصعد منها شيء حتى تصلي على نبيك رواه الترمذي

و زمین نمیرود و بالا برده نمیشود از دعوت چیزی تا آنکه درود بفرستی بر نبی خود رواه ترمذی

وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي صلت عليه الملائكة ما دام

و فرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بمن درود میفرستند بر وی فرشتگان تا وقتیکه درود

يصلي علي فليقلل عند ذلك أو ليكثر أخرجه ابن حبان بسند ضعيف

میفرستد پس باید که کم کند نزد درود فرستیدن یا زیاده کند آن بنده روایت کرد ابن حبان بسند ضعیف

وَالطَّبَرَانِيُّ فِي الْأَوْسَطِ بِسَنَدٍ حَسَنٍ وَالْإِمَامُ أَحْمَدُ وَسَعِيدُ ابْنُ مَنْصُورٍ

وطبرانی در اوسط بسند حسن وامام احمد وسعید ابن منصور

وَأَبُو نُعَيْمٍ كُلُّهُمْ عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ كَذَا فِي مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ شَرْحِ

وابونعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین ست در مطالع مسرات که شرح

دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمُ

دلائل خیرات ست وفرمود صلی الله علیه وسلم فاضلترین روز هاے شما روز

الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ قُبِضَ وَفِيهِ النَّفْخَةُ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ

جمعه ست دروے آفریده شد آدم ودروی وفات یافت ودروے نفخه ست ودروے صعقه ست

فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلٰوةِ فِيهِ فَإِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ قَالُوا

پس زیاده کنید برمن از درود درروز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود برمن گفتند

يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَكَيْفَ تُعْرَضُ عَلَيْكَ صَلٰوتُنَا وَقَدْ أَرِمْتَ أَيْ بَلِيتَ أَيْ

یا رسول الله صلی الله علیه وسلم وچطور عرض کرده شود برتو درود ما حال اینکه جسد شما در قبر کهنه شده باشد یعنی

صِرْتَ رَمِيمًا قَالَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى حَرَّمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ

خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خدائتعالے حرام کرده ست برزمین اینکه بخورد اجساد

الْأَنْبِيَاءِ أَخْرَجَهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بِأَسَانِيدَ صَحِيحَةٍ وَابْنُ

پیغمبران را روایت کرد ابوداود ونسائے وابن ماجه بسندهاے صحیح وابن

حِبَّانَ وَالْحَاكِمُ وَقَالَ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ مِنْ حَدِيثِ أَوْسِ

حبان وحاکم وگفت این حدیث صحیح ست بر شرط بخارے از حدیث اوس

بْنِ أَوْسٍ الثَّقَفِيِّ مطالع وَقَالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ

ابن اوس ثقفے همچنین حدیث در مطالع ست وفرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود نوشته

فِي كِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلٰئِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ مَا دَامَ اسْمِي فِي ذٰلِكَ الْكِتَابِ

در کتاب همیشه اینست که فرشتگان درود میفرستند بروے تا وقتیکه نام من در ان کتاب باقی باشد

قَالَ الْعِرَاقِيُّ رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ وَاَبُو الشَّيْخِ فِي الثَّوَابِ وَالْمُسْتَغْفِرِي

گفت عراقی روایت کرد طبرانی در اوسط و ابو شیخ در ثواب والمستغفری

فِي الدَّعَوَاتِ مِنْ حَدِيثِ اَبِي هُرَيْرَةَ بِسَنَدٍ ضَعِيفٍ مطالع وَقَالَ

در دعوات از حدیث ابی هریره رض بسند ضعیف این حدیث در مطالع است و گفت

اَبُو سُلَيْمَانَ الدَّارَانِيُّ مَنْ اَرَادَ اَنْ يَسْئَلَ حَاجَةً فَلْيُكْثِرْ بِالصَّلٰوةِ عَلَى

ابو سلیمان دارانی کسیکه خواهد سوال کند حاجت خود را پس باید که زیاده بفرستد درود را بر

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ يَسْئَلِ اللّٰهَ حَاجَتَهُ وَلْيَخْتِمْ بِالصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ

نبی صلی الله علیه وسلم پس سوال کند خدا تعالی حاجت خود را و باید که تمام کند دعا بر درود شریف بر

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَقْبَلُ الصَّلٰوتَيْنِ وَهُوَ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ يَدَعَ

بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه خدا قبول میکند هر دو درود را و آنخدا بزرگترست از آنکه ترک کند آنچه را

مَا بَيْنَهُمَا كَذَا فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَرُوِيَ عَنْهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که میان هر دو درود است چنان است در دلائل الخیرات و روایت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ لَهُ خَطِيئَةُ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه یکصد مرتبه آمرزیده شود برای وی گناه

ثَمَانِينَ سَنَةً اَخْرَجَهُ الدَّيْلَمِيُّ عَنْ اَنَسٍ مطالع وَفِي رِوَايَةِ

هشتاد ساله تخریج کرد این حدیث را دیلمی از انس رض از مطالع نقل کرده شد و در روایت

عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَنِي جِبْرَئِيلُ

عبد الرحمن بن عوف گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد نزد من جبرئیل

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ لَا يُصَلِّي عَلَيْكَ اَحَدٌ اِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ

علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم درود نمی فرستد بر تو کسی یک مگر درود می فرستند بر وی هفتاد

اَلْفَ مَلَكٍ وَمَنْ صَلَّتْ عَلَيْهِ مَلٰئِكَةٌ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ هٰكَذَا ذَكَرَهُ

هزار فرشتگان و کسیکه درود می فرستند بر وی فرشتگان می باشد آن شخص از اهل بهشت همچنین ذکر کرد آنرا

بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم أكثركم

بایں الفاظ ابن فرحون از مطالع و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیشتر از شما

علی صلوة أكثركم أزواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

بر من از روی درود بسیار ترین شما از روی ازواج در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن وداعه بایں لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنتظم مطالع وعنه صلى الله عليه

و نقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در منتظم از مطالع و از وی صلی الله علیه

وسلم انه قال من صلى علي صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم روایت بدرستیکه فرمود کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفریند خدای بزرگ [illegible] از این

القول ملكا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که او را باشد یک بازو در مشرق و دیگر در مغرب و هر دو پای او قرار یافته

في الأرض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتم تحتانی و گردن وی متصل زیر عرش بگوید خدای

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبيي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر وی را درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاد آن بنده بر پیغامبر من صلی الله علیه وسلم

فهو يصلي عليه إلى يوم القيمة الحديث ذكره ابن سبع [illegible]

پس آن فرشته درود میفرستد برو تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع [illegible]

ذكر [illegible] ولا [illegible] وذكر ابن جبير [illegible] و [illegible]

[illegible] ذکر کرد [illegible]

ابن وداعة واسناده [illegible]

ابن وداعه و اسناد [illegible] را ابن بشکوال [illegible]

ورجلاه [illegible] تحت العرش مطالع وروايته [illegible] صلى الله عليه وسلم

[illegible] زیر عرش است از مطالع و روایت است از وی صلی الله علیه وسلم

أنّه قال ليردنّ على الحوض يوم القيمة أقوام ما أعرفهم إلّا بكثرة

پس بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه وارد شوند بر حوض کوثر روز رستخیز قومها که نمی شناسم من ایشانرا مگر بسبب زیادتی

الصّلوة عليّ ذكره القاضي عياض في الشّفاء وعنه صلّى الله عليه

درود که بر من فرستاده اند ذکر کرده است قاضی عیاض در کتاب شفا فی حقوق مصطفی و در روایتست از آنحضرت صلی الله علیه

وسلّم أنّه قال من صلّى عليّ مرّة واحدة صلّى الله عليه عشر مرّات ومن

وسلم بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستاد بر من یکبار درود میفرستد خدا تعالی برو ده بار و کسیکه

صلّى عليّ عشر مرّات صلّى الله عليه مائة ومن صلّى عليّ مائة صلّى

درود فرستد بر من ده مرتبه درود میفرستد خدا تعالی برو صد بار و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود میفرستد

الله عليه ألف مرّة ومن صلّى عليّ ألف مرّة حرّم الله جسده على النّار

برو خدا تعالی هزار مرتبه و کسیکه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خدا تعالی جسد ویرا بر آتش دوزخ

وثبّته بالقول الثّابت في الحيوة الدّنيا وفي الآخرة عند المسألة

و ثابت میدارد ویرا با قول ثابت که توحید است در حیات دنیا و در آخرت نزدیک سوال

وأدخله الجنّة وجاءت صلوته عليّ نور له يوم القيمة على الصّراط

و داخل کند خدا تعالی آن بنده را در بهشت و آید درود وی بر من نور مر ویرا روز رستخیز بر پل صراط

مسيرة خمسمائة عام وأعطاه الله بكلّ صلوة صلّاها قصرًا في

که راه وی پنج صد ساله است و میدهد اورا خدا تعالی بسبب هر درود که خوانده است آنرا یک محل در

الجنّة قلّ ذلك أو كثر ذكره ابن وداعة كلّه من غير نسبة

بهشت کم کند آن بنده یا زیاده کند ذکر کرد ابن وداعه همه این را بغیر نسبت

وقال صلّى الله عليه وسلّم ما من عبد يصلّي عليّ إلّا خرجت الصّلوة

و فرمود صلی الله علیه وسلم نیست هیچ یک بنده که درود میفرستد بر من مگر آنکه بیرون می آید آن درود

مسرعة من فيه فلا يبقى برّ ولا بحر ولا شرق ولا غرب إلّا وتمرّ

بسرعت از دهن آن بنده پس باقی نمی ماند هیچ یک بیابان و نه دریا و نه شرق و نه غرب مگر اینکه گذر میکند آن درود

بِهٖ وَتَقُوْلُ اَنَا صَلٰوةُ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ صَلّٰى عَلٰى مُحَمَّدِ نِ الْمُخْتَارِ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ

بدان ومیگوید که درود فلان بن فلان ام که درود فرستاده بود بر محمد که برگزیده و بهترین مخلوق خدا اند

فَلَا يَبْقٰى شَيْءٌ اِلَّا وَصَلّٰى عَلَيْهِ وَيُخْلَقُ مِنْ تِلْكَ الصَّلٰوةِ طَائِرٌ لَهٗ

پس باقی نمیماند هیچ شیء مگر حال اینکه درود میفرستد بر وے و آفریده میشود ازین درود یک طایر که میباشد مرو را

سَبْعُوْنَ اَلْفَ جَنَاحٍ فِيْ كُلِّ جَنَاحٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ رِيْشَةٍ فِيْ كُلِّ رِيْشَةٍ

هفتاد هزار بازو و در هر بازو هفتاد هزار پر در هر پر

سَبْعُوْنَ اَلْفَ رَاْسٍ فِيْ كُلِّ رَاْسٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ وَجْهٍ فِيْ كُلِّ وَجْهٍ

هفتاد هزار سر در هر سر هفتاد هزار روے در هر روے

سَبْعُوْنَ اَلْفَ فَمٍ فِيْ كُلِّ فَمٍ سَبْعُوْنَ اَلْفَ لِسَانٍ كُلُّ لِسَانٍ يُسَبِّحُ اللّٰهَ

هفتاد هزار دهان و در هر دهان هفتاد هزار زبان هر زبان تسبیح میکند خدائے

تَعَالٰى بِسَبْعِيْنَ اَلْفَ لُغَاتٍ وَيَكْتُبُ اللّٰهُ تَعَالٰى لَهٗ ثَوَابَ ذٰلِكَ كُلِّهٖ هٰكَذَا

تعالے را بهفتاد هزار لغت و مینویسد خدا تعالے مرو را ثواب اینهمه همچنین ہست

فِيْ دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ مَطَالِعِ الْمَسَرَّاتِ هٰذَا لَمْ اَجِدْهُ وَعَنْ

در دلائل الخیرات وگفت صاحب مطالع مسرات این لفظ را نیافتم ومرویست از

عَلِيِّ ابْنِ اَبِيْ طَالِبٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ اَنَّهٗ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى

علی بن ابی طالب رض بدرستیکه علی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود میفرستد

عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةً جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَعَهٗ نُوْرٌ لَوْ قُسِمَ ذٰلِكَ النُّوْرُ بَيْنَ

برمن روز جمعه صد بیاید روز رستخیز حال آنکه همراه او نورے باشد که اگر تقسیم کرده شود این نور میان

الْخَلْقِ كُلِّهِمْ لَوَسِعَهُمْ اَخْرَجَهٗ اَبُوْ نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَفِي الْحِرْزِ الثَّمِيْنِ

مخلوق همه ایشان هر آئینه گنجایش دارد ایشانرا روایت کرد آنرا ابو نعیم در حلیه شریف و در حرز ثمین

لِلْحِصْنِ الْحَصِيْنِ مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا لَمْ يَذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْهِ وَلَمْ يُصَلُّوْا

شرح حصن حصین مذکورست نه نشینند قومے در مجلسے که نه یاد کنند خدا تعالی را در آن مجلس و نه درود فرستند

علی نبیهم الا کان علیهم حسرة یوم القیمة وان دخلوا الجنة للثواب

بر نبی خود مگر باشد بر ایشان حسرت در روز رستخیز اگرچه که داخل شوند در بهشت برای ثواب

رواه ابن حبان واحمد وابوداود والنسائی والحاکم کلهم عن ابی هریرة

رواه ابن حبان و احمد و ابوداود و نسائی و حاکم همه ایشان روایت کرده اند از ابی هریره

اکثروا علی من الصلوة یوم الجمعة فان صلوتکم معروضة علی رواه

زیاده بفرستید بر من درود در روز شریف روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من رواه

ابوداود والنسائی وابن ماجة وابن حبان کلهم من حدیث اوس ابن

ابوداود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن

اوس الثقفی ما من احد یسلم علی الا رد الله علی روحی حتی

اوس ثقفی نیست هیچ کسی که سلام کند بر من مگر باز پس میگرداند خدا تعالی بر من روح من تا آنکه

ارد علیه السلام رواه ابوداود عن ابی هریرة ورواه احمد ایضا

رد میکنم بروی سلام را رواه ابوداود از ابی هریره و روایت کرد احمد نیز

اولی الناس بی یوم القیمة اکثرهم علی صلوة رواه الترمذی وابن

نزدیکترین مردمان بامن روز قیامت در درود فرستنده تر از آنها بر من رواه ترمذی و ابن

حبان کلاهما عن ابن مسعود البخیل من ذکرت عنده فلم یصل

حبان هر دو از ابن مسعود رض بخیل کسیکه ذکر کرده شوم من نزد او پس درود نه فرستد

علی رواه الترمذی والنسائی عن علی وابن حبان والحاکم عن حسین

بر من روایت کرد ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین

بن علی اکثروا الصلوة علی فانها زکوة لکم رواه ابو یعلی عن

بن علی رض زیاده بفرستید درود بر من پس بدرستیکه درود شما زکوة است مر شما را رواه ابو یعلی از

ابی هریرة انی لقیت جبرئیل فبشرنی وقال ان ربک یقول من صلی

ابی هریره رض بدرستیکه من ملاقات کردم جبرئیل را علیه السلام پس بشارت داد مرا و گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید

عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا وَمَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِلّٰهِ

بر تو درود بفرستد من بر وی ده بار درود فرستم و هر که سلام کند بر تو سلام بفرستم بر وی پس سجده کردم خدای تعالی را

شُكْرًا رَوَاهُ الْحَاكِمُ وَاَحْمَدُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَوْفٍ مَنْ صَلّٰى عَلَى النَّبِيِّ وَاحِدَةً

روایت کرد حاکم و احمد از عبد الرحمن بن عوف رض کسیکه درود بفرستد بر نبی یکبار

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلَائِكَتُهُ سَبْعِيْنَ صَلٰوةً رَوَاهُ اَحْمَدُ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

درود بفرستد خدای تعالی بروی و فرشتگان وی هفتاد درود روایت احمد از ابن عمر رض

قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوْبٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ

گفت علی رضی الله عنه همه دعاها محجوب است تا آنکه درود فرستی تو بر محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَآلِ مُحَمَّدٍ رَوَاهُ الطَّبْرَانِيُّ فِي الْاَوْسَطِ وَعَنْ عُمَرَ اَنَّ الدُّعَاءَ

علیه و سلم و بر آل محمد روایت طبرانی در اوسط و مرویست از عمر رض بدرستیکه دعا

مَوْقُوْفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْهُ شَيْءٌ حَتّٰى تُصَلِّيَ عَلٰى نَبِيِّكَ

موقوف میماند میان آسمان و میان زمین بالا نمیرود از آن دعا چیزی تا آنکه درود فرستی بر نبی خود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ اِنْتَهٰى ذُكِرَ فِي بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّهُ مَكْتُوْبٌ عَلٰى سَاقِ

روایت ترمذی آخر شد مذکور است در بعض اخبار بدرستیکه شان اینست که نوشته است بر ساق

الْعَرْشِ مَنِ اشْتَاقَ اِلٰى رَحْمَتِهِ وَمَنْ سَاَلَنِيْ اَعْطَيْتُهُ وَمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ

عرش کسیکه مشتاق است بسوی من رحم میکنم او را و کسیکه سوال کرد مرا میدهم او را هر چه خواسته است و کسیکه تقرب جوید بسوی من

بِالصَّلٰوةِ عَلٰى مُحَمَّدٍ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوْبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ ذَكَرَهُ

بادرود فرستادن بر محمد آمرزیدم مر او را گناهان او را اگرچه باشد مانند کف دریا ذکر کرد این حدیث را

ابْنُ سَبْعٍ وَرُوِيَ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ رِضْوَانُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ

ابن سبع روایت کرده شده است از بعض صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

اَنَّهُ قَالَ مَا مِنْ مَجْلِسٍ يُصَلّٰى فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلَّا قَامَتْ

بدرستیکه فرمود آنحضرت نیست مجلسیکه درود فرستاده شود در وی بر محمد صلی الله علیه و سلم مگر اینکه برخیزد

مِنْهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ حَتّٰى تَبْلُغَ عَنَانَ السَّمَاءِ فَتَقُوْلُ الْمَلٰئِكَةُ هٰذَا مَجْلِسٌ

از آن مجلس بوی خوش تا آنکه برسد آن بوی ابر را پس میگویند فرشتگان این مجلسی است

صُلِّيَ فِيْهِ عَلٰى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَذَا فِيْ دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ قَالَ شَيْخٌ

که درود فرستاده شده است در آن مجلس محمد صلی الله علیه وسلم چنین است در دلایل خیرات گفت شیخ

اَبُوْ جَعْفَرٍ ابْنُ وَدَاعَةَ رَحِمَهُ اللّٰهُ فِي الْحَدِيْثِ عَنْ بَعْضِ الصَّحَابَةِ اِنَّهُ قَالَ مَا مِنْ

ابو جعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که مرویست از بعض صحابه رضی بدرستیکه گفت نیست هیچ

مَوْضِعٍ يُذْكَرُ فِيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيُصَلّٰى عَلَيْهِ فِيْهِ اِلَّا نَمَتْ مِنْهُ

جائی که ذکر کرده شود در آن جا اسم نبی صلی الله علیه وسلم و درود فرستاده شود برو در آن جا مگر بیخیزد از آن جای

رَائِحَةٌ تَخْرِقُ السَّمٰوَاتِ السَّبْعَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ اِلَى الْعَرْشِ يَجِدُ رِيْحَهَا كُلُّ مَنْ

بوئی که میشگافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد تا عرش بر زمین می یابد آن بوی را هر آنکس که

خَلَقَ اللّٰهُ فِي الْاَرْضِ اِلَّا الْاِنْسَ وَالْجِنَّ فَاِنَّهُمْ لَوْ وَجَدُوْا رِيْحَهَا يَشْغَلُ كُلُّ وَاحِدٍ

آفریده است خدا تعالی در زمین سوای انسان و پریان بدرستیکه ایشان اگر می یافتند بوی آن بود هر یکی باز میماند هر یکی

مِنْهُمْ بِلَذَّتِهَا عَنْ مَعِيْشَتِهٖ وَلَا يَجِدُ تِلْكَ الرَّائِحَةَ مَلَكٌ وَلَا خَلْقٌ مِنْ

از ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی یابد این بوی خوش را هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خَلْقِ اللّٰهِ تَعَالٰى اِلَّا اسْتَغْفَرَ لِاَهْلِ الْمَجْلِسِ وَيُكْتَبُ لَهُمْ بِعَدَدِهِمْ حَسَنَاتٌ

مخلوق خدا تعالی مگر مغفرت میخواهد برای اهل مجلس نوشته میشود مر ایشان را بشمار ایشان نیکی ها

وَتُرْفَعُ لَهُمْ بِعَدَدِهِمْ دَرَجَاتٌ سَوَاءٌ كَانَ فِي الْمَجْلِسِ وَاحِدٌ اَوْ مِائَةُ اَلْفٍ

و بلند کرده میشود ایشان را بشمار ایشان پایه ها برابر است که باشد در مجلس واحد یا صد هزار

اَخَذَ مِنَ الْاَجْرِ هٰذَا الْعَدَدَ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَاَجْزَلُ كَذَا فِي الْمَطَالِعِ

بگیرد از ثواب بمقدار شمار آنچه نزد خدا است از نیکی بهتر او عطای کثیر است در مطالع

وَذُكِرَ فِيْ بَعْضِ الْاَخْبَارِ اَنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ اَوِ الْاَمَةَ الْمُؤْمِنَةَ اِذَا بَدَاَ

و ذکر کرده شده در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکند

بالصلوٰة على محمد صلى الله عليه وسلم فتحت له ابواب السماء
درود فرستادن بر محمد صلى الله عليه وسلم گشاده شود مر وی را بابهای آسمان
والسرادقات حتى الى العرش فلا يبقى ملك في السموات الا صلى على
و پرده ها تا آنکه تا عرش پس باقی نماند هیچ فرشته در آسمانها مگر درود میفرستند بر
محمد صلى الله عليه وسلم ويستغفرون لذلك العبد او الامة ما شاء
محمد صلى الله عليه وسلم و مغفرت میخواهند مر این مرد یا زن را آنقدر که خواسته است
الله كذا في الدلائل وعن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله
خدا تعالی چنین است در دلائل و از جابر بن عبد الله رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا
صلى الله عليه وسلم من صلى على في كل يوم مائة مرة قضيت
صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من در هر روز صد مرتبه روا کرده شود
له مائة حاجة منها ثلثون للدنيا وسائرها للآخرة اخرجه
مر وی را صد حاجت ازان صد سی حاجت دنیاوی و باقی شان اخروی باشد روایت کرد این حدیث را
المستغفرى كذا في المطالع وعن بعض الصالحين انه
مستغفری در مطالع است چنین و از بعض صالحین مرویست که بدرستیکه
قال كان لي جار نساخ فمات فرايته في المنام فقلت له ما فعل
گفت که بود مرا همسایه دار کاتب پس مرد آن پس دیدم مر او را در خواب پس گفتم مراد را چه معامله کرد
الله بك فقال غفر لي فقلت له فيم ذلك فقال كنت اذا كتبت
خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مراو را پس بچه چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من چون مینوشتم
اسم محمد صلى الله عليه وسلم في كتب صليت عليه فاعطاني ربي
اسم مبارک محمد صلی الله علیه وسلم در کتابها درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد مرا پروردگار من
ما لا عين رأت ولا اذن سمعت ولا خطر على قلب بشر كذا
آنچه که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه خطره گذشته است بر دل کسی بشر چنین است

فِي دَلَائِلِ الْخَيْرَاتِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ الْمُرَادُ بِهٰذَا الْبَعْضِ هُنَا عُبَيْدُ اللّٰهِ

در دلائل خیرات و گفت صاحب مطالع مراد باین بعض درینجا عبید الله

بِالتَّصْغِيرِ ابْنُ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ بِفَتْحِ الْقَافِ رَحِمَهُ اللّٰهُ تَعَالٰى وَقَالَ

بتصغیر ابن عمر قواریری است بفتح قاف رحمه کناد خدا تعالی او را و نیز گفت

أَيْضًا وَحِكَايَتُهُ هٰذِهِ ذَكَرَهَا غَيْرُ وَاحِدٍ مِنْهُمُ ابْنُ سَبُعٍ وَابْنُ بَشْكُوَالٍ

حکایت این کاتب که اینست ذکر کرده اند آنرا بسیار کسان بعض ازیشان ابن سبع و ابن بشکوال

وَجَبْرٌ وَابْنُ وَدَاعَةَ وَابْنُ الْفَاكِهَانِيِّ وَقِيلَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و جبر و ابن وداعه و ابن فاکهانی است و گفته شد مر رسول را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَرَأَيْتَ صَلٰوةَ الْمُصَلِّينَ عَلَيْكَ مِمَّنْ غَابَ عَنْكَ وَمَنْ يَأْتِي

وسلم را چه میفرمائید در حق فرستندگان درود بر تو از آن کسان که غائب اند از تو و در حق آن کسان که می آیند

بَعْدَكَ مَا حَالُهُمَا عِنْدَكَ فَقَالَ أَسْمَعُ صَلٰوةَ أَهْلِ مَحَبَّتِي وَأَعْرِفُهُمْ

بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو این هر دو پس فرمود میشنوم درود اهل محبت من و میشناسم ایشان را

وَتُعْرَضُ عَلَيَّ صَلٰوةُ غَيْرِهِمْ عَرْضًا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ صَاحِبُ الْمَطَالِعِ

و عرض کرده شود بر من درود غیر آنها نوع عرض کردنی چنین است در دلائل و گفت صاحب مطالع

لَا أَعْرِفُهُ وَلَمْ أَجِدْهُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ ارْتَقٰى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نمیشناسم من آنرا و نیافتم آنرا و از انس مرویست که گفت بر منبر آمد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمِنْبَرَ فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ ارْتَقٰى ثَانِيَةً فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ

علیه وسلم پس گفت آمین بیشتر بر منبر آمد آنحضرت دو بار پس گفت آنحضرت آمین بیشتر

ارْتَقٰى ثَالِثَةً فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ اسْتَوٰى فَقَالَ آمِينَ فَقَالَ أَصْحَابُهُ

رسید ... سیوم مرتبه آمین گفت برابر رسید بر منبر پس فرمود آمین گفت یاران آنحضرت

... آمَنْتَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَالَ أَتَانِي جِبْرَئِيلُ فَقَالَ لِي مُحَمَّدٌ

... آمین گردید ... فرمود آمده بود جبرئیل علیه السلام پس گفت مرا ای محمد

رَغِمَ اَنفُ اِمرِئٍ ذُكِرتُ عِندَهُ فَلَم يُصَلِّ عَلَيكَ فَقُلتُ اٰمِينَ وَقَالَ

خوار باد امرد کہ او ذکر کردہ شدی نزد وی پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم آمین وگفت

رَغِمَ اَنفُ اِمرِئٍ اَدرَكَ وَالِدَيهِ اَو اَحَدَهُمَا فَلَم يُدخِلاهُ الجَنَّةَ فَقُلتُ

خوار باد مردی کہ یافت والدین را یا یکی ازان ہا پس داخل نکردند او را بہشت پس گفتم

اٰمِينَ وَقَالَ رَغِمَ اَنفُ اِمرِئٍ اَدرَكَ شَهرَ رَمَضَانَ فَلَم يُغفَر لَهُ

آمین وگفت خوار باد امردی کہ یافت ماہ رمضان مبارک پس آمرزیدہ نشود مرو را

فَقُلتُ اٰمِينَ ابنُ النَّجَّارِ جمع الجوامع

پس گفتم آمین روایت کرد ابن نجار در جمع الجوامع

بَابُ الذِّكرِ بَعدَ الصَّلٰوةِ

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عَن اَبِي هُرَيرَةَ قَالَ اِنَّ فُقَرَاءَ المُهَاجِرِينَ اَتَوا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

وروایت است از ابی ہریرہ گفت بدرستیکہ فقرا مہاجرین آمدند نزد پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا قَد ذَهَبَ اَهلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجَاتِ العُلٰى وَالنَّعِيمِ

اللہ علیہ وسلم پس گفتند بتحقیق بردند خداوندان اموال بمراتب بلند و نعمت

المُقِيمِ فَقَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا

پاینده [illegible] این سخن گفتند ایشان نماز میگذارند چنانکہ نماز میگذاریم ما و روزه میدارند

نَصُومُ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا نَتَصَدَّقُ وَيُعتِقُونَ وَلَا نُعتِقُ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

روزه میداریم ما و صدقہ میدهند ایشان و صدقہ نمیدهیم و بنده آزاد میکنند ایشان و آزاد نمیکنیم پس فرمود پیغامبر

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ اَفَلَا اُعَلِّمُكُم شَيئًا تُدرِكُونَ بِهِ مَن سَبَقَكُم

صلی اللہ علیہ وسلم آیا نیاموزم شما را عملی کہ دریابید بسبب آن عمل فضل سابقان

وَتَسبِقُونَ بِهِ مَن بَعدَكُم وَلَا يَكُونُ اَحَدٌ اَفضَلَ مِنكُم اِلَّا مَن

و پیشی گیرید بسبب آن عمل کسانی را کہ بعد شما باشند و نباشد هیچ یکی از غیر شما افضل از شما [illegible]

بِمِثْلِ مَا صَنَعْتُمْ قَالُوا بَلٰى يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ تُسَبِّحُوْنَ وَتُكَبِّرُوْنَ وَ

مانند آن عملی که شما کنید گفتند آری تعلیم کن ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و

تُحَمِّدُوْنَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ مَرَّةً قَالَ اَبُوْ صَالِحٍ فَرَجَعَ فُقَرَاءُ

حمد خوانید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقرا

الْمُهَاجِرِيْنَ اِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوْا سَمِعَ اِخْوَانُنَا

مهاجرین بسوی آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفتند که شنیدند برادران ما

اَهْلُ الْاَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا فَفَعَلُوْا مِثْلَهٗ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که مالها دارند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاءُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَيْسَ قَوْلُ

وسلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خداست که رسید بفضل خود را هر که میخواهد متفق علیه و نیست قول

اَبِيْ صَالِحٍ اِلٰى اٰخِرِهٖ اِلَّا عِنْدَ مُسْلِمٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ قَالَ

ابی صالح تا آخر مگر نزد مسلم و مرویست از کعب ابن عجره گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُعَقِّبَاتٌ لَا يَخِيْبُ قَائِلُهُنَّ اَوْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند که نومید گرداننده نمیشود گوینده آن کلمات

فَاعِلُهُنَّ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ ثَلٰثٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَسْبِيْحَةً وَّثَلٰثٌ

کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی

وَّثَلٰثُوْنَ تَحْمِيْدَةً وَّاَرْبَعٌ وَّثَلٰثُوْنَ تَكْبِيْرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن روایه مسلم و مرویست از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه سبحان الله

اللّٰهَ دُبُرَ كُلِّ صَلٰوةٍ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَحَمِدَ اللّٰهَ ثَلٰثًا وَّثَلٰثِيْنَ وَكَبَّرَ

بگوید در پس هر نماز فریضه سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر گوید

الله ثلثا وثلثين فتلك تسعة وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا الله

سی وسه بار پس این مجموعه ٩٩ بار میشود وبگوید برای تمام کردن عدد صد این کلمه لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير غفرت

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر آمرزیده شود

خطاياه وان كانت مثل زبد البحر رواه مسلم وعن ابي امامة قال

گناهانش اگرچه باشد گناهانش مانند کف دریا روایت کرد مسلم وازابی امامه مرویست گفت

قيل يا رسول الله اي الدعاء اسمع قال جوف الليل الاخر ودبر الصلوات

گفته شد ای پیغمبر خدا کدام دعا مسموع تر است فرمود دعا میانه شب آخر وعقب نمازهای

المكتوبات رواه الترمذي وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

فرض روایت کرد ترمذی ومرویست از انس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لان اقعد مع قوم يذكرون الله من صلوة الغداة حتى تطلع

علیه وسلم که هرآینه نشستن من با گروهی که ذکر میکنند خدای تعالی را بعد از نماز بامداد تا برآمدن

الشمس احب الي من ان اعتق اربعة من ولد اسمعيل ولان اقعد مع

آفتاب محبوب تر است بسوی من از آزاد کردن چهار برده از اولاد اسمعیل و هرآینه نشستن من با

قوم يذكرون الله من صلوة العصر الى ان تغرب الشمس احب الي من

گروهی که ذکر میکنند خدا را بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب محبوب تر است بسوی من از

ان اعتق اربعة رواه ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

آزاد کردن چهار مرد را روایت کرد ابو داود و مرویست از انس گفت فرمود پیغمبر صلی الله

عليه وسلم من صلى الفجر في جماعة ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس ثم

علیه وسلم هر که بگذارد نماز بامداد بجماعت پس بنشیند ذکر کند خدا را تا برآید آفتاب

صلى ركعتين كانت له كاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة

پس بگزارد دو رکعت باشد مر او را مانند اجر حج وعمره برای تاکید تمام تمام تمام

رواه الترمذي وعن علي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

رواه ترمذی و روایت است از علی رضی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را

على اعواد هذا المنبر يقول من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة لم يمنعه

بر چوبهای این منبر که میفرمود کسیکه بخواند آیة الکرسی را در پس هر نماز باز نمیدارد او را از در آمدن

من دخول الجنة الا الموت ومن قرأها حين يأخذ مضجعه امنه الله

بهشت مگر مرگ و هر که بخواند آیة الکرسی را وقتیکه بگیرد خوابگاه خود را ایمن گرداند او را خدا تعالی

على داره ودار جاره واهل دويرات حوله رواه البيهقي في شعب الايمان

بر سرای او و سرای همسایه او و اهل چند سرایها که گرد او باشد رواه بیهقی در شعب الایمان

وعن عبد الرحمن بن غنم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قال

و روایت است از عبد الرحمن بن غنم و او از نبی صلی الله علیه و سلم گفت آنحضرت کسیکه گفت

قبل ان ينصرف ويثني رجليه من صلوة المغرب والصبح لا اله الا الله

پیش از آنکه برگردد از نماز و دوتا گرداند پایها خود را از نماز شام و بامداد لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير يحيي ويميت وهو على

وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر یحیی و یمیت و هو علی

كل شئ قدير عشر مرات كتب له بكل واحدة عشر حسنات ومحيت عنه

کل شئ قدیر ده مرتبه نوشته شود مر آنکس را بهر یکی ازین کلمات ده نیکی و محو کرده شود از وے

عشر سيئات ورفع له عشر درجات وكانت له حرزا من كل مكروه

ده بدی و بلند گردانیده شود مر او را ده پایه و بود هر یک ازینکلمه مر او را امان از هر ناخوش

وحرزا من الشيطان الرجيم ولم يحل لذنب ان يدركه الا الشرك

و پناه از شر شیطان سنگسار کرده شده و روا نیست هیچ گناهی را که در یابد او را مگر کفر

وكان من افضل الناس عملا الا رجلا يفضله يقول افضل مما قال رواه احمد

و شد گوینده کلمات از بهترین مردم از روی عمل مگر مردیکه زیاده تر شود او را که گوید فاضلتر از آنچه که گفته است رواه احمد

بَابُ تَعْمِيْرِ الْمَسَاجِدِ

باب در فضیلت تعمیر مساجد

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا

وکیست ستمگارتر از انکه منع کرد مسجدهای خدا را از انکه یاد کرده شود نام خدا در وی و کوشش کرد در ویرانی آنها

اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَآ اِلَّا خَآئِفِيْنَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ

این گروه نمی سزد ایشانرا که درایند بمسجدها مگر هراسان ایشانراست در دنیا خواری و ایشانراست

فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ

در اخرت عذاب بزرگ جز این نیست که عمارت میکند مسجدهای خدا را کسیکه ایمان اورده است بخدا و بروز اخر

وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰٓى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَّكُوْنُوْا

و برپا داشته است نماز را و داده است زکوة را و نه ترسیده است مگر از خدا پس امید است که ایشان باشند

مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ فِيْ بُيُوْتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ يُسَبِّحُ

از راه یافتگان باشند در خانهای که دستور داده است خدا که بلند کرده شود انرا و یاد کرده شود در آن نام او تسبیح و یاد میکنند

لَهٗ فِيْهَا بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ رِجَالٌ لَّا تُلْهِيْهِمْ تِجَارَةٌ وَّلَا بَيْعٌ عَنْ

خدا را آنجا صبح و شام مردانیکه باز نمیدارد ایشانرا سوداگری و نه خرید و فروخت از

ذِكْرِ اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِيْتَآءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُوْنَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيْهِ

یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکوة میترسند از ان روز که مضطرب شوند دران

الْقُلُوْبُ وَالْاَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ

دلهای و دیدها تا جزا دهد ایشانرا خدا بهترین انچه کردند و زیاده میکند ایشانرا خدا از فضل خود

وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و خدا روزی میدهد هرکرا خواهد بغیر حساب یعنی بسیار روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَحَبُّ الْبِلَادِ اِلَى اللّٰهِ مَسَاجِدُهَا وَاَبْغَضُ الْبِلَادِ

صلی الله علیه وسلم دوست ترین جایها از شهرها بسوی خدا مسجدهای آن شهرهاست و دشمن ترین جایها

إلى الله أسواقها رواه مسلم وعن عثمان رضـ قال قال رسول الله صلى الله

بوی بد ترین جایها نزد خدا بازارهای آنست روایت کرد آنرا مسلم روایت است از عثمان رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من بنى لله مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة متفق عليه

علیه وسلم کسیکه بنا کند برای خدا مسجد را بنا کند خدا تعالی مر ویرا خانه در بهشت متفق علیه

وعن أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من غدا إلى

و روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه برود در اول روز بسوی

المسجد أو راح أعد الله له نزله من الجنة كلما غدا أو راح متفق عليه

مسجد یا برود در آخر روز آماده گرداند خدا تعالی برای وی طعام مهمانی او را از بهشت هرگاه که یا مداد برود یا شبانگاه [illegible]

وعن أبي موسى رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أعظم الناس أجرا

و روایت است از ابی موسی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین مردم از روی ثواب

في الصلوة أبعدهم فأبعدهم ممشى والذي ينتظر الصلوة حتى يصليها

در نماز [illegible] دور ترین ایشانست [illegible] دور تر از راه و آنکسیکه نشسته است در مسجد انتظار کند نماز را تا گزارد

[illegible] أعظم أجرا من الذي [illegible] يصليها ثم ينام متفق عليه وعن

[illegible] بزرگتر است از ثواب کسیکه [illegible] گزارد تنها پس بخواب میرود متفق علیه [illegible] واز

جابر قال خلت البقاع حول المسجد فأراد بنو سلمة أن ينتقلوا قرب

جابر [illegible] گفت خالی شد [illegible] گرد مسجد آنحضرت پس خواستند بنو سلمه که بیایند از منازل خود نزدیک مسجد

المسجد فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقال لهم بلغني أنكم تريدون

در نزدیکی مسجد پس خبر رسید پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس گفت مر ایشان را که رسید مرا که شما میخواهید

أن تنتقلوا قرب المسجد قالوا نعم يا رسول الله قد أردنا ذلك فقال

نقل کنید [illegible] نزدیک مسجد گفتند آری ای پیغمبر خدا بتحقیق خواسته ایم این را پس فرمود

يا بني سلمة دياركم تكتب آثاركم دياركم تكتب آثاركم رواه مسلم

ای بنی سلمه لازم گیرید جایهای خود را نوشته میشود آثار شما [illegible] برای [illegible] روایت کرد مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةٌ

وازابی هریره روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم هفت قوم اند از مردم

يُظِلُّهُمُ اللّٰهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ

که سایه دارد ایشان را خدای تعالی در سایه عرش روزی که نیست هیچ سایه مگر سایه وی یکی پادشاه عادل دوم جوانیکه نشو نما یافت در پرستش

اللّٰهِ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتّٰى يَعُودَ إِلَيْهِ

خدا و سوم مردیکه دلش متعلق است بمسجد می که بیرون آید از آن تا آنکه باز گردد بسوی مسجد

وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللّٰهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللّٰهَ

و چهارم هر یکی از دو مرد که دوست دارند یکدیگر را از جهت خدا فراهم آیند بر محبت خدا و جدا شوند بر محبت خدا پنجم مردیکه یاد کرد خدا را

خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ وَجَمَالٍ

تنها پس اشک ریخت هر دو چشم وی ششم مردیکه خواند او را زنی صاحب جاه و جمال

فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللّٰهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتّٰى لَا تَعْلَمَ

پس گفت آن مرد بدرستیکه من میترسم خدا را هفتم مردیکه صدقه داد صدقه پس پنهان کرد صدقه را تا آنکه نداند

شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِيْنُهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

دست چپ او آنچه میدهد دست راست وی متفق علیه وازوی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ الرَّجُلِ فِي الْجَمَاعَةِ تُضَعَّفُ عَلٰى صَلٰوتِهِ فِي

الله علیه و سلم نماز مردیکه میگذارد در مسجد بجماعت زیاده گردانیده میشود ثواب بر نماز او که میکند تنها در

بَيْتِهِ وَفِي سُوقِهِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ ضِعْفًا وَذٰلِكَ أَنَّهُ إِذَا تَوَضَّأَ

خانه خود و در بازار خود بیست و پنج و چندان تضعیف ثواب بسبب آنست که چون وضو کند

فَأَحْسَنَ الْوُضُوْءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا الصَّلٰوةُ لَمْ يَخْطُ

پس نیک کرد وضو را پستر بیرون آید بسوی مسجد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر نماز نمی نهد

خُطْوَةً إِلَّا رُفِعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيْئَةٌ فَإِذَا صَلّٰى

هیچ گامی مگر بلند گردانیده میشود مر او را بآن گام پایه ثواب و کم کرده میشود از وی بآن گام گناهی پس چون نماز گذارد

لم تزل الملٰئكة تصلي عليه ما دام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم

همیشه فرشتگان درود میفرستند بر وی تا آنکه نشسته است وی در جای نماز خود با این صیغه که خداوندا درود بفرست بر وی خداوندا

ارحمه ولا يزال احدكم في صلوة ما ينتظر الصلوة وفي رواية قال اذا

رحمت کن او را و همیشه هست یکی از شما در نماز تا آنکه انتظار میکند نماز را و در روایتی چنین آمده است که گفت آنحضرت چون

دخل المسجد كانت الصلوة تحبسه وزاد في دعاء الملٰئكة اللهم اغفر

در آید مسجد را و باشد که نماز باز دارد وی را و زیاده کرده در دعای فرشتگان این عبارت را خداوندا بیامرز

[illegible] تب عليه ما لم يؤذ فيه ما لم يحدث فيه متفق عليه

[illegible] تا آنکه ایذا نرساند در مسجد هیچ مسلمان را و تا آنکه حدث نکند در مسجد متفق علیه است

وعن ابي اسيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی اسید [illegible] گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا دخل احدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي ابواب رحمتك واذا خرج

چون در آید یکی از شما مسجد را پس باید که بگوید خداوندا بگشا بر من درهای رحمت خود را و چون بر آید از مسجد

فليقل اللهم اني اسئلك من فضلك رواه مسلم وعن ابي قتادة

پس باید که بگوید خداوندا من سوال میکنم ترا از فضل تو رواه مسلم و روایت است از ابی قتاده رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اذا دخل احدكم المسجد

که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون در آید یکی از شما مسجد را

فليركع ركعتين قبل ان يجلس متفق عليه وعن معاوية بن

پس باید که گذارد دو رکعت پیش از آنکه بنشیند متفق علیه و از معاویه بن

قرة عن ابيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن هاتين

قره از پدر وی روایت است [illegible] که بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از خوردن این دو

الشجرتين يعني البصل والثوم وقال من اكلهما فلا يقربن مسجدنا

درخت یعنی پیاز و سیر و گفت هر که بخورد این دو درخت را پس نزدیک نشود مسجد ما را

وقال إن كنتم لا بد آكليهما فأميتوهما طبخا رواه أبو داود وعن

وگفت اگر هستید شما که ناچار خورندهٔ این دو درخت پس بمیرانید بوی ایشان را بپختن روایت کرد ابو داود و مرویست از

جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أكل من هذه الشجرة

جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بخورد این درخت ناخوش بوی را

المنتنة فلا يقربن مسجدنا فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه

پس باید که قریب نشود در نیاید مسجد ما را زیرا که فرشتگان آزار میکشند از آن چیزی که آزار میکشند از وی

الإنس متفق عليه وعن عائشة قالت أمر رسول الله صلى الله

آدمیان متفق علیه است و مرویست از عائشه رض گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ببناء المسجد في الدور وأن ينظف ويطيب رواه أبو داود

علیه وسلم به بنا کردن مسجد در سراها و محلها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند مسجد و خوشبو کرده شوند روایت کرد ابو داود

والترمذي أي المحلات وابن ماجة وعنه قال قال رسول الله صلى الله

و ترمذی مراد داشته است از دور محلات را و ابن ماجه از وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم عرضت علي أجور أمتي حتى القذاة يخرجها الرجل من

علیه وسلم عرض کرده شد بر من ثوابهای امت من که بر آن ثواب میابند تا آنکه خس و خاشاک که بیرون می آرد مرد از

المسجد وعرضت علي ذنوب أمتي فلم أر ذنبا أعظم من سورة من

مسجد و عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

القرآن أو آية أوتيها رجل ثم نسيها رواه الترمذي وأبو داود وعن

قران یا آیتی که داده شد آن سوره یا آن آیت آن مرد را پس فراموش کرد وی را روایت کرد ترمذی و ابو داود و از

بريدة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر المشائين في الظلم

بریده رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بشارت ده روندگان را در تاریکیها

إلى المساجد بالنور التام يوم القيمة رواه الترمذي وأبو داود

بمسجد بروشنی تام در روز رستخیز روایت کرد ترمذی و ابو داود

وَابْنُ مَاجَهْ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ وَاَنَسٍ ؓ وَعَنْ اَبِي سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ ؓ
وابن ماجه از سهل ابن سعد وازانس رضـ وازابی سعید خدری مرویست
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا رَاَيْتُمُ الرَّجُلَ يَتَعَاهَدُ الْمَسْجِدَ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید مردی را که عهده برائی مسجد میکند
فَاشْهَدُوْا لَهُ بِالْاِيْمَانِ فَاِنَّ اللّٰهَ يَقُوْلُ عَزَّوَجَلَّ اِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ مَنْ
پس گواهی دهید ظاهر کنید مر او را که او مومن است زیرا که خدا تعالیٰ میفرماید عمود نمیدارد مسجدهای خدا مگر کسیکه
اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ
ایمان آورد بخدا وروز آخر روایت کرد اورا ترمذی وابن ماجه والدارمی ودر روایت است
اَبِي اُمَامَةَ ؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ مِنْ
از ابی امامه رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از
بَيْتِهِ مُتَطَهِّرًا اِلٰى صَلٰوةٍ مَكْتُوْبَةٍ فَاَجْرُهُ كَاَجْرِ الْحَاجِّ الْمُحْرِمِ
خانه خود با وضو بسوی نماز فرض پس اجر او مانند اجر کسیکه حج بر آمده است احرام بسته
وَمَنْ خَرَجَ اِلٰى تَسْبِيْحِ الضُّحٰى لَا يُنْصِبُهُ اِلَّا اِيَّاهُ فَاَجْرُهُ كَاَجْرِ الْمُعْتَمِرِ
وکسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت نه در آرد او را مگر تسبیح ضحی پس ثواب او مانند کسیکه عمره می آرد
وَصَلٰوةٌ عَلٰى اَثَرِ صَلٰوةٍ لَا لَغْوَ بَيْنَهُمَا كِتَابٌ فِيْ عِلِّيِّيْنَ رَوَاهُ اَحْمَدُ
ونماز بر نمازی دیگر که نیست کلامی بیهوده درمیان آن هر دو علامتیست که نوشته شود در اعلی مرتب رواه احمد
وَاَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ ؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وابوداود وازابی هریره رضـ مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
اِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوْا قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
چون بگذرید بر باغهای بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه
وَسَلَّمَ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ الْمَسَاجِدُ قِيْلَ وَمَا الرَّتْعُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ
وسلم وچیست باغهای بهشت فرمود مساجد گفته شد وچیست چریدن ای پیغمبر خدا

قال سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر رواه الترمذي

فرمود آن کلمه است سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر روایت کرد ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من اتى المسجد

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بیاید مسجد را

لشيء فهو حظه رواه ابو داود وعن ابي امامة قال ان حبرا

برای چیزی پس همان چیز بهرهٔ اوست روایت کرد ابو داود و روایت است از ابی امامه رض گفت بدرستیکه دانشمندی

من اليهود سال النبي صلى الله عليه وسلم اي البقاع خير فسكت عنه

از یهود پرسید پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم کدام از جاها بهتر است پس خاموش ماند آنحضرت از جواب آن

وقال اسكت حتى يجيء جبرئيل فسكت وجاء جبرئيل عليه السلام فسال

و گفت خاموش میباشم تا آنکه بیاید جبرئیل پس خاموش ماند آنحضرت و آمد جبرئیل علیه السلام پس پرسید آنحضرت

فقال ما المسؤل عنها باعلم من السائل ولكن اسال ربي تبارك وتعالى

پس گفت جبرئیل نیست سوال کرده شده از ان داناتر از سوال کننده ولیکن میپرسم من پروردگار خود را تبارک و تعالی

ثم قال جبرئيل يا محمد اني دنوت من الله دنوا ما دنوت منه قط قال

بعد گفت جبرئیل ای محمد بدرستیکه من نزدیک شدم از درگاه خدا نزدیک شدنی که نزدیک نبودم در مدت عمر از انجا که گذر فرمود چگونه

وكيف كان يا جبرئيل قال كان بيني وبينه سبعون الف حجاب

بود ای جبرئیل آن نزدیک شدن تو با خدا گفت جبرئیل بود میان من و خدا هفتاد هزار پرده

من نور فقال شر البقاع اسواقها وخير البقاع مساجدها رواه ابن

از نور پس جبرئیل گفت پس فرمود حق تعالی بدترین جاها بازارها است و بهترین جاها مسجدها است روایت کرد ابن

حبان مس وعن ابي هريرة رض قال سمعت رسول الله صلى

حبان در روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم من پیغمبر خدا را صلی

الله عليه وسلم يقول من جاء مسجدي هذا لم ياته الا لخير يتعلمه او يعلمه

الله علیه و سلم را که میگفت کسیکه بیاید بمسجد من که این مسجد است نیاید مگر برای کار نیک که خود بیاموزد یا بیاموزد دیگری

فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَمَنْ جَاءَ لِغَيْرِ ذٰلِكَ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ

پس او در اجر و ثواب همچو کسی که جهاد میکند در راه خدا و کسیکه بیاید برای کار دیگر پس آنکس همچو

الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى مَتَاعِ غَيْرِهِ رَوَاهُ ابْنُ حِبَّانَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

مردیکه می نگرد بجانب متاع دیگر رواه ابن حبان و بیهقی در شعب الایمان

وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي عَلَى

و مرویست از حسن بصری از روی مرسل گفت حسن فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می آید بر

النَّاسِ زَمَانٌ يَكُونُ حَدِيثُهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ فَلَا تُجَالِسُوهُمْ

مردمان زمانیکه میباشد گفت گوی ایشان در مسجدهای ایشان در کار دنیاوی ایشان پس همنشینی مکنید ایشان را

فَلَيْسَ لِلّٰهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَنَسِ

پس نیست مر خدا را در ایشان حاجتی رواه بیهقی در شعب ایمان و از انس رضه

بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ الرَّجُلِ فِي

مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز مردی در

بَيْتِهِ بِصَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهُ فِي مَسْجِدِ الْقَبَائِلِ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ صَلٰوةً

خانه وی بمنزله یکنماز است و نماز وی در مسجد قبیله وی بمنزله بست و پنجنماز است

وَصَلٰوتُهُ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي يُجَمَّعُ فِيهِ بِخَمْسِمِائَةِ صَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهُ

و نماز وی در مسجدیکه جمعه ادا کرده میشود در آن مسجد بمنزله پانصد نماز است و نماز وی

فِي الْمَسْجِدِ الْأَقْصٰى بِخَمْسِينَ أَلْفَ صَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهُ فِي مَسْجِدِي بِخَمْسِينَ

در مسجد اقصی بپنجاه هزار نماز است و نماز وی در مسجد من بمنزله پنجاه

أَلْفَ صَلٰوةٍ وَصَلٰوتُهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بِمِائَةِ أَلْفِ صَلٰوةٍ رَوَاهُ ابْنُ

هزار نماز است و نماز وی در مسجد حرام بمنزله صد هزار نماز است رواه ابن

مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَيُّ مَسْجِدٍ وُضِعَ فِي

ماجه و مرویست از ابی ذر رضه گفت گفتم ای پیغمبر خدا کدام مسجد است که بنا کرده شد در

الارض اوّل قال المسجد الحرام قلت ثم ای قال ثم المسجد الاقصى

زمین نخست فرمود مسجد حرام گفتم پستر کدام فرمود پستر مسجد اقصی است

قلت کم بینهما قال اربعون عاما ثم الارض لك مسجد فحیث ما

گفتم چند مدت است میان آن هر دو مسجد فرمود چهل سال پستر زمین تمام ترا مسجد است پس هرجا که

ادرکتك الصلوة فصل متفق علیه وعن عبد الله بن عمرو بن

دریابد ترا نماز پس بگذارد متفق علیه و مرویست از عبد الله بن عمرو بن

العاص قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول اذا دخل المسجد

عاص رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میگفت در وقت در آمدن مسجد

اعوذ بالله العظیم وبوجهه الکریم وسلطانه القدیم من الشیطن

پناه میجویم بخدای بزرگ و بذات پاک وی و بسلطنت و قهر او که قدیم است از شیطان

الرجیم قال فاذا قال ذلك قال الشیطان حفظ منی سائر الیوم رواه

سنگسار کرده شده فرمود آنحضرت چون بگوید کسی اینکلمات را میگوید شیطان نگاه داشته شد این بنده از من تمام روز روایت کرد او را

ابوداود وعن معاذ بن جبل قال احتبس عنا رسول الله صلی الله

ابوداود و مرویست از معاذ بن جبل رض گفت باز داشته شد از ما پیغمبر خدا صلی الله

علیه وسلم ذات غداة عن صلوة الصبح حتی کدنا نتراءی عین الشمس

علیه وسلم یک بامداد از نماز صبح تا آنکه نزدیک بودیم که ببینیم آفتاب را طلوع کرده

فخرج سریعا فثوب بالصلوة فصلی رسول الله صلی الله علیه وسلم

پس بیرون آمد از خانه شتابی پس تکبیر گفته شد برای نماز پس نماز گذارد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وتجوز فی صلوته فلما سلم دعا بصوته فقال لنا علی مصافکم کما

و شتابان کرد نماز را بر خلاف عادت پس بعد سلام خواند باواز بلند پس گفت ما را باشید بر جای صفهای خود چنانکه

انتم ثم انفتل الینا ثم قال اما انی ساحدثکم ما حبسنی عنکم

هستید پستر گشت آنحضرت بجانب ما پستر فرمود آگاه باشید بدرستی که من خبر میدهم شما را که چه چیز باز داشت مرا از شما در این

الغداة إني قمت من الليل فتوضأت وصليت ما قدر لي فنعست في

بامداد که بدرستی من برخاستم از شب پس وضو کردم وگذاردم از نماز آنچه که تقدیر کرده شده بود برای من پس غنوده شدم

صلوتي حتى استثقلت فإذا أنا بربي تبارك وتعالى في أحسن صورة

نماز تا آنکه ثقیل شدم پس ناگاه می بینم که با پروردگار خودم تبارک و تعالی در نیکوترین صفت و حالت

فقال يا محمد قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت

پس گفت حق تعالی ای محمد گفتم ایستاده ام در خدمت تو ای رب فرمود در چه بحث و نزاع میکنند فرشتگان ملاء اعلی گفتم

لا أدري قالها ثلثا قال فرأيته وضع كفه بين كتفي حتى وجدت

در نمی یابم گفت حق تعالی این کلمه را سه بار پس گفت آنحضرت دیدم حق تعالی را که نهاده دست خود را درمیان دو شانه من تا آنکه یافتم

برد أنامله بين ثديي فتجلى لي كل شيء وعرفت فقال يا محمد

سردی انگشتان او را میان پستانهای خود را پس ظاهر شد مرا هر چیز از علوم و شناختم همه را پس فرمود حق تعالی ای محمد

قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت في الكفارات

گفتم ایستاده ام در خدمت تو ای پروردگار من در چه چیز نزاع میکنند فرشتگان ملاء اعلی گفتم بحث میکنند در کفارات

قال وما هن قلت مشي الأقدام إلى الجماعات والجلوس في المساجد

فرمود و چه چیزاند کفارات گفتم یکی رفتن با پایها بسوی جماعتهای نماز دوم نشستن در مسجد ها

بعد الصلوة وإسباغ الوضوء حين الكريهات قال ثم فيم قلت

بعد از نماز سوم کامل و سیراب کردن وضو در حالتهای که ناخوش دارد طبیعت استعمال آب را فرمود باز در چه چیز بحث میکنند گفتم

في الدرجات قال وما هن قلت إطعام الطعام ولين الكلام والصلوة

در درجات فرمود و چه چیز هستند درجات گفتم خورانیدن طعام بمسکین و نرمی کردن در سخن و نماز گذاردن

بالليل والناس نيام ثم قال سل قال قلت اللهم إني أسئلك فعل

بشب در حالتیکه مردم خواب باشند پس فرمود حق تعالی بخواه از خیرات گفتم و دعا کردم باین طور خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا کردن

الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لي وترحمني

نیکیها و گذاشتن کارهای بد را که ناشناخته اند سوال میکنم و دوستی مسکینان را و اینکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا

وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً فِي قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ

وچون خواہی فتنہ در قومی پس بمیران مرا بی آنکہ گرفتار فتنہ شوم و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی

مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

کسی کہ دوست دارد ترا و دوستی کاری کہ نزدیک گرداند مرا بدوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهَا حَقٌّ فَادْرُسُوهَا ثُمَّ تَعَلَّمُوهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

اللہ علیہ وسلم این واقعہ کہ دیدم حق است پس بخوانید از پیشتر تعلیم کنید آن را روایت کرد احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمٰعِيلَ

و ترمذی و گفت کہ این حدیث حسن صحیح است و پرسیدم محمد بن اسمعیل

عَنْ هٰذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ

یعنی بخاری را از این حدیث کہ چہ حال دارد پس گفت کہ این حدیث صحیح است

بَابُ فَضِيلَةِ الْجَمَاعَةِ

باب در فضیلت نماز با جماعت

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

و برپا دارید نماز را و بدہید زکوۃ را و رکوع کنید ہمراہ رکوع کنندگان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ

مرویست از ابن عمر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نماز

الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بجماعت زیادہ میشود در ثواب بر نماز تنہا گذارندہ به بیست و ہفت درجہ متفق علیہ است

وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مرویست از ابی بن کعب گفت نماز کرد با ما حضرت صلی اللہ علیہ وسلم

يَوْمًا الصُّبْحَ فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ أَشَاهِدٌ فُلَانٌ قَالُوا لَا قَالَ أَشَاهِدٌ

روزی نماز با ما داد پس چون سلام داد فرمود کہ آیا حاضر است فلان گفتند نہ فرمود آیا حاضر است

فلانٌ قالوا لا قال إنّ هاتين الصلوتين أثقل الصلوات على المنافقين

فلان شخص گفتند که حاضر نیست فرمود آنحضرت که این دو نماز خفتن و صبح گران‌ترین نمازهاست بر منافقین

ولو تعلمون ما فيهما لأتيتموهما ولو حبوًا على الركب وإنّ الصفّ الأوّل

اگر بدانید آنچه در گزاردن این دو نماز است هر آینه می‌آمدید این دو نماز را بر زانو و اگرچه خزیده و بدرستیکه صف اول

على مثل صفّ الملائكة ولو علمتم ما فضيلته لابتدرتموه وإنّ صلوة

بر مانند صف فرشتگان است در فضل اگر بدانستید که چیست فضیلت صف اول هر آینه شتابی بسیار می‌کردید بسوی آن و بدرستیکه نماز

الرجل مع الرجل أزكى من صلوته وحده وصلوته مع الرجلين أزكى من

مرد با مردی پاکیزه‌تر است از گزاردن تنها نماز وی ... با دو مرد پاکیزه‌تر است

صلوته مع الرجل وما كثر فهو أحبّ إلى الله رواه أبو داود والنسائي

از نماز گزاردن او با یک مرد و هر چه بسیار است از جماعت پس آن محبوب‌تر است بسوی خدا روایت کرد ابو داود و نسائی

وعن أمّ الدرداء قالت دخل عليّ أبو الدرداء وهو مغضب فقلت

و روایت است از ام درداء گفت در آمد بر من ابو درداء و حال آنکه وی در غضب آمده بود پس گفتم

ما أغضبك قال والله ما أعرف من أمر أمّة محمّد صلّى الله عليه وسلّم

چه چیز در غضب آورد ترا گفت بخدا که نمی‌شناسم ... از امر امت محمد صلی الله علیه وسلم

شيئًا إلّا أنّهم يصلّون جميعًا رواه البخاري وعن أبي بكر

چیزی را مگر آنکه نماز میگزارند به جماعت روایت کرد بخاری و از ابی بکر

بن سليمان بن أبي حثمة أنّ عمر بن الخطّاب فقد سليمان بن

بن سلیمان بن ابی حثمه مرویست که ... عمر بن الخطاب رضی الله عنه گم کرد سلیمان بن

أبي حثمة في صلوة الصبح وأنّ عمر غدا إلى السوق ومسكن سليمان

ابی حثمه را در نماز بامداد و بدرستیکه عمر رفت بامداد بسوی بازار و خانه سلیمان

بين المسجد والسوق فمرّ على الشفاء أمّ سليمان فقال لها لم أر

در میان مسجد و بازار بود پس گذشت بر شفا که مادر سلیمان است پس گفت مر شفا را که ندید

سُلَيْمَانَ فِي الصُّبْحِ قَالَتْ إِنَّهُ بَاتَ يُصَلِّي فَغَلَبَتْهُ عَيْنَاهُ فَقَالَ عُمَرُ

سلیمان را در نماز صبح پس گفت شفا بدرستیکه سلیمان شب نماز میگذارد پس غالب آمد او را دو چشم او پس گفت عمر رض

لَأَنْ أَشْهَدَ صَلَاةَ الصُّبْحِ فِي جَمَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُومَ لَيْلَةً

هر آئینه حاضر شدن من نماز با مداد را در جماعت محبوب تر است بسوی من از آنکه قیام کنم شبی

رَوَاهُ مَالِكٌ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت کرد مالک و روایت است از ابو موسی اشعری رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر صلی الله

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِثْنَانِ فَمَا فَوْقَهُمَا جَمَاعَةٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ

الله علیه وسلم دو کس و آنچه زیاده از ایشان است جماعت است روایت کرد ابن ماجه و مرویست از وی

قَالَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّهُ

گفت آمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی نابینا پس گفت ای پیغمبر خدا بدرستیکه شان اینست

لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ فَسَأَلَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

که نیست مرا کشنده که ببرد مرا بمسجد پس سوال کرد و درخواست از آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ فَرَخَّصَ لَهُ فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ

وسلم که رخصت دهد او را نماز در خانه خود پس رخصت داد او را پس وقتیکه برگشت خواند او را

فَقَالَ هَلْ تَسْمَعُ النِّدَاءَ بِالصَّلَاةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَأَجِبْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس گفت آیا می‌شنوی آواز اذان بنماز گفت آری شنوم گفت پس قبول کن روایت کرد مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشه گفت شنیدم پیغمبر صلی الله علیه وسلم را که

يَقُولُ لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلَا هُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ رَوَاهُ

میگفت نیست نماز در حضور طعام ونه در ... لیکن با مدافعت کنند او را دو پلید روایت

مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسلم و روایت است از ابو هریره گفت فرمود پیغمبر صلی الله علیه وسلم

إذا أقيمت الصلوة فلا صلوة إلا المكتوبة رواه مسلم وعن

چو اقامت کرده شود نماز پس جائز نیست نماز غیر از نماز فرض روایه مسلم و روایت است از

ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنعوا نساءكم

ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع مکنید زنان خود را

المساجد وبيوتهن خير لهن رواه ابو داود وعن ابي هريرة قال

از مساجد و خانهای ایشان بهتر است مر ایشان را روایه ابو داود از ابی هریره رض گفت

امرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كنتم في المسجد فنودي بالصلوة

امر فرمود ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم که هنگامیکه باشید در مسجد پس اذان گفته شود

فلا يخرج احدكم حتى يصلي رواه احمد وعن عبد الله بن ام

پس باید که بیرون نرود یکی از شما تا آنکه نماز گزارد روایه احمد و روایت است از عبد الله ابن ام

مكتوم قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ان المدينة كثيرة الهوام

مکتوم رض گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در مدینه بسیار است گزندها

والسباع وانا ضرير البصر فهل تجد لي من رخصة قال هل تسمع حي

و درندها و من نابینا ام پس آیا می یابی برای من رخصت فرمود آیا میشنوی این کلمات را که حی

على الصلوة حي على الفلاح قال نعم قال فحي هلا ولم يرخص له رواه

على الصلوة حي على الفلاح گفت بلی فرمود پس بیا و رخصت نداد او را روایه

ابو داود والنسائي وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و نسائی روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من توضأ فاحسن وضوءه ثم راح فوجد الناس قد صلوا

علیه وسلم کسیکه وضو کرد پس نیکو کرد وضوی خود را باز رفت بسوی مسجد پس یافت مردم را که نماز گذارده اند

اعطاه الله مثل اجر من صلاها وحضرها لا ينقص ذلك من اجورهم

بدهد او را الله تعالی مانند ثواب کسیکه گزارده است آن نماز را و حاضر شده … کم نکند این از ثواب ایشان

شيئًا رواه ابوداود والنسائي من ايضًا وعن انس قال قال رسول الله
چیزے رواه ابوداود ونسائی روایت است از انس گفت فرمود پیغمبر خدا
صلى الله عليه وسلم من صلى لله اربعين يومًا في جماعة يدرك التكبيرة
صلی الله علیه وسلم کسیکه نماز گذارد برای خدا چهل روز در جماعت در حالیکه دریابد تکبیر
الاولى كتب له براءتان براءة من النار وبراءة من النفاق رواه
اولی را نوشته میشود مرو برا دو خط بیزاری یکی بیزاری از آتش دوزخ و دوم بیزاری از نفاق روایت
الترمذي وعن عبد الله بن وهب عن ثوابة بن مسعود عمن
ترمذی و روایت است از عبد الله بن وهب او روایت میکند از ثوابه بن مسعود از کسیکه
حدثه عن انس بن مالك قال توفى ابن لعثمان بن مظعون فاشتد
روایت کرده است از انس بن مالک گفت وفات کرد فرزند عثمان بن مظعون پس زیاده شد
حزنه عليه حتى اتخذ في داره مسجدًا يتعبد فيه فبلغ ذلك
غم او بر عثمان تا آنکه گرفت در خانه خود مسجد که عبادت میکرد در آن مسجد پس رسید آن خبر
النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا عثمان ان الله لم يكتب علينا
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود ای عثمان بدرستیکه خدا نه نوشت بر ما
الرهبانية انما رهبانية امتي الجهاد في سبيل الله يا عثمان ابن
رهبانیت را جز این نیست که رهبانیت امت من جهاد است در راه خدا ای عثمان
مظعون ان للجنة ثمانية ابواب وللنار سبعة ابواب فما يسرك
مظعون بدرستیکه جنت را هشت درست و مر دوزخ را هفت در است پس خوش نمی آید ترا
الا تاتي بابًا منها الا وجدت ابنك الى جنبك اخذ بحجزتك
اینکه بیائی دری را از درها مگر آنکه بیابی تو که فرزند تو بر پهلوی تو گیرنده است بکمر بند تو
يستشفع لك الى ربك عز وجل قال بلى قيل يا رسول الله
طلب شفاعت کند برای تو بسوی پروردگار تو که بزرگ بلند است گفت بلی گفته شد ای پیغمبر خدا

وكنا فرطنا ما نعمان قال نعم لمن صبر منكم واحتسب ثم قال

ودرین بشارت است ما را ای عثمان گفت آری مر آنکس را که صبر کرد از شما و ثواب طلبید پس گفت

له يا عثمان بن مظعون من صلى صلوة الفجر في جماعة ثم جلس يذكر

عثمان را ای عثمان بن مظعون کسیکه نماز ادا کرد نماز بامداد را در جماعت پس نشست تا که ذکر کند

الله حتى تطلع الشمس كان له في الفردوس سبعون درجة بين كل

خدا را تا آنکه طلوع شود آفتاب باشد مر او را در فردوس هفتاد درجه میان

درجتين كركض الفرس الجواد المضمر سبعين سنة ومن صلى الظهر

هر دو درجه مانند رفتار اسپ تیز رو تضمیر کرده شده هفتاد سال راه و کسیکه نماز ظهر

في جماعة كان له في جنات عدن خمسون درجة كركض الفرس الجواد

در جماعت باشد مر او را در جنت عدن پنجاه درجه مانند رفتار اسپ تیز رو

المضمر خمسين سنة ومن صلى العصر في جماعة كان له كاجر ثمانية

تضمیر کرده شده پنجاه ساله راه و کسیکه ادا کرد نماز عصر در جماعت باشد مر او را مانند ثواب هشت

من ولد اسمعيل كلهم رب بيت اعتقهم ومن صلى المغرب في

از اولاد اسمعیل همه ایشان را مالک شان آزاد کرده است ایشان را و کسیکه نماز مغرب ادا کرد با

جماعة كان له كحجة مبرورة وعمرة متقبلة ومن صلى العشاء في

جماعت باشد آن مانند حج مبرور و عمره مقبول و کسیکه ادا کرد نماز عشا را با

جماعة كان له كقيام ليلة القدر هب جمع الجوامع

جماعت باشد مر او را مانند قیام و زنده داشتن شب قدر از جمع الجوامع

باب إثم ترك الجماعة

این باب در معصیت ترک جماعت است

عن أبي هريرة أنه كان يقول من أدرك الركعة فقد أدرك

روایت است از ابی هریره که او بود که میگفت کسیکه یافت رکوع را پس تحقیق یافت

السَّجْدَةَ وَمَنْ فَاتَتْهُ قِرَاءَةُ أُمِّ الْقُرْاٰنِ فَقَدْ فَاتَهُ خَيْرٌ رَوَاهُ مَالِكٌ

سجده را یعنی رکعت را و کسیکه فوت شد او را خواندن فاتحة الکتاب پس بتحقیق فوت شد از وی نیکی بسیار رواه مالک

وَعَنْهُ أَنَّهُ قَالَ الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيَخْفِضُهُ قَبْلَ الْإِمَامِ فَإِنَّمَا

و در روایة است از وی رضی الله عنه که او گفت کسیکه بردارد سر خود را و پست کند سر را پیش از امام پس نیست

نَاصِيَتُهُ بِيَدِ الشَّيْطٰنِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

موی پیشانی او مگر بدست شیطان رواه مالک و در روایة است از ابی هریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا مَا فِي الْبُيُوْتِ مِنَ النِّسَآءِ

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نبودی چیزیکه در خانه هاست از زنان

وَالذُّرِّيَّةِ أَقَمْتُ صَلٰوةَ الْعِشَآءِ وَأَمَرْتُ فِتْيَانِي يُحْرِقُوْنَ مَا فِي

و اطفال بر پا میکردم نماز عشا را و میفرمودم خادمان خود را که بجماعة بسوزند چیزیرا که در

الْبُيُوْتِ بِالنَّارِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي الشَّعْثَآءِ قَالَ خَرَجَ رَجُلٌ مِنَ

خانهاست باتش رواه احمد و در روایت است از ابو شعثا گفت بیرون آمد مردی از

الْمَسْجِدِ بَعْدَ مَا أُذِّنَ فِيْهِ فَقَالَ أَبُوْ هُرَيْرَةَ أَمَّا هٰذَا فَقَدْ عَصٰى

مسجد بعد از انکه اذان گفته شد در مسجد پس گفت ابو هریره رض اما این مرد بتحقیق که گناه کرد

أَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ

ابا قاسم را که کنیت آنحضرت است صلی الله علیه وسلم رواه مسلم و از عثمان

بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

بن عفان رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

أَدْرَكَهُ الْأَذَانُ فِي الْمَسْجِدِ ثُمَّ خَرَجَ لَمْ يَخْرُجْ لِحَاجَةٍ وَهُوَ لَا يُرِيْدُ الرَّجْعَةَ

که دریابد او را بانگ نماز در مسجد پستر بیرون آمد در انحالیکه بیرون نیامده باشد برای حاجتی ضروری و او نمیخواهد بازآمدن

فَهُوَ مُنَافِقٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ

پس او منافق است رواه ابن ماجه و در روایة است از ابن عباس رضی الله تعالی عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَا صَلٰوةَ

از نبی صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ بشنود بانگ نماز را پس اجابت نکرد و برائی نماز در مسجد نیامد نیست نماز

لَهٗ اِلَّا مِنْ عُذْرٍ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ

مراورا مگر از جہت عذری رواہ دار قطنی و روایت است از مجاہد واو از عبد اللہ بن عمر

رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَمْنَعَنَّ رَجُلٌ اَهْلَهٗ

رضی اللہ عنہما بدرستیکہ نبی صلی اللہ علیہ وسلم فرمود منع نکند ہیچ مردی کسان خود را

اَنْ يَاْتُوا الْمَسَاجِدَ فَقَالَ ابْنٌ لِعَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ فَاِنَّا نَمْنَعُهُنَّ فَقَالَ عَبْدُ اللهِ

از آمدن مسجد ہا پس گفت پسری کہ مر عبد اللہ بن عمر را بود کہ ما البتہ منع میکنیم پس گفت عبد اللہ

اُحَدِّثُكَ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَقُوْلُ هٰذَا قَالَ فَمَا كَلَّمَهٗ

حدیث میکنم مر ترا از پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم و تو میگوئی این کلمہ گفت راوی پس کلام

عَبْدُ اللهِ حَتّٰى مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ

نکرد با فرزند عبد اللہ بن عمر تا آنکہ مرد رواہ احمد و مرویست از عبد اللہ بن مسعود رضی گفت

لَقَدْ رَاَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنِ الصَّلٰوةِ اِلَّا مُنَافِقٌ قَدْ عُلِمَ نِفَاقُهٗ اَوْ مَرِيْضٌ

بتحقیق دانستم خود و مر دیگران را کہ حکم میکردیم بانیکہ پس نمی ماند از جماعت نماز مگر منافقی کہ بتحقیق معلوم بود نفاق او یا بیماری بد اصلاح

وَاِنْ كَانَ الْمَرِيْضُ لَيَمْشِيْ بَيْنَ رَجُلَيْنِ حَتّٰى يَاْتِيَ الصَّلٰوةَ وَقَالَ اِنَّ

و تحقیق بود بیمار یکہ راہ میرفت میان دو مرد تکیہ کردہ برایشان تا آنکہ می آمد در مسجد برای نماز و گفت ابن مسعود بدرستیکہ

رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَنَا سُنَنَ الْهُدٰى وَاِنَّ مِنْ سُنَنِ

پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم تعلیم کرد ما را سنتہا را کہ عمل کردن آن سبب ہدایت است بدرستیکہ از جملہ سنن ہدی

الْهُدَى الصَّلٰوةَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِيْ يُؤَذَّنُ فِيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ قَالَ مَنْ سَرَّهٗ

نماز است در مسجدیکہ اذان گفته میشود در آن مسجد و در روایت آمدہ است کہ ابن مسعود گفت کسیکہ خوشحال میگرداند او را

اَنْ يَلْقَى اللهَ غَدًا مُسْلِمًا فَلْيُحَافِظْ عَلٰى هٰؤُلَاءِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ

[illegible] خدا را فردا مسلمان [illegible] بانی کند بر نمازہا [illegible] پنجگانہ

حيث ينادى بهن فان الله شرع لنبيكم سنن الهدى وانهن من

در جائيكه نداكرده شود براي انها پس بدرستيكه خدا تعالی شرع كرد براي پيغامبر شما طريقهاي راه راست را و بدرستيكه اين نمازها از

سنن الهدى ولو انكم صليتم في بيوتكم كما يصلي هذا المتخلف في

جملهٔ طريقهای راست اگر ثابت شود انكه شما گذارده بوديد نماز را در خانهاي خود چنانكه ميگذارد اين شخص باز مانده در

بيته لتركتم سنة نبيكم ولو تركتم سنة نبيكم لضللتم وما من

خانه خود هر آئينه ترك كرده شويد طريقهٔ پيغامبر را اگر ترك كنيد طريقه پيغمبر خود را هر آئينه گمراه شويد و نيست هيچ

رجل يتطهر فيحسن الطهور ثم يعمد الى مسجد من هذه المساجد الا

مرديكه طهارت كند پس نيك كند طهارت را پس قصد رفتن كند بسوی مسجدی از اين مساجد مگر آنكه

كتب الله له بكل خطوة يخطوها حسنة ورفعه بها درجة وحط عنه

بنويسد خدای تعالی برای او بهر گاميكه ميزند نيكی و ثواب بلند گرداند برای او بپايه بلندی و كم گرداند

بها سيئة ولقد رأيتنا وما يتخلف عنها الا منافق معلوم النفاق

بسبب آن بدی و بتحقيق ديديم اصحاب را بهر كه تخلف نميكرد از جماعت مگر منافق كه نفاق او معلوم بود

ولقد كان الرجل يؤتى به يهادى بين الرجلين حتى يقام في الصف

و بتحقيق بود مرد بيماری كه آورده ميشد در حاليكه تكيه ميكرد از غايت ضعف بميان دو مرد تا آنكه استاده كرده ميشد در صف نماز

رواه مسلم وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

رواه مسلم و روايت است از ابن عباس رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلی الله عليه

وسلم من سمع المنادى فلم يمنعه من اتباعه عذر قالوا وما

وسلم كسيكه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پيروی كردن آن هيچ بهانه گفتند صحابه كه چيست عذر

العذر قال خوف او مرض لم تقبل منه الصلوة التي صلى رواه

فرمود ترس هلاك يا بيماری نپذيرفته نميشود از وی نمازيكه گذارده است رواه

ابوداود والدارقطني وعن ابي الدرداء قال قال رسول الله

ابوداود و دارقطني و روايت است از ابي درداء رض گفت فرمود پيغمبر

صلى الله عليه وسلم ما من ثلثة في قرية ولا بدو لا تقام فيهم الصلوة

صلی الله علیه وسلم نیست سه مرد در دهی و یا در بادیه که بر پا کرده نشود در میان ایشان نماز بجماعت

إلا قد استحوذ عليهم الشيطان فعليك بالجماعة فإنما يأكل الذئب

مگر آنکه غالب شد بر ایشان شیطان پس بر تو باد که لازم گیری جماعت را زیرا که میخورد گرگ گوسفند دور را

القاصية رواه أحمد وأبو داود والنسائي وعن أبي هريرة رضي

که دور افتاده است روایت کرده احمد وابو داود ونسائی و روایت است از ابی هریره رضی

الله تعالى عنه صلوة الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة

الله تعالی عنه نماز کردن با جماعت افزونی میکند بر نماز که تنها گذارد به بیست و هفت درجه

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق علیه روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

والذي نفسي بيده لقد هممت أن آمر بحطب فيحطب ثم آمر

بخدای که بقای ذات من بدست قدرت اوست بتحقیق آهنگ کردم که امر کنم بجمع کردن هیزم پس جمع کرده شود هیزم باز امر کنم

بالصلوة فيؤذن لها ثم آمر رجلا فيؤم الناس ثم أخالف إلى

بادان گفتن برای نماز پس اذان گفته شود برای نماز باز امر کنم مردی را تا امامت کند پس امامت کند مردم را باز بیایم بسوی

رجال وفي رواية لا يشهدون الصلوة فأحرق عليهم بيوتهم

مردمانیکه و در روایتی این کلمه است حاضر نشوند برای نماز پس بسوزانم بر ایشان خانهای ایشان

والذي نفسي بيده لو يعلم أحدهم أنه يجد عرقا سمينا أو مرماتين

بخدا سوگند اگر بداند یکی از ایشان که وی می یابد استخوان فربه یا دو سم گاو

حسنتين لشهد العشاء رواه البخاري ولمسلم نحوه

و گوسفند که نیکو در آید در نظر مرد و زن هرآئینه حاضر گردد نماز عشا را روایت کرده بخاری و مر مسلم را مانند آنست

باب تسوية الصف

باب در برابر کردن صف وقت نماز

عَنِ النُّعْمَانِ ابْنِ الْبَشِيْرِ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَوِّيْ صُفُوْفَنَا حَتّٰى كَاَنَّمَا يُسَوِّيْ بِهَا الْقِدَاحَ حَتّٰى رَاٰى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای مارا در نماز تا آنکه گویا برابر میکرد بآن صفوف چوب تیر را تا آنکه دید آنحضرت

اَنَّا قَدْ عَقَلْنَا عَنْهُ ثُمَّ خَرَجَ يَوْمًا فَقَامَ حَتّٰى كَادَ اَنْ يُّكَبِّرَ فَرَاٰى رَجُلًا

که ما بتحقیق فهمیدیم از قول و فعلش پس بیرون آمد آنحضرت روزی پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر بگوید پس دید مردی را

بَادِيًا صَدْرُهٗ مِنَ الصَّفِّ فَقَالَ عِبَادَ اللّٰهِ لَتُسَوُّنَّ صُفُوْفَكُمْ اَوْ

که بیرون رست سینه او از صف پس گفت ای بندگان خدا هر آینه باید که برابر کنید شما صفهای خود را یا آنکه

لَيُخَالِفَنَّ اللّٰهُ بَيْنَ وُجُوْهِكُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا میان روهای شما رواه مسلم و روایت است از عائشه

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلٰى مَيَامِنِ الصُّفُوْفِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ

و فرشتگان او درود میفرستند بر جانبهای راست الصفوف و از ابی امامه مرد لیس

رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی

وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَعَلَى

و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ الْاَوَّلِ قَالُوْا يَا

صف دوم نیز فرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف اول گفتند ای

رَسُوْلَ اللّٰهِ وَعَلَى الثَّانِيْ قَالَ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهٗ يُصَلُّوْنَ عَلَى الصَّفِّ

پیغمبر خدا بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر صف

الاول قالوا یا رسول الله وعلی الصف الثانی قال وعلی الثانی وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرستد آنحضرت و بر صف دوم نیز و

رسول الله صلی الله علیه وسلم سووا صفوفکم وحاذوا بین

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابر کنید میان

مناکبکم ولینوا فی ایدی اخوانکم وسدوا الخلل فان الشیطان

دوشهای خود و نرمی کنید در پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

یدخل فیما بینکم بمنزلة الحذف یعنی اولاد الضان الصغار

میدر آید در میان شما در رنگ حذف خواست راوی بلفظ حذف بچهای میش که خرد باشند

رواه احمد وعن ابن عمر رضی الله تعالی عنه قال قال رسول الله

رواه احمد واز ابن عمر مرویست رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم اقیموا الصفوف وحاذوا بین المناکب وسدوا

صلی الله علیه وسلم بر پا کنید صفوف را و برابر کنید در میان دوشهای خود و بندید

الخلل ولینوا بایدی اخوانکم ولا تذروا فرجات الشیطان ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسیکه

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه ابوداود

وصل کند صف را وصل کند او را خدای تعالی و کسیکه ببرد و رخنه کند صف را ببرد و دور اندازد او را خدای تعالی رواه ابوداود

وعن عائشة رضی الله تعالی عنها قالت قال رسول الله صلی الله

و مرویست از عائشه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

علیه وسلم لا یزال قوم یتأخرون عن الصف الاول حتی یؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می افتند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله فی النار رواه ابوداود وعن ابی هریرة رضی الله تعالی عنه

خدای تعالی در آتش رواه ابوداود و مرویست از ابی هریره رضی الله تعالی عنه

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَمَا يَخْشَى الَّذِيْ يَرْفَعُ رَأْسَهُ
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم آیا نمی ترسد آنکس کہ برمیدارد سر خود را
قَبْلَ الْاِمَامِ اَنْ يُحَوِّلَ اللّٰهُ رَأْسَهُ رَأْسَ حِمَارٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَنَسٍ
پیش از امام اینکہ بگرداند خدا تعالی سر او را ہمچو سر خر متفق علیہ است و از انس رضی اللہ عنہ مروی است
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُصُّوْا صُفُوْفَكُمْ وَقَارِبُوْا
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پیوستہ دارید و استوار کنید صفہای خود را و نزدیکی کنید
بَيْنَهَا وَحَاذُوْا بِالْاَعْنَاقِ فَوَالَّذِيْ نَفْسِيْ بِيَدِهٖ اِنِّيْ لَاَرَى الشَّيْطٰنَ
میان صفہا و برابر کنید گردنہا را پس سوگند بخدائیکہ بقای ذات من بدست اوست بدرستیکہ من مرا بینم شیطان را
يَدْخُلُ مِنْ خَلَلِ الصَّفِّ كَاَنَّهَا الْحَذَفُ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ
کہ در می آید از رخنہ صف گوئیا آن شیطان بچہ میش است رواه ابو داود و روایت است از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ
ابی ہریرہ رضی اللہ تعالی عنہ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بہتر
صُفُوْفِ الرِّجَالِ اَوَّلُهَا وَشَرُّهَا اٰخِرُهَا وَخَيْرُ صُفُوْفِ النِّسَآءِ اٰخِرُهَا
صفہای مردان اولین آنہاست و بدترین صفہا مردان پسین آنہاست و بہترین صفہای زنان پسین آنہاست
وَشَرُّهَا اَوَّلُهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ الْخُدْرِيِّ
و بدترین صفہای زنان پیشین آنہا رواه مسلم و از ابی سعید الخدری
رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ رَاٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ اَصْحَابِهٖ تَاَخُّرًا
رضی اللہ عنہ مروی است دید پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم در یاران خود پس ماندگی از صف نماند
فَقَالَ لَهُمْ تَقَدَّمُوْا وَائْتَمُّوْا بِيْ وَلْيَأْتَمَّ بِكُمْ مَنْ بَعْدَكُمْ لَا يَزَالُ
پس گفت مر ایشانرا پیش آئید و اقتدا کنید بمن و باید کہ اقتدا کند بشما کسیکہ پس ایستاده است ہمیشہ اند
قَوْمٌ يَتَاَخَّرُوْنَ حَتّٰى يُؤَخِّرَهُمُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ مَسْعُوْدٍ
قومی کہ پس می ایستند تا آنکہ پس می کند ایشان را خدا تعالی از ثواب عظیم رواه مسلم و روایت است از ابی مسعود

الانصاري رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

الانصاري رضي الله تعالى عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يمسح مناكبنا في الصلوة ويقول استووا ولا تختلفوا فتختلف

که مسح میکرد کتفهای ما را در نماز و میفرمود که برابر شوید در اختلاف مکنید پس مختلف گردد

قلوبكم ليليني منكم اولوا الاحلام والنهى ثم الذين يلونهم

دلهای شما باید که متصل شوند مرا از شما خداوندان بلوغ و عقل در صف اول پس آنکسانیکه قریب باشند باشان پس

ثم الذين يلونهم قال ابو مسعود فانتم اليوم اشد اختلافا

پس آنکسانیکه قریب باشان گفت ابو مسعود انصاری رضی پس شما امروز سخت ترآید از روی اختلاف

رواه مسلم وعن البراء بن عازب رضي الله تعالى عنه قال كان

رواه مسلم و در روایت است از براء بن عازب رضی الله عنه گفت بود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ان الله وملئكته يصلون

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که میفرمود بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند

على الذين يلون الصفوف الاولى وما من خطوة احب

بر آنانکه متصل اند صفهای پیشین را و نیست هیچ گامی محبوب تر

الى الله من خطوة يمشيها يصل بها صفا رواه ابوداود

بسوی خدا از گامی که میرود در وی که بپیوند و بوی صف را رواه ابو داود

باب السترة واثم المرور بين يدي المصلي

باب در احادیثی که وارد است در بیان ستره و گناه گذشتن از روبروی مصلی

عن طلحة بن عبيد الله قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

در روایت است از طلحه ابن عبید الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا وضع احدكم بين يديه مثل مؤخرة الرحل فليصل ولا يبال

چون بنهد یکی از شما پیش خود مانند پس پالان شتر پس باید که نماز گذارد و باک ندارد کسی را که بگذرد

مِن قُدّامِ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِي جُهَيْمٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالىٰ عَنْهُ
پس ان ستره رواه مسلم وروايت است از ابي جهيم رضي الله عنه
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّي
گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم اگر بداند گذرنده پيش مصلي
مَاذَا عَلَيْهِ لَكَانَ اَنْ يَقِفَ اَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ اَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ
که چه گناه است بروي هر آينه باشد ايستادن او تا چهل بهتر مر او را از گذشتن پيش وي
اَبُو النَّضْرِ لَا اَدْرِي قَالَ اَرْبَعِينَ يَوْمًا اَوْ شَهْرًا اَوْ سَنَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
ابو النضر که يکي از راويان است گفت که درنمي يابم که گفت چهل روز يا چهل ماه يا چهل سال است متفق عليه
وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وروايت است از ابي هريره رضي الله عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه
وَسَلَّمَ اِذَا صَلّٰى اَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ شَيْئًا فَاِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَنْصِبْ
وسلم چون نماز گذارد يکي از شما پس بايد که بگرداند در مقابل روي خود چيزي را پس اگر نيابد چيزي را پس بايد که ايستاده کند
عَصَاهُ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ عَصًا فَلْيَخْطُطْ خَطًّا ثُمَّ لَا يَضُرُّهُ مَا مَرَّ
عصاي خود را پس اگر نباشد با وي عصا پس بايد که بکشد خطي را در زمين پس زيان ندارد او را چيزي که بگذرد
اَمَامَهُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللهُ
پيش او رواه ابوداود وابن ماجه وروايت است از ابي سعيد رضي الله
تَعَالىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقْطَعُ الصَّلٰوةَ شَيْءٌ
تعالى عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم باطل نميگرداند نماز را چيزي
وَادْرَءُوْا مَا اسْتَطَعْتُمْ فَاِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ
پيش مصلي گذرد ودفع کنيد بقدري که توانيد زيرا که آن گذرنده شيطان است رواه ابوداود وروايت است از
اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالىٰ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ اَحَدُكُمْ
ابي هريره رضي الله تعالى عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم اگر بداند يکي از شما

مَا لَهُ فِي أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْ أَخِيْهِ مُعْتَرِضًا فِي الصَّلٰوةِ كَانَ لَأَنْ يُقِيْمَ

اگر داند گذرنده چیست او را از پیش برادر مسلمان از مقابل در نماز باشد هر آئینه ایستادن او

مِائَةَ عَامٍ خَيْرًا لَّهُ مِنَ الْخُطْوَةِ الَّتِيْ خَطَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

صد سال بهتر مر او را از گامے کہ مینہد آنرا رواه ابن ماجه و از

كَعْبِ الْأَحْبَارِ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيْ مَاذَا

کعب احبار مرویست گفت اگر بداستے گذرنده از پیش مصلے انچه بر او ست

عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يُّخْسَفَ بِهٖ خَيْرًا لَّهُ مِنْ أَنْ يَّمُرَّ بَيْنَ

از گناه هر آئینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن وے از پیش

يَدَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ أَهْوَنُ عَلَيْهِ رَوَاهُ مَالِكٌ

مصلے و در روایتی این لفظ یعنی آسان تر است بر وے رواه مالک

بَابُ السُّنَنِ

این باب در بیان سنت هاست

عَنْ أُمِّ حَبِيْبَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وایت است از ام حبیبه رضی الله تعالے عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى فِيْ يَوْمٍ وَّلَيْلَةٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ

علیه و سلم کسیکه بگذارد در روز و شب دوازده رکعت بنا کرده شود برای وی خانه

فِي الْجَنَّةِ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ

در بهشت چهار رکعت سنت پیش از نماز پیشین و دو رکعت پس از ظهر و دو رکعت نماز بعد از نماز شام

وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلٰوةِ الْفَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و دو رکعت نماز بعد از نماز خفتن و دو رکعت پیش از نماز فجر رواه ترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و از عائشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

علیه وسلم دو رکعت سنت فجر بهتر است از عالم سفلی و هرچه در ویست رواه مسلم و از

ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ

ابن عمر رضی الله عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که نمیکرد بعد از نماز

الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

جمعه تا آنکه برگشت از نماز پس بگزارد دو رکعت در خانه خود متفق علیه و مرویست از

أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ

ابوهریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه است

مِنْكُمْ مُصَلِّيًا بَعْدَ الْجُمُعَةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللّٰهُ

از شما نماز گذارنده بعد از جمعه پس باید که بگذارد چهار رکعت رواه مسلم و از ابن عمر رضی الله

تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَحِمَ اللّٰهُ امْرَءًا صَلّٰى

تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم رحمت کند خدای تعالی مردی را که بگذارد

قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ

پیش از نماز عصر چهار رکعت رواه احمد و ترمذی و ابوداود و روایت است از عایشه

اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلّٰى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد بعد مغرب

عِشْرِيْنَ رَكْعَةً بَنَى اللّٰهُ لَهٗ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بست رکعت را بنا کند خدا برای وی خانه در بهشت رواه ترمذی و روایت است از

مَكْحُوْلٍ يَبْلُغُ بِهٖ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلّٰى بَعْدَ الْمَغْرِبِ

مکحول میرساند حدیث را بآنحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد بعد از مغرب

قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ رَكْعَتَيْنِ وَفِي رِوَايَةٍ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ رُفِعَتْ صَلٰوتُهٗ

پیش از آنکه تکلم کند دو رکعت و در روایتی آمده است که بگذارد چهار رکعت برداشته شود نماز او

فِي عِلِّيِّينَ مُرْسَلًا وَعَنْ حُذَيْفَةَ نَحْوَهُ وَزَادَ فَكَانَ يَقُولُ

در علیین از روی مرسل و از حذیفه رضی مانند این حدیث و زیاده کرده است این عبارت پس بود که میگفت آنحضرت

عَجِّلُوا الرَّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فَإِنَّهُمَا تُرْفَعَانِ مَعَ الْمَكْتُوبَةِ رَوَاهُمَا

شتابی کنید دو رکعت را که بعد مغرب اند زیرا که این دو رکعت برداشته میشوند بعلیین با فرض روایت کرد هر دو را

رَزِينٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ الزِّيَادَةَ عَنْهُ نَحْوَهَا فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

رزین و روایت کرد بیهقی زیادت را از حذیفه مانند آن در شعب ایمان

بَابُ صَلٰوةِ التَّهَجُّدِ وَالتَّحْرِيضِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ

باب در بیان احادیثیکه در باب فضیلت نماز تهجد و تحریض بر قیام شب واقع شده

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا

و بعضی شب بیدار باش بقرآن در شب چیزی که زیاده برای تو قریب است که ایستاده کند ترا پروردگار تو بمقامی

مَحْمُودًا تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا

پسندیده و دور میماند پهلوی ایشان از خوابگاه میخوانند پروردگار خود را بترس و امید و از چیزی که

وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ

روزی داده ایم ایشان را خرج میکنند پس نمیداند هیچ نفس چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَعَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ يَزِيدَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ

بپاداش داده شد بانچه میکردند روایت است از اسما بنت یزید رضی از پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُحْشَرُ النَّاسُ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

صلی الله علیه وسلم فرمود فراهم آورده میشود مردم بصعید واحد روز قیامت

فَيُنَادِي مُنَادٍ فَيَقُولُ أَيْنَ الَّذِينَ كَانَتْ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

پس آواز میدهد آواز دهنده پس میگوید کجا اند آنکسانیکه دور و جدا میباشند پهلوهای ایشان از خوابگاههای ایشان

فَيَقُومُونَ وَهُمْ قَلِيلٌ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ ثُمَّ يُؤْمَرُ

پس بر میخیزند در حالیکه ایشان کم باشند پس در آیند به بهشت بی آنکه حساب گرفته شوند پس امر کرده میشود

بِسَائِرِ النَّاسِ اِلَى الْحِسَابِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ بَابُ الْحِسَابِ

سائر مردم را بحساب گرفتن رواه البیهقی در شعب الایمان باب حساب

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَنْزِلُ رَبُّنَا

و مرویست از ابوهریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرود آید پروردگار ما

تَبَارَكَ وَتَعَالٰى كُلَّ لَيْلَةٍ اِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حَتّٰى يَبْقٰى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْاٰخِرُ

که بزرگ بلند است هر شب باسمانیکه فرودتر و پایان تر است وقتیکه باقی میماند سیم حصه که شب آخر است

يَقُوْلُ مَنْ يَدْعُوْنِيْ فَاَسْتَجِيْبَ لَهٗ مَنْ يَسْاَلُنِيْ فَاُعْطِيَهٗ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِيْ

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعا او را کیست که درخواست کند از من تا دهم آنچه میخواهد کیست که از من آمرزش خواهد

فَاَغْفِرَ لَهٗ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ ثُمَّ يَبْسُطُ يَدَيْهِ يَقُوْلُ

از من تا بیامرزم او را متفق علیه است و در روایت مسلم آمده پس فراخ میکند پروردگار هر دو دست خود را میگوید پروردگار

مَنْ يُقْرِضُ غَيْرَ عَدُوْمٍ وَلَا ظَلُوْمٍ حَتّٰى يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ وَعَنْ جَابِرٍ

کیست که قرض دهد کسی را که نه فقیر است و نه ظلم کننده میگوید خدا تا بشکافد فجر و از جابر مرویست

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ

رضی اللہ عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم را که میگفت بدرستیکه

فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَا يُوَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْاَلُ اللّٰهَ خَيْرًا مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا

در شب هر آئینه ساعتی است که موافق نمیشود آنرا مرد مسلمان در حالیکه سوالی میکند خدا را نیکی از کار دنیا

وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا اَعْطَاهُ اللّٰهُ اِيَّاهُ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

و آخرت مگر آنکه میدهد خدا تعالی آنچیز را و این ساعت در هر شب است رواه مسلم و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عبد اللہ بن عمرو رضی اللہ تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ اَحَبُّ الصَّلٰوةِ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى صَلَاةُ دَاوٗدَ وَاَحَبُّ الصِّيَامِ اِلَى اللّٰهِ

وسلم دوست داشته شده ترین نمازها بسوی خدا تعالی نماز داود علیه السلام است ...

صِيَامُ دَاوُدَ وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَيَقُومُ ثُلُثَهُ وَيَنَامُ سُدُسَهُ وَيَصُومُ

روزه داود است بود او که خواب میکرد نصف شب را و بر میخاست دو دانگ و خواب میکرد باز یکدانگ و روزه میداشت

يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى

یکروز و روزه نمیداشت روز دیگر متفق علیه است و از ابی امامه رضی الله تعالی

عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ فَإِنَّهُ

عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر شما باد بر خاستن شب برای نماز زیرا که شب خیزی

دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ وَمُكَفِّرَةٌ لِلسَّيِّئَاتِ

عادت نیکوکاران است که پیش از شما بودند و قیام لیل سبب نزدیکیست مر شما را بسوی پروردگار شما و سبب پوشیدن است مر بدیها را

وَمَنْهَاةٌ عَنِ الْإِثْمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ

و باز دارنده است از گناهان رواه ترمذی و از ابی سعید الخدری

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يَضْحَكُ

رضی الله تعالی عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که میخندد و

اللّٰهُ تَعَالٰى إِلَيْهِمُ الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يُصَلِّي وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي

خدای تعالی برای ایشان یکی مرد یکه چون بر خیزد بشب برای نماز شب دوم قوم چون صف بندند در

الصَّلٰوةِ وَالْقَوْمُ إِذَا صَفُّوا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

نماز سوم قومیکه چون صف بندند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح سنة

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعْقِدُ الشَّيْطَانُ عَلٰى قَافِيَةِ رَأْسِ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلٰثَ

وسلم گره می بندد شیطان بر پس سر یکی از شما وقتیکه او در خواب میکند سه

عُقَدٍ يَضْرِبُ عَلٰى كُلِّ عُقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَارْقُدْ فَإِنِ اسْتَيْقَظَ

گره میزند بر هر گرهی لازم گیر بر خود خواب را که شب دراز است پس خواب بکن پس اگر بیدار شود

فَذَكَرَ اللّٰهَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَاِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَاِنْ صَلّٰى انْحَلَّتْ

پس اگر گوید خدا را گشاده شود گرهی پس اگر وضو کند گشاده شود گرهی پس اگر نماز کند گشاده شود

عُقْدَةٌ فَاَصْبَحَ نَشِيْطًا طَيِّبَ النَّفْسِ وَاِلَّا اَصْبَحَ خَبِيْثَ النَّفْسِ كَسْلَانَ

گرهی پس صبح کند شادمان پاک نفس و اگر بیدار نشود و گره نگشاید صبح میکند پلید نفس کاهل

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْمُغِيْرَةِ قَالَ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتّٰى

متفق علیه است و روایت است از مغیره رض گفت ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نماز شب

تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ فَقِيْلَ لَهُ لِمَ تَصْنَعُ هٰذَا وَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

تا آنکه آماسید قدم مبارک پس گفته شد مر آنحضرت را که برای چه میکنی این و حال آنکه آمرزیده شد مر ترا آنکه از گناه تو

ذَنْبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ قَالَ اَفَلَا اَكُوْنُ عَبْدًا شَكُوْرًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

آنچه پیش رفته و آنچه پس خواهد ماند فرمود آنحضرت آیا پس نباشم من بنده سپاس گذار متفق علیه است و از

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن مسعود رضی الله عنه گفت ذکر کرده شد نزدیک پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

رَجُلٌ فَقِيْلَ لَهُ مَا زَالَ نَائِمًا حَتّٰى اَصْبَحَ مَا قَامَ اِلَى الصَّلٰوةِ قَالَ ذٰلِكَ رَجُلٌ

مردی پس گفته شد مر او را که همیشه ماند خواب کننده تا آنکه صبح کرد و نایستاد برای نماز شب فرمود آن مردیست

بَالَ الشَّيْطَانُ فِيْ اُذُنِهِ اَوْ قَالَ فِيْ اُذُنَيْهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ

که شاشیده شیطان در گوش او یا گفت آنحضرت در دو گوش او متفق علیه و از عمرو بن

عَبَسَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَقْرَبُ مَا يَكُوْنُ الرَّبُّ مِنَ

عبسه رض مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر بودن پروردگار از بنده

الْعَبْدِ فِيْ جَوْفِ اللَّيْلِ الْاٰخِرِ فَاِنِ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَكُوْنَ مِمَّنْ يَّذْكُرُ اللّٰهَ

میانه شب است در جانب آخر پس اگر میتوانی که باشی تو از جماعت که یاد میکنند خدا را

فِيْ تِلْكَ السَّاعَةِ فَكُنْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

در آن ساعت پس باش تو از آن رواه ترمذی و از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله رجلا قام من الليل فصلى وايقظ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بخشاد خدا تعالی مردی را که برخاست بنماز شب پس گذارد نماز را و بیدار کرد

امرأته فصلت فان ابت نضح في وجهها الماء رحم الله امرأة قامت

زن خود را پس نماز گذارد آن زن پس اگر انکار کند باشد ریزد بر روی آن زن آب را بخشاید خدا تعالی زنی را که برخاست

من الليل فصلت وايقظت زوجها فصلى فان ابى نضحت في وجهه

از شب پس نماز گذارد و بیدار کرد مرد خود را پس نماز گذارد آن مرد پس اگر سر باز زند آن مرد و بیا شد آن زن در روی او

الماء رواه ابوداود والنسائي وعن ابي امامة رضي الله تعالى عنه

آب را روایت ابوداود و النسائی و از ابی امامه رضی الله تعالی عنه مرویست

قال قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اي الدعاء اسمع قال جوف الليل

گفت گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کدامین دعا مسموع تر است باجابت فرمود دعائیکه در درون شب

الآخر ودبر الصلوة المكتوبات رواه الترمذي وعن ابي مالك

آخر واقع شد و پس نمازهای فرض که شامل است دعا را در آخر تشهد روایت ترمذی و از ابی مالک

الاشعري رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ان في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها اعدها

بدرستیکه در بهشت غرفهاست که دیده میشود ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش از عین لطافت و صفا آماده ساخته است

الله لمن الان الكلام واطعم الطعام وتابع الصيام وصلى بالليل

خدا آنها را برای کسیکه نرم گوید سخن را و بخوراند طعام را و پیاپی دارد روزه ها را و نماز گذارد بشب

والناس نيام رواه البيهقي في شعب الايمان وروى الترمذي

و حال آنکه مردم در خواب باشند روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت ترمذی

عن علي نحوه وفي روايته لمن اطاب الكلام وعن عبد الله

از علی رض مانند آن و در روایتی آمده است طیب کلام بجای لین کلام و از عبد الله

بن عمرو بن العاص رضي الله تعالى عنه قال قال لي رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنه مرویست فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يا عبد الله لا تكن مثل فلان كان يقوم من الليل فترك قيام

وسلم ای عبدالله مباش مانند فلان بود وی که برمیخاست بنماز شب پس بگذاشت

الليل متفق عليه وعن عثمان بن أبي العاص رضي الله تعالى عنه

نماز شب را متفق علیه و روایت است از عثمان بن ابی العاص رضی الله تعالی عنه

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول كان لداود عليه

گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم میفرمود بود داود علیه

السلام من الليل ساعة يوقظ فيها أهله يقول يا آل داود قوموا فصلوا

السلام را از شب ساعتی که بیدار میکرد در آن ساعت اهل خود را میگفت ای اهل عیال داود خیزید پس نماز کنید

فإن هذه ساعة يستجيب الله عز وجل فيها الدعاء إلا لساحر أو

زیرا که بتحقیق این ساعتی است که قبول میکند خدا تعالی دروی دعا را مگر ساحر را

عشار رواه أحمد وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال سمعت

وعشر ستاننده را رواه احمد و از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول أفضل الصلوة بعد الفريضة صلوة

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میفرمود افزون ترین نماز در ثواب بعد از نماز فرض

في جوف الليل رواه أحمد وعنه قال جاء رجل إلى النبي صلى الله

درون شب است رواه احمد و از وی مرویست گفت آمد مردی نزدیک آنحضرت صلی الله

عليه وسلم فقال إن فلانا يصلي بالليل فإذا أصبح سرق فقال إنه

علیه وسلم پس گفت که بتحقیق فلان شخص نماز میکند بشب پس چون صبح میکند دزدی میکند پس گفت آنحضرت بتحقیق

سينهاه ما تقول رواه أحمد والبيهقي في شعب الإيمان وعن

باز دارد آن نماز او را از دزدی رواه احمد و بیهقی در شعب الایمان و از

أَبِي سَعِيدٍ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُمَا قَالَا قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

ابی سعید وابی ہریرہ رضی اللہ عنہما گفتند ہر دو کہ فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَيْقَظَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّيَا أَوْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ جَمِيعًا

علیہ وسلم چون بیدار کند مرد زن خود را پارهٔ شب پس بگذارند هر دو یا بگذارد دو رکعت را همه

كُتِبَا فِي الذَّاكِرِينَ وَالذَّاكِرَاتِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ

نوشته میشوند هر دو در حلقهٔ مردان ذاکرین و زنان ذاکرات رواه ابو داؤد و ابن ماجه و مرویست از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَشْرَافُ أُمَّتِي

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بزرگ قدران است من

حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ

بیدارندگان قرآنند یعنی حافظان و شب خوانندگان آن در نماز رواه بیهقی در شعب الایمان و مرویست از

ابْنِ عُمَرَ أَنَّ أَبَاهُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ كَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ مَا شَاءَ اللهُ

ابن عمر رضی اللہ عنہ بدرستیکه پدر او عمر بن الخطاب بود نماز شب میگزارد آنا مقدار شب که خواسته خدا

حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ أَيْقَظَ أَهْلَهُ لِلصَّلَاةِ يَقُولُ لَهُمُ الصَّلَاةَ ثُمَّ

تا آنکه چون میشد آخر شب بیدار میکرد اہل خود را برای نماز شب میگفت اہل خود را که وقت نماز است بگذارید نماز را پس

يَتْلُو هٰذِهِ الْآيَةَ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ

میخواند این آیه را بفرما اہل خود را بنماز و مبالغه کن در صبر کردن بر نماز نمی طلبیم ما از تو

رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰى رَوَاهُ مَالِكٌ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ

رزق را بلکه روزی میرسانیم ترا و خوبی عاقبت کار مر متقیان راست رواه مالک و از عبد اللہ

بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجِبَ رَبُّنَا مِنْ رَجُلَيْنِ

بن مسعود مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم عجب دارد پروردگار ما از دو مرد

رَجُلٍ ثَارَ عَنْ وِطَائِهِ وَلِحَافِهِ مِنْ بَيْنِ حِبِّهِ وَأَهْلِهِ إِلَى صَلَاتِهِ فَيَقُولُ

مردیکه برجست از فرش نرم خود و از لحاف خود و جست از میان محبوب و اہل خود بسوی نماز پس میگوید

اللّٰهُ لِلْمَلٰٓئِكَتِهِ انْظُرُوْا اِلٰی عَبْدِیْ ثَارَ عَنْ فِرَاشِهٖ وَوِطَائِهٖ مِنْ بَیْنِ

خدا تعالیٰ بفرشتگان خود نگاه کنید بسوی بندهٔ من که برجست از فراش خود و از لحاف خود از میان

حِبِّهٖ وَاَهْلِهٖ اِلٰی صَلٰوتِهٖ رَغْبَةً فِیْمَا عِنْدِیْ وَشَفَقًا مِمَّا عِنْدِیْ وَرَجُلٌ غَزَا

محبوب خود و اہل خود بسوی نماز خود از جهت رغبت نمودن بثوابی که نزد منست و از جهت خوف نمودن از عقابی که نزد منست و مردیکه جنگ کرد با کفار

فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ فَانْهَزَمَ مَعَ اَصْحَابِهٖ فَعَلِمَ مَا عَلَیْهِ فِی الْاِنْهِزَامِ وَمَا

در راه خدا پس شکست خورد با یاران خود پس دانست آنچه را که بر اوست در شکست خوردن و آنچه نفعی که

لَهٗ فِی الرُّجُوْعِ فَرَجَعَ حَتّٰی اُهَرِیْقَ دَمُهٗ فَیَقُوْلُ اللّٰهُ لِلْمَلٰٓئِكَتِهِ انْظُرُوْا

مر او راست در باز گشتن پس برگشت تا آنکه ریخته شد خون او پس میگوید خدا تعالیٰ بفرشتگان خود نظر کنید

اِلٰی عَبْدِیْ رَجَعَ رَغْبَةً فِیْمَا عِنْدِیْ وَشَفَقًا مِمَّا عِنْدِیْ حَتّٰی اُهَرِیْقَ دَمُهٗ

بسوی بندهٔ من که برگشت از جهت خواهش در ثوابی که نزد منست و از جهت ترسیدن عقابیکه نزد منست تا آنکه ریخته شد خون او

رَوَاهُ فِیْ شَرْحِ السُّنَّةِ

بَابُ صَلٰوةِ الضُّحٰی

وَعَنْ اَبِیْ ذَرٍّ

روایت کرد در شرح سنة — باب نماز چاشت — روایت است از ابی ذر

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یُصْبِحُ عَلٰی كُلِّ سُلَامٰی مِنْ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ثابت میگردد بر هر بند استخوان از هر

اَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِیْحَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِیْدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِیْلَةٍ

یکی از شما صدقه پس هر بار سبحان الله گفتن صدقه است و هر بار الحمد لله گفتن صدقه است و هر بار لا اله الا الله گفتن

صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِیْرَةٍ صَدَقَةٌ وَاَمْرٌ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ وَنَهْیٌ عَنِ

صدقه است و هر بار الله اکبر گفتن صدقه است و فرمودن کسی بکار مشروع صدقه است و باز داشتن کسی را از

الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَیُجْزِئُ مِنْ ذٰلِكَ رَكْعَتَانِ یَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحٰی

کار نامشروع صدقه است و کفایت میکند از شکرانهٔ سلامی و همهٔ آن دو رکعت که بگذارد آن در وقت چاشت

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِی الدَّرْدَآءِ وَاَبِیْ ذَرٍّ رَضِیَ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْهُمَا

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی الله تعالیٰ عنهما

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الله تبارك وتعالى انه

گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از خدا تعالی

قال يا ابن آدم اركع لي اربع ركعات من اول النهار اكفك آخره

فرمود ای آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز بسنده و کارگذاری میکنم برا در آخر روز

رواه الترمذي ورواه ابو داود والدارمي عن نعيم بن همار

رواه ترمذی ورواه ابو داود والدارمی از نعیم بن همار

الغطفاني واحمد عنهم وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال

غطفانی واحمد از هر سه در روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في الانسان ثلث مائة

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت در آدمی سه صد

وستون مفصلا فعليه ان يتصدق عن كل مفصل منه بصدقة

وشصت بندست پس بر او است باد که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه

قالوا ومن يطيق ذلك يا نبي الله قال النخاعة في المسجد تدفنها

گفتند صحابه که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب دهن افتاده در مسجد دفن کنی آنرا

والشيء تنحيه عن الطريق فان لم تجد فركعتا الضحى تجزئك

وچیزی یکسو کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسند گی میکند ترا

رواه ابو داود وعن انس رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

رواه ابو داود در روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى الضحى ثنتي عشرة ركعة بنى الله له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز ضحی را دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او

قصرا من ذهب في الجنة رواه الترمذي وابن ماجة وعن

کوشکی از طلا در بهشت رواه ترمذی و ابن ماجه [illegible]

مُعَاذِ بْنِ اَنَسٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

معاذ بن انس جهنی رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هر که

قَعَدَ فِي مُصَلَّاهُ حِينَ يَنْصَرِفُ مِنْ صَلٰوةِ الصُّبْحِ حَتّٰى يُسَبِّحَ رَكْعَتَيِ

بنشیند در جای نماز وقتیکه برگردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت

الضُّحٰى لَا يَقُولُ اِلَّا خَيْرًا غُفِرَ لَهٗ خَطَايَاهُ وَاِنْ كَانَتْ اَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ

چاشت را نگوید مگر سخن نیک آمرزیده شود مر او را گناهان او اگر چه باشند مانند کف دریا در بسیاری

رَوَاهُ اَبُو دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ

روایت کرد او را ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَافَظَ عَلٰى شُفْعَةِ الضُّحٰى غُفِرَتْ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه محافظت کند بر دو رکعت ضحی آمرزیده شود

لَهٗ ذُنُوبُهٗ وَاِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

مر او را گناهان او اگر چه باشد مانند کف دریا روایت کرد او را احمد و الترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهَا اَنَّهَا كَانَتْ تُصَلِّي الضُّحٰى

ماجه و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه میگذارد نماز چاشت را

ثَمَانِيَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ تَقُولُ لَوْ نُشِرَ لِي اَبَوَايَ مَا تَرَكْتُهَا رَوَاهُ مَالِكٌ

هشت رکعت پس میگفت اگر زنده کرده انیده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم روایت کرد او را مالک

وَعَنْ اَبِي سَعِيدٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي الضُّحٰى حَتّٰى نَقُولَ لَا يَدَعُهَا وَيَدَعُهَا حَتّٰى نَقُولَ

علیه وسلم که میگذارد چند گاه نماز ضحی را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد او را و ترک میکرد او را تا آنکه میگفتیم

لَا يُصَلِّيهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ ؏

هرگز نخواهد گذارد آنرا روایت کرد او را ترمذی ؏

بَابُ التَّطَوُّعِ

بابیست در احادیثی که در نوافل وارد شده

عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روایت است از جابر رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يُعَلِّمُنَا الْاِسْتِخَارَةَ فِي الْاُمُوْرِ كَمَا يُعَلِّمُنَا السُّوْرَةَ مِنَ الْقُرْاٰنِ

وسلم تعلیم میکرد ما را دعای استخاره و نماز در کارهای مقصوده چنانکه تعلیم میکرد ما را سوره از قرآن

يَقُوْلُ اِذَا هَمَّ اَحَدُكُمْ بِالْاَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكْعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيْضَةِ

میگفت چون قصد کند یکی از شما بکاری پس باید که بگذارد دو رکعت را بغیر نماز فرض

ثُمَّ لِيَقُلْ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ

پس باید که بخواند این دعا را خدا وندا من طلب میکنم خیر از تو باستعانت علم تو و طلب قدرت میکنم از تو تا خیر بسازی

وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ

و سوال میکنم از تو چیزی از فضل تو که بزرگ است پس بدرستیکه تو قادری و من قدرت ندارم و تو میدانی

وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا

و من نمیدانم و تو داننده غیب ها را خدا وندا اگر هستی تو که میدانی که این

الْاَمْرَ خَيْرٌ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ اَوْ قَالَ فِيْ عَاجِلِ

کار من بهتر است در دین من و در زندگانی من و پایان کار من یا گفت آنحضرت بجای

اَمْرِيْ وَاٰجِلِهٖ فَاقْدُرْهُ لِيْ وَيَسِّرْهُ لِيْ ثُمَّ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ وَاِنْ كُنْتَ

فی معاشی در اینجهان و در آنجهان پس تقدیر کن آنرا برای من و بسر برکت ده مرا در آن کار و اگر

تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ اَوْ قَالَ

میدانی تو که این کار بدست مرا در دین و در زندگانی من و در پایان کار من یا گفت

فِيْ عَاجِلِ اَمْرِيْ وَاٰجِلِهٖ فَاصْرِفْهُ عَنِّيْ وَاصْرِفْنِيْ عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيْرَ

در این جهان و در آنجهان پس برگردان آنرا از من و برگردان مرا از و و تقدیر کن مرا نیکی را

حيث كان ثم أرضني به قال ويسمي حاجته رواه البخاري وعن

هر جا که باشد پس راضی گردان مرا بدان گفت و نام برد حاجت خود را روایت کرد بخاری و روایت است از

علي رضي الله عنه قال حدثني أبو بكر وصدق أبو بكر رضي الله عنه قال

علی رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا ابو بکر و راست گفت ابو بکر رضی الله عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من رجل يذنب ذنبا

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مردی که بکند گناهی را

ثم يقوم فيتطهر ثم يصلي ثم يستغفر الله إلا غفر الله له ثم قرأ

پس برخیزد پس طهارت کند پس نماز گذارد پس آمرزش خواهد از خدا مگر آنکه بیامرزد خدای تعالی مر او را پس خواند

والذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا

آنحضرت این آیه را و آنهائیکه چون میکنند کار بد را یا ظلم کنند بر جانهای خود یاد میکنند خدای تعالی را پس طلب بخشش

لذنوبهم رواه الترمذي وابن ماجة إلا أن ابن ماجة لم يذكر الآية

مر گناهان ایشان را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه مگر آنکه ابن ماجه ذکر نکرد آیه را

وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال أصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت صبح کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فدعا بلالا فقال بما سبقتني إلى الجنة ما دخلت الجنة قط إلا سمعت

پس طلب کرد بلال را پس گفت بچه عمل پیشی کردی تو مرا بسوی بهشت نه در آمدم بهشت را هرگز مگر شنیدم

خشخشتك أمامي قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أذنت قط

آواز نعلین ترا گفت بلال ای فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم اذان نگفتم هرگز

إلا صليت ركعتين وما أصابني حدث قط إلا توضأت عنده ورأيت

مگر آنکه گذاردم دو رکعت را و بعد از آن نرسید مرا بی وضوئی هرگز مگر که وضو ساختم نزد آن و دانستم

أن لله علي ركعتين فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بهما رواه الترمذي

که مر خدا راست در گردن من دو رکعت پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسبب این دو رکعت یافتی این مرتبه را

وعن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم قال للعباس ابن

روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود مر عباس ابن

عبد المطلب يا عباس يا عماه ألا أعطيك ألا أمنحك ألا أخبرك

عبد المطلب را ای عباس ای عم من آیا ندهم ترا آیا نه بخشم ترا آیا خبر ندهم ترا

ألا أفعل بك عشر خصال إذا أنت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك أوله

آیا نکنم با تو ده خصلت چون تو بکنی آنرا بیامرزد خدا تعالی ترا گناه ترا که پیش انجام کردی

وآخره قديمه وحديثه خطأه وعمده صغيره وكبيره سره وعلانيته

و پس از این هم گناهی کرد گناه کهنه تو گناهان که بقصد کرده و بی قصد کرده گناهان خرد و کلان و پوشیده و آشکارا

أن تصلي أربع ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وسورة فإذا

بگذار تو چهار رکعت نماز را بخوان در هر رکعت سوره فاتحه و سوره از قرآن پس چون

فرغت من القراءة في أول ركعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله

فارغ شوی از قراءة در اول رکعت و حالانکه ترا ایستاده و میگوئی این کلمه تمجید را

ولا إله إلا الله والله أكبر خمس عشرة مرة ثم تركع فتقولها وأنت راكع

پانزده بار پس میگوئی تو این کلمات را و حالانکه تو راکع باشی

عشرا ثم ترفع رأسك من الركوع فتقولها عشرا ثم تهوي ساجدا

ده بار بعد از سبحان ربی العظیم پستر بر میداری سر خود را از رکوع پس میگوئی تو این کلمات را ده بار بعد سمع الله لمن حمده [illegible] فرو میروی بسجده

فتقولها وأنت ساجد عشرا ثم ترفع رأسك من السجود وتقولها

پس میگوئی آنرا و حالانکه تو در سجده باشی ده بار پستر بر میداری سر خود را از سجده و میگوئی آنرا

عشرا ثم تسجد فتقولها عشرا ثم ترفع رأسك فتقولها عشرا

ده بار پستر سجده میکنی پس میگوئی آنرا ده بار پستر بر میداری سر خود را پس میگوئی آنرا ده بار

فذلك خمس وسبعون في كل ركعة تفعل ذلك في أربع ركعات

پس مجموع آن هفتاد و پنج بار میشود در هر رکعت میکنی آنرا در چهار رکعت

إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

اگر میتوانی بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنی تو در هر ادنه

فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنی در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَفِي عُمُرِكَ مَرَّةً رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَهْ

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنی در هر سال بکن در عمر خود یکبار رواه ابو داود و ابن ماجه

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي رَافِعٍ نَحْوَهُ وَعَنْ

بیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع رضا مانند آن و روایت

أَبِي أُمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَذِنَ اللَّهُ لِعَبْدٍ فِي

ابی امامه رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نمی شنید خدا بسوی بنده را در

شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا وَإِنَّ الْبِرَّ لَيُذَرُّ عَلَى رَأْسِ الْعَبْدِ

چیزی فاضل تر از دو رکعت که میگذارد آنها را و بدرستیکه نیکی و رحمت نثار کرده شود بر سر بنده

مَا دَامَ فِي صَلٰوتِهٖ وَمَا تَقَرَّبَ الْعِبَادُ إِلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَا خَرَجَ مِنْهُ

مادام که بنده در نماز خود است و تقرب نجستند بنده ها بسوی خدا مانند چیزیکه بیرون آمده از خدا تعالی

يَعْنِي الْقُرْآنَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

که قرآنست رواه احمد و ترمذی

بَابُ الْجُمُعَةِ

باب در بیان جمعه

جزء ۲۸ سوره جمعه ع ۲

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید بسوی

ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ فَإِذَا قُضِيَتِ

ذکر خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شما را اگر شما میدانید پس چون تمام کرده شد

الصلوة فانتشروا في الأرض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا

از پس متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار

لعلكم تفلحون وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

تا شما رستگار شوید و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم نحن الآخرون السابقون يوم القيمة بيد انهم

صلی الله علیه وسلم ما پسینانیم در دنیا پیشینانیم در آخرت جز این نیست که اهل کتاب

اوتوا الكتب من قبلنا واوتيناه من بعدهم ثم هذا يومهم الذي فرض

داده شدند کتاب پیش از ما و داده شدیم ما کتاب پس از ایشان پس این روز یهود و نصاری است که فرض کرده

عليهم يعني يوم الجمعة فاختلفوا فيه فهدانا الله له والناس لنا فيه

بر ایشان یعنی روز جمعه پس اختلاف کردند ایشان در وی پس راه نمود ما را خدای تعالی آن روز را و مردم یعنی یهود و نصاری

تبع اليهود غدا والنصارى بعد غد متفق عليه وعن ابي هريرة

پیرو ما اند یهود فردا و نصاری پس فردا که یکشنبه است متفق علیه و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه بر آمد بر وی آفتاب

يوم الجمعة فيه خلق ادم وفيه ادخل الجنة وفيه اخرج منها ولا تقوم

روز جمعه است در وی پیدا کرده شد آدم علیه السلام و در وی در آورده شد آدم در بهشت و در وی بیرون آورده شد از بهشت و بر پا نمیشود

الساعة الا في يوم الجمعة مسلم وعنه قال قال رسول الله

قیامت مگر در روز جمعه و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان في الجمعة لساعة لا يوافقها عبد مسلم

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در روز جمعه هر آینه ساعتی است که موافق نیفتد او را بنده مسلمان

يسأل الله فيها خيرا الا اعطاه اياه متفق عليه وزاد مسلم وقال وهي

در حالتیکه سوال میکند خدا را در آن ساعت نیکی مگر آنکه میدهد او را آن نیکی متفق علیه و زیاده کرد مسلم و گفت

ساعة خفيفة **وعن** ابي هريرة رضي الله عنه قال خرجت الى الطور

تا عشت یعنی کوتاهست و در روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فلقيت كعب الاحبار فجلست معه فحدثني عن التوراة وحدثته

پس ملاقی شدم کعب احبار را پس نشستم با او پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فكان فيما حدثته ان قلت قال

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را آنکه گفتم فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس يوم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تافت بروے آفتاب روز

الجمعة فيه خلق ادم وفيه اهبط وفيه تيب عليه وفيه مات

جمعه است که پیدا کرده شد آدم در آن روز و درین روز فرود آورده شد و دران روز رجوع برحمت کرده شد بروے و در آن روز مرد

وفيه تقوم الساعة وما من دابة الا وهي مصيخة يوم الجمعة

و درین روز برپا میشود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده و انتظار برنده است روز جمعه

من حين تصبح حتى تطلع الشمس شفقا من الساعة الا الجن

از وقتیکه صبح میکند تا آنکه برآید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پریان

والانس وفيه ساعة لا يصادفها عبد مسلم وهو يصلي يسأل

و آدمیان و درین روز جمعه ساعتی است که نمی یابد از آن بنده مسلم در حالیکه او نماز و دعا میکند بخواهد

الله شيئا الا اعطاه اياه وقال كعب ذلك في كل سنة يوم

از خدا چیزیرا مگر آنکه عطا کند آن بنده را آنچیز گفت کعب احبار آن ساعت در هر سالی روزے از روزها جمعه است

فقلت بل في كل جمعة فقرأ كعب التوراة فقال صدق

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توریت را پس گفت کعب راست گفته است

رسول الله صلى الله عليه وسلم الحديث رواه مالك وابو داود

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث روایت کرده مالک و ابو داود

والترمذي والنسائي واحمد الى قوله صدق كعب وعن انس

و ترمذی و نسائی و احمد در روایت است از انس

رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم التمسوا

رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم طلب کنید

الساعة التي ترجى في يوم الجمعة بعد العصر الى غيبوبة الشمس

ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غایب شدن آفتاب

رواه الترمذي وعن اوس بن اوس قال قال رسول الله

روایت کرد ترمذی و از اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان من افضل ايامكم يوم الجمعة فيه خلق

صلی الله علیه و سلم بدرستیکه از فاضل ترین روزهای شما روز جمعه است که در وی پیدا کرده شد

آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة فاكثروا علي

آدم و در وی قبض کرده شد جان او و در وی نفخه است و در وی صعقه است پس بسیار کنید بر من

من الصلوة فيه فان صلوتكم معروضة علي قالوا يا رسول الله

درود در این روز زیرا که درود شما عرض کرده میشود بر من گفتند ای پیغمبر خدا

وكيف تعرض صلوتنا عليك وقد ارمت قال يقولون بليت

و چگونه عرض کرده شود درود ما بر تو و حال آنکه پوسیده شده تو گفت راوی میگویند صحابه بلفظ ارمت و میخواهند بلیت یعنی کهنه شدی

قال ان الله حرم على الارض اجساد الانبياء رواه ابوداود

گفت بدرستیکه خدا تعالی حرام گردانید بر زمین تنهای پیغمبران را روایت کرد ابوداود

والنسائي وابن ماجة والدارمي والبيهقي في الدعوات الكبير وعن

و نسائی و ابن ماجه و دارمی و بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از

ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اليوم الموعود يوم

ابو هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم که مراد از یوم موعود روز

القيمة واليوم المشهود يوم عرفة والشاهد يوم الجمعة وما طلعت

قیامت است ومراد بیوم مشهود عرفه است ومراد بشاهد روز جمعه است ونه طلوع کرد

الشمس ولا غربت على يوم افضل منه فيه ساعة لا يوافقها عبد

آفتاب ونه غروب کرد بر روزے که فاضل‌تر از روز جمعه باشد دراین روز ساعتے است که موافق نمیشود آنرا بنده

مؤمن يدعو الله بخير الا استجاب الله له ولا يستعيذ من شيء

مومن که دعا کند خدا را بخیر مگر آنکه قبول کند خدا تعالیٰ دعاے او را وپناه نجوید از چیزے بد

الا اعاذه منه رواه احمد والترمذي وعن ابي لبابة ابن

مگر آنکه پناه دهد او را از وے رواه احمد وترمذی وروایت است از ابی لبابه بن

عبد المنذر قال قال النبي صلى الله عليه وسلم ان يوم الجمعة

عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه روز جمعه

سيد الايام واعظمها عند الله وهو اعظم عند الله من يوم الاضحى

بهتر روزها است وبزرگترین روزها است نزد خدا تعالیٰ وروز جمعه بزرگ‌تر است نزد خدا از روز عید

ويوم الفطر فيه خمس خلال خلق الله فيه آدم واهبط الله فيه

وعید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا در وے آدم را وفرود آورد خدا در وے

آدم الى الارض وفيه توفى الله آدم وفيه ساعة لا يسئل

آدم را بسوے زمین ودر وے بمیرانید خدا تعالیٰ آدم را ودر وے ساعت است که نطلبید

العبد فيها شيئا الا اعطاه ما لم يسئل حراما وفيه تقوم الساعة

بنده در وے چیزے را مگر آنکه بدهد خدا او را مادام که نطلبید چیزے را که حرام است ودر روز جمعه برپا میشود قیامت

ما من ملك مقرب ولا سماء ولا ارض ولا رياح ولا جبال

نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده ونه آسمانے ونه زمینے ونه بادها ونه کوهها

ولا بحر الا هو مشفق من يوم الجمعة رواه ابن ماجة وعن

ونه دریاها مگر آنکه وے ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه وروایت است از

إِبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَ يَوْمَ

ابی ہریرہ رضہ گفت گفته شد مرآنحضرت را صلے اللہ علیہ وسلم کہ از چه چیز نامیده شد روز

الْجُمُعَةِ قَالَ لِأَنَّ فِيهَا طُبِعَتْ طِينَةُ أَبِيكَ آدَمَ وَفِيهِ الصَّعْقَةُ

جمعہ بجمعہ فرمود آنحضرت از جهته آنکه در جمعه سرشته شد گل پدر تو که آدم است و در روز جمعه بلاک شدن جانوران است

وَالْبَعْثَةُ وَفِيهَا الْبَطْشَةُ وَفِي آخِرِ ثَلٰثِ سَاعَاتٍ مِنْهَا سَاعَةٌ

و برانگیختن ایشان و در وی بطشه ای اخذ قوی شدید بود در آخر سه ساعت از ساعات جمعه ساعتی است

مَنْ دَعَا اللهَ فِيهَا اسْتُجِيبَ لَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو

که کسیکه دعا کند خدا را در آن ساعت قبول کرده شود دعا برای او روایت کرده احمد و روایت است از عبدالله بن عمرو

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ يَوْمَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست هیچ مسلمانی که بمیرد روز

الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ إِلَّا وَقَاهُ اللهُ فِتْنَةَ الْقَبْرِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

جمعه یا شب جمعه مگر آنکه نگاه دارد او را خدای تعالی از عذاب قبر رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَرَأَ الْيَوْمَ

والترمذی و روایت است از ابن عباس رضی اللہ عنہ بدرستیکه وی خواند این آیت را

أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ الْآيَةَ وَعِنْدَهُ يَهُودِيٌّ فَقَالَ لَوْ نَزَلَتْ هٰذِهِ

امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یهودی بود پس گفت یهودی اگر فرود می آمدی این

الْآيَةُ عَلَيْنَا لَاتَّخَذْنَاهَا عِيدًا فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَإِنَّهَا نَزَلَتْ فِي

آیت بر ما هر آینه می گرفتیم روز نزول این آیت را و روز نزول را عید پس گفت ابن عباس بدرستیکه این آیت فرود آمده است در

يَوْمِ عِيدَيْنِ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ وَيَوْمِ عَرَفَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

روز دو عید روز جمعه و در روز عرفه رواه ترمذی و روایت است از

أَنَسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انس رضی اللہ عنہ گفت بود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

إذا دخل رجب قال اللهم بارك لنا في رجب وشعبان وبلغنا

چون می درآمد ماه رجب میگفت خداوندا افزونی ده مارا در خیر در رجب و شعبان و برسان مارا

رمضان قال وكان يقول ليلة الجمعة ليلة أغر ويوم الجمعة

برمضان گفت انس رض و بود آنحضرت که میگفت شب جمعه شبی است سفید و روز جمعه

يوم أزهر رواه البيهقي في الدعوات الكبير وعن سلمان

روزیست سفید و روشن روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت از سلمان

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يغتسل

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم غسل نکند

رجل يوم الجمعة ويتطهر ما استطاع من طهر ويدهن من دهنه

مردی روز جمعه برای نماز جمعه و مبالغه نکند در پاکی آنقدر که تواند یا آنکه بدهن [illegible]

أو يمس من طيب بيته ثم يخرج فلا يفرق بين اثنين ثم يصلي

یا نساید از بوی خوش هرچه در خانه وی باشد بعد بیرون آید بسوی مسجد پس جدا نکند میان دو کس پس نماز گذارد

ما كتب له ثم ينصت إذا تكلم الإمام إلا غفر له ما بينه و

آنچه تقدیر کرده شده است برای وی از نوافل پس خاموش نشیند وقتیکه خطبه خواند امام مگر آنکه آمرزیده شود مراو را گناه

بين الجمعة الأخرى رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي

و میان جمعه دیگر گذشته روایت کرد بخاری و روایت است از ابی هریره رضی

الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضأ

الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه وضو کند

فأحسن الوضوء ثم أتى الجمعة فاستمع وأنصت غفر له ما بينه و

پس نیک کند وضو را پس بیاید بجمعه پس بشنود و خاموش نشیند آمرزیده شود آنچه گذشته میان و

بين الجمعة وزيادة ثلاثة أيام ومن مس الحصى فقد لغا

و میان جمعه و زیاده سه روز و کسیکه مس کند سنگریزه را بجهت بی‌تحقیق لغو کرد

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت کرد اسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَقَفَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ عَلٰى بَابِ الْمَسْجِدِ يَكْتُبُوْنَ

چون میباشد روز جمعہ مے ایستند فرشتگان بر در مسجد جمعہ می نویسند نام

الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ وَمَثَلُ الْمُهَجِّرِ كَمَثَلِ الَّذِيْ يُهْدِيْ بَدَنَةً ثُمَّ

ہر کہ پیشتر آمد بترتیب و مثل حال آنکہ اول وقت آید ہمچو حال کسیکہ میفرستد شتر برائے کعبہ را باز پس تر

كَالَّذِيْ يُهْدِيْ بَقَرَةً ثُمَّ كَبْشًا ثُمَّ دَجَاجَةً ثُمَّ بَيْضَةً فَإِذَا خَرَجَ

حال آنکہ پس از وی آید ہمچو گاو و فرستنده است پستر شاه پستر ماکیان پستر بیضہ تصدق کنند پس چون بیرون آمد

الْإِمَامُ طَوَوْا صُحُفَهُمْ وَيَسْتَمِعُوْنَ الذِّكْرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

امام می پیچند نامہائے خود را و استماع میکنند ذکر خطبہ را متفق علیہ است و روایت است از

أَبِيْ سَعِيْدٍ وَأَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی سعید و از ابی ہریرہ رضی گفتند ہر دو کہ فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَنِ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلَبِسَ مِنْ أَحْسَنِ ثِيَابِهِ وَمَسَّ مِنْ طِيْبٍ

ہر کہ غسل کند روز جمعہ و بپوشد از بہترین جامہا خود و مس کند از بوئے خوش

إِنْ كَانَ عِنْدَهُ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَلَمْ يَتَخَطَّ أَعْنَاقَ النَّاسِ ثُمَّ صَلَّى

اگر باشد نزد وی پستر بیاید جمعہ را پس نگذارد پای خود بر گردن مردمان پستر نماز بگذارد

مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ ثُمَّ أَنْصَتَ إِذَا خَرَجَ إِمَامُهُ حَتّٰى يَفْرُغَ مِنْ صَلٰوتِهِ

آنچہ نوشتہ است خدا برائے وی پستر خاموش شود وقتیکہ بیرون آمد امام وے تا آنکہ فارغ شود از نماز خود

كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ جُمُعَةِ الَّتِيْ قَبْلَهَا رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ

باشند این اعمال پوشنده مر ان گناہان را کہ میان اینجا اند و جمعہ کہ پیش ازین جمعہ بود رواه ابو داود

وَعَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از اوس بن اوس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ وَبَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشٰى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا

کسیکه غسل کنانید در روز جمعه و خود غسل کند و بیاید نماز را در اول وقت و اول خطبه را یابد و پیاده رود و سوار نشود و نزدیک شود

مِنَ الْإِمَامِ وَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ أَجْرُ

از امام پس بشنید خطبه را و لغو نکرد باشد او را بهر گام ثواب عبادت یک سال یعنی پاداش

صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

روزه یکسال و نماز شب یکسال روایت کرد ترمذی و ابو داود و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبد الله بن سلام رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا عَلٰى أَحَدِكُمْ إِنْ وَجَدَ أَنْ يَتَّخِذَ ثَوْبَيْنِ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ

الله علیه وسلم نیست بر یکے از شما باکی و نقصی اگر بیابد و تواند که بگیرد و بسازد دو جامه برای روز جمعه

سِوٰى ثَوْبَيْ مِهْنَتِهِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ مَالِكٌ عَنْ يَحْيٰى

ورای دو جامه خدمت خود روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از یحیی

بْنِ سَعِيْدٍ وَعَنْ عُبَيْدِ بْنِ السَّبَّاقِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بن سعید و روایت است از عبید الله بن سباق از روی مرسل گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ جُمُعَةٍ مِنَ الْجُمَعِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِيْنَ إِنَّ هٰذَا

صلی الله علیه وسلم در روز جمعه از جمعها ای گروه مسلمانان این روز

يَوْمٌ جَعَلَهُ اللّٰهُ عِيْدًا فَاغْتَسِلُوْا وَمَنْ كَانَ عِنْدَهُ طِيْبٌ فَلَا يَضُرُّهُ

روزیست که گردانیده است او را خدا روز جشن و اجتماع پس غسل کنید و هر که باشد نزدیک وی بوی خوش پس زیان ندارد او را

أَنْ يَمَسَّ مِنْهُ وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ رَوَاهُ مَالِكٌ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

که مساس کند از آن و بر شما باد که مسواک کنید روایت کرد مالک و روایت کرد ابن ماجه

عَنْهُ وَهُوَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مُتَّصِلًا وَعَنِ الْبَرَاءِ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ

از وی و او از ابن عباس متصل و روایت است از براء رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حقا على المسلمين ان يغتسلوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق و ثابت است بر مسلمانان که غسل کنند

يوم الجمعة وليمس احدهم من طيب اهله فان لم يجد فالماء له

روز جمعه و باید که مساس کند هر یکی از ایشان از بوی خوش زن خود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او

طيب رواه احمد والترمذي وعن سهل بن سعد رضي

طیب است رواه احمد و ترمذی و روایت است از سهل بن سعد رضی الله تعالی

الله عنه قال ما كنا نقيل ولا نتغدى الا بعد الجمعة متفق عليه

الله عنه گفت نبودیم ما که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت میخوردیم مگر بعد از نماز جمعه متفق علیه است

وعن السائب بن يزيد قال كان النداء يوم الجمعة اوله

و روایت است از سایب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وی

اذا جلس الامام على المنبر على عهد رسول الله صلى الله عليه

وقتیکه می نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم وابي بكر وعمر فلما كان عثمان وكثر الناس زاد النداء

وسلم و ابی بکر و عمر رضی الله عنهما پس آنگاه که موجود شد زمان عثمان و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان

الثالث على الزوراء رواه البخاري وعن ابن عمر رضي الله

سیوم را بر مقام زورا و روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله تعالی

عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخطب خطبتين كان يجلس اذا

عنه مرویست گفت که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می نشست چون بر می آید

صعد المنبر حتى يفرغ اراه المؤذن ثم يقوم فيخطب ثم يجلس فلا يتكلم ثم

منبر را تا آنکه فارغ میشد گفت راوی گمان میبرم که گفت ابن عمر حتی یفرغ المؤذن پس برمیخاست پس خطبه میخواند پس می نشست و تکلم نمیکرد پس

يقوم فيخطب رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله عنه

میخاست پس خطبه دوم را رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْجُمُعَةُ عَلٰى مَنْ اٰوَاهُ اللَّيْلُ اِلٰى اَهْلِهٖ

از پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود جمعہ فرض است بر کسیکہ جای دہد او را شب بسوی خانہ وی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

رواہ الترمذی و روایت است از طارق بن شہاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلٰى كُلِّ مُسْلِمٍ فِيْ جَمَاعَةٍ اِلَّا

اللہ علیہ وسلم جمعہ حق واجب است بر ہر مسلمان در جماعت مگر

عَلٰى اَرْبَعَةٍ عَبْدٍ مَمْلُوْكٍ اَوِ امْرَاَةٍ اَوْ صَبِيٍّ وَمَرِيْضٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

بر چہار گروہ یکی بندہ کہ در ملک کسی است دوم زن سوم کودک چہارم بیمار رواہ ابو داود

بَابُ بَيَانِ اِثْمِ تَرْكِ الْجُمُعَةِ

باب در بیان گناہ ترک جمعہ

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِقَوْمٍ

روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود مر گروہی را کہ

يَتَخَلَّفُوْنَ عَنِ الْجُمُعَةِ لَقَدْ هَمَمْتُ اَنْ اٰمُرَ رَجُلًا يُّصَلِّيْ بِالنَّاسِ

پس ماندند از نماز جمعہ سر آئینہ بتحقیق قصد کردم من کہ بفرمایم مردی را کہ بگذارد نماز جمعہ را با مردم و امامت کند ایشان را

ثُمَّ اُحَرِّقَ عَلٰى رِجَالٍ يَتَخَلَّفُوْنَ عَنِ الْجُمُعَةِ بُيُوْتَهُمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بسوزم بر سر مردانی کہ حاضر نمیشوند نماز جمعہ را خانہای ایشان را رواہ مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ تَرَكَ

روایت است از ابن عباس رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ ترک کند

الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُوْرَةٍ كُتِبَ مُنَافِقًا فِيْ كِتَابٍ لَا يُمْحٰى وَلَا يُبَدَّلُ

نماز جمعہ را بی ضرورت نوشتہ میشود از جملہ منافقان در کتابی کہ سودہ نمیشود و تغیر داده نمیشود

وَفِيْ بَعْضِ الرِّوَايَاتِ ثَلٰثًا رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ

و در بعضی روایات آمدہ است سہ کرت یعنی سہ بار ترک کند جمعہ را رواہ الشافعی و روایت از جابر رض پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَعَلَيْهِ

صلے الله علیه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس فرض است بروی

الْجُمُعَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مُسَافِرٌ أَوِ امْرَأَةٌ أَوْ صَبِيٌّ أَوْ مَمْلُوكٌ

نماز جمعه در روز جمعه مگر بیمار و مسافر و زن و کودک و بنده

فَمَنِ اسْتَغْنَى بِلَهْوٍ أَوْ تِجَارَةٍ اسْتَغْنَى اللّٰهُ عَنْهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

پس کسیکه بی نیاز شود از نماز جمعه بازی کردن و بازرگانی کردن بی نیاز گردد خدا تعالی از وی خدا تعالی بی نیاز است و ستوده

رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْصِتْ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ فَقَدْ لَغَوْتَ

وقتیکه بگوئی مر یار خود را که با تو نشسته است روز جمعه خاموش باش و حال آنکه امام خطبه میخواند پس تحقیق تو لغو گفتی

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه و روایت است از جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

لَا يُقِيمَنَّ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ يُخَالِفُ إِلَى مَقْعَدِهِ فَيَقْعُدُ

باید که بر نخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعه پس برباید کسی نشستگاه وی پس بنشیند

فِيهِ وَلٰكِنْ يَقُولُ افْسَحُوا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ

در وی ولیکن بگوید کشاده کنید جائی را رواه مسلم و از سمره بن جندب رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ احْضُرُوا الذِّكْرَ وَادْنُوا مِنَ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبه را و نزدیک شوید از

الْإِمَامِ فَإِنَّ الرَّجُلَ لَا يَزَالُ يَتَبَاعَدُ حَتَّى يُؤَخَّرَ فِي الْجَنَّةِ وَإِنْ دَخَلَهَا

امام زیرا که مرد همیشه دور میشود پس می افتد از موضع فضایل تا آنکه پس افکنده میشود در بهشت اگرچه می درآید بهشت را

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ مُعَاذِ بْنِ أَنَسٍ الْجُهَنِيِّ عَنْ أَبِيهِ

رواه ابوداود و روایت است از سهل بن معاذ بن انس جهنی از پدر خود

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذرد بر گردنهای مردم روز

الجمعة اتخذ جسرا الى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن

جمعه گرفته شود انکس پل بسوی دوزخ روایت کرد او ترمذی و روایت است از معاذ بن

انس ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة

انس رض روایت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرد از احتبا یعنی [illegible] نشستن روز جمعه

والامام يخطب رواه الترمذي وابو داود وعن ابن عمر

وحالانکه امام خطبه میخواند روایت کرد ترمذی وابو داود و روایت است از ابن عمر رض

عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نعس احدكم يوم الجمعة

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون پینکی زند یکی از شما روز جمعه

فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع قال

پس باید که بگردد از نشستگاه خود که در انجا نشسته است روایت کرد ترمذی واز نافع رض مرویست گفت

سمعت ابن عمر يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقيم

شنیدم ابن عمر را رض که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از برخیزانیدن

الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال

مردی مردی را از جای نشست وی و نشستن وی در انجای گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است گفت

في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

در جمعه و غیر جمعه است متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر میشود جمعه را سه نفر

فرجل حضرها بلغو فذلك حظه ورجل حضرها بدعاء فهو

پس مردیست که حاضر میشود جمعه را بلغو پس آن لغو حصه اوست و مردیست که حاضر شود انرا بدعا پس او

رجل دعا الله ان شاء اعطاه وان شاء منعه ورجل حضرها

[illegible] اگر خواهد بدهد او را و اگر خواهد ندهد و دیگر مردی است که حاضر شد

بانصات وسکوت ولم یتخط رقبة مسلم ولم یوذ احدا فهي

جمعه با استماع و خاموشی و گذر نکرده است گردن مسلمی را و ایذا نکرده است کسی را پس این

کفارة الی الجمعة التي تلیها وزیادة ثلثة ایام وذلک بان

کفاره است تا جمعه دیگر که متصل است با جمعه و زیادتی سه روز و این بسبب این است

الله یقول من جاء بالحسنة فله عشر امثالها رواه ابوداود

که خدا تعالی میگوید کسیکه بیارد نیکی را پس او راست ده مانند آن رواه ابوداود

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تکلم یوم الجمعة والامام یخطب فهو کمثل الحمار یحمل

کسی که سخن کند روز جمعه و حال آنکه امام خطبه میخواند پس او مانند خر است که بر میدارد

اسفارا والذي یقول له انصت لیس له جمعة رواه احمد

کتابها را بر پشت و آنکس که گوید مر او را خاموش باش نیست مر او را ثواب جمعه رواه احمد

وعن ابن عمر وابي هریرة انهما قالا سمعنا رسول الله

و روایت است از ابن عمر رض و ابی هریره رض بدرستیکه آن هر دو گفتند که شنیدیم پیغمبر خدا

صلی الله علیه وسلم یقول علی اعواد منبره لینتهین اقوام

صلی الله علیه وسلم را که میگفت بر چوبهای منبر خود هر آینه باز آیند گروهی مسلمان

عن ودعهم الجمعات او لیختمن الله علی قلوبهم ثم لیکونن

از ترک کردن ایشان جمعها را یا هر آینه مهر کند خدا بر دلهای ایشان پس هر آینه باشند

من الغافلین رواه مسلم وعن ابي الجعد الضمیري رض

از غافلین رواه مسلم و روایت است از ابی جعد ضمیری رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك ثلث جمع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را

تهاونا بها طبع الله على قلبه رواه ابوداود والترمذي والنسائي

از جهت آسان و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدا تعالی بر دل وی رواه ابوداود و ترمذی و نسائی

وابن ماجة والدارمي ورواه مالك عن صفوان ابن سليم

و ابن ماجه و دارمی و روایت کرد آنرا مالک از صفوان ابن سلیم

واحمد عن ابي قتادة وعن سمرة ابن جندب رضي الله عنه قال

و احمد از ابی قتاده و روایت است از سمره بن جندب رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك الجمعة من غير

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه ترک کند جمعه را بغیر

عذر فليتصدق بدينار فان لم يجد فبنصف دينار رواه احمد

بی عذر شرعی پس باید که تصدق کند یکدینار پس اگر دینار نیابد پس نصف دینار تصدق کند رواه احمد

وابوداود وابن ماجة وعن صالح بن ابراهيم بن عبد الرحمن

و ابو داود و ابن ماجه و از صالح بن ابراهیم بن عبد الرحمن

بن عوف قال دخل علينا انس يوم الجمعة والامام يخطب

بن عوف مرویست گفت در آمد بر ما انس رض روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند

ونحن نتحدث فقال مه فلما اقيمت الصلوة قال اني اخاف

و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت بتحقیق که من

ان اكون قد ابطلت جمعتي بقولي لكم مه ابن سعد كو

میترسم باینکه باشم من بدرستیکه باطل کرده شود جمعه من بسبب گفتن من مر شما را خاموش باشید ابن سعد

جمع الجوامع ＊ باب العيدين ＊ وعن ابي سعيد

از جمع الجوامع این باب در بیان احکام عید الفطر و عید اضحی است و مرویست از ابی سعید

الخدري قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخرج يوم الفطر

الخدری رضه گفت بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد روز عید فطر

والاضحى الى المصلى فاول شيء يبدأ به الصلوة ثم ينصرف

و روز اضحی بسوی مصلی پس نخست چیزیکه آغاز میکرد آنحضرت بآن چیز نماز بود پس میگشت

ثم يقوم مقابل الناس والناس جلوس على صفوفهم فيعظهم

از نماز پس می ایستاد روبروی مردم و حالانکه مردم نشسته بودند بر صفهای خود پس پند میکرد

ويوصيهم ويأمرهم وان كان يريد ان يقطع بعثا قطعه

مردمرا و اندرز میکرد و بچیزی امر میکرد ایشانرا و اگر خواست که جدا کند و بفرستد لشکری را جدا میکرد آنرا

او يأمر بشيء امر به ثم ينصرف متفق عليه وعن ابن

یا بچیزی که بفرماید کاری را امیر میبود آنرا پس بر میگشت متفق علیه و روایت است از ابن

عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من ايام

عباس رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ از روزها

العمل الصالح فيهن احب الى الله من هذه الايام العشر قالوا

که کار نیک در وی دوست داشته تر باشد نزد خدا از این ده روز که ذیحجه است گفتند

يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا الجهاد في

ای پیغمبر خدا و نه کارزار کردن در راه خدا فرمود آنحضرت و نه جهاد در

سبيل الله الا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك

راه خدا مگر جهاد مردی که بیرون آید به نفس خود و مال خود پس باز برنگشت از نفس و نه مال خود

بشيء رواه البخاري وعن ابي هريرة رضه قال قال رسول الله

بچیزی روایت کرده بخاری و از ابی هریره رضه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من ايام احب الى الله ان يتعبد له

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ روزها که دوست داشته تر نزد خدا عبادت کردن مر خدا را

فيها من عشر ذي الحجة يعدل صيام كل يوم منها بصيام سنة

در آن روزها از دهه ذی حجه برابر است روزه هر روز در آن روزها روزه یکسال

وقيام كل ليلة منها بقيام ليلة القدر رواه الترمذي وابن

و برابر است برخاستن هر شب از شبهای آن روزها با شب قدر روایت کرده ترمذی و ابن

ماجة وعن عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه

ماجه و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم ما عمل ابن آدم من عمل يوم النحر أحب إلى الله من

و سلم نکرد آدمی هیچ کاری روز نحر دوست داشته شده نزد خدا از

إهراق الدم وإنه ليأتي يوم القيامة بقرونها وأشعارها

ریختن خون و بدرستیکه آن جانور می آید روز قیامت با شاخهای خود و مویهای خود

وأظلافها وإن الدم ليقع من الله بمكان قبل أن يقع

سمهای خود و بدرستیکه خون هر آینه می افتد نزد خدا بمرتبه قبول پیش از آنکه افتد

بالأرض فطيبوا بها نفسا رواه الترمذي وابن ماجة

بر زمین پس خوشحال گردانید بوی آن نفس را روایت کرده ترمذی و ابن ماجه

وعن زيد بن أرقم قال قال أصحاب رسول الله صلى الله

و روایت است از زید ابن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم يا رسول الله ما هذه الأضاحي قال سنة أبيكم

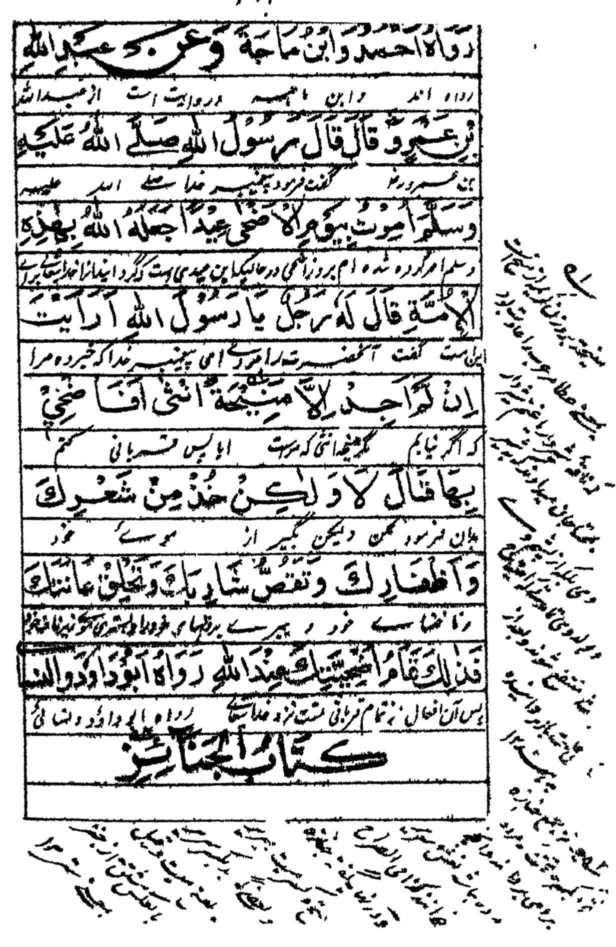
علیه و سلم ای پیغمبر خدا چیست اصل این قربانی گفت سنت پدر شما

إبراهيم قالوا فما لنا فيها يا رسول الله قال بكل شعرة حسنة

ابراهیم است گفتند صحابه پس چیست مارا در آن قربانی ای رسول خدا فرمود به هر موی نیکی

قالوا فالصوف يا رسول الله قال بكل شعرة من الصوف حسنة

گفتند این ثواب بجهة پشم دار و چنانکه ... ای رسول خدا فرمود بهر موی از پشم نیکی



رواه احمد وابن ماجة وعن عبد الله

روایت کرده احمد و ابن ماجه در روایت است از عبد الله

بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أمرت بيوم الأضحى عيدا جعله الله لهذه

وسلم امر کرده شده ام بروز اضحی در حالیکه این عید است گردانیده آنرا خدای تعالی برای

الأمة قال له رجل يا رسول الله أرأيت

این امت گفت آنحضرت را مردی ای پیغمبر خدا که خبر ده مرا

إن لم أجد إلا منيحة أنثى أفأضحي

که اگر نیابم مگر منیحه انثی که مرتست آیا پس قربانی کنم

بها قال لا ولكن خذ من شعرك

بآن فرمود نه ولیکن بگیر از موی خود

وأظفارك وتقص شاربك وتحلق عانتك

و ناخنهای خود و ببر بروتهای خود و بتراش موی زیر ناف خود

فذلك تمام أضحيتك عند الله رواه أبو داود والنسائي

پس آن افعال تمام قربانی تست نزد خدای تعالی روایت کرده ابو داود ونسائی

كتاب الجنائز



٢١٣

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ

هر نفسے چشندہ موت است بے خبران نیست کہ تمام داده خواهید مزد خود را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ

روز قیامت و بهر گروهے میعادی هست پس چون می آید

لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَّلَا يَسْتَقْدِمُونَ

میعاد ایشان توقف نکنند ساعتے و نه سبقت کنند

بَابُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ

باب در بیمار پرسے

عَنْ أَبِي مُوسٰى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ابی موسی رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اطعموا الجائع وعودوا المريض وفكوا العاني

عليه وسلم طعام دهيد گرسنه را و عيادت کنيد بيمار را و خلاص کنيد اسير را

رواه البخاري وعن ثوبان قال قال رسول الله صلى الله

روايت کرد اين را بخاری روايت است از ثوبان رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ان المسلم اذا عاد اخاه المسلم لم يزل في خرفة

عليه وسلم بدرستيکه مسلمان چون عيادت ميکند برادر خود مسلمان را هميشه مي باشد در چيدن

الجنة حتى يرجع رواه مسلم وعن البراء بن عازب

بهشت تا آنوقت که باز گردد روايت کرد اين را مسلم روايت است از براء بن عازب رض

قال امرنا النبي صلى الله عليه وسلم بسبع ونهانا عن سبع

گفت امر کرد مارا آنحضرت صلی الله عليه وسلم از هفت چيز و منع کرد مارا از هفت چيز

امرنا بعيادة المريض واتباع الجنائز وتشميت العاطس

امر کرد بعيادت بيمار پس روی کردن جنازها و دعا کردن عطسه کننده را

ورد السلام واجابة الداعي وابرار المقسم ونصر المظلوم

و جواب سلام دادن و قبول کردن دعوت طعام و برآوردن قسم [illegible] و مدد کردن مظلوم

ونهانا عن خاتم الذهب وعن الحرير والاستبرق والديباج

و نهی کرد مارا از انگشتری طلا و از پوشيدن جامه حرير و از پوشيدن استبرق و ديبا

والميثرة الحمراء والقسي وانية الفضة وفي رواية

و نهی کرد از ميثره سرخ و نهی کرد از قسی و از آوندهای نقره و در روايت ديگر

وعن الشرب في الفضة فانه من شرب فيها في الدنيا

و از نوشيدن در نقره پس بدرستيکه کسيکه بنوشد در آوند نقره در دنيا

لم يشرب فيها في الآخرة متفق عليه وعن ابي هريرة رض

نوشد دران در آخرت متفق عليه است و روايت است از ابي هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حق المسلم على المسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم حق مسلمان بر مسلمان

خمس رد السلام وعيادة المريض واتباع الجنائز واجابة

پنج است جواب سلام دادن و بیمار پرسیدن و پس رو کردن جنازه‌ها و قبول کردن

الدعوة وتشميت العاطس متفق عليه وعنه قال قال

دعوت طعام و دعا کردن است عطسه کننده را متفق علیه و روایت است از وی گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم حق المسلم على المسلم ست

پیغمبر خدا صلى الله عليه وسلم حق مسلمان بر مسلمان شش است

قيل ما هن يا رسول الله قال اذا لقيته فسلم عليه واذا

گفته شد چه چیز است آن شش ای پیغمبر خدا فرمود چون پیش آئی مسلمان را پس سلام کن بروی و چون

دعاك فاجبه واذا استنصحك فانصح له واذا عطس

بخواند ترا بطعام پس اجابت کن او را و چون نصیحت طلب کند از تو پس نصیحت کن مر او را و چون عطسه زند

فحمد الله فشمته واذا مرض فعده واذا مات فاتبعه

[illegible] بیمار شود پس عیادت کن او را و چون بمیرد پس از پی آن کن جنازه او را

رواه مسلم وعن ابي هريرة قال قال رسول الله

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى يقول يوم القيمة

صلى الله عليه وسلم بدرستیکه خدای تعالی میفرماید در روز قیامت

يا ابن ادم مرضت فلم تعدني قال يا رب كيف اعودك

ای پسر آدم بیمار شدم من پس نکردی بیمار پرسی مرا گوید ای پروردگار من چگونه عیادت کنم ترا

وانت رب العالمين قال اما علمت ان عبدي فلانا مرض

[illegible] پروردگار جهانیان [illegible] آیا ندانستی که بنده من فلان بیمار شده

فلم تعده اما علمت انك لو عدته لوجدتني عنده يا ابن آدم

پس نپرسیدی او را آیا ندانستی تو که اگر عیادت میکردی آن بنده را هر آینه مییافتی مرا نزد وی ای فرزند آدم

استطعمتك فلم تطعمني قال يا رب كيف اطعمك وانت

طلب طعام کردم از تو پس ندادی مرا طعام گوید آدمی ای پروردگار چگونه طعام دهم ترا و تو

رب العالمين قال اما علمت انه استطعمك عبدي فلان

پروردگار عالمیانی گوید حق تعالی آیا ندانستی تو که طعام طلبید از تو بنده من فلان

فلم تطعمه اما علمت انك لو اطعمته لوجدت ذلك عندي

پس ندادی تو او را طعام آیا ندانستی تو که اگر طعام میدادی او را می یافتی ثواب آن طعام نزد من

يا ابن آدم استسقيتك فلم تسقني قال يا رب كيف اسقيك

ای فرزند آدم طلبیدم از تو آب پس ندادی تو مرا آب گوید آدمی ای پروردگار من چگونه آب دهم ترا

وانت رب العالمين قال استسقاك عبدي فلان فلم تسقه

و تو پروردگار عالمی و منزه هستی از آب خوردن گوید حق تعالی طلبید از تو بنده من فلان پس ندادی آب او را

اما علمت انك لو سقيته وجدت ذلك عندي رواه

آیا ندانستی تو که اگر آب میدادی او را می یافتی جزای آن نزد من روایت کرد

مسلم وعن عائشة قالت كان رسول الله صلى الله

مسلم و روایت است از عائشه رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا اشتكى منا انسان مسحه بيمينه ثم قال

علیه وسلم چون بیمار میشد از ما آدمی مسح میکرد او را بدست راست خود پس میگفت آنحضرت این دعا را

اذهب الباس رب الناس واشف انت الشافي لا شفاء

ببر این درد را ای پروردگار آدمیان و تندرستی ده تو تندرستی دهنده نیست شفا

الا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما متفق عليه وعن علي

مگر شفای تو شفائی که نگذارد بیماری را متفق علیه است و روایت است از علی رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ

گفت علی شنیدم پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ مسلمانی

يَعُوْدُ مُسْلِمًا غُدْوَةً اِلَّا صَلّٰى عَلَيْهِ سَبْعُوْنَ اَلْفَ مَلَكٍ حَتّٰى

که بیمار پرسی کند مسلمانی را در وقت بامداد مگر آنکه صلوة بفرستند بروی هفتاد هزار فرشته تا آنکه

يُمْسِيَ وَاِنْ عَادَهٗ عَشِيَّةً اِلَّا صَلّٰى عَلَيْهِ سَبْعُوْنَ اَلْفَ مَلَكٍ

شام کند و اگر عیادت کرد او را بوقت شام مگر دعای رحمت کنند بروی هفتاد هزار فرشته

حَتّٰى يُصْبِحَ وَكَانَ لَهٗ خَرِيْفٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ

تا آنکه صبح کند و باشد مرویرا بستانی در بهشت روایة ترمذی و ابو داؤد

وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَنْ تَوَضَّأَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ وَعَادَ اَخَاهُ الْمُسْلِمَ مُحْتَسِبًا

کسیکه وضو کند پس نیک کند وضو را و بیمار پرسی کند برادر مسلمان را بقصد ثواب

بُوْعِدَ مِنْ جَهَنَّمَ مَسِيْرَةَ سِتِّيْنَ خَرِيْفًا رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

دور کرده شود از دوزخ مقدار راه شصت سال روایة ابو داؤد

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عباس رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُوْدُ مُسْلِمًا فَيَقُوْلُ سَبْعَ مَرَّاتٍ اَسْئَلُ

وسلم نیست هیچ مسلمانی که عیادت کند مسلمانی را پس بگوید هفت کرت سوال میکنم

اللّٰهَ الْعَظِيْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ اَنْ يَّشْفِيَكَ اِلَّا شُفِيَ

خدای بزرگ را که پروردگار عرش بزرگ است که تندرستی دهد ترا مگر آنکه تندرستی داده شود

اِلَّا اَنْ يَّكُوْنَ قَدْ حَضَرَ اَجَلُهٗ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

آن مسلمان مگر آنکه باشد که بتحقیق حاضر شده وقت موت او روایة ابو داؤد و ترمذی

وَعَنْ اَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روايت است از ابي سعيد رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلے الله عليه

وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيْضِ فَنَفِّسُوْا لَهٗ فِيْ اَجَلِهٖ فَاِنَّ ذٰلِكَ

وسلم چون در آئيد بر بيمارے براي عيادت پس كشاده هيد وبر مدهيم اورا در دراز مدت حيات

لَا يَرُدُّ شَيْئًا وَيُطِيْبُ بِنَفْسِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

زيراكه تنفيس باز نميگرداند چيزي را كه مقدر است وخوش ميگرداند نفس اورا رواه ترمذي وابن ماجه

وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

وگفت ترمذے اين حديث غريب است وروايت است از ابن عباس رض

قَالَ اِنَّ عَلِيًّا رض خَرَجَ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت كه علے رض برآمد از نزد آنحضرت صلے الله عليه وسلم

فِيْ وَجَعِهِ الَّذِيْ تُوُفِّيَ فِيْهِ فَقَالَ النَّاسُ يَا اَبَا الْحَسَنِ كَيْفَ

در بيمارے وي كه وفات كرد آنحضرت صلے الله عليه وسلم در وے پس گفتند مردم اي ابو الحسن چگونه

اَصْبَحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَصْبَحَ بِحَمْدِ اللّٰهِ

صبح كرد پيغمبر خدا صلے الله عليه وسلم گفت شكر كرده شد بخدا

بَارِئًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بشونده ز بيمارے رواه بخارے وروايت است از جابر رض گفت فرمود پيغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيْضًا لَمْ يَزَلْ يَخُوْضُ الرَّحْمَةَ

صلے الله عليه وسلم كسيكه بپرسد بيمارے را هميشه در آيد درياے رحمت را

حَتّٰى يَجْلِسَ فَاِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيْهَا رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَحْمَدُ

تا آنكه مي نشيند پس چون بنشيند فرو ميرود در آن رواه مالك واحمد

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ مِنَ السُّنَّةِ تَخْفِيْفُ الْجُلُوْسِ

وروايت است از ابن عباس رض گفت از سنت است سبكي كردن در نشستن

وقلة الصخب في العيادة عند المريض قال وقال رسول الله

وکم کردن بانگ وفریاد در عیادت نزد بیمار گفت ابن عباس وفرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لما كثر لغطهم واختلافهم قوموا عني

صلی الله علیه وسلم هرگاه که بسیار شد آواز اصحاب آنحضرت واختلاف شان برخیزید از نزد من

رواه رزين وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه رزین و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من عاد مريضا نادى منادٍ من السماء

صلی الله علیه وسلم کسیکه بپرسد بیمارے را آواز میدهد آواز دهنده از آسمان

طبت وطاب ممشاك وتبوأت من الجنة منزلا رواه

یعنی فرشته خوشی باد ترا در دنیا وخوش باد برپا رفتن تو یا جای مشی تو در آخرت وبگیری تو از بهشت منزلت را

ابن ماجة وعن عمر ابن الخطاب رض قال قال رسول الله

رواه ابن ماجه و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم اذا دخلت على مريض فمره يدعو

صلی الله علیه وسلم چون درآئی بر بیمارے پس بفرما او را که دعا کند

لك فان دعاءه كدعاء الملٰئكة رواه ابن ماجة

ترا زیرا که بدرستی دعای او یعنی بیمار مانند دعای فرشتگان است رواه ابن ماجه

باب ما جاء في اجر المصائب اذا صبر عليها

باب احادیثی که وارد شده در اجر مصائب وقتے که صبر بر آن کند

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من يُرد الله به خيرا يُصب منه رواه البخاري وعنه

کسیکه بخواهد خدا تعالی بآنکس نیکی را گرفته میشود یا میگیرد حق از وی رواه بخاری واز وے

وعن ابي سعيد الخدري عن النبي صلى الله

واز ابي سعيد خدري مرويست از آنحضرت صلى الله

عليه وسلم قال ما يصيب المسلم من نصب

عليه وسلم فرمود نميرسد مسلمان را از هيچ رنج وتعب

ولا وصب ولا هم ولا حزن ولا اذى ولا

ونميرسد درد ونه اندوه ونه غم ونه آزار ونه

غم حتى الشوكة يشاكها الا كفر الله بها

اندوه تا آنكه خلانيده ميشود آنرا مگر آنكه مى پوشد خدا بسبب اين

من خطاياه متفق عليه وعن عبد الله

مر اورا از مصايب گناهان كه صغاير باشند متفق عليه وروايتست از عبد الله

بن مسعود رض قال دخلت على النبي صلى الله

بن مسعود رض گفت در آمدم برآنحضرت صلى الله

عليه وسلم وهو يوعك فمسسته بيدي

عليه وسلم درحالتيكه وى تپ زده شده بود پس بسودم آنحضرت را بدست خود

فقلت يا رسول الله انك لتوعك وعكا

پس گفتم اى پيغامبر خدا بدرستيكه هراينه تپ زده ميشوى تپ زده شدنى

شديدا فقال النبي صلى الله عليه وسلم

سخت پس فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

٢٢٠

واقاضات بود كه بسبب ضيق نطاق جسمانيت از تحمل آن در صورت سكرات ومجاهدات ميشود واين وجه اوجه وجوه است بمقام شريف

أَجَلْ إِنِّي أُوعَكُ كَمَا يُوعَكُ رَجُلَانِ مِنْكُمْ قَالَ فَقُلْتُ

آرے تپ زده میشوم چنانکه تپ زده میشوند دو مرد از شما ابن مسعود گوید پس گفتم

ذٰلِكَ لِأَنَّ لَكَ أَجْرَيْنِ فَقَالَ أَجَلْ ثُمَّ قَالَ مَا مِنْ

آن یعنی شدت تپ بسبب آنست که ترا دو اجرست پس گفت آنحضرت آری پستر گفت آنحضرت نیست

مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللّٰهُ

هیچ مسلمانی که برسد اورا آزارے از بیماری پس چیزیکه جز بیماریست مگر آنکه فرو می افگند خدا ازو

بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بدیهای اورا چنانکه فرو افگنده درخت برگ هاے خود را متفق علیه است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رض گفت در آمد پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ فَقَالَ مَا لَكِ تُزَفْزِفِينَ

وسلم بر مادر سائب پس گفت آنحضرت صلعم چه شده است ترا که میلرزی

قَالَتِ الْحُمَّى لَا بَارَكَ اللّٰهُ فِيهَا فَقَالَ لَا تَسُبِّي الْحُمَّى

گفت ام سائب سبب لرزیدن من تپ است برکت نکند خدا درو پس گفت مکن دشنام تپ را

فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ كَمَا يُذْهِبُ الْكِيرُ خَبَثَ

زیرا که تپ می برد گناهان بنے آدم را چنانکه مے برد دم آهنگران چرک پلیدی

الْحَدِيدِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي مُوسَى رض قَالَ قَالَ

آهن را رواه مسلم و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بیمار شود بنده

أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ بِمِثْلِ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا

یا سفر میکند نوشته میشود برای آن بنده آنچه بود عمل میکرد درحالیکه مقیم وتندرست بود

رواه البخاري وعن كعب بن مالك قال قال

رواه البخاری و روایت است از کعب بن مالک گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن كمثل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حال مؤمن همچو حال

الخامة من الزرع تفيئها الرياح تصرعها مرة

شاخ نرم از کشت است مایل میگرداند او را بادها که می افگند آنرا یکبارگی

وتعدلها أخرى حتى يأتيه أجله ومثل المنافق

و راست میگرداند آنرا بار دیگر تا آنکه بیاید او را وقت موت و حال منافق

كمثل الأرزة المجذية التي لا يصيبها شيء حتى يكون

همچو حال درخت صنوبر است که محکم و ثابت است آن درختی که نمیرسد آنرا چیزی از بادها تا آنکه

انجعافها مرة واحدة متفق عليه وعن أبي هريرة

می باشد افتادن آن درخت یکبارگی متفق علیه و روایت است از ابو هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حال مومن

كمثل الزرع لا يزال الريح تميله ولا يزال المؤمن

همچو حال کشت است که همیشه باد مایل میگرداند و همیشه است مومن

يصيبه البلاء ومثل المنافق كشجرة الأرزة لا تهتز

که میرسد او را بلا و حال منافق همچو حال درخت صنوبر است که نمی جنبد

حتى تستحصد متفق عليه وعن أسامة بن زيد

تا آنکه درو کرده شود و بریده شود متفق علیه و روایت است از اسامه بن زید

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طاعون

رِجْزًا اُرْسِلَ عَلٰی طَائِفَةٍ مِّنْ بَنِیْ اِسْرَائِیْلَ اَوْ عَلٰی مَنْ
عذابی ست کہ فرستادہ شدہ است بر گروہے از بنی اسرائیل یا بر کسانیکہ
کَانَ قَبْلَکُمْ فَاِذَا سَمِعْتُمْ بِهٖ بِاَرْضٍ فَلَا تَقْدِمُوْا عَلَیْهِ
بودند پیش از شما پس چون بشنوید شما طاعون را در زمینی پس پیش نیائید بر آن زمین
وَاِذَا وَقَعَ بِاَرْضٍ وَّاَنْتُمْ بِهَا فَلَا تَخْرُجُوْا فِرَارًا مِّنْهُ
و چون بیفتد طاعون بر زمینے حالی آنکہ شما در آن زمین باشید پس بیرون نیائید بجہت گریختن از آن
مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ اَنَسٍ رضـ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ
متفق علیہ است و روایت است از انس رضـ گفت شنیدم آنحضرت
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ قَالَ اللّٰهُ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰی
صلی اللہ علیہ و سلم را کہ میگفت میگوید اللہ سبحانہ و تعالے
اِذَا ابْتَلَیْتُ عَبْدِیْ بِحَبِیْبَتَیْهِ ثُمَّ صَبَرَ عَوَّضْتُهٗ مِنْهُمَا
چون مبتلا گردانم بندہ خود را بدو محبوب وے پستر صبر کند آن بندہ عوض دہم آن
الْجَنَّةَ یُرِیْدُ عَیْنَیْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ عَلِیِّ بْنِ
بندہ را بدل حبیبتین بہشت را کہ میخواہد دو چشم وے رواہ البخاری و روایت از علی بن
زَیْدٍ عَنْ اُمَیَّةَ اَنَّهَا سَاَلَتْ عَائِشَةَ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ
زید از امیہ بدرستیکہ امیہ پرسید عائشہ را از حقیقت معنی قول حق جل
وَجَلَّ اِنْ تُبْدُوْا مَا فِیْ اَنْفُسِکُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ یُحَاسِبْکُمْ
و علا کہ آیت اگر شکارا کنید چیزے را کہ در دلہائے شماست یا نہان دارید حساب کند شما را
بِهِ اللّٰهُ وَعَنْ قَوْلِهٖ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ یَّعْمَلْ سُوْٓءًا یُّجْزَ بِهٖ
بآن خدا تعالی و پرسید از قول وے تعالی ہر کہ بکند بدی را پاداش دادہ شود بوے
فَقَالَتْ مَا سَاَلَنِیْ عَنْهَا اَحَدٌ مُنْذُ سَاَلْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ
پس گفت عائشہ سوال نکرد مرا از ین محاسبہ و مجازات ہیچ یکے از آنگاہ کہ پرسیدہ پیغامبر خدا را

۲۲۳

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ هٰذِهِ مُعَاتَبَةُ اللهِ الْعَبْدَ

صلے اللہ علیہ وسلم پس گفت آنحضرت این محاسبہ و مجازات عتاب دل خدا است بندہ را

بِمَا يُصِيبُهُ مِنَ الْحُمّٰى وَالنَّكْبَةِ حَتَّى الْبِضَاعَةِ

بانچہ میرسد بندہ را از تپ و از نکبت تا آنکہ این مصیبت کہ پارہ از مال

يَضَعُهَا فِي يَدِ قَمِيصِهِ فَيَفْقِدُهَا فَيَفْزَعُ لَهَا حَتّٰى

می نہد بندہ آنرا در دست پیراہن خود پس گم میکند آن بضاعت را پس می ترسد آن بضاعت را تا آنکہ

اَنَّ الْعَبْدَ لَيَخْرُجُ مِنْ ذُنُوبِهِ كَمَا يَخْرُجُ التِّبْرُ

بندہ ہر آئینہ بیرون می آید از گناہان خود چنانکہ بیرون می آید زر

الْاَحْمَرُ مِنَ الْكِيرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

سرخ از بوتہ بروایت ترمذی و روایت است از

اَبِي مُوسٰى رض اَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابو موسے رض بدرستیکہ پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

قَالَ لَا يُصِيبُ عَبْدًا نَكْبَةٌ فَمَا فَوْقَهَا اَوْ دُونَهَا

فرمود نمیرسد ہیچ بندہ را مصیبتے حقیر پس آنچہ بالای اوست یا فرود اوست

اِلَّا بِذَنْبٍ وَمَا يَعْفُو اللهُ عَنْهُ اَكْثَرُ وَقَرَاَ

مگر بسبب گناہی کہ کردہ است و آنچہ عفو و محو میکند خدا تعالے از وے بیشتر است و خواند آنحضرت این آیت را

وَمَا اَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَيْدِيكُمْ

و ہر چہ میرسد شما را از مصیبت پس بسبب چیزیست کہ کردہ است آنرا دستہای شما یعنی ذاتہای شما

وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

و عفو میکند خدا تعالی از بسیاری ازان روایت ترمذی و روایت است از

عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

عبد اللہ بن عمرو رض گفت گفت پیغمبر خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الْعَبْدَ اِذَا كَانَ عَلٰى طَرِيْقَةٍ حَسَنَةٍ مِّنَ

علیه وسلم بدرستیکه بنده چون میباشد برحالت نیک از

الْعِبَادَةِ ثُمَّ مَرِضَ قِيْلَ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهٖ اُكْتُبْ لَهٗ

عبادات پستر بیمار شود گفته میشود مر فرشته را که گماشته شده است بروی بنویس

مِثْلَ عَمَلِهٖ اِذَا كَانَ طَلِيْقًا حَتّٰى اُطْلِقَهٗ اَوْ اَكْفِتَهٗ

برای وی مانند عمل وی در وقتیکه بود رها غیر مقید بایں بیماری تا آنکه رها کنم او را یا الحق کنم و گرد آرم او را

اِلَيَّ وَعَنْ اَنَسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بسوی خود و روایت است از انس بدرستیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم

قَالَ اِذَا ابْتَلَى الْمُسْلِمُ بِبَلَاءٍ فِيْ جَسَدِهٖ قِيْلَ لِلْمَلَكِ اُكْتُبْ لَهٗ

گفت چون مبتلا گردانیده می شود مسلمان ببلا در تن او گفته میشود مر فرشته را بنویس برای وی

صَالِحَ عَمَلِهِ الَّذِيْ كَانَ يَعْمَلُ فَاِنْ شَفَاهُ غَسَلَهٗ وَطَهَّرَهٗ

عمل نیک وی را که می کرد و پیش از ابتلا پس اگر شفا بخشد او را می شوید او را و پاک میگرداند

وَاِنْ قَبَضَهٗ غَفَرَ لَهٗ وَرَحِمَهٗ رَوَاهُمَا فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ

واگر قبض میکند او را آمرزد مر او را و رحمت میکند او را روایت کرد این دو حدیث را در شرح سنت

وَعَنْ سَعْدٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ النَّاسِ

روایت است از سعد ابن ابی وقاص گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کدام از

اَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْاَمْثَلُ فَالْاَمْثَلُ وَيُبْتَلَى الرَّجُلُ

سخت تر است از روی بلا و آزمایش فرمود سخت ترین از آدمیان در بلا پیغامبران اند پس هر که فاضل

عَلٰى حَسَبِ دِيْنِهٖ فَاِنْ كَانَ فِيْ دِيْنِهٖ صُلْبًا اِشْتَدَّ بَلَاؤُهٗ وَاِنْ كَانَ

از روی مرتبه از مرتبه جهان و مبتلا گردانیده می‌شود مرد به اندازه دین وی پس اگر باشد در دین خود سخت و درست سخت

فِيْ دِيْنِهٖ رِقَّةٌ هُوِّنَ عَلَيْهِ فَمَا زَالَ كَذٰلِكَ حَتّٰى يَمْشِيَ مَا لَهٗ

در دین وی نرمی و تنگی سبک کرده میشود بر وی پس همیشه همچنین حال است تا آنکه میرود بر زمین و حال آنکه نیست

ذَنْبٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ

وی را گناهی روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و الدارمی وگفت ترمذی

هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

این حدیث حسن صحیح است و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ

صلی الله علیه وسلم بدرستی بزرگی پاداش با بزرگی

الْبَلَاءِ وَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اِذَا اَحَبَّ قَوْمًا

بلا است و بدرستی که خدای تعالی بزرگ و برتر چون دوست میدارد گروهی را

اِبْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضٰى وَمَنْ سَخِطَ

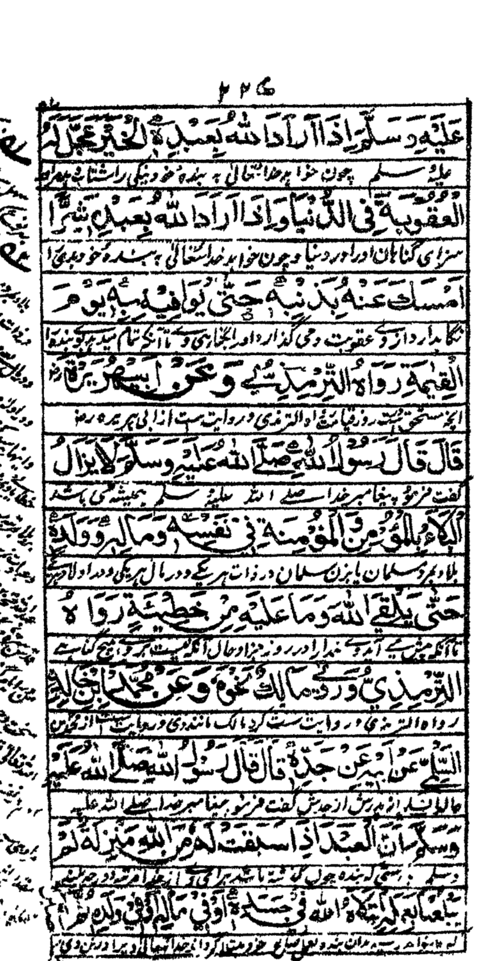
مبتلا می‌گرداند ایشان را پس کسیکه خوشنود بود از خدا در بلا پس مر او راست خوشنودی و کسیکه

فَلَهُ السَّخَطُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

خشم گرفت پس مر او راست خشم او. رواه الترمذی وابن

مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ماجه و از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله



عليه وسلم اذا اراد الله بعبده الخير عجل له

عليه وسلم چون خواهد خدا تعالى به بنده خود نيكى را شتاب كند

العقوبة في الدنيا واذا اراد الله بعبده الشر

سزاى گناهان او را در دنيا و چون خواهد خدا تعالى به بنده خود بدى را

امسك عنه بذنبه حتى يوافيه به يوم

نگاه دارد از وى عقوبت وى گذارد او را بگناهش تا آنكه تمام ميدهد او را بنده را

القيامة رواه الترمذي وعن ابي هريرة

در روز قيامت روايت كرد او را ترمذى و روايت ست از ابى هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يزال

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هميشه مى باشد

البلاء بالمؤمن والمؤمنة في نفسه وماله وولده

بلا بمرد مسلمان و بزن مسلمان در ذات هر يكى و در مال هر يكى و در اولاد هر يكى

حتى يلقى الله وما عليه من خطيئة رواه

تا آنكه ملاقات كند خدا را در روز جزا و حال آنكه نيست بر وى هيچ گناهى

الترمذي وروى مالك نحوه وعن محمد بن خالد

روايت كرد او را ترمذى و روايت كرد مالك مانند وى و روايت ست از محمد بن خالد

السلمي عن ابيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه

السلمى از پدرش از جدش گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم ان العبد اذا سبقت له من الله منزلة لم

وسلم بدرستى كه بنده چون گذشته باشد براى وى از خدا منزلتى در جنت

يبلغها بعمله ابتلاه الله في جسده او في ماله او في ولده ثم

كه نرسيده است بدان بنده و بعمل صالح خود مبتلا كرد او را خدا تعالى در تن وى

عَلَى ذٰلِكَ حَتَّى يُبَلِّغَهُ الْمَنْزِلَةَ الَّتِي سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللهِ

بر آن خداى تعالى بر آن بلا تا آنكه ميرساند اين بلا بنده را بمرتبه كه گذشته است واو را از

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ شِخِّيرٍ

رواه احمد و ابو داود روايت است از عبد الله بن شخير

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُثِّلَ ابْنُ آدَمَ

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم تصوير كرده شد فرزند آدم

وَإِلَى جَنْبِهِ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ مَنِيَّةً إِنْ أَخْطَأَتْهُ الْمَنَايَا وَقَعَ فِي

وحال آنكه بجانب پهلوى اوست نود ونه مرگ اگر خطا مى كند او را مرگها واسباب آن

الْهَرَمِ حَتَّى يَمُوتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ

پيرى تا آنكه بميرد رواه ترمذى وگفت اين حديث غريب است

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

واز جابر رض مرويست گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وَسَلَّمَ يَوَدُّ أَهْلُ الْعَافِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِينَ يُعْطَى أَهْلُ

وسلم دوست ميدارند اهل عافيت روز قيامت وقتيكه داده شوند اهل

الْبَلَاءِ الثَّوَابَ لَوْ أَنَّ جُلُودَهُمْ كَانَتْ قُرِضَتْ فِي الدُّنْيَا

بلا ثواب اين را كاشكى پوستهاى ايشان بريده وپاره كرده ميشد در دنيا

بِالْمَقَارِيضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ

بكاردها رواه ترمذى وگفت كه اين حديث غريب است

وَعَنْ عَامِرٍ الرَّامِ قَالَ ذَكَرَ رَسُولُ اللهِ الْأَسْقَامَ

وروايت است از عامر رام گفت ذكر كرد پيغامبر خدا بيماريها را

فَقَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السَّقَمُ

پس فرمود كه مسلمان چون ميرسد او را بيمارى

ثم عافاه الله عز وجل منه كان كفارة لما مضى من

پس از صحت می بخشد او را خدا تعالی از آن می باشد پوشنده مر گناهان گذشته را

ذنوبه وموعظة له فيما يستقبل وان المنافق

و می باشد نصیحت و پند مر او را اندر آنچه پیش آید و بدرستی که منافق

اذا مرض ثم اعفي كان كالبعير عقله اهله ثم

چون بیمار شود پس عافیت داده شود می باشد مانند شتر که ببستند او را اهل او پس

ارسلوه فلم يدر لم عقلوه ولم ارسلوه فقال

رها کردند او را پس ندانست آن شتر که چرا بستند او را و چرا گشادند او را پس گفت

رجل يا رسول الله وما الاسقام والله ما مرضت

مردی ای پیغامبر خدا چه چیز است بیماریها بخدا سوگند بیمار نشده ام من

قط فقال قم عنا فلست منا رواه ابو داود وعن

هرگز پس فرمود آنحضرت برخیز از پیش ما پس نیستی از ما روایت کرد ابو داود و روایت است از

عطاء بن ابي رباح قال قال لي ابن عباس الا اريك

عطاء بن ابی رباح گفت فرمود مرا ابن عباس آیا بنمایم ترا

امرأة من اهل الجنة قلت بلى قال هذه

زنی از اهل بهشت گفتم بلی گفت این

المرأة السوداء اتت النبي صلى الله عليه وسلم

زن سیاه که نام وی سعدیه است آمد این پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

فقالت يا رسول الله اني اصرع واني اتكشف

پس گفت ای پیغامبر خدا بدرستی که من صرع زده میشوم و بدرستی که من برهنه میشوم

فادع الله لي فقال ان شئت صبرت ولك الجنة

پس دعا کن خدا را برای من پس فرمود آنحضرت اگر خواسته صبر کنی و باشد مر ترا بهشت

وَاِنْ شِئْتِ دَعَوْتُ اللّٰهَ اَنْ يُّعَافِيَكِ فَقَالَتْ

و اگر خواهی دعا کنم خدای را که عافیت دهد ترا پس گفت آن زن

اَصْبِرُ فَقَالَتْ اِنِّيْ اَتَكَشَّفُ فَادْعُ اللّٰهَ اَنْ لَّا

صبر میکنم پس گفت آن زن که من برهنه میشوم پس دعا کن خداے را که

اَتَكَشَّفَ فَدَعَا لَهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ يَحْيَى

برهنه نشوم پس دعا فرمود آنحضرت مر آن زن را متفق علیه و روایت از یحیی

بْنِ سَعِيْدٍ رض قَالَ اِنَّ رَجُلًا جَاءَهُ الْمَوْتُ فِيْ زَمَنِ

بن سعید رض که گفت مردے آمد او را موت در زمان

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَجُلٌ

پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم پس گفت مردی دیگر

هَنِيْئًا لَهُ مَاتَ وَلَمْ يُبْتَلَ بِمَرَضٍ فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

که مبارک باد مر او را که مرد و مبتلا نکرده شد بمرضی پس فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَيْحَكَ مَا يُدْرِيْكَ لَوْ اَنَّ

صلے الله علیه وسلم واے بر تو عجب است تو چه چیز دانانید ترا اگر می بود اینکه

اللّٰهَ ابْتَلَاهُ بِمَرَضٍ فَكَفَّرَ عَنْهُ مِنْ سَيِّئَاتِهِ رَوَاهُ

خدا تعالی می مبتلا کرد او را به بیماری پس کفاره میکرد از وی از بدیهای او رواه

مَالِكٌ مُرْسَلًا وَعَنْ شَدَّادِ بْنِ اَوْسٍ

مالک از روی مرسل و روایت است از شداد بن اوس

والصنابحي أنهما دخلا على رجل مريض يعودانه فقالا

والصنابحي بدرستيكه ايشان در آمدند بر مردے بيمار درحاليكه عيادت كنند او را پس گفتند

له كيف أصبحت قال أصبحت بنعمة قال شداد أبشر

مر آن مرد را كه چگونه صبح كردی گفت آن مرد صبح كردم مشتلبس بنعمت گفت شداد خوش خبر و خوشحال باش

بكفارات السيئات وحط الخطايا فإني سمعت رسول الله

بخصلتهای كه پوشنده است بديها را و بفرود افكندن گناهان زيراكه شنيدم پيغمبر خدا را

صلى الله عليه وسلم يقول إن الله عز وجل يقول إنا

صلى الله عليه وسلم كه ميگفت كه خدای تعالى مي گويد كه

أنا ابتليت عبدا من عبادي مؤمنا فحمدني على ما

من مبتلا ميگردانم بنده را از بندگان خود كه مومن است پس ثنا كند آن بنده مرا بر

ابتليته فإنه يقوم من مضجعه ذلك كيوم ولدته

مبتلا گردانيدن من او را پس بدرستيكه آن بنده بر ميخيزد از خوابگاه خود مانند روز زائيدن او را

أمه من الخطايا ويقول الرب تبارك وتعالى أنا

مادر او از گناهان و ميگويد پروردگار تبارك و تعالى من

قيدت عبدي وابتليته فأجروا له ما كنتم تجرون له

بند كردم بنده خود را و مبتلا گردانيدم او را پس اجر كنيد برای او اعمال خير كه مي بوديد كه جاری ميكرديد برای او

وهو صحيح رواه أحمد وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال

درحاليكه تندرست بوده رواه احمد و روايت است از ابو هريره رضي الله عنه

ذكرت الحمى عند رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبها

ذكر كرده شد تپ را نزد پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم پس دشنام داد

رجل فقال النبي صلى الله عليه وسلم لا تسبها فإنها تنفي

مردی پس فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم دشنام مده تپ را زيرا كه آن دور ميكند

الذُّنُوبَ كَمَا تَنْفِي النَّارُ خَبَثَ الْحَدِيدِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گناہان را چنانکہ دور میکند آتش چرک آہن را رواہ ابن ماجہ

وَعَنْهُ قَالَ اِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَادَ

وہم از ابی ہریرہ رض نقلست بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم عیادت کرد

مَرِيضًا فَقَالَ اَبْشِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى يَقُولُ هِيَ نَارِي

بیمارے را کہ تپ داشت پس فرمود خوش باش زیرا کہ بدرستیکہ حق تعالی میفرماید تپ آتش من است

اُسَلِّطُهَا عَلٰى عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا لِتَكُونَ حَظَّهُ مِنَ

مسلط میکنم آنرا بر بندۂ خود کہ مومن است در دنیا تا باشد تپ بخش آن بندہ از

النَّارِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي

آتش دوزخ روز قیامت رواہ احمد و ابن ماجہ و بیہقی در

شُعَبِ الْاِيمَانِ وَعَنْ اَنَسٍ رض اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

شعب ایمان وروایتست از انس رض کہ آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ الرَّبَّ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰى يَقُولُ

اللہ علیہ وسلم فرمود کہ پروردگار سبحانہ و تعالے میفرماید

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا اُخْرِجُ اَحَدًا مِنَ الدُّنْيَا اُرِيدُ اَغْفِرُ

سوگند بعزت ذات من وجلال صفت من بیرون نمی آرم ہیچ یکیرا از دنیا میخواہم بیامرزم

لَهُ حَتّٰى اَسْتَوْفِيَ كُلَّ خَطِيئَةٍ فِي عُنُقِهِ بِسُقْمٍ فِي بَدَنِهِ

مراورا تا آنکہ بگیرم ہر گناہے را کہ در گردن اوست بسبب بیماری در تن وی

وَاِقْتَارٍ فِي رِزْقِهِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ شَقِيقٍ قَالَ

و تنگی در رزق وی رواہ رزین وروایتست از شقیق گفت

مَرِضَ عَبْدُ اللّٰهِ فَعُدْنَاهُ فَجَعَلَ يَبْكِي فَعُوتِبَ فَقَالَ اِنِّي

بیمار شد عبد اللہ بن مسعود رض پس عیادت کردیم او را پس گریستن گرفت پس ملامت کردہ شد پس گفت بدرستی کہ

لَا أَبْكِي لِأَجْلِ الْمَرَضِ لِأَنِّي سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

من نمیگریم از هر بیماری زیرا که من شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ الْمَرَضُ كَفَّارَةٌ وَإِنَّمَا أَبْكِي أَنَّهُ أَصَابَنِي عَلٰى

و سلم که میفرمود بیماری کفاره است گناهان را و نمیگریم مگر از جهت آنکه رسید بیماری مرا بر

حَالِ فَتْرَةٍ وَلَمْ يُصِبْنِي فِي حَالِ اجْتِهَادٍ لِأَنَّهُ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ

حال فتور و ضعف پیری و نرسید مرا مرض در حال قوت و کوشش زیرا که نوشته میشود مر بنده را

مِنَ الْأَجْرِ إِذَا مَرِضَ مَا كَانَ يُكْتَبُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَمْرَضَ فَمَنَعَهُ

از مزد وقتیکه بیمار میشود چیزیکه نوشته میشد مر او را پیش از آنکه بیمار گردد پس باز داشته بنده را

مِنْهُ الْمَرَضُ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

از آن عمل بیماری رواه رزین و روایت است از انس رض شنیدم من پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَيُّمَا رَجُلٍ عَادَ مَرِيضًا فَإِنَّمَا يَخُوضُ

صلی الله علیه و سلم که میفرمود هر مردیکه بپرسد بیمار را پس جز این نیست که میدر آید

فِي الرَّحْمَةِ فَإِذَا قَعَدَ عِنْدَ الْمَرِيضِ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ هٰذَا لِلصَّحِيحِ

دریای رحمت را پس چون نشیند نزد بیمار غرق میسازد آنرا رحمت الهی این ثواب صحیح است

فَمَا لِلْمَرِيضِ قَالَ تُحَطُّ ذُنُوبُهُ هب وَعَنْ أَنَسٍ رض

پس چه قدر ثواب باشد بیمار را گفت ساقط میشود گناهان او و روایت است از انس رض

قَالَ عَطِشَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت تشنه شد عثمان بن عفان نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُبَشِّرُكَ فَقَالَ بَلٰى

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم آیا خوشخبری ندهم ترا پس گفت عثمان آری بده

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي قَالَ هٰذَا جِبْرَئِيلُ يُخْبِرُنِي عَنِ اللّٰهِ تَعَالٰى

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است که خبر میدهد مرا از جانب خدای تعالی

اَیُّمَا مُؤْمِنٍ عَطَشَ ثَلٰثَ عَطَشَاتٍ مُتَوَالِیَاتٍ اِلَّا کَانَ

نی ماند مومن تشنہ بسہ تشنگیہا پیاپی مگر آنکہ می باشد

اَلْاِیْمَانُ ثَابِتًا فِیْ قَلْبِہٖ الدیلمی

ایمان او ثابت وقوی دردل وی دیلمی

بَابُ تَمَنِّی الْمَوْتِ وَذِکْرِہٖ

باب در آرزو کردن موت و ذکر آن

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَا یَتَمَنّٰی اَحَدُکُمُ الْمَوْتَ اِمَّا مُحْسِنًا فَلَعَلَّہٗ اَنْ یَّزْدَادَ خَیْرًا

آرزو نمیکند یکے از شما مرگ را یا او نیکوکار باشد پس شاید کہ زیادہ کند نیکے را بزیادتی حیات

وَاِمَّا مُسِیْئًا فَلَعَلَّہٗ اَنْ یَّسْتَعْتِبَ رَوَاہُ الْبُخَارِیُّ

و یا آنکہ می باشد بدکار پس شاید کہ وی طلب کند رضاء حق را بتوبہ و تلافی مافات رواہ بخاری

وَعَنْہُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

و ہم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَا یَتَمَنّٰی اَحَدُکُمُ الْمَوْتَ وَلَا یَدْعُ بِہٖ مِنْ قَبْلِ اَنْ یَّاْتِیَہٗ

کہ آرزو نکند یکے از شما موت را و دعا نکند بمردن پیش از آنکہ بیاید مرگ او را

اِنَّہٗ اِذَا مَاتَ انْقَطَعَ اَمَلُہٗ وَاِنَّہٗ لَا یَزِیْدُ الْمُؤْمِنَ عُمُرُہٗ

بدرستیکہ او وقتیکہ بمیرد بریدہ میشود امید او و بدرستی کہ شان آنست کہ زیادہ نمی کند مسلمان را عمر وی

اِلَّا خَیْرًا رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

مگر نیکی را رواہ مسلم و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَا یَتَمَنَّیَنَّ اَحَدُکُمُ الْمَوْتَ مِنْ ضُرٍّ

صلی اللہ علیہ وسلم باید کہ آرزو نکند یکے از شما مرگ را ز گزند دنیا

أَصَابَهُ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلْيَقُلِ اللّٰهُمَّ

گزندیکه رسیده است او را پس اگر هست البته آرزو کننده پس باید که بگوید خداوندا

أَحْيِنِي مَا كَانَتِ الْحَيٰوةُ خَيْرًا لِّي وَتَوَفَّنِي

زنده دار مرا ما دامیکه باشد زندگی بهتر مرا و بمیران مرا

إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِّي مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وقتیکه باشد مردن بهتر مرا متفق علیه

وَعَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ قَالَ

و روایت است از عباده بن الصامت رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَحَبَّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه دوست دارد

لِقَاءَ اللّٰهِ أَحَبَّ اللّٰهُ لِقَاءَهُ وَمَنْ كَرِهَ لِقَاءَ

لقای خدارا دوست دارد خدا تعالی لقاء او را و کسیکه ناخوش دارد لقای

اللّٰهِ كَرِهَ اللّٰهُ لِقَاءَهُ فَقَالَتْ عَائِشَةُ رض

خدارا ناخوش دارد خدا تعالی لقاء او را پس گفت عایشه صدیقه رض

أَوْ بَعْضُ أَزْوَاجِهِ إِنَّا لَنَكْرَهُ الْمَوْتَ قَالَ

یا گفت بعض ازواج مطهره آنحضرت بدرستیکه ما هر آئینه مکروه میداریم موت را و فرمود

لَيْسَ ذٰلِكَ وَلٰكِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ

نیست آنچه تو فهمیده ولیکن مسلمان وقتیکه نزدیک شود او را مرگ

ابیات

بُشِّرَ بِرِضْوَانِ اللهِ وَكَرَامَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا

بشارت داده شود برضای خدا تعالی و کرامت او پس نیست هیچ چیزی محبوب تر بسوی وی از چیزی

أَمَامَهُ فَأَحَبَّ لِقَاءَ اللهِ وَأَحَبَّ اللهُ لِقَاءَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ

که پیش اوست پس دوست دارد مومن لقای خدا را و دوست دارد خدا لقای او را و به سینکه کافر

إِذَا حُضِرَ بُشِّرَ بِعَذَابِ اللهِ وَعُقُوبَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ

چون حاضر کرده شود موت را خبر داده شود بعذاب خدا و سزا دادن وی پس نیست هیچ چیز مکروه تر

إِلَيْهِ مِمَّا أَمَامَهُ فَكَرِهَ لِقَاءَ اللهِ وَكَرِهَ اللهُ لِقَاءَهُ

بسوی وی از چیزی که پیش اوست پس ناخوش دارد کافر لقای خدا را و ناخوش میدارد خدا تعالی لقای او را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةِ عَائِشَةَ وَالْمَوْتُ قَبْلَ لِقَاءِ اللهِ

متفق علیه و در روایت عایشه صدیقه رض است و موت پیش از لقای خداست و مقدم است بر او

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ

و از ابی قتاده رض مرویست که وی بود که حدیث میکرد که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرَّ عَلَيْهِ بِجَنَازَةٍ فَقَالَ مُسْتَرِيحٌ

صلی الله علیه وسلم گذرانیده شد بروی جنازه پس فرمود آنحضرت صلعم ایمرده یا راحت

أَوْ مُسْتَرَاحٌ مِنْهُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ مَا الْمُسْتَرِيحُ

یا راحت یافته شده است از وی پس گفتند صحابه ای پیغامبر خدا صلعم چیست معنی مستریح

وَمَا الْمُسْتَرَاحُ مِنْهُ فَقَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَسْتَرِيحُ مِنْ

و مستراح منه پس فرمود آنحضرت صلعم که بنده مومن صالح راحت می یابد از مرگ از

نَصَبِ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا إِلَى رَحْمَةِ اللهِ وَالْعَبْدُ الْفَاجِرُ

تعب و رنج دنیا و آزار دنیا بسوی رحمت خدا و بنده فاسق

يَسْتَرِيحُ مِنْهُ الْعِبَادُ وَالْبِلَادُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

راحت می یابد از وی بندگان و شهرها و درختان و جنبندگان زمین متفق علیه است

وَعَنْ جَابِرٍ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از جابر رضـ گفت شنیدم من پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثَةِ اَيَّامٍ يَقُوْلُ لَا يَمُوْتَنَّ اَحَدُكُمْ

وسلم پیش از موت او بسه روز که میگفت باید نمیرد یکے از شما

اِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللّٰهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

مگر آنکه نیک دارد گمان خود را بخدا رواه مسلم و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَكْثِرُوْا ذِكْرَ هَادِمِ اللَّذَّاتِ الْمَوْتِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بسیار کنید یاد ویران کننده و قطع کننده لذت ہا را که موت است رواه ترمذی

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رضـ اَنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ

و نسائی و ابن ماجه و روایت است از ابن مسعود رضـ بدرستیکه حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ذَاتَ يَوْمٍ لِاَصْحَابِهِ اسْتَحْيُوْا

صلی الله علیه وسلم فرمود روزی بیاران خود شرم دارید

مِنَ اللّٰهِ حَقَّ الْحَيَاءِ قَالُوْا اِنَّا نَسْتَحْيِيْ مِنَ اللّٰهِ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ

از خدا چنانکه باید شرم داشتن گفتند صحابه که ما شرم میداریم از خدا ای پیغمبر خدا و حمد و سپاس

لِلّٰهِ قَالَ لَيْسَ ذٰلِكَ وَلٰكِنْ مَنِ اسْتَحْيٰى مِنَ اللّٰهِ حَقَّ الْحَيَاءِ

مر خدا را بر توفیق دادن او فرمود نیست این حق حیا و لیکن کسیکه شرم دارد از خدا حق شرم داشتن

فَلْيَحْفَظِ الرَّاْسَ وَمَا وَعٰى وَلْيَحْفَظِ الْبَطْنَ وَمَا حَوٰى

پس باید که نگاه دارد سر را و نگاه دارد چیزیرا که جمع کرده است آن سر و باید نگاه دارد شکم را از اکل حرام و چیزیکه

وَلْيَذْكُرِ الْمَوْتَ وَالْبِلٰى وَمَنْ اَرَادَ الْاٰخِرَةَ تَرَكَ زِيْنَةَ

و باید که یاد دارد مرگ را و بوسیده شدن استخوان را و کسیکه خواهد ثواب آخرت ترک کند آرایش

الدُّنيا فمن فعل ذالك فقد استحيى من الله حق الحياء رواه

دنیا را پس کسے کہ بکند این مذکور را پس تحقیق شرم داشت از خدا حق شرم داشتن رواه

احمد والترمذي وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

احمد و ترمذی و روایت ست از عبداللہ بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم تحفة المؤمن الموت

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم تحفہ و ہدیہ مسلمان مرگ ست

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبيد الله

یعنی موصل بجنت و ثواب ست رواہ بیہقی در شعب الایمان و روایت ست از عبیداللہ

بن خالد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

موت الفجاءة اخذة الاسف رواه ابوداود وزاد

موت ناگہانی گرفتن خشم ست رواہ ابو داود و زیادہ کرد

البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه اخذة اسف

بیہقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود این لفظ را کہ گرفتن غضب ست

للكافر ورحمة للمؤمنين وعن جابر رض قال قال

مر کافران را و مہربانی حق تعالے مر مؤمنان را و روایت ست از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنوا الموت فان هول

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کہ آرزو نکنید مرگ را زیرا کہ بدرستی ترس

المطلع شديد وان من السعادة ان يطول عمر العبد

مطلع سخت ست و بدرستی از نیک بختی ست کہ دراز شود عمر بندہ

ويرزقه الله عز وجل الانابة رواه احمد وعن

و روزی گرداند او را خدا توبہ رجوع و توجہ بجناب خود رواہ احمد و روایت ست از

أبي أمامة رضـ قال جلسنا إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكّرنا

اسے ابامامہ رضـ گفت کہ نشستیم روبروی پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم پس پند داد مارا

ورقّقنا فبكى سعد بن أبي وقاص رضـ فأكثر البكاء فقال يا ليتني

احوال آخرت و نرم گردانید دلہا را پس گریہ کرد سعد بن ابی وقاص رضـ پس بسیار گریہ کرد پس گفت ای کاشکے

متّ فقال النبي صلى الله عليه وسلم يا سعد أعندي تتمنّى

بمردمے پس فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اسے سعد آیا نزد من آرزو میکنی

الموت فردّد ذلك ثلث مرّات ثم قال يا سعد إن كنت

موت را کہ نامرضی حق است پس تکرار کرد آنحضرت این لفظ را سہ بار پس فرمود ای سعد اگر ہستی تو

خُلقت للجنّة فما طال عمرك وحسن من عملك فهو خير

کہ پیدا کردہ شدی برای بہشت پس آنچہ دراز شود عمر تو و نیک باشد عمل تو پس آن بہتر است

لك رواه أحمد وعن حارثة بن مضرّب قال دخلت

مرترا رواہ احمد و روایت است از حارثہ بن مضرب گفت درآمدم من

على خبّاب وقد اكتوى سبعا فقال لولا أني سمعت

بر خباب و حال آنکہ داغ سوختہ بود خباب بر بدن ہفت جا پس گفت خباب اگر نہ آنکہ شنیدہ

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا يتمنّ أحدكم

پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت باید کہ تمنا نکند ہیچ یکی از شما

الموت لتمنّيته ولقد رأيتني مع رسول الله صلى الله

مرگ را ہر آئینہ آرزو میکردم او را و بتحقیق دیدم خود را با پیغمبر خدا صلے اللہ

عليه وسلم ما أملك درهما وإنّ في جانب بيتي

علیہ وسلم کہ مالک نبودم یک درہم را و در گوشہ خانہ من

الآن لأربعين ألف درهم ثم أتي بكفنه فلمّا رآه بكى

اکنون ہر آئینہ چہل ہزار درہم است پس آوردہ شد کفن او پس چون دید او را گریست

قال ولكن حمزة لم يوجد له كفن الا بردة ملحاء اذا جعلت

گفت ولیکن حمزه بن عبد المطلب یافته نشد برای وی کفن مگر چادر رنگین که در وی خطوط سیاه و سفید بود چون گذاشته

على راسه قلصت عن قدميه واذا جعلت على قدميه

بر سر وی کوتاه می آمد از پاهای وی و چون گردانیده می شد بر پاهای وی

قلصت عن راسه حتى مدت على راسه وجعل على

کوتاه می آمد از سر وی تا آنکه کشیده شد آن برده بر سر حمزه و گردانیده شد بر

قدميه الاذخر رواه احمد والترمذي الا انه لم يذكر

پاهای حمزه گیاه که مشهور است در مکه معظمه روایت کرد احمد و ترمذی مگر ترمذی ذکر نکرد لفظ

ثم اتي بكفنه الخ

ثم اتی بکفنه تا آخر

باب ما يقال عند من حضره الموت

باب بیان چیزی که گفته می شود نزد کسی که حاضر شده اورا موت

عن ابي سعيد وابي هريرة رض قالا قال رسول الله

روایت است از ابی سعید و ابی هریره رض گفتند این هر دو که فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم لقنوا موتاكم لا اله الا الله رواه

صلی الله علیه وسلم تلقین کنید مرده های خود را کلمه طیبه یعنی لا اله الا الله محمد رسول الله روایت

مسلم وعن ام سلمة رض قالت قال رسول الله صلى

روایت کرد مسلم و روایت است از ام سلمه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اذا حضرتم المريض او الميت فقولوا

الله علیه وسلم چون حاضر شوید شما بیمار را یا میتی را که نزدیک موت رسید پس بگوئید

خيرا فان الملئكة يؤمنون على ما تقولون رواه مسلم

خیر سخن زیرا که فرشتگان آمین میگویند بر آنچه میگوئید شما و دعا کنید روایت مسلم

وعنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

وہم از ام سلمہ است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ

مسلم تصيبه مصيبة فيقول ما امره الله به انا لله وانا

مسلمان کہ برسد او را مصیبتی پس بگوید چیزی را کہ امر کردہ است خدای تعالی بگفتن آن آن کلمہ

اليه راجعون اللهم اجرني في مصيبتي واخلف لي خيرا

استرجاع است لله و این کلمہ تا آخر یعنی بار خدایا اجر دہ مرا در مصیبت من و بدل گردان مرا بہتر

منها الا اخلف الله له خيرا منها فلما مات ابو سلمة قلت

ازان مگر آنکہ بدل میگرداند خدا برای او بہتر ازانچہ فوت شد پس ہرگاہ مرگ یافت ابو سلمہ زوج من گفتم

اي المسلمين خير من ابي سلمة اول اهل بيت هاجر

کدام یکی از مسلمانان بہتر است از ابی سلمہ کہ بدل او بمن خواہد رسید کہ او اول صاحب خانہ بود کہ ہجرت کرد

الى رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم اني قلتها فاخلف

بسوی پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم بہتر بدرستی من باوجود این استبعاد کلمہ اللہم اجرنی تا آخر گفتم پس

الله لي رسول الله صلى الله عليه وسلم رواه مسلم

خدای تعالی بدل من رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را رواہ مسلم

وعنها قالت دخل رسول الله صلى الله عليه وسلم

وہم از ام سلمہ رض گفت درآمد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

على ابي سلمة وقد شق بصره فاغمضه ثم قال ان الروح

برابو سلمہ حال آنکہ بتحقیق باز ماندہ بود چشم ابی سلمہ پس فرو خوابانید آنحضرت بصر را پس فرمود آنحضرت

اذا قبض تبعه البصر فضج ناس من اهله فقال

کہ جان چون قبض کردہ میشود پس وی میکند او را بصر پس بانگ و فریاد کردند مردمان از اہل خانہ ابی سلمہ پس فرمود

لا تدعوا على انفسكم الا بخير فان الملائكة

آنحضرت دعا مکنید بر ذاتہای خود مگر بہ نیکی زیرا کہ فرشتگان

يُؤْمِنُونَ عَلٰى مَا تَقُولُونَ ثُمَّ قَالَ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ

آمین مے گویند بر چیزیکہ میگوئید شما پس گفت آنحضرت خدا وندا بیامرز ابی سلمہ را

وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي

و بلند گردان پایہ او را در کسانیکہ راہ راست نمودہ شدہ اند و خلیفہ شو در پس ماندگان

الْغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعٰلَمِينَ وَافْسَحْ لَهُ

باقی ماندگان وے و بیامرز ما را و مر او را ای پروردگار جہانیان و فراخی کن مر او را

فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

در قبر او و روشن گردان مر او را در قبرش رواہ مسلم و روایت ست از عائشہ صدیقہ رض

قَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ تُوُفِّيَ

گفت بدرستی کہ آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم وقتی کہ وفات یافت

سُجِّيَ بِبُرْدٍ حِبَرَةٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

پوشیدہ شد بجامہ یعنی برد یمانی مخطط متفق علیہ و روایت ست از معاذ بن جبل رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ آخِرُ

گفت آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ باشد آخر

كَلَامِهِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

سخن او لا الہ الا اللہ می درآید بہشت را روایت کرد اینرا ابو داؤد

وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت ست از معقل بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْرَءُوا سُورَةَ يٰسٓ عَلٰى مَوْتَاكُمْ رَوَاهُ

علیہ وسلم بخوانید سورہ یس بر مردہ ہائے شما یعنی کسیکہ بموت قریب است رواہ

أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ

احمد و ابو داؤد و ابن ماجہ و روایت ست از عائشہ صدیقہ رض

قَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ عُثْمَانَ

گفت بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوسه داد عثمان

بْنَ مَظْعُونٍ وَهُوَ مَيِّتٌ وَهُوَ يَبْكِي حَتَّى سَالَ دُمُوعُ

بن مظعون را وحال آنکه وی مرده بود و آنحضرت گریه می کرد تا آنکه روان شد اشکهاے

النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى وَجْهِ عُثْمَانَ رَوَاهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر روی عثمان رواه

التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهَا قَالَتْ

ترمذی وابوداود وابن ماجه وهم از عائشه رض مرویست که گفت

إِنَّ أَبَا بَكْرٍ رض قَبَّلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ

بدرستیکه ابوبکر رض بوسه داد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را وحال آنکه

مَيِّتٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ حُصَيْنِ بْنِ وَحْوَحٍ

آنحضرت مرده بود رواه ترمذی وابن ماجه وروایتست از حصین بن وحوح

أَنَّ طَلْحَةَ بْنَ الْبَرَاءِ مَرِضَ فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

بدرستیکه طلحه بن براء انصاری بیمار شد پس آمد اورا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَعُودُهُ فَقَالَ إِنِّي لَا أَرَى طَلْحَةَ إِلَّا قَدْ حَدَثَ بِهِ

وسلم درحالتیکه عیادت میکند او را پس فرمود بدرستیکه من گمان نمی برم طلحه را مگر تحقیق پیدا شده

الْمَوْتُ فَآذِنُونِي بِهِ وَعَجِّلُوا فَإِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِجِيفَةِ

مرگ پس خبر کنید مرا بموت وے وشتابی کنید در تجهیز وتکفین زیراکه سزاوار نیست مرده

مُسْلِمٍ أَنْ تُحْبَسَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْ أَهْلِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

مسلمانی راکه بند داشته شود میان اهل خانه وی زیراکه مبادا گندیده شود رواه ابوداود

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

وروایتست از عبدالله بن جعفر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ

علیه وسلم تلقین کنید مردگان شما را این کلمه توصیف باین صفت بشارت بعفو و کرم الهی است تا لا اله سبحان

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

اشارت بعظمت و کبریائی حق است تا بشوق حضور درگاه نعمت عزت و عظمت تمنا بجوشد از محنت آباد دنیا و راضی باشد بحضور

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ كَيْفَ لِلْأَحْيَاءِ قَالَ أَجْوَدُ وَأَجْوَدُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چگونه است این اذکار مر زندگان را گفت اگر بیاریم و تلقین کنیم مر او را بهتر و نیکوتر است رواه ابن ماجه

بَابُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَمَا يَلْحَقُ الْمَيِّتَ بَعْدَ مَوْتِهِ

باب در بیان سکرات موت و آنچه که لاحق میشود مرده را بعد از موت وی

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ

و تعجب کردی اگر دیدی چون قبض ارواح کافران میکنند فرشتگان میزنند بر روی ایشان

وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيْكُمْ

و بر پشت ایشان و میگویند بچشید عذاب سوزان این بسبب آن کردار است که پیش فرستاده است دستهای شما

وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظّٰلِمُوْنَ

و تحقیق که خدای ظلم کننده نیست بر بندگان و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان

فِيْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَاسِطُوْا أَيْدِيْهِمْ أَخْرِجُوْا

در شدائد مرگ باشند و فرشتگان دست خود را دراز میکنند میگویند بیرون آرید

أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آنکه

تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيٰتِهٖ تَسْتَكْبِرُوْنَ

می گفتید بر خدا ناحق بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی میکردید

وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰى كَمَا خَلَقْنٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَّتَرَكْتُمْ

و گوییم هر آئینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید

مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

آنچه دادوه بودیم شما را پس پشت خویش هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند

ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ

درحالیکه ستمگار بودند برخویشتن فرشتگان گفتند درچه حال بودید شما گفتند بودیم بیچارگان

فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا

در زمین گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت میکردید در آن

فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا

پس این جماعت جای ایشان جهنم است و بد جائیست مگر

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ

و هیچ راه نمی یابند پس آنجماعت نزدیک است که خدا

يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده و آمرزنده و می فرستد بر شما

حَفَظَةً ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا

ملائکه نگاهبان تا وقتیکه بیاید کسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما

وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۝ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ

و ایشان تقصیر نمیکنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی خداوند ایشان حق

أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ اللَّهُ يَتَوَفَّى

مر او راست حکم و او شتاب ترین حساب کنندگان است خدایتعالی قبض میکند

الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ

ارواح را نزدیک مرگ آن و آن روح که مرده است قبض آن میکند در میان خواب آن پس نگاه میدارد

الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى

آنرا کہ حکم موت کردہ است بردہ سے دمی گذارد آن دیگر را تا وقتے معین

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

ہرآئینہ دریں مقدمہ نشانہاست برائے قومیکہ تامل می کنند و روایت است از ابی ہریرہ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَيِّتُ تَحْضُرُهُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم شخصے کہ بمیرد حاضر می شوند اورا

الْمَلٰٓئِكَةُ فَاِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالُوْا اخْرُجِيْ اَيَّتُهَا

فرشتگان پس چون میباشد مرد میرندہ نیکوکار میگویند فرشتگان بیرون آئی ای

النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اخْرُجِيْ حَمِيْدَةً

جان پاک کہ بودہ است در تن پاک بیرون آئے ستودہ نزد خدا

وَاَبْشِرِيْ بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا يَزَالُ

وخوش باش براحت و رزق پاک وبہشت و پروردگار خشم ناکنندہ پس ہمیشہ است آن نفس

يُقَالُ لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَآءِ

کہ گفتہ می شود مر اورا این کلام مذکور از روح وبشارت تا آنکہ بیرون می آید پس برداشتہ می شود او بسوے

فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ هٰذَا فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانٌ فَيُقَالُ مَرْحَبًا

پس کشادہ می شود برائے او در آسمان پس گفتہ می شود کیست این پس میگویند ملائکہ کہ او فلان بن فلان است پس گفتہ

بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ حَمِيْدَةً وَّاَبْشِرِيْ

جان پاک را کہ بود در تن پاک در آئی ستودہ وخوش باش

بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا تَزَالُ يُقَالُ لَهَا

براحت و رزق و پروردگار خشم نکنندہ پس ہمیشہ است آن نفس کہ گفتہ می شود مر اورا

ذٰلِكَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ اِلَى السَّمَآءِ الَّتِيْ فِيْهَا اللّٰهُ فَاِذَا كَانَ

این کلام دیدہ می شود از آسمانے بآسمان دیگر تا آنکہ میرسد بآسمانی کہ در وے خداست یعنی جہت عرش

الرَّجُلُ السَّوْءُ قَالَ اُخْرُجِيْ اَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيْثَةُ كَانَتْ

مرد بد میگوید یکی از فرشتگان حاضر بیرون آئی ای جان پلید که بودی

فِي الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ اُخْرُجِيْ ذَمِيْمَةً وَاَبْشِرِيْ بِحَمِيْمٍ

در تن پلید بیرون آئی نکوهیده وخوش باش بآب گرم

وَّغَسَّاقٍ وَّاٰخَرَ مِنْ شَكْلِهٖ اَزْوَاجٌ فَمَا تَزَالُ يُقَالُ

وریم وبعذاب دیگر که مشابه عذاب مذکور اند طرح طرح پس همیشه سست که گفته می شود

لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَآءِ فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ

آن نفس را این کلمه تا آنکه بیرون می آید پس برده می شود او را بسوی آسمان پس کشاده میشود برای او را پس گفته می شود که کیست

هٰذَا فَيُقَالُ فُلَانٌ فَيُقَالُ لَا مَرْحَبًا بِالنَّفْسِ الْخَبِيْثَةِ كَانَتْ فِي

این پس گفته می شود که فلان بن فلان است پس گفته می شود که مبادا فراخی جائی جان پلید را که بود در

الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ اِرْجِعِيْ ذَمِيْمَةً فَاِنَّهَا لَا تُفْتَحُ لَكِ

تن پلید برگرد نکوهیده زیرا که کشاده نشود برای تو

اَبْوَابُ السَّمَآءِ فَتُرْسَلُ مِنَ السَّمَآءِ ثُمَّ تَصِيْرُ اِلَى الْقَبْرِ

درهای آسمان پس فرستاده وانداخته می شود بر زمین پس از آن باز میگردد بسوی قبر

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت کرد ابن ماجه وهم از ابی هریره روایت است بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّاهَا

علیه وسلم فرمود چون بیرون می آید جان مسلمان پیش می آیند او را

مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا قَالَ حَمَّادٌ فَذَكَرَ مِنْ طِيْبِ رِيْحِهَا

دو فرشته که بالا میبرند آنرا گفت حماد که یکی از راویان این حدیث است پس ذکر کرد ابوهریره یا آنحضرت از خوش بوئی آن روح

وَذَكَرَ الْمِسْكَ قَالَ وَيَقُوْلُ اَهْلُ السَّمَآءِ رُوْحٌ طَيِّبَةٌ

وذکر کرده مشک را گفت ابوهریره یا آنحضرت ومیگویند آسمانیان جانیست پاکی

ف
بتشدید الفاء
وتخفیفها بمعنی
یمنعها من البلاء
وابن حیرین ومن ماجه
وابن عدی

جاءت من قبل الارض صلى الله عليك وعلى جسد

که آمده است از جانب زمین درود فرستد خدایتعالی بر تو و بر تنی

كنت تعمرينه فينطلق به الى ربه ثم يقول انطلقوا

که آباد ان میکردی پس برده میشود او را بسوی پروردگار وی پس میگوید ببرید

به الى آخر الاجل قال وان الكافر اذا خرجت روحه

او را بسوی آخرت که مراد از آن قیامت است فرمود آنحضرت و بدرستیکه کافر چون بیرون می آید روح او

قال حماد وذكر من نتنها وذكر لعنا ويقول اهل

گفت حماد و ذکر کرد ابوهریره یا آنحضرت از بوی ناخوش آن روح و ذکر کرد لعنت را و میگویند

السماء روح خبيثة جاءت من قبل الارض فيقال

آسمانیان جانیست پلید که آمده است از جانب زمین پس گفته میشود

انطلقوا به الى آخر الاجل قال ابوهريرة فرد رسول الله

ببرید او را بسوی آخرت که مراد بآن قیامت است گفت ابوهریره پس بازگردانید

صلى الله عليه وسلم ريطة كانت عليه على انفه

صلی الله علیه وسلم چادر رنگه بود بروی بر بینی خود

هكذا رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى

همچنین رواه مسلم وهم از ابی هریره مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم اذا حضر المؤمن اتت ملائكة

الله علیه وسلم چون حاضر کرده میشود مومن یعنی حاضر میشود او را فرود می آیند ملائکة

الرحمة بحريرة بيضاء فيقولون اخرجي راضية مرضية

رحمت با بریشم پاره سفید پس میگویند فرشتگان بیرون آی خوشنود از خدا خوشنودی کرده شده

عنك الى روح الله وريحان ورب غير غضبان فتخرج

از تو بسوی راحت که از جانب خداست و بسوی رزق روحانی و پروردگار خشم نکننده پس بیرون می آید

كَأَطْيَبِ رِيحِ الْمِسْكِ حَتَّى أَنَّهُ لَيُنَاوِلُهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا

روح ہمچو بہترین بوئے مشک تا آنکہ ہر آئینہ میدہند آن روح را بعضے از فرشتگان بعضی را یعنے دست بدست

حَتَّى يَأْتُوا بِهِ أَبْوَابَ السَّمَاءِ فَيَقُولُونَ مَا أَطْيَبَ هَذِهِ الرِّيحَ الَّتِي

تا آنکہ می آرند اورا نزد درہائے آسمان پس میگویند ملائکہ چہ خوش است این بوئے کہ

جَاءَتْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَيَأْتُونَ بِهِ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَهُمْ

آمدہ است شمارا از زمین پس می آرند اورا نزد ارواح مومنان پس ہر آئینہ ارواح مومنان

أَشَدُّ فَرَحًا مِنْ أَحَدِكُمْ بِغَائِبِهِ يَقْدَمُ عَلَيْهِ فَيَسْأَلُونَهُ

سخت تر اند از روی شادمانی از یکے از شما بغایب خود کہ باز می آید نزد وی پس میپرسند اورا

مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ مَاذَا فَعَلَ فُلَانٌ فَيَقُولُونَ دَعُوهُ فَإِنَّهُ

چہ شد و چہ حال دارد فلان و فلان نام آشناہای بردند وحال ایشان می پرسند پس میگویند کہ بگذارید اورا زیرا کہ وی

فِي غَمِّ الدُّنْيَا فَيَقُولُ قَدْ مَاتَ أَمَا أَتَاكُمْ فَيَقُولُونَ قَدْ

در غم دنیا است پس میگوید بہ تحقیق مردہ است آن آیا نیامدہ است پیش شما پس میگویند بہ تحقیق

ذُهِبَ بِهِ إِلَى أُمِّهِ الْهَاوِيَةِ وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا احْتُضِرَ

بردہ شدہ اورا بسوئے مادر وی کہ آتش دوزخ است و بدرستیکہ کافر وقتیکہ حاضر می شود اورا موت

أَتَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ بِمِسْحٍ فَيَقُولُونَ اخْرُجِي سَاخِطَةً

می آیند اورا ملائکہ عذاب بپلاس درشت پس میگویند بروح کافر بیرون آی ناخوش شدہ

مَسْخُوطًا عَلَيْكِ إِلَى عَذَابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَخْرُجُ كَأَنْتَنِ

و ناخوشنودی کردہ شدہ بر تو بسوئے عذاب خدائے بزرگ پس بیرون می آید روح ببوئے ناخوش ہمچو گندہ ترین

رِيحِ جِيفَةٍ حَتَّى يَأْتُونَا بِهِ إِلَى بَابِ الْأَرْضِ فَيَقُولُونَ

بوئے مردار تا آنکہ می آرند اورا نزد در زمین پس میگویند

مَا أَنْتَنَ هَذِهِ الرِّيحَ حَتَّى يَأْتُونَا بِهِ أَرْوَاحَ الْكُفَّارِ رَوَاهُ

چہ گندہ است این بوئے تا آنکہ می آرند اورا نزد ارواح کافران رواہ

أحمد والنسائي وعن البراء بن عازب رض قال خرجنا مع

احمد والنسائی درروایت است از براء بن عازب رض گفت بیرون آمدیم با

النبي صلى الله عليه وسلم في جنازة رجل من الانصار

باآنحضرت صلی الله علیه وسلم در جنازه مردے از انصار

فانتهينا الى القبر ولم يلحد فجلس رسول الله صلى الله

پس آخر رسیدیم تا قبر و لحد کرده نشده بود پس نشست پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم وجلسنا حوله كأن على رءوسنا الطير

علیه وسلم ونشستیم باگرد آنحضرت سر فرو برده گویا بر سرما پرنده نشسته است

وفي يده عود ينكت به في الارض فرفع رأسه فقال

ودر دست آنحضرت چوبے بود که می کاوید وخط می کشید بآن چوب در زمین پس برداشت سر خود را

استعيذوا بالله من عذاب القبر مرتين او ثلثا ثم قال

پناه جوئید بخدا از عذاب قبر دو بار گفت این سخن را یا سه بار پستر گفت آنحضرت

ان العبد المؤمن اذا كان في انقطاع من الدنيا واقبال

بدرستیکه بنده مسلمان وقتی که می باشد در پے بریدگی از دنیا ومی باشد در روآوردن

من الاخرة نزل اليه ملئكة من السماء بيض الوجوه

باخرت فرود می آیند بسوئے وے فرشتگان از آسمان که روهای ایشان سفید است

كأن وجوههم الشمس معهم كفن من اكفان الجنة

گویا که روهای ایشان آفتاب است با ایشان کفنی است از کفنهاے بهشت

وحنوط من حنوط الجنة حتى يجلسوا منه مد البصر

وحنوط است از حنوطهای بهشت تا آنکه می نشینند این فرشتگان ازمیت دور تا درازی بصر

ثم يجئ ملك الموت عليه السلام حتى يجلس عند رأسه فيقول

باز می آید فرشته موت که عزرائیل است تا می نشیند نزد سر میت پس میگوید

ايتها النفس الطيبة اخرجي الى مغفرة من الله ورضوان

اى جان پاک بیرون آى بسوئے آمرزش از خدا و رضاے عظیم از وے

قال فتخرج تسيل كما تسيل القطرة من السقاء فياخذها

فرمود آنحضرت پس بیرون آید روح درحالیکه روان میشود چنانکه روان میگردد آب از مشک پس میگیرد ملک الموت آنرا

فاذا اخذها لم يدعوها في يده طرفة عين حتى ياخذوها

پس چون میگیرد ملک الموت آنرا نمیگذارند فرشتگان آن روح را در دست ملک الموت یک لمحه تا آنکه میگیرند فرشتگان روح را

فيجعلوها في ذلك الكفن وفي ذلك الحنوط وتخرج منها

پس میکنند آن روح را در آن کفن و در آن حنوط و بیرون آید از آن روح

كاطيب نفحة مسك وجدت على وجه الارض قال

همچو خوشبوترین دمیدن بوئے مشک که یافته شده است بر روئے زمین فرمود آنحضرت ص

فيصعدون بها فلا يمرون يعني بها على ملأ من

پس بالا می برند فرشتگان آنرا پس نمیگذرند فرشتگان یعنی با آن روح بر هیچ جماعتے از

الملائكة الا قالوا ما هذا الروح الطيب فيقولون فلان

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح پاک پس میگویند فلان

بن فلان باحسن اسمائه التي كانوا يسمونه بها في

بن فلان است میخوانند آنرا به نیکوترین نامهاۓ وی که میخواندند اورا بدان نامها در

الدنيا حتى ينتهوا بها الى السماء الدنيا فيستفتحون

دنیا تا آنکه میرسند با وے تا آسمان که فرودترین آسمانها است پس طلب درکشادن میکنند

له فيفتح لهم فيشيعه من كل سماء مقربوها الى السماء

برای وی پس کشاده می شود در برای ایشان پس متابعت میکنند اورا از هر آسمان مقربان آن تا آسمانی

التي تليها حتى ينتهي به الى السماء السابعة فيقول الله

که متصل است تا آنکه باخر رسیده می شود بآن روح تا آسمان هفتم پس میگوید خدای تعالے

عَزَّ وَجَلَّ اكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عِلِّيِّينَ وَاَعِيدُوهُ اِلَى

بنویسید نامهٔ بندهٔ مرا در علیین که نام موضعے است در آسمان و بازگردانید اورا

الْاَرْضِ فَاِنِّي مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ وَفِيهَا اُعِيدُهُمْ وَمِنْهَا اُخْرِجُهُمْ

بسوئے زمین برا که من از زمین پیدا کرده ام آدمیانرا و در زمین باز میگردانم ایشانرا و از زمین بیرون می آرم ایشانرا

تَارَةً اُخْرَى قَالَ فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهٖ فَيَاْتِيهِ مَلَكَانِ

بار دگر فرمود آنحضرت پس باز گردانیده می شود روح وے در تن وے پس می آیند پیش او دو فرشته

فَيُجْلِسَانِهٖ فَيَقُولَانِ لَهٗ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ رَبِّيَ اللّٰهُ

پس می نشانند اورا پس میگویند اورا کیست پروردگار تو پس میگوید بنده پروردگار من خدا است

فَيَقُولَانِ لَهٗ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ دِينِيَ الْاِسْلَامُ فَيَقُولَانِ

پس میگویند اورا چیست دین تو پس میگوید دین من اسلام است پس میگویند

لَهٗ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ فَيَقُولُ هُوَ رَسُولُ اللّٰهِ

اورا چیست این مردے که بر انگیخته شده است در شما پس میگوید نیست وے پیغمبر خدا است

فَيَقُولَانِ لَهٗ وَمَا عِلْمُكَ فَيَقُولُ قَرَاْتُ كِتَابَ اللّٰهِ فَاٰمَنْتُ

پس میگویند اورا و چیست دلیل دانستن تو رسالت ویرا پس میگوید بخواندم کتاب خدا را که قرآن است پس بگرویدم

بِهٖ وَصَدَّقْتُ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاۤءِ اَنْ صَدَقَ عَبْدِي

باو و راست گردانیدم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که راست گفت بندهٔ من

فَاَفْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَاَلْبِسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهٗ بَابًا

پس فرشتے گردانید بستر اورا از بهشت و بپوشانید اورا لباس از بهشت و بکشائید برائے او درے

اِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَيَاْتِيهِ مِنْ رَوْحِهَا وَطِيبِهَا وَيُفْسَحُ لَهٗ فِي

بسوئے بهشت فرمود آنحضرت پس میآید او را از راحت بهشت و خوشبوی بهشت پس کشاده می شود برائے وے

قَبْرِهٖ مَدَّ بَصَرِهٖ قَالَ وَيَاْتِيهِ رَجُلٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الثِّيَابِ

قبر وے تا درازی بصر فرمود آنحضرت و می آید او را مردے نیک روئے نیکو جامه

طِيبِ الرِّيحِ فَيَقُولُ أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُرُّكَ هٰذَا يَوْمُكَ

خوشبوئی پس میگوید آنمرد که مژده باد ترا بانچه شادمان گرداند ترا این روز تست

الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ فَيَقُولُ لَهُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ

که وعده کرده میشدی تو پس میگوید مرده مرآنمرد را که چه کسے تو پس روی تو روی کامل و حسنست و جمال

يَجِيءُ بِالْخَيْرِ فَيَقُولُ أَنَا عَمَلُكَ الصَّالِحُ فَيَقُولُ رَبِّ أَقِمِ

که می آرد نیکی را پس میگوید آنمرد که من عمل نیک توام پس می گوید اے پروردگار برپا کن

السَّاعَةَ أَقِمِ السَّاعَةَ حَتّٰى أَرْجِعَ إِلٰى أَهْلِي وَمَالِي قَالَ

قیامت که کنایه است از حیات تا آنکه باز برگردم بسوے اهلخانه خود و بسوے مال خود فرمود آنحضرت

وَإِنَّ الْعَبْدَ الْكَافِرَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِّنَ الدُّنْيَا

بدرستیکه بنده کافر وقتے که می باشد در بریدگی از دنیا

وَإِقْبَالٍ مِّنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ سُودُ

و روے آوردن از آخرت فرود می آیند بسوے وے از آسمان فرشتگان سیاه

الْوُجُوهِ وَمَعَهُمُ الْمُسُوحُ وَيَجْلِسُونَ مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ

روے و با ایشان پلاسها و می نشینند ازو تا آنجا که نظر کار می کند

ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ حَتّٰى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ

پستر می آید ملک الموت تا آنکه می نشیند نزد سر او پس می گوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيثَةُ اخْرُجِي إِلٰى سَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ قَالَ

ای جان خبیث بیرون آے بسوی خشم و ناخوشنودی از خدا فرمود آنحضرت

فَتَفَرَّقُ فِي جَسَدِهِ فَيَنْتَزِعُهَا كَمَا يُنْزَعُ السَّفُّودُ مِنَ

پس پریشان می شود روح در جسد کافر پس میکشد آنروح را ملک الموت چنانکه کشیده میشود سیخ گرم از

الصُّوفِ الْمَبْلُولِ فَيَأْخُذُهَا فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا

پشم تر پس میگیرد ملک الموت آنروح را پس چون میگیرد آنروح را نمیگذارند فرشتگان آنروح را

فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوحِ

در دست او چشم زدنی تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را درین مسوح

وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنْتَنِ رِيحِ جِيفَةٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ

و بیرون می آید از آن روح بوئے مثل بد بوئے تریں مردار که یافته می شود بر روئے

الْأَرْضِ فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

زمین پس بالا می برند فرشتگان او را پس نمی گذرند فرشتگان با او بر جماعتے از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الْخَبِيثَةُ فَيَقُولُونَ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح خبیث پس میگویند فرشتگان همراهیان که

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يُسَمَّى بِهَا فِي

فلان بن فلان است میخوانند آنرا به بدترین نامہائے که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهُ

دنیا با مذمت تا آنکه میرسند با وی تا آسمان دنیا پس طلب در کشادن میکنند برائے وے

فَلَا يُفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس کشاده نمی شود در برائے وے پس تر خواند پیغامبر خدا صلے اللہ علیه وسلم

لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى

کشاده نمی شود برای کافران و برائے آسمانها و در نمی آیند کافران در بهشت تا آنکه

يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

در آید شتر بآن ضخامت در سوراخ سوزن پس میگوید حق تعالے بزرگ و بلند

اكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سِجِّينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى فَتُطْرَحُ

بنویسید نامه او را در سجین که نام جائیست در تحت زمین پائین ترین پس انداخته می شود

رُوحُهُ طَرْحًا ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ

روح کافر انداختنی پس ترخواند آنحضرت این آیت که کسیکه شرک کرد بخدا پس گویا که فرو افتاد

مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ اَوْ تَهْوِيْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ مَكَانٍ

از آسمان پس میربایند او را پرندگان یا می اندازد او را باد در جاے

سَحِيْقٍ فَتُعَادُ رُوْحُهُ فِيْ جَسَدِهٖ وَيَاْتِيْهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهٖ

دور پس عود کرده میشود روح او در تن او و می آید او را دو فرشته پس می نشانند او را

فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ

پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید کافر هاه هاه کلمهٔ تحسر و حیرت نمی دانم پس میگویند

لَهٗ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ

مر او را چیست حال این مرد که برانگیخته شده است در شما پس میگوید کافر هاه هاه در نیافتم کیست او

فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ اَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ

پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که دروغ گفت پس فرشے گردانید برای وی از آتش

وَافْتَحُوْا لَهٗ بَابًا اِلَى النَّارِ فَيَاْتِيْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا

و بکشائید برای او در کشود آتش پس می آید وی را از حرارت دوزخ و باد گرم آتش

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِيْهِ اَضْلَاعُهٗ وَيَاْتِيْهِ

و تنگ گردانیده میشود بر کافر قبر او تا آنکه درهم شکنند و استخوانهای پهلوی او و می آید او را

رَجُلٌ قَبِيْحُ الْوَجْهِ قَبِيْحُ الثِّيَابِ مُنْتِنُ الرِّيْحِ فَيَقُوْلُ

مردے بد شکل و بد جامه گنده بوے پس میگوید آمرد

اَبْشِرْ بِالَّذِيْ يَسُوْءُكَ هٰذَا يَوْمُكَ الَّذِيْ كُنْتَ تُوْعَدُ

مژده باد ترا با آنچه غمگین گرداند ترا این روز تست که وعده کرده میشدی تو

فَيَقُوْلُ مَنْ اَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ يَجِيْءُ بِالشَّرِّ فَيَقُوْلُ

پس میگوید میت کافر که کیست تو پس روی تو روی کامل است و زشت روی که میآرد بد تو شر را پس میگوید آمرد

اَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيْثُ فَيَقُوْلُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِيْ رِوَايَةٍ

که من عمل بد توام پس میگوید میت کافر ای پروردگار من قایم مکن قیامت را و در روایتے دیگر

نحوه وزاد فيه إذا خرج روحه صلى عليه كل ملك بين

مانند آنچه که مذکور شده است و زیاده کرده است که چون بیرون آید جان مومن درود میفرستد برو هر فرشته که

السماء والأرض وكل ملك في السماء وفتحت أبواب السماء

آسمان و زمین است و هر فرشته که در آسمان است و کشاده شود برای وی درهای آسمان

ليس من أهل باب إلا وهم يدعون الله أن يعرج بروحه

نیست هیچ جماعه از اهل هیچ دری از درهای آسمان مگر آنکه ایشان میخواهند خدا را و دعا میکنند که برده شود روح او

من قبلهم وتنزع نفسه يعني الكافر مع العروق

از جانب ایشان و کشیده میشود جان وی یعنی جان کافر با رگهای او

فيلعنه كل ملك بين السماء والأرض وكل ملك في

پس لعنت میکند او را هر فرشته که میان آسمان و زمین است و هر فرشته که در میان

السماء وتغلق أبواب السماء ليس من أهل باب إلا وهم

آسمانها است و بسته می شود درهای آسمان نیستند از اهل هر در مگر آنکه ایشان

يدعون الله أن لا يعرج روحه من قبلهم رواه أحمد

میخواهند خدا را و دعا میکنند که نبرده شود روح او از جانب ایشان رواه احمد

وعن عبد الرحمن بن كعب عن أبيه قال لما حضرت

و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت هر گاه که حاضر شد

كعبا الوفاة أتته أم بشر بنت البراء بن معرور

کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور

فقالت يا أبا عبد الرحمن إن لقيت فلانا فاقرأ عليه

پس گفت ای ابا عبد الرحمن اگر ملاقات کنی فلان را پس بخوان بروی

مني السلام فقال غفر الله لك يا أم بشر نحن أشغل

از جانب من سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا ای ام بشر ما مشغول تر ایم

مِنْ ذٰلِكَ فَقَالَتْ يَا أَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ أَمَا سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

ازینکه سلام و پیام برسانم پس گفت ام بشر ای ابو عبد الرحمن آیا نشنیدی آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ إِنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِيْ طَيْرٍ

صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه ارواح مؤمنان نهاده میشوند در پرندگان

خُضْرٍ تَعْلُقُ بِشَجَرِ الْجَنَّةِ قَالَ بَلٰى قَالَتْ فَهُوَ ذَاكَ رَوَاهُ

سبز که میچرند در بستان بهشت گفت آری شنیدم گفت ام بشر پس این آن فضل و کرم است روایت کرده

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

ابن ماجه و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ أَبِيْهِ أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از پدر وی که او حدیث میکرد بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّمَا نَسَمَةُ الْمُؤْمِنِ طَيْرٌ تَعْلُقُ فِيْ شَجَرِ الْجَنَّةِ

علیه وسلم فرمود نیست روح مومن مگر طیری که میچرد در درختان بهشت

حَتّٰى يَرْجِعَهُ اللّٰهُ فِيْ جَسَدِهٖ يَوْمَ يَبْعَثُهُ رَوَاهُ مَالِكٌ

تا آنکه باز گرداند او را خدای تعالی در تن او روزیکه برانگیزد او را روایت کرده

وَالنَّسَائِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

و النسائی و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى جَابِرِ بْنِ

و روایت است از محمد بن منکدر گفت در آمدم بر جابر بن

عَبْدِ اللّٰهِ وَهُوَ يَمُوْتُ فَقُلْتُ اقْرَأْ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ

عبد الله رض و حال آنکه میمرد پس گفتم برسان بر رسول خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّلَامَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

صلی الله علیه وسلم سلام روایت کرده ابن ماجه

٢٥٧

وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از بریدہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ الْمُؤْمِنُ يَمُوْتُ بِعَرَقِ الْجَبِيْنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ

وسلم مومن بمیرد با عرق پیشانی رواہ ترمذی و

النَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

النسائی وابن ماجہ وروایت است از عبد اللہ بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ

پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ یکے از شما چون بمیرد ظاہر کردہ شود

عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

برو نشست گاہ او ببامداد و شبانگاہ اگر باشد آن شخص از اہل بہشت

فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ

پس باشد جای او از بہشت و اگر باشد آنکس از اہل دوزخ پس باشد جای نشست او از دوزخ

هٰذَا مَقْعَدُكَ حَتّٰى يَبْعَثَكَ اللّٰهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ

گفتہ شود کہ این جای نشست تو است تا آنکہ برانگیزد ترا خدای تعالی بسوی خود روز قیامت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

علیہ است وروایت کردہ شدہ است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ

صلے اللہ علیہ وسلم چون نہادہ میشود میت در قبر می آیند او را دو فرشتہ در صورت آدمی سیاہ رنگ

أَزْرَقَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَلِلْاٰخَرِ النَّكِيْرُ فَيَقُوْلَانِ

کبود چشم گفتہ میشود مر یکے را از ایشان منکر و دیگری را نکیر پس میگویند آن ہر دو

مَا كُنْتَ تَقُوْلُ فِيْ هٰذَا الرَّجُلِ فَيَقُوْلُ هُوَ عَبْدُ اللّٰهِ وَرَسُوْلُهُ

چہ بود تو کہ میگفتی در حال این مرد پس میگوید میت کہ آن مرد بندہ خدا و پیغمبر او است

أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله فيقولان

گواهی میدهم بآنکه نیست هیچ معبود مگر خدا و گواهی میدهم که محمد بنده خدا و رسول اوست پس میگویند هر دو

قد كنا نعلم أنك تقول هذا ثم يفسح له في قبره سبعون

که بدرستیکه ما بودیم بر دانستن که تحقیق تو میگوئی این پس گشاده کرده می شود برای وے در قبر وے هفتاد

ذراعاً في سبعين ثم ينور له فيه ثم يقال له نم ثم

ذراع در هفتاد ذراع پس روشن کرده شود در قبر او پس گفته میشود برای وے که خواب باش پس

يقول أرجع إلى أهلي فأخبرهم فيقولان نم كنومة العروس

میگوید که باز میروم بسوئے اهل خانه من پس خبر میدهم ایشانرا پس میگویند هر دو فرشته خواب بکن همچو خواب عروس

الذي لا يوقظه إلا أحب أهله إليه حتى يبعثه الله من

که بیدار نمیکند او را مگر محبوب ترین از اهل وے بسوے وے یعنے زوج تا آنکه برخیزاند او را خدا تعالے از

مضجعه ذلك وإن كان منافقاً قال سمعت الناس يقولون

جای آرام او که نیست و اگر باشد آن میت منافق میگوید در جواب فرشته که شنیدم من مردمانرا که میگفتند

قولاً فقلت مثله لا أدري فيقولان قد كنا نعلم أنك

قولے پس گفتم من مثل آن قول نمیدانم از واقعیت آن پس میگویند بتحقیق ما می دانستیم که تو

تقول ذلك فيقال للأرض التئمي عليه فتلتئم عليه فتختلف

میگوئی همچنین پس گفته میشود مر زمین را که برهم آئی بر وے پس هم بر میآید و میپیچد زمین بر وے پس مختلف میشود

أضلاعه فلا يزال فيها معذباً حتى يبعثه الله من مضجعه

پهلوی وے پس همیشه باشد آن میت در آن قبر عذاب کرده شده تا آنکه برانگیزد او را خدا از آن جای خواب

ذلك رواه الترمذي وعن البراء بن عازب رض

وے روایت کرد ترمذی و روایت است از براء بن عازب رض

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا [illegible] المؤمن

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون [illegible] مرد مومن

يَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ

میاید آنرا دو فرشته پس می نشانند او را پس میگویند مر اورا که چیست دین تو پس میگوید

دِينِيَ الْإِسْلَامُ فَيَقُولَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ

دین من اسلام است پس میگویند چیست حال این مرد که برانگیخته شده است

فِيكُمْ فَيَقُولُ هُوَ رَسُولُ اللّٰهِ فَيَقُولَانِ لَهُ وَمَا يُدْرِيكَ

در شما پس میگوید مومن که وی فرستاده خداست پس میگویند مر او را چه چیز دانا گردانید ترا که رسول خداست

فَيَقُولُ قَرَأْتُ كِتَابَ اللّٰهِ فَآمَنْتُ بِهِ وَصَدَّقْتُ فَذٰلِكَ

پس میگوید مومن خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم بوی و گرویدم پس آنست مراد

قَوْلُهُ تَعَالٰى يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي

بقول خداوند تعالی مراد تثبیت در این قول جواب فرشتگان است در قبر

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا الْآيَة قَالَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِّنَ السَّمَاءِ

بر آن وجه که مذکور شده فرمود آنحضرت پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان

أَنْ صَدَقَ عَبْدِي فَافْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَلْبِسُوهُ مِنَ

که راست گفت بندهٔ من بگسترانید برای بنده فرشی از فرشهای بهشت و بپوشانید او را از

الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى الْجَنَّةِ فَيُفْتَحُ لَهُ قَالَ فَيَأْتِيهِ

رختهای بهشت و بگشائید برای وی دری سوی بهشت پس گشاده میشود برای وی دری پس فرمود آنحضرت پس میاید مومن را

مِنْ رَوْحِهَا وَطِيبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِيهَا مَدَّ بَصَرِهِ وَأَمَّا

از راحت بهشت و نسیم آن و فراخ کرده میشود مر او را در جناب بهشت تا غایتے که میرسد نظر وی ولیکن

الْكَافِرُ فَذَكَرَ مَوْتَهُ قَالَ وَيُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ وَ

کافر پس ذکر کرد آنحضرت مرگ او را فرمود و باز آورده میشود روح او در تن وے و

يَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ مَنْ رَّبُّكَ فَيَقُولُ

میایند بر او دو فرشته پس می نشانند او را پس میگویند کیست پروردگار تو پس میگوید کافر

هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ لَهٗ مَا دِيْنُكَ فَيَقُوْلُ هَاهْ

باه باه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند مر او را چیست دین تو پس میگوید باه

هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيَقُوْلَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِيْ بُعِثَ فِيْكُمْ

باه نمی دانم و در نمی یابم پس میگویند چیست حال این مرد که بر انگیخته شده است در شما

فَيَقُوْلُ هَاهْ هَاهْ لَا اَدْرِيْ فَيُنَادِيْ مُنَادٍ مِّنَ السَّمَآءِ اَنْ

پس میگوید باه باه نمی دانم و در نمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كَذَبَ فَافْرِشُوْهُ مِنَ النَّارِ وَاَلْبِسُوْهُ مِنَ النَّارِ وَافْتَحُوْا لَهٗ

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشے برائے وے از آتش و بپوشانید او را از پوششہا دوزخ و بکشائید برائے وے

بَابًا اِلَى النَّارِ قَالَ فَيَاْتِيْهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُوْمِهَا قَالَ

درے بسوئے دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید او را از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهٗ حَتّٰى تَخْتَلِفَ فِيْهِ اَضْلَاعُهٗ ثُمَّ

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وے استخوان ہائے او پستر

يُقَيَّضُ لَهٗ اَعْمٰى وَاَصَمُّ مَعَهٗ مِرْزَبَةٌ مِّنْ حَدِيْدٍ

مسلط گردانیده میشود بر وے کورے و کرے که نمی شنود و گوش نمی نهد بفریاد او و باوے کلوخ کوب است از آهن

لَوْ ضُرِبَ بِهَا جَبَلٌ لَصَارَ تُرَابًا فَيَضْرِبُهٗ بِهَا ضَرْبَةً

اگر زده شود بر کوهے هر آئینه میگردد خاک پس میزند او را بآن زدنی

يَسْمَعُهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اِلَّا الثَّقَلَيْنِ فَيَصِيْرُ

میشنود آواز زدن را هر چه در میان مشرق و مغرب ست مگر جن و انس پس میگردد کافر

تُرَابًا ثُمَّ يُعَادُ فِيْهِ الرُّوْحُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

خاک پستر باز آورده بشود روح در بدن او روایت کرد احمد و ابو داود روایت است

عُثْمَانَ رض اَنَّهٗ كَانَ اِذَا وَقَفَ عَلٰى قَبْرٍ بَكٰى حَتّٰى يَبُلَّ لِحْيَتَهٗ

از عثمان رض بدرستیکه بود وے رض چون می استاد بر سر گورے میگریست تا آنکه تر میساخت ریش خود را

فَقِيلَ لَهُ تَذْكُرُ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ فَلَا تَبْكِي وَتَبْكِي مِنْ هٰذَا

پس گفته شود او را که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی و گریه میکنی ازین یعنی از استادن بر قبر

فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ الْقَبْرَ

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلے الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

أَوَّلُ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنْ نَجَا مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ

نخستین منزلیست از منزلهای آخرت پس اگر کسے برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وست از منزل

أَيْسَرُ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ وَقَالَ

آسان تر است و اگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است ازان و گفت عثمان

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا رَأَيْتُ مَنْظَرًا قَطُّ

فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز

إِلَّا وَالْقَبْرُ أَفْظَعُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

مگر آنکه گور زشت تر است ازان روایت ترمذی و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي سَعِيدِنِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُسَلَّطُ عَلَى الْكَافِرِ فِي قَبْرِهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

علیه وسلم هر آئینه گماشته می شود بر کافر در گور او نود و نه

تِنِّينًا تَنْهَشُهُ وَتَلْدَغُهُ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ لَوْ أَنَّ تِنِّينًا

اژدها میگزد کافر را و میگزد اورا تا آنکه برپا میشود قیامت اگر اژدهاے

مِنْهَا نَفَخَ فِي الْأَرْضِ مَا أَنْبَتَتْ خَضِرًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

ازان دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزه را روایت الدارمی

وَالتِّرْمِذِيُّ نَحْوَهُ وَقَالَ سَبْعُونَ بَدَلَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ

و الترمذی مانند وے و گفت هفتاد بجاے نود و نه

وعن جابر رض قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم الى سعد بن معاذ حين توفى فلما صلى عليه

وسلم بسوی سعد بن معاذ رض هنگامی که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد بروی

رسول الله صلى الله عليه وسلم ووضع في قبره وسوي

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و نهاده شد معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک

عليه سبح رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبحنا طويلا

بروی تسبیح کرد پیغامبر خدا و گفت سبحان الله صلی الله علیه وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح دراز

ثم كبر فكبرنا فقيل يا رسول الله لم سبحت ثم

بستر تکبیر گفت پس تکبیر گفتیم ما پس گفته شد ای پیغمبر خدا برای چه تسبیح کردی بستر

كبرت قال لقد تضايق على هذا العبد الصالح قبره

تکبیر برآوردی فرمود آنحضرت بتحقیق تنگ گردید بر این بنده نیک قبر وی رض

حتى فرجه الله تعالى عنه رواه احمد وعن ابن عمر

تا آنکه کشاد و بیرون آورد اورا خدای تعالی ازان دشواری رواه احمد و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم هذا الذي تحرك

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسی است که جنبید

له العرش وفتحت له ابواب السماء وشهده سبعون

بجهت وی عرش و کشاده شد برای وی درهای آسمان بجهت نزول رحمت و حاضر گردید اورا هفتاد

الفا من الملائكة لقد ضم ضمة ثم فرج عنه رواه الترمذي

هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پستر آسان کرده شد ازو رواه ترمذی

وعن جابر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

إِذَا دَخَلَ الْمَيِّتُ الْقَبْرَ مُثِّلَتْ لَهُ الشَّمْسُ عِنْدَ غُرُوبِهَا

چون در آورده میشود مرده در گور متمثل کرده می شود و نموده میشود مر او را آفتاب چنانکه در وقت غروب

فَيَجْلِسُ يَمْسَحُ عَيْنَيْهِ وَيَقُولُ دَعُونِي أُصَلِّي رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

پس نشیند میت در حالیکه بمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریرة رض از آنحضرت صلی الله علیه و سلم

قَالَ إِنَّ الْمَيِّتَ يَصِيرُ إِلَى الْقَبْرِ فَيَجْلِسُ الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد در گورش در حالیکه

غَيْرَ فَزِعٍ وَلَا مَشْعُوبٍ ثُمَّ يُقَالُ فِيمَ كُنْتَ فَيَقُولُ كُنْتُ

ترسنده نیست و غیر مفتون سپس گفته می شود که در چه دین و ملت بوده تو پس میگوید بوده ام

فِي الْإِسْلَامِ فَيُقَالُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ

در دین اسلام پس گفته می شود که چیست صفت این مرد پس میگوید نیست که وی محمد فرستادهٔ خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَنَا بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ عِنْدِ اللهِ فَصَدَّقْنَاهُ

صلی الله علیه و سلم که آورد ما را معجزات ظاهر و باهر از نزد خدا پس تصدیق کردیم ما او را

فَيُقَالُ لَهُ هَلْ رَأَيْتَ اللهَ فَيَقُولُ مَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرَى

پس گفته می شود او را آیا دیدهٔ تو خدا را پس میگوید که نمیرسد و نمی سزد مر یکے را که به بیند

اللهَ فَيُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ قِبَلَ النَّارِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا يَحْطِمُ بَعْضُهَا

خدا تعالی را پس کشاده می شود مر او را شگافے بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش می شکند و پامال

بَعْضًا فَيُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَا وَقَاكَ اللهُ ثُمَّ يُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ

بعض وی بعض را پس گفته می شود مر او را که بنگر بجانب چیزیکه نگاه داشته است ترا خدا تعالی پس کشاده میشود مر او را شگافے

قِبَلَ الْجَنَّةِ فَيَنْظُرُ إِلَى زَهْرَتِهَا وَمَا فِيهَا فَيُقَالُ لَهُ هٰذَا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته می شود مر او را این

شادان و هر که در آید درین عالم بیرون آید ازین دو نسخه ۱۲

مقعدك على اليقين كنت وعليه مت وعليه تبعث إن شاء

جای نشست تو است زیرا که بر یقین و ایمان بوده تو در حیات و همبرین یقین مرده تو و همبرین ایمان و یقین برانگیخته شوی

الله تعالى ويجلس الرجل السوء في قبره فزعا مشعوفا فيقال

خدای تعالی و نشانده می شود مرد بد در قبرش ترسناک و مفتون و تباه پس گفته میشود

له فيم كنت فيقول لا ادري فيقال له ما هذا الرجل فيقول

مر او را در چه دین بوده پس میگوید نمی دانم و در نمی یابم پس گفته میشود مر او را چیست صفت این مرد پس میگوید

سمعت الناس يقولون قولا فقلته فيفرج له قبل الجنة فينظر

شنیدم مردم را که میگفتند سخنی را پس گفتم من نیز آن را پس کشاده کرده میشود مر او را شکافی در بهشت پس نگاه میکند

الى زهرتها وما فيها فيقال له انظر الى ما صرف الله عنك

بسوی خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته میشود مر او را بنگر بسوی آنچه که باز داشت خدای تعالی از تو

ثم يفرج له فرجة الى النار فينظر اليها يحطم بعضها بعضا

پستر کشاده میشود مر او را شکافی بسوی آتش دوزخ پس نگاه میکند بسوی آتش دوزخ که می شکند و پایمال میکند بعض بعض را

فيقال له هذا مقعدك على الشك كنت وعليه مت

پس گفته میشود مر او را که اینست جای نشست تو که بودی تو بر شک در حیوة تو و همبرین شک مرده تو

وعليه تبعث إن شاء الله تعالى رواه ابن ماجة وعن

و همبرین شک برانگیخته میشوی از قبر اگر خواهد خدای تعالی رواه ابن ماجه و روایت است از

قتادة عن انس ان النبي صلى الله عليه وسلم قال لولا

قتاده رض از انس بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نبودی ترس

ان لا تدافنوا لدعوت الله ان يسمعكم عذاب القبر

و ملاحظه آنکه بگور نکنید شما مرده را باخود هر آئینه دعا کردم خدا را که بشنواند شما را عذاب قبر

في كتاب عذاب القبر وعن شيبة بن مساور

در کتاب عذاب قبر و روایت است از شیبه بن مساور

عن انس قال مر رسول الله صلى الله عليه وسلم بقبر

از انس رض گفت گذر کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بگوری

فنفرت بغلته الشهباء فاخذ القوم فقال خلوا عنها فان

پس فرا گرفت مرکب آنحضرت پس گرفتند قوم پس فرمود بگذارید ازان بدرستیکه

صاحب القبر يعذب فانه لا يستنزه من البول ق فيه

صاحب آن قبر عذاب کرده مے شود پس بدرستیکه وی طلب نمیکرد تربت را و پاکی نمیکرد از بول

وعن انس رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از انس رض از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

ان الله تعالى وكل بعبده المؤمن ملكين يكتبان عمله

بدرستیکه خدا تعالی گماشته است برای بنده مومن خود دو فرشته را که می نویسند عمل آن بنده

فاذا مات قال الملكان اللذان وكلا به قد مات فائذن

پس چون بمیرد آن مومن میگویند دو فرشته که گماشته شده بودند بدان بنده بتحقیق که مرد پس اذن ده

لنا ان نصعد الى السماء فيقول الله عز وجل سمائي

مارا که بالا برویم بسوی آسمان پس میگوید خدا تعالی آسمان من

مملوءة من ملائكتي يسبحوني فيقولان افنقيم في الارض

پر است از فرشتگان من که تسبیح میکنند پس میگویند آن دو فرشته آیا پس اقامت کنیم در زمین

فيقول الله ارضي مملوءة من خلقي يسبحوني فيقولان

پس میگوید خدای تعالی زمین من پر است از مخلوق من که تسبیح میکنند مرا پس می گویند

فاين فيقول قوما على قبر عبدي فسبحاني واحمداني

پس کجا نشینیم پس میفرماید بایستید شما بر قبر بنده من پس تسبیح کنید مرا و حمد گوئید مرا

وكبراني وهللاني واكتبا ذلك لعبدي الى يوم القيمة

و تکبیر گوئید مرا و تهلیل گوئید مرا و بنویسید ثواب این را برای بنده من تا روز قیامت

الْمَرْوَزِيُّ فِي الْجَنَائِزِ وَأَبُو بَكْرٍ الشَّافِعِيُّ فِي الْغَيْلَانِيَّاتِ

روایت کرده شده در جنایز وابو بکر شافعی در غیلانیات

وَأَبُو الشَّيْخِ فِي الْعَظَمَةِ هب وَالدَّيْلَمِيُّ وَأَوْرَدَهُ

وابو الشیخ در عظمت والدیلمی و وارد کرد

ابْنُ الْجَوْزِيِّ فِي الْمَوْضُوعَاتِ فَلَمْ يُصِبْ جمع أبواب

ابن جوزی در موضوعات پس بصواب نرسید جمع ابواب

بَابُ غُسْلِ الْمَيِّتِ وَتَكْفِينِهِ

باب در بیان غسل میت و در کفن در آوردن آن

عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغامبر صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَفَّنَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُحَسِّنْ كَفَنَهُ

علیه وسلم چون کفن کند یکی از شما برادر خود را پس باید نیک کند کفن او را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

روایت کرد مسلم و از عبد الله بن عباس مرویست

قَالَ إِنَّ رَجُلًا كَانَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که فرموده بدرستیکه مردی بود با پیغمبر صلی الله علیه وسلم

فَوَقَصَتْهُ نَاقَتُهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَمَاتَ فَقَالَ

پس انداخت او را ناقه او وحال آنکه وی محرم بود پس مرد آنمرد پس گفت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اغْتَسِلُوا بِمَاءٍ وَسِدْرٍ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بشوئید ورا بآب وبرگ درخت کنار

وَكَفِّنُوهُ فِي ثَوْبَيْهِ وَلَا تَمَسُّوهُ بِطِيبٍ وَلَا تُخَمِّرُوا

وتکفین کنید ورا در دو جامۀ او و نساپید او را ببوی خوش ونپوشید

رَأْسَهُ فَإِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُلَبِّيًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

سر او را چنانکه حکم محرم است پس بدرستیکه برانگیخته شود در روز قیامت از قبر لبیک گویان متفق علیه

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و از ابن عباس مرویست رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ الْبَسُوا مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضَ فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ

وسلم بپوشید جامهای سفید خود را زیرا که جامها سفید از جمله بهترین جامهاء شما است

وَكَفِّنُوا فِيهَا مَوْتَاكُمْ وَمِنْ خَيْرِ أَكْحَالِكُمُ الْإِثْمِدُ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ

وتکفین کنید در آن مردهای شما را و از بهترین سرمهای شما اثمد است زیراکه آن میرویاند

الشَّعْرَ وَيَجْلُو الْبَصَرَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوٰى

موی مژگان را و روشن میکند بینائی را . رواه ابوداؤد والترمذی وروایت کرد

ابْنُ مَاجَةَ إِلٰى مَوْتَاكُمْ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

ابن ماجه تا لفظ موتاکم وروایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَغَالَوْا فِي الْكَفَنِ فَإِنَّهُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گران بها نکنید در کفن زیرا کفن

يُسْلَبُ سَلْبًا سَرِيعًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ

ربوده میشود ربودنی بشتاب رواه ابوداؤد وروایت است از ابی سعید

نِ الْخُدْرِيِّ رض أَنَّهُ لَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ دَعَا بِثِيَابٍ جُدُدٍ

خدری رض هنگامیکه حاضر شد او را موت طلبید جامه های نو را

لَبِسَهَا ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

پس پوشید آنها را پس گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم می گفت

الْمَيِّتُ يُبْعَثُ فِي ثِيَابِهِ الَّتِي يَمُوتُ فِيهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

مرده برانگیخته شود در جامه‌های خود که میرد در وے رواه ابو داود

بَابُ الْمَشْيِ بِالْجَنَازَةِ وَالصَّلٰوةِ عَلَيْهَا

باب در رفتن همراه جنازه و نماز گذاردن بر آن

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَسْرِعُوا بِالْجَنَازَةِ فَإِنْ تَكُ صَالِحَةً فَخَيْرٌ تُقَدِّمُونَهَا

کوشش کنید بجنازه یعنی بر داشتن او بشتاب پس اگر باشد میت نیکوکار پیش کش است که پیش می کنید

إِلَيْهِ وَإِنْ تَكُ سِوَى ذٰلِكَ فَشَرٌّ تَضَعُونَهُ عَنْ رِقَابِكُمْ مُتَّفَقٌ

و اگر باشد میت غیر صالح پس دور بردن سبب دفع شری است که از گردن خود دور می کنید

عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

علیه و روایت ست از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا وُضِعَتِ الْجَنَازَةُ فَاحْتَمَلَهَا الرِّجَالُ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ

وسلم وقتی که نهاده شود جنازه بر نعش پس بردارند مردان بر گردنهای خود

فَإِنْ كَانَتْ صَالِحَةً قَالَتْ قَدِّمُونِي وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ

پس اگر باشد مرده نیکوکار میگوید پیش فرستید مرا بسوے او و اگر باشد بدکار

قَالَتْ لِأَهْلِهَا يَا وَيْلَهَا أَيْنَ تَذْهَبُونَ بِهَا يَسْمَعُ صَوْتَهَا

می گوید بکسان خود اے وای کجا می برید او را می شنود آواز او را

كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الْإِنْسَانَ وَلَوْ سَمِعَ الْإِنْسَانُ لَصَعِقَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

هر چیز از حیوانات و جمادات وغیره مگر انسان و اگر می شنید آدمی هر آئینه هلاک شدے بیهوش شدے رواه بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا رَأَيْتُمُ

و هم از وے روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم و قتیکہ بینید

الْجَنَازَةَ فَقُومُوا فَمَنْ تَبِعَهَا فَلَا يَقْعُدْ حَتَّى تُوضَعَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

جنازہ را پس بایستید از برای تعظیم پس کسیکہ پیروی کند جنازہ را پس باید کہ نشیند تا آنکہ نہادہ شود

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اتَّبَعَ جَنَازَةَ مُسْلِمٍ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا وَكَانَ مَعَهُ

علیہ وسلم کہ کسیکہ پیروی کند جنازہ مسلمانے را از روی ایمان و طلب کردن ثواب و باشد با وے

حَتَّى يُصَلَّى عَلَيْهِ وَيَفْرُغَ مِنْ دَفْنِهَا فَإِنَّهُ يَرْجِعُ مِنَ الْأَجْرِ

تا آنکہ بعد از وی نماز بر وے و تا آنکہ فارغ گردد از دفن وے پس بدرستیکہ باز میگردد از اجر

بِقِيرَاطَيْنِ كُلُّ قِيرَاطٍ مِثْلُ أُحُدٍ وَمَنْ صَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ رَجَعَ

بدو قیراط ہر قیراط از آنجمان مانند کوہ احد است و کسیکہ نماز گزارد در وے پس باز گردد

قَبْلَ أَنْ تُدْفَنَ فَإِنَّهُ يَرْجِعُ بِقِيرَاطٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

پیش از آنکہ دفن کردہ شود پس بدرستیکہ وے برمیگردد بیک قیراط متفق علیہ و روایت است از

عَوْفِ ابْنِ مَالِكٍ قَالَ صَلَّى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عوف ابن مالک رض گفت نماز گزارد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

عَلَى جَنَازَةٍ فَحَفِظْتُ مِنْ دُعَائِهِ وَهُوَ يَقُولُ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ

بر جنازہ پس یاد گرفتم من از دعای آنحضرت و وے میگفت بارخدایا بیامرز مر او را و

وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ وَاغْسِلْهُ

و عافیت دہ او را و سلامت بخش و عفو کن از وی و گرامی دار مہمانی او و راہ کشادہ گردان جای او

بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ

باب و برف و ژالہ و پاکیزہ گردان او را از گناہان چنانکہ پاکیزہ گردانیدی تو جامہ

الابيض من الدنس وابدله دارا خيرا من داره واهلا

سفید را از چرک و بدل کن او را سرائے بهتر از سرائے او کرده و اهل بهتر

خيرا من اهله وزوجا خيرا من زوجه وادخله الجنة

بهتر از اهل او و جفتی بهتر از جفت وے و در آر او را در بهشت

واعذه من عذاب القبر او من عذاب النار وفي رواية

و پناه ده او را از عذاب گور یا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش و در روایتی آمده

وقه فتنة القبر وعذاب النار قال حتى تمنيت ان

و نگهدار او را از فتنهٔ گور و از عذاب آتش گفت راوی تا آنکه آرزو کردم که

اكون انا ذلك الميت رواه مسلم وعن ابي هريرة

من می بودم آن مرده که آنحضرت این دعا در حق من کرد رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

ان امراة سوداء كانت تقم المسجد او شاب ففقدها

بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب میداد مسجد را یا جوانی بود پس گم کرد آن زن را

او ففقده رسول الله صلى الله عليه وسلم فسال عنها او عنه

یا آن جوان را پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال او

فقالوا مات قال افلا كنتم اذنتموني قال فكانهم

پس گفتند مرد وی فرمود آنحضرت آیا پس چرا خبر نکردید مرا گفت ابو هریره پس گویا که ایشان خرد

صغروا امرها او امره فقال دلوني على قبره فدلوه فصلى

پنداشتند شان آن زن را یا شان آن مرد را پس فرمود آنحضرت که راه نمائید مرا بر گور او

عليها ثم قال ان هذه القبور مملوءة ظلمة على اهلها وان

بر قبر وے پس فرمود بدرستیکه این قبرها پر کرده شده اند تاریکی بر اهل خود و بدرستیکه

الله ينورها لهم بصلاتي عليهم متفق عليه ولفظه لمسلم

خداوند تعالی منور مے گرداند گورها را برای ایشان بسبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه و لفظ مسلم راست

وَعَنْ كُرَيْبٍ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

وروایت است از کریب که مولی ابن عباس است رض از عبد الله ابن عباس رض

أَنَّهُ مَاتَ لَهُ ابْنٌ بِقُدَيْدٍ أَوْ بِعُسْفَانَ فَقَالَ يَا كُرَيْبُ انْظُرْ

که مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نگاه کن

مَا اجْتَمَعَ لَهُ مِنَ النَّاسِ قَالَ فَخَرَجْتُ فَإِذَا نَاسٌ قَدِ اجْتَمَعُوا

آنچه فراهم آمده برای نماز وی از مردان گفت کریب پس بیرون آمدم پس ناگاه مردان بتحقیق جمع شده اند از جهت نماز

لَهُ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ تَقُولُ هُمْ أَرْبَعُونَ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْرِجُوهُ

وی پس خبر دادم ابن عباس را پس گفت ابن عباس که میگوئی تو ایشان که چهل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازه را

فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ

پس بدرستیکه من شنیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که می گفت نیست هیچ

رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا

مرد مسلمانی که بمیرد پس بایستند بر جنازهٔ وے چهل مرد

لَا يُشْرِكُونَ بِاللّٰهِ شَيْئًا إِلَّا شَفَّعَهُمُ اللّٰهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

که شریک نمی گردانند آن چهل مرد بخدا چیزی مگر آنکه قبول کند شفاعت ایشان را خدا در حق وے رواه مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ

و روایت است از عایشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ

مَيِّتٍ تُصَلِّي عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْلُغُونَ مِائَةً كُلُّهُمْ

مرده که نماز بگذارند بر وے گروهے از مسلمانان که برسند عدد صد را و همه ایشان

يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَّا شُفِّعُوا فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض

شفاعت و دعا کنند او را بمغفرت مگر آنکه شفاعت ایشان قبول گردانیده شود رواه مسلم و روایت است از انس رض

قَالَ مَرُّوا بِجَنَازَةٍ فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

گفت انس رض گذشتند جماعتی بجنازه پس ثنا کردند بر وے به نیکی پس فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَجَبَتْ ثُمَّ مَرُّوا بِأُخْرَى فَأَثْنَوْا عَلَيْهَا شَرًّا

علیه وسلم واجب شد پس گذشتند بجنازه دیگر پس ذکر کردند بر وے بدی را

فَقَالَ وَجَبَتْ فَقَالَ عُمَرُ رض مَا وَجَبَتْ فَقَالَ هٰذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ

پس فرمود واجب شد پس گفت عمر رض کہ چه چیز واجب شد پس فرمود آنحضرت که اینمرده که یاد کردید

خَيْرًا فَوَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَهٰذَا أَثْنَيْتُمْ عَلَيْهِ شَرًّا فَوَجَبَتْ

به نیکی پس واجب شد برآوے بهشت واین مرده که یاد کردید اورا به بدی پس واجب شد

لَهُ النَّارُ أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ

برائے وے آتش شما گواهان خدا اید در زمین متفق علیه است و در روایتی همه است

الْمُؤْمِنُونَ شُهَدَاءُ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ

مسلمانان گواهان خدای تعالی اند در زمین و در روایت است از عمر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر مسلمانیکه گواهی دهند او را

أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ فَقُلْنَا وَثَلَاثَةٌ قَالَ وَثَلَاثَةٌ

چهار مرد به نیکی در آرد اورا خدای تعالی به بهشت پس گفتیم واگر گواهی دهند سه کس فرمود واگر سه کس

فَقُلْنَا وَاثْنَانِ قَالَ وَاثْنَانِ ثُمَّ لَمْ نَسْأَلْهُ عَنِ الْوَاحِدِ رَوَاهُ

گفتیم واگر دو کس گواهی دهند فرمود واگر دو کس گواهی دهند نیز داخل بهشت شود بعد سوال نکردیم از آنحضرت

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ

بخاری و از عبد الله بن مسعود روایت گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْجَنَازَةُ مَتْبُوعَةٌ وَلَا تَتْبَعُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که جنازه پس روی کرده شده جنازه پیروی نمیکند

لَيْسَ مَعَهَا مَنْ تَقَدَّمَهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

نیست همراه جنازه و نمی یابد ثواب همراهی آنکسے که پیش رود جنازه را ابوداود والترمذی وابن ماجه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

واز ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تبع جنازة وحملها ثلث مرار فقد قضى ما عليه من

کسیکه پس روی کند جنازه را وبرداشته آنرا سه بار پس بتحقیق برد آنچیزیرا که بروی است از

حقها رواه الترمذي وعن ثوبان قال خرجنا مع النبي

حق جنازه رواه ترمذی واز ثوبان مرویست که گفت بیرون آمدیم همراه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في جنازة فرأى ناسا ركبانا فقال

صلی الله علیه وسلم بجهت متابعت جنازه پس دید آنحضرت مردمانرا سواره پس فرمود که

الا تستحيون ان ملائكة الله على اقدامهم وانتم على

شرم ندارید که فرشتگان خدایتعالی بر پاهای خود میروند وشما بر

ظهور الدواب رواه الترمذي وابن ماجة وروى ابو داود

پشتهای چهارپایان میروید رواه ترمذی وابن ماجه وروایت کرد ابو داود

نحوه وعن ابي هريرة رض قال كان رسول الله صلى الله

مانند آن وروایت است از ابی هریره رض گفت وی که بود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم اذا صلى على الجنازة قال اللهم اغفر لحينا

علیه وسلم چون میگذارد نماز جنازه میگفت خداوندا بیامرز زندهای ما را

وميتنا وشاهدنا وغائبنا وصغيرنا وكبيرنا وذكرنا

ومرده‌های ما را وحاضرهای ما وغائب ما را وخرد ما را وبزرگ ما را ونر بنده ما را

وانثانا اللهم من احييته منا فاحيه على الاسلام

وماده بنده ما را خداوندا کسیکه زنده داری تو اورا از ما پس زنده دار اورا بر مسلمانی

ومن توفيته منا فتوفه على الايمان اللهم لا تحرمنا

وکسیکه میرانی اورا از ما پس میران اورا بر ایمان خداوندا نا امید مگردان ما را

أجره ولا تفتنّا بعده رواه أحمد وأبو داود والترمذي

از مزد او و در فتنه مینداز ما را پس از وے رواه احمد و ابوداود و ترمذی

وابن ماجة وعن عائشة رض قالت قال رسول الله صلى

و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم لا تسبّوا الأموات فإنهم قد أفضوا إلى

الله علیه وسلم که دشنام مکنید و بد مگوئید مرده ها را زیرا که ایشان بتحقیق رسیدند بسوئے جزائے

ما قدّموه رواه البخاري وعن ابن عمر رض قال قال

که پیش فرستادند رواه البخاری و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذكروا محاسن موتاكم

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کنید و بگوئید نیکیهائے مرده هائے خود را

وكفّوا عن مساويهم رواه أبو داود والترمذي

و باز ایستید از ذکر کردن بدیهائے ایشان رواه ابوداود و الترمذی

وعن مالك بن هبيرة قال سمعت رسول الله صلى

و روایت است از مالک بن هبیره گفت شنیدم پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم يقول ما من مسلم يموت فيصلّي عليه

الله علیه وسلم را میگفت نیست هیچ مسلمانے که بمیرد پس نماز بگذارند بر وے

ثلاثة صفوف من المسلمين إلا أوجب فكان مالك

سه صف از مسلمانان مگر واجب گرداند خدا او را بهشت پس بود مالک بن هبیره

إذا استقلّ أهل الجنازة جزّأهم ثلاثة صفوف

وقتی که کم میدید اهل جنازه یعنے مردم را که حاضر آمده بودند بخشش میکرد و میساخت سه صف

بهذا الحديث رواه أبو داود

بسبب این حدیث رواه ابوداود

بَابُ دَفْنِ الْمَيِّتِ

باب دفن الميت

عَنْ سُفْيَانَ التَّمَّارِ اَنَّهُ رَاٰى قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از سفیان تمار بدرستیکه وے دید قبر آنحضرت را صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُسَنَّمًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

علیه وسلم سنم یعنی بر شکل کوہان شتر رواہ البخاری و روایت ست از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاَنْ يَّجْلِسَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم ہر آئینہ اینکہ بنشیند

اَحَدُكُمْ عَلٰى جَمْرَةٍ فَتُحْرِقَ ثِيَابَهُ فَتَخْلُصَ اِلٰى جِلْدِهٖ

یکے از شما . اخگر سوزان پس بسوزاند جامہ ہاے اورا پس برسد آن جمرہ تا بپوست وے

خَيْرٌ لَّهُ مِنْ اَنْ يَّجْلِسَ عَلٰى قَبْرٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بہتر است مراورا از نشستن وے برقبر روایت کرد این حدیث را مسلم وار

ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ

ابن عمر مرویست کہ بدرستیکہ پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بود

اِذَا اَدْخَلَ الْمَيِّتَ الْقَبْرَ قَالَ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ

کہ چون می در آورد مردہ را در قبر میگفت بسم الله و بالله و علے ملة

رَسُوْلِ اللّٰهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ وَعَلٰى سُنَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ

رسول الله و در روایتے و بر سنت پیغامبر خدا صلے رواہ

اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَرَوٰى اَبُوْ دَاوُدَ الثَّانِيَةَ

احمد و الترمذی و ابن ماجه و روایت کرد بوداود روایت ثانی را

وَعَنْ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ اَبِيْهِ مُرْسَلًا اَنَّ النَّبِيَّ

و روایت است از جعفر ابن محمد از پدرش از روے مرسل بدرستیکه آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَثَى عَلَى الْمَيِّتِ ثَلٰثَ حَثَيَاتٍ بِيَدَيْهِ

صلی الله علیه وسلم خاک انداخت بر مرده سه بار خاک انداختنی بهر دو دست خود

جَمِيْعًا وَاَنَّهٗ رَشَّ عَلٰى قَبْرِ ابْنِهٖ اِبْرَاهِيْمَ وَوَضَعَ عَلَيْهِ حَصْبَاءَ

و بدرستیکه آب پاشید بر گور پسر خود ابراهیم و نهاد بر قبر وے سنگریزه ها

رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ جَابِرٍ رضه قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد این حدیث را در شرح سنه و روایت است از جابر رض گفت جابر نهی کرده پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يُّجَصَّصَ الْقُبُوْرُ وَاَنْ يُّكْتَبَ عَلَيْهَا

صلی الله علیه وسلم از گچکاری کردن قبرها و از انکه نوشته شود بر قبور

وَاَنْ يُّبْنٰى عَلَيْهَا وَاَنْ تُوْطَأَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ

و نهی کرد از انکه بنا کرده شود بر قبر و از انکه پامال کرده شود قبور رواه ترمذی و هم از و مرویست گفت جابر

رُشَّ قَبْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَانَ الَّذِيْ رَشَّ الْمَاءَ

که آب پاشیده شد قبر آنحضرت صلی الله علیه وسلم و بود آنکس که پاشید آب را

عَلٰى قَبْرِهٖ بِلَالُ بْنُ رَبَاحٍ بِقِرْبَةٍ بَدَأَ مِنْ قِبَلِ رَاْسِهٖ

بر قبر آنحضرت بلال ابن رباح از مشک که شروع کرد از جانب سر آنحضرت

حَتّٰى انْتَهٰى اِلٰى رِجْلَيْهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

تا آنکه رسید بهر دو پای مبارک آنحضرت رواه بیهقی در دلائل نبوة

وَعَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى عَائِشَةَ رض

و روایت است از قاسم بن محمد گفت که در آمدم بر عائشه رض

فَقُلْتُ يَا اُمَّاهُ اكْشِفِيْ لِيْ عَنْ قَبْرِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

پس گفتم ای مادر من بکشا و پرده بردار برای من از قبر آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَصَاحِبَيْهِ فَكَشَفَتْ لِيْ عَنْ ثَلٰثَةِ قُبُوْرٍ لَا مُشْرِفَةٍ

وسلم و هر دو یار وے پس پرده برداشت برای من از سه قبر که نه بلند بود

وَلَا لَاطِئَةٍ مَبْطُوحَةٍ بِبَطْحَاءِ الْعَرْصَةِ الْحَمْرَاءِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

و نه متصل بزمین سنگریزه پهن شده بود و سے سنگریزه آن سرخ رواه ابو داود

وَعَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عائشه رض بدرستیکه پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم

قَالَ كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهِ حَيًّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ

فرمود شکستن استخوان مرده همچو شکستن استخوان اوست در حال حیات رواه مالک و ابوداود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ قَالَ رَآنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ

و ابن ماجه و روایت است از عمرو بن حزم گفت دید مرا آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِئًا عَلَى قَبْرٍ فَقَالَ لَا تُؤْذِ صَاحِبَ

علیه وسلم تکیه زننده بر قبرے فرمود آزار مکن صاحب

هٰذَا الْقَبْرِ أَوْ لَا تُؤْذِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

این قبر را یا فرمود آزار مکن آنرا رواه احمد

بَابُ الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ وَبَيَانِ

باب گریستن بر مرده و بیان

أَجْرِ مَنْ صَبَرَ عَلَى مَوْتِ أَوْلَادِهِ

مزد کسے که صبر کرد بر موت اولاد خود

عَنْ أَنَسٍ رض قَالَ دَخَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روایت است از انس رض گفت انس در آمدیم ما همراه آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ عَلَى أَبِي سَيْفٍ الْقَيْنِ وَكَانَ ظِئْرًا لِإِبْرَاهِيمَ فَأَخَذَ

وسلم بر ابی سیف آهنگر و بود وے شوهر دایه ابراهیم بن محمد پس گرفت

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِبْرَاهِيمَ فَقَبَّلَهُ وَشَمَّهُ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم ابراهیم را پس بوسه داد اورا و بو کرد اورا

ثُمَّ دَخَلْنَا عَلَيْهِ بَعْدَ ذٰلِكَ وَاِبْرَاهِيمُ يَجُودُ بِنَفْسِهِ

پس درآمدیم بایشان بعد از آن همراه آنحضرت و حالانکه ابراهیم جود و سخاوت میکرد بجان خود

فَجَعَلَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس در ایستاد هر دو چشم آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَذْرِفَانِ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ الرَّحْمٰنِ ابْنُ عَوْفٍ وَاَنْتَ

که روان شد اشکها از آن پس گفت بآنحضرت عبد الرحمن ابن عوف و تو گریه میکنی

يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَالَ يَا ابْنَ عَوْفٍ اِنَّهَا رَحْمَةٌ ثُمَّ

ای پیغمبر خدا باین معرفت پس فرمود ای فرزند عوف این اشکها اثر رحمت است پستر

اَتْبَعَهَا بِاُخْرٰى فَقَالَ اِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ

پس در گردانید آن اشکها را باشکهای دیگر پس فرمود بدرستیکه چشم اشک میریزد و دل

يَحْزَنُ وَلَا نَقُولُ اِلَّا مَا يَرْضٰى رَبُّنَا وَاِنَّا بِفِرَاقِكَ

اندوهگین میگردد و نمیگوئیم مگر آنچه که خوشنود است پروردگار ما و بدرستیکه ما بجدائی تو

يَا اِبْرَاهِيمُ لَمَحْزُونُونَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ای ابراهیم هر آئینه اندوهگینیم متفق علیه است وروایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ

الله علیه وسلم نیست از اهل طریقه ما کسی که بزند رخسارها را

وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پاره کند گریبان‌ها را و بخواند بخواندن جاهلیت چنانکه نوحه و دعا بویل وغیره متفق علیه

وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ أُغْمِيَ عَلَى أَبِي مُوسَى فَأَقْبَلَتْ

و روایت است از ابی بُرده گفت که بیهوش شد ابوموسی اشعری پس پیش آمد

امْرَأَتُهُ أُمُّ عَبْدِ اللهِ تَصِيحُ بِرَنَّةٍ ثُمَّ أَفَاقَ فَقَالَ

زن وی که کنیت او ام عبدالله است در حالیکه آواز میکرد به گریستن پس بهوش آمد پس گفت

أَلَمْ تَعْلَمِي وَكَانَ يُحَدِّثُهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

آیا نمی دانی تو و بود ابوموسی که خبر میداد که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَخَرَقَ

علیه وسلم فرمود که من بیزارم از کسی که بسترد موی سر را و بلند کند آواز را و پاره کند گریبان را در مصیبت

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهُ لِمُسْلِمٍ وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ

متفق علیه و لفظ این مر مسلم راست و روایت است از ابی مالک

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ

چهار خصلت است در امت من از کار جاهلیت که نمی گذارند آنها را یکی نازیدن

فِي الْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْاِسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ

در حسبها و دوم طعن کردن در نسبها مردم و سوم طلب باران کردن بستارها و چهارم

وَالنِّيَاحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ

نوحه کردن بر مرده و فرمود آنحضرت که زن نوحه گر چون توبه نکند پیش از مرگ خود استاده کرده شود

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

در روز قیامت و حال آنکه بر آن زن پیراهنی است از قطران و پیراهنی است از جرب

رواہ مسلم وعن انس قال مر النبی صلی اللہ علیہ

روایت کرد اورا مسلم و روایت است از انس رض گفت گذشت آنحضرت صلی اللہ علیہ

وسلم بامرأۃ تبکی عند قبر فقال اتقی اللہ واصبری

وسلم بزنیکہ گریہ میکرد نزد گورے پس فرمود آنحضرت کہ بپرہیز از خدا و شکیبائی کن

قالت الیک عنی فانک لم تصب بمصیبتی ولم تعرفہ

گفت آن زن بآنحضرت کہ یکسو شو از من زیراکہ تو مصیبت زدہ نشدی بمصیبت من و نشناخت آن زن حضرت را

فقیل لھا انہ النبی صلی اللہ علیہ وسلم فاتت باب النبی

پس گفتہ شد آنرا کہ آنکہ این سخن گفت پیغامبر بود صلی اللہ علیہ وسلم پس آمد آن زن بدر پیغامبر

صلی اللہ علیہ وسلم فلم تجد عندہ بوابین فقالت

صلی اللہ علیہ وسلم پس نیافت آن زن نزد آنحضرت دربانانرا پس گفت آن زن

لم اعرفک فقال انما الصبر عند الصدمۃ الاولی

کہ من نشناختم ترا پس فرمود آنحضرت جز این نیست کہ صبر نزد وقت نخستین است

متفق علیہ وعن ابی سعید الخدری رض قال

متفق علیہ و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت

لعن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم النائحۃ والمستمعۃ

لعنت کردہ است پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم زن نوحہ کنندہ را و زن گوش دارندہ نوحہ را

رواہ ابوداؤد وعن سعد ابن ابی وقاص رض قال قال

روایت کرد اورا ابو داؤد و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم عجب للمؤمن ان اصابہ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم عجب است مر مسلمانانرا اگر برسد اورا

خیر حمد اللہ وشکر وان اصابتہ مصیبۃ حمد اللہ وصبر

نیکی از نعمت ستایش میکند خدا را و سپاس میگوید اگر رسد او را رنجی و اندوہ ثنا میگوید خدا را و شکیبائی میورزد

فَالْمُؤْمِنُ يُؤْجَرُ فِي كُلِّ اَمْرِهٖ حَتّٰى فِي اللُّقْمَةِ يَرْفَعُهَا اِلٰى

پس مسلمان مزد داده می شود در همه کارها تا آنکه در لقمه که بلند می دارد آنرا

فِي امْرَاَتِهٖ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسٍ رض

در دهن زن خود رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ اِلَّا

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نیست هیچ مومن مگر آنکه

وَلَهٗ بَابَانِ بَابٌ يَصْعَدُ مِنْهُ عَمَلُهٗ وَبَابٌ يَنْزِلُ مِنْهُ

او را دو در است دریکه بالا میرود ازان عمل او و دری نیست که فرود می آید ازان در

رِزْقُهٗ فَاِذَا مَاتَ بَكَيَا عَلَيْهِ فَذٰلِكَ قَوْلُهٗ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ

رزق او پس چون بمیرد مسلمان میگریند آن هر دو در بر وی پس آن مراد است بقول حق تعالیٰ که نه گریست

السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ

آسمان و زمین رواه ترمذی و روایت است از عبد الله بن

مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسے که تعزیت کند تسلی دهد

مُصَابًا فَلَهٗ مِثْلُ اَجْرِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

مصیبت زده را پس مراورا ست مانند اجر وے رواه الترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ بَرْزَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی برده گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ عَزّٰى ثَكْلٰى كُسِيَ بُرْدًا فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم کسیکه تعزیت کند و صبر فرماید ثکلی را پوشانیده شود مراورا جامه در بهشت رواه ترمذی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ رض قَالَ لَمَّا جَآءَ نَعْيُ جَعْفَرٍ

و روایت است از عبد الله بن جعفر رض گفت هرگاه که آمد خبر موت جعفر رض

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِصْنَعُوا لِآلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَقَدْ

فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بسازيد براے آل واولاد جعفر طعامے را پس تحقيق

أَتَاهُمْ مَا يَشْغَلُهُمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

آمده است ايشان را چيزے كه باز ميدارد ايشانرا از طعام رواه ترمذى وابوداود وابن ماجه

وَعَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

وروايت است از مغيره بن شعبه رض گفت شنيدم من آنحضرت صلى

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ نِيحَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ يُعَذَّبُ بِمَا نِيحَ

الله عليه وسلم را كه ميگفت كسيكه نوحه كرده ميشود بروے پس بدرستيكه او عذاب كرده شود بچيزيكه نوحه كرده

عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى رض قَالَ

بروے روز قيامة متفق عليه است وروايت است از ابى موسى رض گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ مَيِّتٍ

شنيدم آنحضرت صلى الله عليه وسلم را كه ميگفت نيست هيچ مرده كه

يَمُوتُ فَيَقُومُ بَاكِيهِمْ فَيَقُولُ وَاجَبَلَاهُ وَاسَيِّدَاهُ وَنَحْوَ

ميميرد پس مى ايستد گريه كننده قوم پس ميگويد آن گريه كننده واے كوه واے مهتر و مانند آن

ذٰلِكَ إِلَّا وُكِّلَ اللهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَلْهَزَانِهِ وَيَقُولَانِ

الفاظ ديگر مگر آنكه مى سپارد خداى باو دو فرشته را كه ميكوبند آن ميت را وميگويند اورا

أَهٰكَذَا كُنْتَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

بطريق استهزا آيا همچنين بودهٔ تو رواه ترمذى وروايت است از ابن عباس رض

قَالَ مَاتَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت مرد زينب بنت پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم

فَبَكَتِ النِّسَاءُ فَجَعَلَ عُمَرُ رض يَضْرِبُهُنَّ بِسَوْطِهِ فَأَخَّرَهُ

پس گريستند زنان پس در ايستاد عمر رض كه ميزد ايشانرا بتازيانه خود پس دور كرد عمر را

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهٖ وَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَرُ
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدست مبارک خود و فرمود کہ آہستہ شو اے عمر
ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُنَّ وَنَعِيقَ الشَّيْطَانِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهٗ مَهْمَا كَانَ
پستر فرمود آنحضرت آن زنان را کہ دور دارید خود را از آواز شیطان پستر گفت آنحضرت ہر چیزیکہ شان اللہ ہر چہ
مِنَ الْعَيْنِ وَمِنَ الْقَلْبِ فَمِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ الرَّحْمَةِ وَمَا كَانَ
باشد از چشم و از دل پس آن از خدا است عزوجل و از مہربانیست و چیزیکہ باشد
مِنَ الْيَدِ وَمِنَ اللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ أَحْمَدُ
از دست و از زبان پس آن از شیطان است رواہ احمد
وَعَنِ الْبُخَارِيِّ تَعْلِيقًا قَالَ لَمَّا مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ
و بخاری در صحیح خود بطریق تعلیق آوردہ است کہ چون مرد حسن بن امام حسن
بْنِ عَلِيٍّ رض ضَرَبَتِ امْرَأَتُهُ الْقُبَّةَ عَلٰى قَبْرِهٖ سَنَةً ثُمَّ
بن علی رض زد زن او خیمہ را بر قبر او تا یک سال پستر
رُفِعَتْ فَسَمِعَتْ صَائِحًا يَقُولُ أَلَا هَلْ وَجَدُوا مَا فَقَدُوا
برداشت خیمہ را پس شنید آواز سنندۂ را کہ میگوید آگاہ باشید کہ آیا یافتند چیزیرا کہ گم کردہ بودند
فَأَجَابَهُ آخَرُ بَلْ يَئِسُوا فَانْقَلَبُوا وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ
پس آواز داد دیگر بلکہ نومید شدند پس برگشتند و روایت است از عمران بن
حُصَيْنٍ وَأَبِي بَرْزَةَ رض قَالَا خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى
حصین و از ابی برزہ رض گفتند کہ بیرون آمدیم ما با پیغمبر خدا صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ فَرَأَى قَوْمًا قَدْ طَرَحُوا أَرْدِيَتَهُمْ
اللہ علیہ وسلم همراه بمتابعت جنازہ پس دید آنحضرت گروہی کہ بتحقیق انداختند رداہای خود را
يَمْشُونَ فِي قُمُصٍ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
میرفتند در پیرہنہای خود پس فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُونَ أَوْ بِصَنِيعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُونَ

آیا بکردار اہل جاہلیت عمل میکنید یا بکار وپیشہ جاہلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُونَ فِي غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم که دعای بد کنم بر شما اینچنین دعا که برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُودُوا لِذٰلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی که پس گرفتند ردا های خود را و باز نگشتند بآن فعل رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهَى رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت که نهی کرد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آنکه

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پسی روی کرده شود جنازه را که با او نوحه گری باشد رواه احمد و ابن ماجه و روایت است از

أَبِي أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُولُ

ابی امامه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدای تعالی ای فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُولَى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول کوفتن مصیبت راضی نمیشوم ترا از روی ثواب بغیر بهشت یعنی البته داخل میکنم ترا در بهشت رواه ابن ماجه

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست هیچ مرد مسلمانی و نه زن مسلمان که رسیده شود بمصیبتی پس یاد میکند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذٰلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا جَدَّدَ اللهُ

اگرچه دراز بود زمان آن پس تو پدید کند مر آن را و خبر از مصیبت استرجاع مگر آنکه نو میکند

تَبَارَكَ وَتَعَالٰی عِنْدَ ذٰلِكَ فَاَعْطَاهُ مِثْلَ اَجْرِهَا يَوْمَ اُصِيْبَ

تبارک و تعالی ثواب را نزد آن پس بدهد خدا او را مانند اجر او در روزی که رسیده است

بِهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ

بآن مصیبت روایت کرده احمد و بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اِذَا انْقَطَعَ شِسْعُ اَحَدِكُمْ فَلْيَسْتَرْجِعْ فَاِنَّهُ مِنَ الْمَصَائِبِ

که چون بسند دوال نعل یکی از شما پس باید که استرجاع کند زیرا که گسستن دوال نیز از مصیبت است

وَعَنْ اُمِّ الدَّرْدَاءِ قَالَتْ سَمِعْتُ اَبَا الدَّرْدَاءِ يَقُوْلُ سَمِعْتُ

و روایت است از ام الدرداء که گفت شنیدم ابو الدرداء را که میگفت شنیدم

اَبَا الْقَاسِمِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ

آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدا تبارک

وَتَعَالٰی قَالَ يَا عِيْسٰی اِنِّيْ بَاعِثٌ مِنْ بَعْدِكَ اُمَّةً اِذَا اَصَابَهُمْ

و تعالی فرموده است ای عیسی بدرستیکه من برانگیزنده ام پس از تو گروهی را که چون برسد ایشان را

مَا يُحِبُّوْنَ حَمِدُوا اللّٰهَ وَاِنْ اَصَابَهُمْ مَا يَكْرَهُوْنَ احْتَسَبُوْا

چیزی را که دوست میدارند نعمت که میگویند خدا را و اگر برسد ایشان را چیزی که ناخوش دارند آنرا از بلیه امید

وَصَبَرُوْا وَلَا حِلْمَ وَلَا عَقْلَ فَقَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ

و صبر میکنند و حال آنکه نیست ایشان را بردباری و عقل و تدبیر پس گفت عیسی ای پروردگار من چگونه

يَكُوْنُ هٰذَا لَهُمْ وَلَا حِلْمَ وَلَا عَقْلَ فَقَالَ اُعْطِيْهِمْ مِنْ

باشد این صبر و احتساب ایشان را و حال آنکه نیست علم و عقل پس گفت پروردگار که میدهم من ایشان را از

حِلْمِيْ وَعِلْمِيْ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ

حلم خود و علم خود روایت کرده این دو حدیث را بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا یموت لمسلم ثلاثة من الولد فیلج النار الا تحلة القسم

نمی میرد مسلمانی را که کس از فرزندان پس درآید آتش دوزخ را مگر برای حلال گردانیدن و کشادن سوگند حق سبحانه

متفق علیه وعنه قال قال رسول الله صلی الله علیه

متفق علیه و روایت است از وی گفت ابوهریره که فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم لنسوة من الانصار لا یموت لاحدٰکن ثلاثة

وسلم مر جماعهٔ زنان را از قبیله انصار که نمی میرد مر یکی را از شما سه

من الولد فتحتسبه الا دخلت الجنة فقالت امرأة منهن

فرزند پس صبر کند و طلب ثواب دارد مگر آنکه درآید بهشت را پس گفت زنی از میان ایشان

او اثنان یا رسول الله قال او اثنان رواه مسلم وفی روایة

یا دو فرزند هم همین را ای پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو هم همین حکم است روایت کرده مسلم و در روایتی

لهما ثلاثة لم یبلغوا الحنث وعنه قال قال رسول الله

مر یکی و مسلم را چنین آمده نمی میرد سه کس که نرسیده اند بحد گناه یعنی بالغ نشده اند و هم از وی گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم یقول الله ما لعبدی المؤمن عندی

صلی الله علیه وسلم در حدیث قدسی که میگوید خدای تعالی نیست مر بندهٔ مسلمان را نزد من

جزاء اذا قبضت صفیه من اهل الدنیا ثم احتسبه الا

پاداشی چون قبض کنم و بمیرانم دوست خالص او را از اهل دنیا چنانچه فرزند پس صبر کند و نظر بر ثواب دارد مگر

الجنة رواه البخاری وعن ابن عباس قال قال

بهشت را روایت کرده البخاری و روایت است از ابن عباس رضی گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم من کان له فرطان من امتی

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسی که باشد او را دو فرط از امت من

ادخله الله بهما الجنة فقالت عائشة رض فمن كان له

ورا در آورد خدا بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عایشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فرط من امتك قال ومن كان له فرط يا موفقة فقالت

یک فرط از امت تو پس آورا همانست فرمود و کسے که باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بتعلیم شرائع

فمن لم يكن له فرط من امتك قال فانا فرط امتي لن يصابوا

پس گفت عایشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو حال او چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من ام هرگز مصیبت زده

بمثلي رواه الترمذي وعن ابي موسى الاشعري

بمانند مصیبت من پس رواه ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا مات ولد

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون می‌میرد فرزند

العبد قال الله تعالى لملائكته قبضتم ولد عبدي

بنده میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بنده مرا

فيقولون نعم فيقول قبضتم ثمرة فؤاده فيقولون نعم

پس میگویند فرشتگان آرے قبض کردیم پس میگوید بار تعالی قبض کردید میوهٔ دل او را پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم

فيقول ماذا قال عبدي فيقولون حمدك واسترجع

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بندهٔ من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله وانا الیه راجعون گفت

فيقول الله ابنوا لعبدي بيتا في الجنة وسموه بيت

پس میگوید حق تعالی برآرید برائے بندهٔ من خانه در بهشت و میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانه

الحمد رواه احمد والترمذي وعن ابي هريرة رض

حمد رواه احمد والترمذی و روایت است از ابی هریره رض

ان رجلا قال له مات ابن لي فوجدت عليه هل سمعت

که مردے گفت مر او را مرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی تو

مِنْ خَلِيلِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ شَيْئًا يُطَيِّبُ بِأَنْفُسِنَا عَنْ

از جانب دوست تو درود ہائے خدا بر او باد چیزے کہ خوش سازد نفسہای ما را

مَوْتَانَا قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُهُ قَالَ صِغَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ

مردہای خود گفت آرے شنیدم آنحضرت را کہ گفت خردان مسلمانان دعامیص بہشت اند

يَلْقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ فَيَأْخُذُ بِنَاحِيَةِ ثَوْبِهِ فَلَا يُفَارِقُهُ حَتَّى

پیش می آید یکے از خردان پدر خود را پس میگیرد کنارہ جامۂ پدر را پس جدا نمی شود از وے تا آنکہ

يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَأَحْمَدُ وَاللَّفْظُ لَهُ وَعَنْ مُعَاذِ

درمی آرد او را در بہشت رواہ مسلم واحمد ولفظ حدیث مر احمد راست وروایت است از معاذ

ابْنِ جَبَلٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

ابن جبل رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیستند

مُسْلِمَيْنِ يُتَوَفَّى لَهُمَا ثَلَاثَةٌ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللّٰهُ الْجَنَّةَ

دو مسلمانے یعنے مادر و پدر کہ بمیرد مر ایشانرا سہ کس از فرزندان مگر آنکہ در آرد آن دو مسلمانرا حق تعالیٰ در بہشت

بِفَضْلِهِ وَرَحْمَتِهِ إِيَّاهُمَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَوِ اثْنَانِ

بفضل و مہربانی خود بر دو مادر و پدر را پس گفتند ای پیغامبر خداے یا دو کس بمیرند

قَالَ أَوِ اثْنَانِ قَالُوا أَوْ وَاحِدٌ قَالَ أَوْ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي

گفت آنحضرت یا دو کس بمیرند گفتند یا یک کس بمیرد فرمود یا یک کس بمیرد پس فرمود سوگند بآنخداے

نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ

کہ بقائے ذات من بدست اوست بدرستیکہ بچہ ناتمام ہر آئینہ میکشد مادر خود را بسر خود بسوے بہشت

إِذَا احْتَسَبَتْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ قَوْلِهِ

چون صبر کند بر وے رواہ احمد وروایت کرد ابن ماجہ از قول آنحضرت کہ

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی قَالَ

والذی نفسی بیدہ است وروایت است از عبد اللہ بن مسعود رضی گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَدَّمَ ثَلَاثَةً مِّنَ

گفت پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسے کہ پیش فرستد سہ کس را از

الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ كَانُوا لَهُ حِصْنًا حَصِيْنًا مِّنَ النَّارِ

اولاد کہ نرسیدند حد بلوغ را باشند این سہ فرزند برا او پناہ استوار از آتش دوزخ

فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ قَدَّمْتُ اثْنَيْنِ قَالَ وَاثْنَيْنِ قَالَ أُبَيُّ ابْنُ

پس گفت ابوذر کہ پیش فرستادم دو کس گفت آنحضرت و دو کس ہم پناہ باشند گفت ابی ابن

كَعْبٍ أَبُو الْمُنْذِرِ سَيِّدُ الْقُرَّاءِ قَدَّمْتُ وَاحِدًا قَالَ وَوَاحِدًا

کعب کہ کنیت او ابو منذر است و در شان وے سید القراء واقع شدہ است پیش فرستادہ ام یکی را گفت آنحضرت و یکی ہم

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ قُرَّةَ الْمُزَنِيِّ

روایت الترمذی و ابن ماجہ در روایت است از قرہ مزنی

أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ

بدرستیکہ بود مردے کہ می آمد نزد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم و حال آنکہ با وے بود

ابْنٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُحِبُّهُ

پسرے مر او را پس گفت او را پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم آیا دوست میداری این پسر را

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَحَبَّكَ اللّٰهُ كَمَا أُحِبُّهُ فَفَقَدَهُ النَّبِيُّ

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا دوست دارد ترا خدا تعالی آنچنانکہ دوست دارم او را پس گم کرد و ندید آن پسر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ فَقَالُوا

صلی اللہ علیہ وسلم پس گفت آنحضرت کہ چہ شد فرزند فلانے پس گفتند

يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ای پیغامبر خدا مرد آن پسر پس فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

أَمَا تُحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ

کہ آیا دوست نمیداری تو کہ نیائی تو ہیچ درے از درہای بہشت مگر آنکہ یابی تو او را کہ

يَنْتَظِرُكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ لَهُ خَاصَّةً

انتظار میبرد ترا پس گفت مردے کہ اے پیغامبر خدا امر او را است این شرده خاص

أَمْ لِكُلِّنَا قَالَ بَلْ لِكُلِّكُمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ

یا بہمہ ما ست گفت آنحضرت بلکہ بہمہ شما رواہ احمد وروایت است از

عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

إِنَّ السِّقْطَ لَيُرَاغِمُ رَبَّهُ إِذَا أَدْخَلَ أَبَوَيْهِ النَّارَ

بدرستیکہ بچہ افگندہ ہر آئینہ حجت میکند بر پروردگار خود او چون درآرد پروردگار پدر و مادر او در آتش

فَيُقَالُ أَيُّهَا السِّقْطُ الْمُرَاغِمُ رَبَّهُ أَدْخِلْ أَبَوَيْكَ

پس گفتہ می شود اے سقط حجت کنندہ پروردگار خود را درآر مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ فَيَجُرُّهُمَا بِسَرَرِهِ حَتّٰى يُدْخِلَهُمَا

در بہشت پس میکشد این سقط مادر و پدر خود را بسر رشتہ تا آنکہ درمی آرد مادر و پدر خود را

الْجَنَّةَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

در بہشت رواہ ابن ماجہ

بَابُ زِيَارَةِ الْقُبُورِ

باب در بیان زیارت قبور

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ زَارَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی ہریرہ رض گفت ابو ہریرہ زیارت کرد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

بعد از وفات وی ویکی از مشایخ عظام گفتہ است کہ دیدم از مشایخ چہار کس را کہ تصرف می کنند در قبور خود مانند تصرفہا ایشان

قَبْرَ أُمِّهٖ فَبَكٰى وَاَبْكٰى مَنْ حَوْلَهٗ فَقَالَ اسْتَاْذَنْتُ رَبِّيْ

قبر مادر خود پس گریه کرد و گریانید کسے را که گرد آنحضرت بود پس فرمود که طلب اذن کردم پروردگار خود را

فِيْ اَنْ اَسْتَغْفِرَ لَهَا فَلَمْ يُؤْذَنْ لِيْ فَاسْتَاْذَنْتُهٗ فِيْ

در آنکه طلب آمرزیدن کنم برائے او پس اذن داده نشد مرا پس اذن طلب کردم پروردگار خود را در

اَنْ اَزُوْرَ قَبْرَهَا فَاَذِنَ لِيْ فَزُوْرُوا الْقُبُوْرَ فَاِنَّهَا

آنکه زیارت کنم قبر مادر خود را پس اذن داده شد مرا پس زیارت کنید قبرها را زیراکه قبرها

تُذَكِّرُ الْمَوْتَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ

یاد میدهند موت را روایت کرده مسلم و روایت است از بریده رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعَلِّمُهُمْ اِذَا خَرَجُوْا

بود آنحضرت صلے اللہ علیه وسلم که تعلیم میکرد صحابه را چون بیرون می آمدند

اِلَى الْمَقَابِرِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

بسوئے قبرها این کلمات را که سلام بر شما اے اهل سراها از گروندگان

وَالْمُسْلِمِيْنَ وَاِنَّا اِنْ شَآءَ اللّٰهُ بِكُمْ لَلَاحِقُوْنَ نَسْاَلُ

و گردن نهندگان و ما اگر خواسته است خدا تعالٰی بشما رسندگانیم و پیوستگانیم می طلبیم از

اللّٰهَ لَنَا وَلَكُمُ الْعَافِيَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

خدا برای خود و برائے شما عافیت و سلامت از عذاب رواه مسلم و روایت است از

مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ يَرْفَعُ الْحَدِيْثَ اِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

محمد بن نعمان در حالتیکه میرساند حدیث را به پیغمبر خدا صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ اَبَوَيْهِ اَوْ اَحَدِهِمَا فِيْ كُلِّ جُمُعَةٍ

وسلم گفت آنحضرت کسیکه زیارت کرد قبر مادر و پدر خود را یا قبر یکے ازین دو را در هر هفته

غُفِرَ لَهٗ وَكُتِبَ بَرًّا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ مُرْسَلًا

آمرزیده شود مر آنکس را و نوشته شود بر ضد عاق در دیوان نیکی روایت کرده بیهقی در شعب ایمان از روی ارسال

وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُوْرِ فَزُوْرُوْهَا فَإِنَّهَا

فرمود که بودم که نهی کرده بودم شما را از زیارت قبرها پس اکنون زیارت کنید آنها را زیرا که قبرها

تُزَهِّدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

بی رغبت میگرداند در دنیا و یاد میدهد آخرت را روواه ابن ماجه

كِتَابُ الزَّكٰوةِ

کتاب الزکوة

وَالَّذِيْنَ يَكْنِزُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُوْنَهَا فِيْ

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی کنند آنرا در

سَبِيْلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيْمٍ يَوْمَ يُحْمٰى عَلَيْهَا

راه خدا پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده شود بر آن

فِيْ نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوْبُهُمْ وَظُهُوْرُهُمْ

در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان را و پهلوهای ایشانرا و پشت ایشان

هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُوْنَ

اینست آنچه ذخیره کردید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

وَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَمَا تُقَدِّمُوْا لِأَنْفُسِكُمْ

و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید برای خویشتن

مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ

از نیکوکاری خواهید یافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه میکنید بیناست

عَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا

نیست هیچ صاحب زر و نه سیم که نمی دهد ادا از آن حق آن را مگر آنکه چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي

باشد روز قیامت کوفته و ساخته شود برای او صفیحها از آتش پس گرم کرده می شود بر آن صفیحها در

نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوٰى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِيْنُهُ وَظَهْرُهُ كُلَّمَا رُدَّتْ

آتش دوزخ پس داغ کرده می شود بآن صفحها پهلوی آنکس و پیشانی او و پشت او هرگاه سرد کرده شوند آن

أُعِيْدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِيْنَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى

باز گردانیده شوند برای آنکس در روزی که باشد اندازهٔ وی پنجاه هزار سال تا آنکه

يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرٰى سَبِيْلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى

حکم کرده شود میان بندگان پس دیده شود راه وی بسوی بهشت و یا بسوی

النَّارِ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَالْإِبِلُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ

دوزخ گفتند صحابه یا رسول الله پس حکم شتر چیست گفت آنحضرت و نیست هیچ خداوند شتران که

لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا وَمِنْ حَقِّهَا حَلَبُهَا يَوْمَ وِرْدِهَا

ادا نمیکند از آنها حق آنرا و از جمله حقوق شتران دوشیدن شتران است روز ورود شتران

إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ أَوْفَرَ مَا كَانَتْ

مگر آنکه چون باشد روز قیامت برو انداخته شود صاحب شتران بصحرای فراخ هموار در حالیکه بود

لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيْلًا وَاحِدًا تَطَؤُهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ

شتران فربه تر تمام در حالیکه گم نمیکند از آن شتران یک بچه شتر را پامال میکنند آنکس را بسمهای خود و میگزند آن شتران

بِأَفْوَاهِهَا كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أُوْلَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ

بدهنهای خود هرگاه که بگذرد بروی اول شتران باز گردانیده شود بروی آخر ایشان آنها در روزی

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِيْنَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ

که باشد اندازهٔ آن پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان

فَيَرٰى سَبِيْلَهٗ اِمَّا اِلَى الْجَنَّةِ وَاِمَّا اِلَى النَّارِ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

پس می بیند آنکس راه خود یا بسوئے بهشت و یا بسوئے دوزخ گفتند صحابه ای پیغامبر خدا

فَالْبَقَرُ وَالْغَنَمُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ بَقَرٍ وَّلَا غَنَمٍ لَا يُؤَدِّيْ

پس چیست حکم بقر و غنم فرمود و نه خداوند بقر و نه خداوند غنم که ادا نمی کند

مِنْهَا حَقَّهَا اِلَّا اِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ

از آن حق آن مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر روئے انداخته شود صاحب آن [illegible] فراخ

وَّلَا يَفْقِدُ مِنْهَا شَيْئًا لَيْسَ فِيْهَا عَقْصَاءُ وَلَا جَلْحَاءُ

و حالیکه گم نمیکند صاحب آن از آن گاوان و گوسپند چیزی را حالیکه نیست در آن گاوان و گوسپندان پیچیده شاخها و نیست آنکه

وَّلَا عَضْبَاءُ تَنْطَحُهٗ بِقُرُوْنِهَا وَتَطَاؤُهٗ بِاَظْلَافِهَا كُلَّمَا

و نه شکسته شاخ میزنند آن گاوان صاحب خود را بشاخهای خود و پامال میکنند این گاوان و گوسپندان آنکس را بظلافهای خود هرگاه که

مَرَّ عَلَيْهِ اُوْلَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ اُخْرَاهَا فِيْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ

بگذرد بر وی طائفه نخستین باز گردانیده شود بر وی طائفه پسین آنها در روزی که باشد اندازه آن

خَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرٰى سَبِيْلَهٗ

پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان پس به بیند راه خود

اِمَّا اِلَى الْجَنَّةِ وَاِمَّا اِلَى النَّارِ الْحَدِيْث رَوَاهُ مُسْلِمٌ

یا بسوئے بهشت و یا بسوئے دوزخ تا آخر حدیث روایت کرد مسلم

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ اٰتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكٰوتَهٗ مُثِّلَ لَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

کسیکه بدهد او را خدای تعالی مال پس ادا نکند زکوة آن را مصور گردانیده شود برای وی مال وی روز قیامت

شُجَاعًا اَقْرَعَ لَهٗ زَبِيْبَتَانِ يُطَوَّقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَاْخُذُ

بصورت شجاع اقرع مار بی موی سر دارای دو نقطه سیاه است بالای دو چشم گردانیده شود آن مار مانند طوق در گردن آنکس روز قیامت

يُطَوِّقُهُ ثُمَّ يَأْخُذُ بِلِهْزِمَتَيْهِ يَعْنِي شِدْقَيْهِ يَقُولُ أَنَا مَالُكَ أَنَا كَنْزُكَ

برود طرف کنج دهن وے پس میگوید آن مار بزبان حال من مال توام من گنج توام که نزکوة آن ندادی

ثُمَّ تَلَا وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ الْآيَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پس خواند آنحضرت این آیت را تا آخر رواه بخاری

وَعَنْ عَدِيِّ بْنِ عُمَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از عدی بن عمیره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعْمَلْنَاهُ مِنْكُمْ عَلَى عَمَلٍ فَكَتَمَنَا مِخْيَطًا

علیه وسلم هرکس که عامل گردانیدیم ما او را از شما بر عملے پس پوشید از ما چیزیرا که بالمیت وسوزن است

فَمَا فَوْقَهُ كَانَ غُلُولًا يَأْتِي بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس پوشید چیزیرا که بالا سوزن است یا باشد آن کتمان غلول می آید بکسی این فعل روز قیامت وقتی مرده شود

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از رافع بن خدیج گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَامِلُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِالْحَقِّ كَالْغَازِي

علیه وسلم عمل کننده بر صدقه بطریق حق [illegible] است که غزا کننده است

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ حَتّٰى يَرْجِعَ إِلٰى بَيْتِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

در [illegible] تا [illegible] بسوے خانه خود رواه ابو داود والترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره چون وفات یافت آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَاسْتُخْلِفَ أَبُو بَكْرٍ بَعْدَهُ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ

وسلم وخلیفه گرفته شد ابو بکر بعد وے وکافر شد بانکار زکوة آنکه کافر شد از عرب

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِأَبِي بَكْرٍ رض كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ

[illegible] ابو بکر صدیق را رض چگونه مقاتله میکنیم مردمان را

وقد قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أمرت أن

وگفت آنکہ بتحقیق فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم امر کردہ شدہ ام کہ

أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فمن قال لا إله

قتال کنم مردمان را تا آنکہ بگویند لا الہ الا اللہ پس کسیکہ بگوید لا الہ

إلا الله عصم مني ماله ونفسه إلا بحقه وحسابه على

الا اللہ نگاہ دارد از من مال خود را و نفس خود را مگر بحق اسلام و حساب او بر

الله فقال أبو بكر والله لأقاتلن من فرق بين الصلوة

خداست پس گفت ابو بکر بخدا سوگند ہر آئینہ قتال می کنم کسے را کہ فرق کند میان نماز

والزكوة فإن الزكوة حق المال والله لو منعوني عناقا

و میان زکوٰۃ زیرا کہ زکوٰۃ حق واجب در مال است بخدا سوگند اگر منع کنند مرا بز غالہ

كانوا يؤدونها إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

کہ بودند کہ ادا میکردند آنرا بسوئے پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لقاتلتهم على منعها قال عمر فوالله ما هو إلا رأيت

ہر آئینہ قتال می کنم ایشان را بر منع عناق گفت عمر پس سوگند بخدا نبود حال او ابو بکر مگر آنکہ

أن الله شرح صدر أبي بكر للقتال فعرفت أنه الحق

بتحقیق کہ خدا کشادہ سینہ ابی بکر برائے قتال پس شناختم کہ ہمین است حق کہ قتال کرد ابو بکر

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

متفق علیہ و ہم از وے است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وسلم يكون كنز أحدكم يوم القيمة شجاعا أقرع يفر

وسلم می باشد گنج یکے از شما روز قیامت مار بزرگ کہ موی سر ندارد و وے گریزد

منه صاحبه وهو يطلبه حتى يلقمه أصابعه رواه أحمد

از آن مار صاحب آن گنج و حال آنکہ آن مار میجوید او را تا آنکہ لقمہ گرداند آنرا انگشتان خود را رواہ احمد

[illegible]



وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رضـ گفت عائشه شنیدم آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا خَالَطَتِ الزَّكٰوةُ مَالًا قَطُّ اِلَّا اَهْلَكَتْهُ

وسلم را که میگفت که نیامیخت زکوة هیچ مالے را هرگز مگر آنکه هلاک کرد زکوة اورا

رَوَاهُ الشَّافِعِيُّ وَالْبُخَارِيُّ فِيْ تَارِيْخِهٖ وَالْحُمَيْدِيُّ وَزَادَ قَالَ

روایت کرد این را شافعی و روایت کرد بخاری در تاریخ خود و حمیدی و زیاده کرد تفسیر مراد مخالطت

يَكُوْنُ قَدْ وَجَبَ عَلَيْكَ صَدَقَةٌ فَلَا تُخْرِجُهَا فَيُهْلِكُ الْحَرَامُ

می باشد آنکه تحقیق واجب شده است بر تو زکوة و بیرون نکردی آن را پس هلاک میگرداند حرام

الْحَلَالَ الْحَدِيْثَ وَعَنْ اُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ كُنْتُ اَلْبَسُ اَوْضَاحًا

حلال را تا آخر حدیث و روایت است از ام سلمه رضـ گفت ام سلمه بودم که می پوشیدم اوضاح

مِنْ ذَهَبٍ فَقُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَكَنْزٌ هُوَ فَقَالَ مَا بَلَغَ

که نوعی از زیور طلا است پس گفتم ای رسول خدا آیا گنج است این پس فرمود هر چیزیکه برسد مقدار را

اَنْ يُؤَدّٰى زَكٰوتُهٗ فَزُكِّيَ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْ دَاؤُدَ

که ادا کرده میشود زکوة آن پس ادا کرده شود زکوة آن پس نیست کنز که بر آن وعید است روایت کرد این را مالک و ابو داؤد

بَابُ مَنْ لَا تَحِلُّ لَهُ الْمَسْئَلَةُ وَمَنْ تَحِلُّ لَهٗ

باب در بیان کسیکه حلال نیست او را سوال کردن و گدائی کردن و کسیکه حلال است او را

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ سَاَلَ النَّاسَ اَمْوَالَهُمْ تَكَثُّرًا فَاِنَّمَا يَسْئَلُ

وسلم کسیکه سوال کند از مردم مالهای ایشان بقصد زیادت شدن مال خود پس جز این نیست که سوال میکند

جَمْرًا فَلْيَسْتَقِلَّ اَوْ لِيَسْتَكْثِرْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

اخگر را پس گو کم طلبد یا بسیار بهر تقدیر سوال ضرر دارد روایت کرد این را مسلم و روایت است از

الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّى اللّٰہُ عَلَيْہِ وَسَلَّمَ

زبیر بن عوام گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَأَنْ يَّأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَہٗ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ حَطَبٍ عَلٰى

ہرآئینہ بگیرد یکے از شما رسن خود را پس بیارد پشتہ ہیزم را بر پشت خود

ظَهْرِهٖ فَيَبِيْعَهَا فَيَكُفَّ اللّٰہُ بِهَا وَجْهَہٗ خَيْرٌ لَّہٗ مِنْ أَنْ يَّسْأَلَ

پس بفروشد مر آنرا باز دارد حق تعالیٰ بان پشتۂ ہیزم آبروی او را بہتر ست مر او را

النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

ازانکہ سوال کند مردم او را یا نہ دہند رواہ البخاری و روایت ست از ابن عمر رض

أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّى اللّٰہُ عَلَيْہِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ

بدرستیکہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود در حال آنکہ وی بر منبر بود

وَهُوَ يَذْكُرُ الصَّدَقَةَ وَالتَّعَفُّفَ عَنِ الْمَسْأَلَةِ الْيَدُ الْعُلْيَا

و آن حضرت ذکر میکرد صدقہ را و باز ایستادن از سوال حرام دست بالا

خَيْرٌ مِّنَ الْيَدِ السُّفْلٰى وَالْيَدُ الْعُلْيَا هِيَ الْمُنْفِقَةُ وَالسُّفْلٰى

بہتر ست از دست پایان و تفسیر کرد آنحضرت کہ دست علیا دستی ست کہ خرچ کنندہ است

هِيَ السَّائِلَةُ مُتَّفَقٌ عَلَيْہِ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ

سوال کنندہ متفق علیہ و روایت ست از ابی سعید خدری رض

قَالَ إِنَّ أُنَاسًا مِّنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوْا رَسُوْلَ اللّٰہِ صَلَّى اللّٰہُ

گفت کہ بعضے مردمان از انصار سوال کردند از رسول خدا صلی اللہ

عَلَيْہِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوْهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتّٰى

علیہ وسلم پس داد آن حضرت ایشان را پس سوال کردند پس داد ایشان را تا آنکہ

نَفِدَ مَا عِنْدَہٗ فَقَالَ مَا يَكُوْنُ عِنْدِيْ مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهٗ

تمام شد چیزیکہ نزد آنحضرت بود پس فرمود آنچہ میباشد نزد من از خیر یعنے از مال پس ذخیرہ نمی کنم

وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللّٰهُ وَمَنْ

وکسیکه باز ایستد از سوال و نگاه دارد خود را نگاه دارد او را خدا تعالی و کسیکه استغنا ورزد

يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللّٰهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً هُوَ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ

تکلف کند و در آید در صبر کردن صبر بخشد او را خدا و داده نشده است هیچ یکی دادنی که آن بهتر است

مِنَ الصَّبْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ

از صبر متفق علیه و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم میداد مرا بخشش

فَأَقُولُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي فَقَالَ خُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ

پس می گفتم که بده آنرا که محتاج تر بسوی آن از من پس گفت آنحضرت بگیر آنرا پس مال ساز آنرا

وَتَصَدَّقْ بِهِ فَمَا جَاءَكَ مِنْ هٰذَا الْمَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا

و تصدق کن با آن پس چیزیکه بیاید ترا ازین مال و حال آنکه انتظار نبرنده و نه سوال کننده

سَائِلٍ فَخُذْهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَمُرَةَ

پس بگیر آنرا و چیزیکه چنین نیست پس در پی مگردان آنرا نفس خود را متفق علیه و روایت است از

بْنِ جُنْدُبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سمرة بن جندب رض گفت سمرة فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الْمَسَائِلُ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ

سوالها خراشها و جراحتها است که مجروح می گرداند بآنها مرد روی خود را پس کسیکه خواهد

أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ

نگاه دارد بر روی خود را و کسیکه خواهد ترک کند آنرا مگر آنکه سوال کند مرد خداوند سلطنت را یا در کاری

أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

یا سوال کند در کاری که نمی یابد از آن چاره رواه ابو داؤد و ترمذی و نسائی

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

وروایت ست از سہل بن حنظلیہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيْهِ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ سوال کند و نزد وی چیزی باشد کہ بی نیاز گرداند او را از سوال پس نیست جز این

فَإِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ قَالَ النُّفَيْلِيُّ وَهُوَ أَحَدُ رُوَاتِهِ فِيْ مَوْضِعٍ

مگر آنکہ میکند طلب بسیاری از آتش گفته است نفیلی و آن یکی از راویان این حدیث است در جای دیگر ازین حدیث

آخَرَ وَمَا الْغِنَى الَّذِيْ لَا يَنْبَغِيْ مَعَهُ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قَدْرُ

و چیست غنا کہ روا نیست با وی سوال کردن گفت مقدار

مَا يُغَدِّيْهِ وَيُعَشِّيْهِ وَقَالَ فِيْ مَوْضِعٍ آخَرَ أَنْ يَكُوْنَ

چیزیست کہ آنرا قوت بامداد گرداند و قوت شبانگاہ و گفته است نفیلی در جای دیگر حد غنا اینست کہ باشد

لَهُ شِبَعُ يَوْمٍ أَوْ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنْ

مراو را چیزی کہ سیر گرداند او را روز یا روز و شب رواہ ابو داود روایت ست از

حُبْشِيِّ بْنِ جُنَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

حبشی بن جنادہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَلَا لِذِيْ مِرَّةٍ سَوِيٍّ

وسلم بدرستیکہ سوال کردن حلال نیست مر توانگر را و نہ مر خداوند قوۃ سلیم الاعضا را

إِلَّا لِذِيْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ أَوْ غُرْمٍ مُفْظِعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ

ولیکن حلال ست مر خداوند فقر را کہ چسپاننده است بخاک یا حلال ست مر خداوند دام را کہ

لِيُثْرِيَ بِهِ مَالَهُ كَانَ خُمُوْشًا فِيْ وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَرَضْفًا يَأْكُلُهُ

در قطاعت افگنده است و کسیکہ سوال کند مردم را تا بسیار کند بآن مال خود را میباشد آن سوال خمها در روی او در روز قیامت سنگ

مِنْ جَهَنَّمَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْثِرْ

از دوزخ پس کسیکہ خواہد کم کند و ہر کہ خواہد زیادہ کند



رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ الْفِرَاسِيِّ أَنَّ الْفِرَاسِيَّ قَالَ

روایت کرد آنرا ترمذی و روایت ست از ابن الفراسی که منسوب ست بفراس بن غنم گفت

قُلْتُ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُ يَا رَسُولَ

ابن فراس از پدرش گفت گفتم مر پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم آیا سوال کنم من ای پیغمبر

اللّٰهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا وَإِنْ كُنْتَ

خدا از مردم چیزی پس فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم سوال مکن و اگر ہستے تو

لَا بُدَّ فَسَأَلِ الصَّالِحِينَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ

که البته بیخواہی پس سوال کن صالحان را از جہت کرم ایشان رواه ابوداود والنسائی و روایت ست از

عَلِيٍّ رض أَنَّهُ سَمِعَ يَوْمَ عَرَفَةَ رَجُلًا يَسْأَلُ النَّاسَ

علی کرم اللہ وجہہ که وی شنید روز عرفه مردیرا که سوال میکرد مردمان را

فَقَالَ أَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الْمَكَانِ تَسْأَلُ مِنْ

پس فرمود آیا درین روز که عرفه است و درین مکان که عرفات ست سوال میکنی از

غَيْرِ اللّٰهِ فَخَفَقَهُ بِالدِّرَّةِ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ عُمَرَ رض

غیر خدا پس زد علی کرم اللہ وجہہ آنمرد را بدره رواه رزین و روایت ست از عمر رض

قَالَ تَعَلَّمُنَّ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّ الطَّمَعَ فَقْرٌ وَأَنَّ الْإِيَاسَ غِنًى

گفت عمر رض بدانید ای مردم که امید داشتن از مال مردم سبب فقر ست و نا امید بودن توانگری بی نیازی ست

وَأَنَّ الْمَرْءَ إِذَا يَئِسَ عَنْ شَيْءٍ اسْتَغْنٰى عَنْهُ رَوَاهُ رَزِينٌ

و بدرستیکه مرد وقتیکه نا امید شود از چیزی بی نیاز میشود ازان رواه رزین رض

وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از ثوبان مولای آنحضرت گفت که فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ يَتَكَفَّلُ لِي أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا فَأَتَكَفَّلُ لَهُ

کیست که ضامن شود مرا که سوال نکند از مردم چیزی پس ضامن شوم مر او را

بالجنة فقال ثوبان انا فكان لا يسأل احدا شيئا رواه

به بهشت پس گفت ثوبان من ضامن می شوم پس بود ثوبان که سوال نمیکرد هیچ یکے را چیزی رواه

ابوداود والنسائي وعن ابي ذر رض قال دعاني

ابوداود والنسائی وروایت است از ابی ذر رض گفت ابوذر رض خواند مرا

رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يشترط علي ان

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم وحال آنکہ وی طلب شرط میکند بر من کہ

لا تسأل الناس شيئا قلت نعم قال ولا سوطك ان

سوال نکنی تو از مردم چیزے گفتم آرے شرط کردم و گفت آنحضرت ... طلب نکنی تازیانۂ خود را که بیفتد

سقط منك حتى تنزل اليه فتأخذه رواه احمد باب

از دست تو تا آنکه فرود آئی تو از اسپ بسوی تازیانه پس بگیری آنرا رواه احمد باب

الانفاق وكراهية الامساك

الذين ينفقون اموالهم

الانفاق وکراہت امساک کسانیکه خرچ میکنند اموال خویش

بالليل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم عند ربهم

شب و روز پنهان وآشکارا پس ایشان را مزد ایشان است نزدیک پروردگار ایشان

ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ○ ولا يحسبن الذين

ونیست ترس بایشان ونه ایشان اندوهگین شوند باید که گمان نکنند آنانکه

يبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خيرا لهم

بخل می کنند بانچه عطا کرده است ایشان را خدا از فضل خود این بخل بهتر است برای خویش

بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا به

بلکه او بد است برای ایشان نزدیک است که بشکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند بآن

يوم القيامة قل لعبادي الذين

روز قیامت بگو آن بندگان مرا

اٰمَنُوْا يُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً

که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرچ کنند از آنچه ما روزی داده ایم ایشان را پنهان و آشکارا

مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خِلٰلٌ ۞ مَنْ ذَا الَّذِيْ

پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست دران و نه باید یگر دوستی بود کیست آنکه

يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗٓ اَضْعَافًا كَثِيْرَةً

وام دهد خدا را وام دادن نیک پس دو چند سازد خدا اعمال را برای او بمراتب بسیار

وَاللّٰهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۞ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا

و خدا تنگ میسازد و کشاده میکند روزی را و بسوئے او بازگردانیده میشوید اے مسلمانان

اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا

خرچ کنید از آنچه روزی داده ایم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست دران و نه دوستی و نه

شَفَاعَةٌ ۚ وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۞ اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

سفارش و کافران ایشانند ظالمان آنانکه خرچ میکنند

اَمْوَالَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُوْنَ مَآ اَنْفَقُوْا مَنًّا وَّلَآ

اموال خود را در راه خدا باز از پی آن انفاق نمی آرند منت نهادن را و نه

اَذًى ۙ لَّهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان

يَحْزَنُوْنَ ۞ قَوْلٌ مَّعْرُوْفٌ وَّمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ

اندوهگین شوند سخن ملایم گفتن و درگذشتن از بی ادبی سائل بهتر ست

مِّنْ صَدَقَةٍ يَّتْبَعُهَآ اَذًى ۗ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَلِيْمٌ ۞

ازان خیرات که از پئے آن آزرده کردن ست و خدا بے نیاز بردبار ست

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُبْطِلُوْا صَدَقٰتِكُمْ

ای مومنان تباه مکنید خیرات خود را

بِالْمَنِّ وَالْأَذٰى كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَاءَ النَّاسِ

بمنت نهادن و آزرده کردن همچو کسیکه خرچ میکند مال خود را برائے نمودن مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ

و ایمان ندارد بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا

سنگ صاف است که بروے باشد از خاک بسیار رسید بوے باران عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده

لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

توانائی ندارند اهل ریا بر چیزے از آنچه عمل کردند و خدا راه نمی نماید

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ۞ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

گروه کافران را و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ لِيْ مِثْلُ اُحُدٍ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم اگر می بود مرا مانند کوه احد

ذَهَبًا لَسَرَّنِيْ اَنْ لَا يَمُرَّ عَلَيَّ ثَلٰثُ لَيَالٍ وَعِنْدِيْ

طلا هر آئینه شاد میکرد و می بود مرا اینکه نگذرد بر من سه شب و حال آنکه نزد من

مِنْهُ شَيْءٌ اِلَّا شَيْءٌ اُرْصِدُهٗ لِدَيْنٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزے از آن باقیست مگر چیزیکه آماده سازم آنرا برا وام روواه بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از وی روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا وَمَلَكَانِ يَنْزِلَانِ

نیست هیچ روزیکه صبح میکنند بندگان در وے مگر آنکه فرود می آیند دو فرشته از آسمان

فَيَقُوْلُ اَحَدُهُمَا اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا وَيَقُوْلُ

پس میگوید یکی از ینها دو فرشته خداوندا بده انفاق کننده را چیزے بجائے وے و میگوید فرشته

الآخَرُ اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُمْسِكًا تَلَفًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

دیگر خداوندا بده بخیل را ہلاکی مال کہ نگاه میدارد متفق است بخاری ومسلم و روایت است از

اَسْمَاءَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ

اسماء بنت ابی بکر گفت اسماء فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اَنْفِقِيْ وَلَا تُحْصِيْ فَيُحْصِيَ اللّٰهُ عَلَيْكِ وَلَا تُوْعِيْ

وسلم انفاق کن وشمار مکن کہ چند دہم پس احصا کند خدا بر تو و نگاه مدار مال

فَيُوْعِيَ اللّٰهُ عَلَيْكِ اِرْضَخِيْ مَا اسْتَطَعْتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پس نگاه دارد خدا بر تو بده آنچه میتوانی اگرچه اندک باشد متفق علیه

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ

و روایت است از ابی ہریرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی اَنْفِقْ يَا ابْنَ اٰدَمَ اُنْفِقْ

علیه وسلم فرمود خدا تعالی انفاق کن اے پسر آدم تا انفاق کنم

عَلَيْكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ

بر تو متفق علیه و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا ابْنَ اٰدَمَ اَنْ تَبْذُلَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت خدا در حدیث قدسی اے فرزند آدم بذل کردن تو

الْفَضْلَ خَيْرٌ لَّكَ وَاَنْ تُمْسِكَهُ شَرٌّ لَّكَ وَلَا تُلَامُ

زیاده از قدر حاجت بہتر است مر ترا و نگاہداشتن تو آنرا و بخل کردن بدتر است مر ترا و نکوہیده نمی شوی تو

عَلٰی كَفَافٍ وَابْدَاْ بِمَنْ تَعُوْلُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بر نگاه داشتن کفاف و آغاز کن در بذل زاید از کفاف بعیال خود رواه مسلم و روایت است از

جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

جابر رض گفت جابر فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاتَّقُوا

پرهیز کنید ظلم را زیرا که ظلم سبب ظلمات متعدده است روز قیامت و پرهیز کنید

الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَمَلَهُمْ

بخل و حرص را زیرا که بخل نیست گردانیده است کسانی را که پیش از شما بودند برانگیخت ایشان را

عَلٰى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ

بر آنکه ریختند خون یکدیگر را و حلال گردانیدند چیزها را که حرام گردانیده است خدا

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره گفت مردے

يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَيُّ الصَّدَقَةِ أَعْظَمُ أَجْرًا قَالَ أَنْ

ای پیغمبر خدا کدام صدقه بزرگتر است از روے اجر و ثواب فرمود که بزرگترین صدقها آنست که

تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَحِيحٌ شَحِيحٌ تَخْشَى الْفَقْرَ وَتَأْمُلُ الْغِنٰى

تصدق کنی و حال آنکه تو تندرستی و بخیلی و حالیکه میترسی درویشی را و امید میداری توانگری را

وَلَا تُمْهِلْ حَتّٰى إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ قُلْتَ لِفُلَانٍ

و توقف مکن تا آنکه برسد روح در گلو بگوئی فلانی را

كَذَا وَلِفُلَانٍ كَذَا وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چنین و فلان را چنین و حال آنکه هست مر فلان را متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسَّخِيُّ قَرِيبٌ مِّنَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ

علیه و سلم سخی نزدیک است از جناب رحمت و رضاے حق نزدیک است از بهشت که در آید آنرا

قَرِيبٌ مِّنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِّنَ النَّارِ وَالْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِّنَ اللّٰهِ

نزدیک است از دلها و مردم بهشت بعید است از دوزخ و بخیل بعید است از رحمت حق

بعید من الجنة بعید من الناس قریب من النار

بعید است از بهشت بعید است از صحبت مردمان قریب است از دوزخ

ولجاهل سخی احب الی الله من عابد بخیل رواه

وتحقیق جاهل سخی دوست داشته شده تر است از عابد بخیل رواه

الترمذی وعن ابی سعید رض قال قال رسول الله

الترمذی و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلی الله علیه وسلم لان یتصدق المرء فی حیاته بدرهم

صلی الله علیه وسلم هر آئینه تصدق کردن مرد یک درهم را در زندگانی خود

خیر له من ان یتصدق بمائة عند موته رواه ابوداود

بهتر است مراورا از تصدق کردن وے بصد درهم نزد مردن رواه ابو داود

وعن ابی الدرداء قال قال رسول الله صلی الله علیه

و روایت است از ابی درداء گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم مثل الذی یتصدق عند موته او یعتق کالذی

وسلم حال کسیکه تصدق کند نزد مردن خود یا آزاد میکند بنده را مانند حال کسے که

یهدی اذا شبع رواه احمد والنسائی والدارمی و

هدیه میفرستد طعام را بعد از انکه سیر شد رواه احمد والنسائی والدارمی و

الترمذی وصححه وعن ابی سعید رض قال قال

الترمذی و حکم کرد بصحت آن و از ابی سعید روایت است گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم خصلتان لا یجتمعان فی

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت جمع نشوند در

مؤمن البخل وسوء الخلق رواه الترمذی وعن

هیچ مسلمانی یکے بخیلی دیگر بد خلقی رواه الترمذی و روایت است از

أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی بکر الصدیق رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ خَبٌّ وَلَا بَخِيلٌ وَلَا مَنَّانٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

در نمی آید بہشت را این سہ کس اول مرد فریبندہ دوم بخیل و سوم مردمنت نہندہ بعد از عطا روایت الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ شَرُّ مَا فِي الرَّجُلِ شُحٌّ هَالِعٌ وَجُبْنٌ خَالِعٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

وسلم بدترین خصلتہا کہ در مرد است دو خصلت است یکی بخل جزع و فزع کنندہ و دوم بزدلی ترسندگی کہ زائل کردہ جان از تن

وَعَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ بَيْنَمَا رَجُلٌ بِفَلَاةٍ

و روایت است از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت وقتیکہ مردے حاضر بود

مِنَ الْأَرْضِ فَسَمِعَ صَوْتًا فِي سَحَابَةٍ اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ

بہ بیابانے از زمین پس شنید آوازے در ابرے کہ میگوید آب دہ بستان فلان را

فَتَنَحَّى ذٰلِكَ السَّحَابُ فَأَفْرَغَ مَاءَهُ فِي حَرَّةٍ فَإِذَا شَرْجَةٌ

پس یکسو شد آن ابر پس ریخت آن آب خود را در زمین سنگستان پس ناگاه آب راہے

مِنْ تِلْكَ الشِّرَاجِ قَدِ اسْتَوْعَبَتْ ذٰلِكَ الْمَاءَ كُلَّهُ فَتَتَبَّعَ

از ان آب راہہا بتحقیق فرا گرفتہ است آن آب را ہمہ پس پیروی کرد آنمرد

الْمَاءَ فَإِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِي حَدِيقَتِهِ يُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهِ

آب را پس ناگاہ مردے ایستادہ است در حدیقہ خود میگرداند آب را بہ بیل آہنین

فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ مَا اسْمُكَ قَالَ فُلَانٌ لِلْاسْمِ الَّذِي

پس گفت مر این مرد را اے بندہ خدا چیست نام تو گفت نام من فلانست آن نامے کہ

سَمِعَ فِي السَّحَابَةِ فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللّٰهِ لِمَ تَسْأَلُنِي

شنیدہ بود در ابر پس گفت صاحب باغ مر آنمرد را اے بندہ خدا برائے چہ میپرسی مرا

عَنِ اسْمِي فَقَالَ اِنِّي سَمِعْتُ صَوْتًا فِي السَّحَابِ الَّذِي

از نام من پس گفت آنمرد من شنیده ام آوازے را در ابر که

هٰذَا مَاءُهُ وَيَقُولُ اسْقِ حَدِيقَةَ فُلَانٍ لِاسْمِكَ فَمَا تَصْنَعُ

این آب اوست میگفت آن آواز یعنی کسیکه آواز میکرد آب ده حدیقه فلانرا میگفت بنام ترا پس کار میکنی

فِيهَا قَالَ اَمَّا اِذَا قُلْتَ هٰذَا فَاِنِّي اَنْظُرُ اِلَى مَا يَخْرُجُ مِنْهَا

در حدیقه خود گفت من نخواسته بودم که اظهار کنم لیکن چون گفتی این را بگویم پس بدرستی من نگاه میکنم بسوے چیزے که بیرون می آید از آن

فَاَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهِ وَاٰكُلُ اَنَا وَعِيَالِي ثُلُثًا وَاَرُدُّ فِيهَا ثُلُثَهُ

پس تصدق میکنم بسه یک آن و میخورم من و عیال من از ثلث آن و باز میگردانم در حدیقه خود ثلث آن

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ اَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه مسلم و هم از ابی هریره است رض که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يَقُولُ اِنَّ ثَلٰثَةً مِنْ بَنِي اِسْرَائِيلَ اَبْرَصَ وَاَقْرَعَ وَاَعْمٰى

که میگفت بدرستیکه سه کس بودند از قوم بنی اسرائیل یکے ابرص دوم اقرع سوم کور

فَاَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَبْتَلِيَهُمْ فَبَعَثَ اِلَيْهِمْ مَلَكًا فَاَتَى الْاَبْرَصَ

پس خواست خدا تعالی که ابتلا کند ایشانرا پس فرستاد خدا بسوے ایشان فرشته را پس آمد آن فرشته نزد ابرص

فَقَالَ اَيُّ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ لَوْنٌ حَسَنٌ وَجِلْدٌ حَسَنٌ

پس گفت فرشته کدام چیز دوست داشته شده تر است بسوے تو گفت رنگ نیک و پوست نیک

وَيَذْهَبُ عَنِّي الَّذِي قَدْ قَذِرَنِي النَّاسُ قَالَ فَمَسَحَهُ

و اینکه برود از من آنچه بتحقیق پلید و مکروه میدارند مرا مردم گفت آنحضرت پس مسح کرد فرشته او را

فَذَهَبَ عَنْهُ قَذَرُهُ فَاُعْطِيَ لَوْنًا حَسَنًا وَجِلْدًا حَسَنًا قَالَ

پس رفت از وے پلیدی وے پس داده شد او را رنگ نیکو و پوست نیک گفت فرشته

فَاَيُّ الْمَالِ اَحَبُّ اِلَيْكَ قَالَ الْاِبِلُ اَوْ قَالَ الْبَقَرُ شَكَّ

پس کدام مال محبوب تر است بسوے تو گفت شتر یا گفت بقر بجاے ابل شک کرده است

إِسْحٰقُ إِلَّا أَنَّ الْأَبْرَصَ أَوِ الْأَقْرَعَ قَالَ أَحَدُهُمَا الْإِبِلُ

اسحق مگر اینکه ابرص یا اقرع گفت یکے ازان دو شتر

وَقَالَ الْآخَرُ الْبَقَرُ قَالَ فَأُعْطِيَ نَاقَةً عُشَرَاءَ فَقَالَ بَارَكَ

و گفت دیگر گاو گفت پس داده شد او را ماده شترے حامل ده ماه پس گفت فرشته برکت دهاد

اللّٰهُ لَكَ فِيْهَا قَالَ فَأَتَى الْأَقْرَعَ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ

خدای مر ترا درین ناقه گفت پس آمد نزد اقرع پس گفت فرشته کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

قَالَ شَعَرٌ حَسَنٌ وَيَذْهَبُ عَنِّيْ هٰذَا الَّذِيْ قَدْ قَذِرَنِي النَّاسُ

گفت موے نیک و اینکه برود ازمن آنچه که بتحقیق مکروه پنداشته اند مرا مردمان

قَالَ فَمَسَحَهُ فَذَهَبَ عَنْهُ قَالَ وَأُعْطِيَ شَعَرًا حَسَنًا قَالَ فَأَيُّ

گفت پس مسح کرد پس رفت از وے گفت داده شد موے نیک گفت فرشته پس کدام

الْمَالِ أَحَبُّ إِلَيْكَ قَالَ الْبَقَرُ فَأُعْطِيَ بَقَرَةً حَامِلًا قَالَ

مال محبوب تر است بسوے تو گفت بقر پس داده شد او را گاوے باردار و حامله گفت فرشته

بَارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِيْهَا فَأَتَى الْأَعْمٰى فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ

برکت دهاد خدا مر ترا در آن گاو ان پس آمد فرشته نزد کور پس گفت کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

فَقَالَ أَنْ يَرُدَّ اللّٰهُ إِلَيَّ بَصَرِيْ فَأُبْصِرُ بِهِ النَّاسَ قَالَ

پس گفت کور اینکه باز گرداند خدا تعالی بسوے من بینائی من پس ببینم بوے مردمان را گفت

فَمَسَحَهُ فَرَدَّ اللّٰهُ إِلَيْهِ بَصَرَهُ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ أَحَبُّ إِلَيْكَ

پس مسح کرد فرشته او را و باز گردانید خدا بسوے وی بینائی او را گفت فرشته پس کدام مال محبوب تر است بسوے تو

قَالَ الْغَنَمُ فَأُعْطِيَ شَاةً وَالِدًا فَأُنْتِجَ هٰذَانِ وَوَلَّدَ هٰذَا

گفت کور گوسپندان محبوب تر است پس داده شد گوسپند زاینده پس نتاج کردند این دو و تولید کرد این یعنے صاحب غنم

فَكَانَ لِهٰذَا وَادٍ مِنَ الْإِبِلِ وَلِهٰذَا وَادٍ مِنَ الْبَقَرِ وَلِهٰذَا

پس گشت حاصل مر این را وادی از شتر و مر این را وادی از گاوان و مر این را

وَادٍ مِنَ الْغَنَمِ قَالَ ثُمَّ اِنَّهُ اَتَى الْاَبْرَصَ فِي صُوْرَتِهِ وَهَيْئَتِهِ

وادی از گوسپندان گفت آنحضرت پستر بدرستے آن فرشته آمد ابرص را در همان صورت و هیئت

فَقَالَ اِنِّيْ رَجُلٌ مِسْكِيْنٌ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الْحِبَالُ فِيْ سَفَرِيْ

پس گفت من مردے مسکینم تحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر

فَلَا بَلَاغَ لِيَ الْيَوْمَ اِلَّا بِاللّٰهِ ثُمَّ بِكَ اَسْاَلُكَ بِالَّذِيْ

پس نیست کفایت رسیدن مرا امروز مگر بخدا و فضل خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآنخدا که

اَعْطَاكَ اللَّوْنَ الْحَسَنَ وَالْجِلْدَ الْحَسَنَ وَالْمَالَ بَعِيْرًا اَتَبَلَّغُ

داده است ترا رنگ نیک و پوست نیک و داده است ترا مال شتر یرا که برسم

بِهٖ فِيْ سَفَرِيْ فَقَالَ الْحُقُوْقُ كَثِيْرَةٌ فَقَالَ اِنَّهٗ كَاَنِّيْ اَعْرِفُكَ

بآن در سفر خود پس گفت حقها بسیار است پس گفت فرشته بدرستیکه گویا من ترا می شناسم

اَلَمْ تَكُنْ اَبْرَصَ يَقْذَرُكَ النَّاسُ فَقِيْرًا فَاَعْطَاكَ اللّٰهُ

آیا نبودی تو ابرص که پلید و مکروه داشتند ترا مردم و فقیر که مال نبود نداشتے پس داد ترا خدا تعالے

فَقَالَ اِنَّمَا وَرِثْتُ هٰذَا الْمَالَ كَابِرًا عَنْ كَابِرٍ فَقَالَ اِنْ كُنْتَ

پس گفت داده نشده ام این مال را مگر میراث از آبا و اجداد بمن رسیده پس گفت فرشته اگر باشی تو

كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللّٰهُ اِلٰى مَا كُنْتَ قَالَ وَاَتَى الْاَقْرَعَ فِيْ صُوْرَتِهٖ

دروغ گو پس بگرداند ترا خدا تعالے بسوئے حالی که بودی تو گفت و آمد آن فرشته اقرع را در همان صورت نخست

فَقَالَ لَهٗ مِثْلَ مَا قَالَ لِهٰذَا وَرَدَّ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا رَدَّ عَلٰى هٰذَا

پس گفت مر آنرا مانند آنچه که گفته بود مر ابرص را و رد کرد اقرع بر فرشته مانند آنچه رد کرد بر این

فَقَالَ اِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللّٰهُ اِلٰى مَا كُنْتَ قَالَ

پس گفت فرشته اگر باشی تو دروغ گو پس بگرداند ترا خدا تعالے باز گرداند بسوئے حالیکه بودی و فرمود حضرت

وَاَتَى الْاَعْمٰى فِيْ صُوْرَتِهٖ وَهَيْئَتِهٖ فَقَالَ رَجُلٌ مِسْكِيْنٌ

و آمد آن فرشته نزد اعمی در صورتے که نخست آمده بود پس گفت من مردے مسکینم

وَابْنُ سَبِيلٍ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الْحِبَالُ فِي سَفَرِي فَلَا بَلَاغَ

وسافر بتحقیق گسستہ است ایں اسباب طلب رزق در سفر پس نیست کفایت وسیدن

لِيَ الْيَوْمَ إِلَّا بِاللهِ ثُمَّ بِكَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي رَدَّ عَلَيْكَ

مرا امروز مگر بتوفیق خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآن خدائے کہ دادہ است ترا

بَصَرَكَ شَاةً أَتَبَلَّغُ بِهَا فِي سَفَرِي فَقَالَ قَدْ كُنْتُ

بینائی تو سوال میکنم گوسپندے کہ برسم بآن در حصول سفر من پس گفت آن اعمی تحقیق بودم

أَعْمَى فَرَدَّ اللهُ إِلَيَّ بَصَرِي فَخُذْ مَا شِئْتَ وَدَعْ مَا شِئْتَ

کور پس باز گردانید خدا تعالےٰ بسوئے من بینائی من پس بگیر ہرچہ میخواہی از گوسپندان و بگذار ہرچہ میخواہی

فَوَاللهِ لَا أَجْهَدُكَ الْيَوْمَ بِشَيْءٍ أَخَذْتَهُ لِلهِ فَقَالَ أَمْسِكْ

پس بخدا سوگند کہ منع نمیکنم و در مشقت نمی اندازم ترا امروز بچیزے کہ بگیری تو آنرا برائے خدا پس گفت فرشتہ

مَالَكَ فَإِنَّمَا ابْتُلِيتُمْ فَقَدْ رَضِيَ عَنْكَ وَسَخِطَ عَلَى

مال خود را پس جز این نیست کہ ابتلا و آزمایش کردہ شدہ اید کسے پس بتحقیق خشنود شد پروردگار از تو و خشم

صَاحِبَيْكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ

دو یار تو متفق علیہ است و روایت است از ام بجید انصاریہ رض گفت

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ الْمِسْكِينَ لَيَقِفُ عَلَى بَابِي حَتَّى

گفتم اے رسول خدا بدرستیکہ مسکین ہر آئینہ می ایستد بر در من تا آنکہ

أَسْتَحْيِيَ فَلَا أَجِدُ فِي بَيْتِي مَا أَدْفَعُ فِي يَدِهِ فَقَالَ

شرم میدارم پس نمی یابم در خانہ خود چیزے کہ بنہم آنرا در دست وے پس فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادْفَعِي فِي يَدِهِ وَلَوْ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم بنہ در دست وے اگرچہ

ظِلْفًا مُحْرَقًا رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ وَعَنْ مَوْلَى لِعُثْمَانَ رض

سم سوختہ باشد رواہ ابوداؤد و روایت است از موسےٰ کہ بر عثمان را بود

قَالَ اُهْدِيَ لِاُمِّ سَلَمَةَ بِضْعَةٌ مِنْ لَحْمٍ وَكَانَ النَّبِيُّ

گفت فرستاده شده مر ام سلمه را پاره از گوشت و بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ اللَّحْمُ فَقَالَتْ لِلْخَادِمِ ضَعِيْهِ

صلی الله علیه وسلم که خوش می آمد او را گوشت پس گفت ام سلمه مر خادم را بنه آن گوشت را

فِي الْبَيْتِ لَعَلَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُهُ فَوَضَعَتْهُ

در خانه شاید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخورد آنرا پس نهاد خادم آنرا

فِي كُوَّةِ الْبَيْتِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ

در طاقچه خانه پس آمد سوال کننده پس ایستاد بر در پس گفت

تَصَدَّقُوْا بَارَكَ اللّٰهُ فِيْكُمْ فَقَالُوْا بَارَكَ اللّٰهُ فِيْكَ

تصدق کنید برکت کناد حق تعالی در شما پس گفتند اهل خانه مر سائل را که برکت کناد خدا در تو

فَذَهَبَ السَّائِلُ فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

پس رفت سائل پس در آمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یعنی در خانه پس فرمود آنحضرت

يَا اُمَّ سَلَمَةَ هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ اَطْعَمُهُ فَقَالَتْ نَعَمْ قَالَتْ

ای ام سلمه آیا هست نزد شما چیزی که بخورم پس گفت آری هست پس گفت

لِلْخَادِمِ اذْهَبِيْ فَأْتِيْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مر خادم را که برو پس بیار نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بِذٰلِكَ اللَّحْمِ فَذَهَبَتْ فَلَمْ تَجِدْهُ فِي الْكُوَّةِ اِلَّا قِطْعَةَ

آن گوشت را پس رفت خادمه پس نیافت آن گوشت را در طاقچه مگر سنگ پاره را

مَرْوَةٍ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ ذٰلِكَ اللَّحْمَ

پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه این گوشت

عَادَ مَرْوَةً لِمَا لَمْ تُعْطُوْهُ السَّائِلَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

گشت سنگ سفید از جهت ندادنش سائل را روایت کرد بیهقی در دلائل النبوة

وعن ابن عباس رضـ قال قال النبي صلى الله عليه وسلم

وروایت است از ابن عباس رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الا اخبركم بشر الناس منزلا قيل نعم قال الذي يسأل

ایا خبر دہم شما را به بدترین مردم از روی مرتبه گفته شد آرے خبر دہ فرمود آن کسے که سوال کرده شود

بالله ولا يعطي به رواه احمد وعن ابي هريرة رضـ ان

بنام خدا و نه دهد بنام خدا روایت کرد احمد وروایت است از ابی ہریرہ رضـ که

النبي صلى الله عليه وسلم دخل على بلال وعنده صبرة

آنحضرت صلی الله علیه وسلم درآمد بر بلال ونزد او توده بود

من تمر فقال ما هذا يا بلال قال شيء ادخرته لغد

از خرمای خشک پس گفت آنحضرت چیست این خرمای بلال گفت این چیزیست که ذخیره کرده بودم برای فردا

فقال اما تخشى ان ترى له غدا بخارا في نار جهنم يوم

فرمود ایا نمی ترسی که ببینی مر این تمر را فردا دود در آتش دوزخ روز

القيمة انفق بلال ولا تخش من ذي العرش اقلالا

قیامت خروج کن اے بلال ومترس از خداوند عرش کم کردن را

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وہم از وے روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

السخاء شجرة في الجنة فمن كان سخيا اخذ بغصن منها

جوانمردی درختی است در بہشت پس کسیکه باشد سخی گرفته است شاخ از آن درخت

فلم يتركه الغصن حتى يدخله الجنة والشح شجرة في

پس نمی گذارد او را آن شاخ تا آنکه می درآرد او را بہشت بخل درختیست در

النار فمن كان شحيحا اخذ بغصن منها فلم يتركه الغصن

دوزخ پس ہر که بخیل است گرفته است شاخ آنرا پس نمی گذارد او را آن شاخ

حَتّٰى يُدْخِلَهُ النَّارَ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ

تا آنکه در آرد او را در دوزخ روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب الایمان وروایت است از

عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَادِرُوا

علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شتابی کنید

بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَتَخَطَّاهَا رَوَاهُ رَزِينٌ

بصدقه زیراکه بدرستی بلا تجاوز نمی کند صدقه را روایه رزین

بَابُ فَضْلِ الصَّدَقَةِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ تَعَالٰى

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ

وخرج کنید در راه خدا ومیفگنید خویشتن را بسوی هلاک

وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ

ونیکو کاری کنید هرآینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را اگر آشکارا کنید خیرات را

فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

پس نیکو چیز است آن واگر پنهان کنید وبدهید آن را بفقیران پس این بهتر است شمارا

وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ وَعَنْ

واین دور سازد از شما بعض گناهان شما را وخدا بانچه میکنید آگاه است روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسی که

تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ وَلَا يَقْبَلُ اللّٰهُ إِلَّا الطَّيِّبَ

تصدق کند برابر قیمت تمر از کسب پاک ونمی پذیرد خدا تعالی مگر پاک را

فَإِنَّ اللّٰهَ يَتَقَبَّلُهَا بِيَمِينِهِ ثُمَّ يُرَبِّيهَا لِصَاحِبِهَا كَمَا يُرَبِّي

پس بدرستیکه خدا تعالی می پذیرد آنرا بدست رحمت خود پستر پرورش میکند آن صدقه را برای صاحبش چنانکه

أَحَدُكُمْ فَلُوَّهُ حَتّٰى تَكُوْنَ مِثْلَ الْجَبَلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

یکے از شما کرہ اسپ خود را تا آنکہ بیا شد آن صدقہ مانند کوہ متفق علیہ وہم از ویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کم نکرد ہیچ صدقہ چیزے را

مِنْ مَالٍ وَمَا زَادَ اللّٰهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ اِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعَ اَحَدٌ

از مال وزیادت نکرد اینہ خدا تعالےٰ ہیچ بندہ را بسبب عفو کردن مگر عزت در دنیا و فروتنی نکند ہیچ یکے

اِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مگر آنکہ بلند گرداند قدر او را خدا تعالےٰ رواہ مسلم وہم از ویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَنْفَقَ زَوْجَيْنِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْاَشْيَاءِ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ انفاق کند دو چیز را از چیزہا

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ دُعِيَ مِنْ اَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَلِلْجَنَّةِ اَبْوَابٌ فَمَنْ كَانَ

در راہ خدا خواندہ می شود آنکس از درہاے بہشت و مر بہشت را درہاست پس کسیکہ باشد

مِنْ اَهْلِ الصَّلٰوةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلٰوةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ

از اہل نماز یعنی غالب است بروے نماز خواندہ می شود از در بہشت کہ مخصوص است باہل نماز و کسیکہ باشد از

اَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ وَمَنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ

اہل جہاد خواندہ می شود از در جہاد و کسیکہ باشد از اہل

الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ

صدقہ خواندہ می شود از باب صدقہ و کسیکہ باشد از اہل

الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ فَقَالَ اَبُوْ بَكْرٍ مَا عَلٰى مَنْ

روزہ خواندہ شود او را از در ریان یعنے در سیراب پس گفت ابو بکر صدیق رضی اللہ عنہ نیست بر کسیکہ

دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْاَبْوَابِ مِنْ ضَرُوْرَةٍ فَهَلْ يُدْعٰى اَحَدٌ

خواندہ شود از آن درہا ضرورتے پس آیا خواندہ می شود ہیچ یکے

مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَأَرْجُوْ اَنْ تَكُوْنَ مِنْهُمْ

از ہمہ درہا گفت آنحضرت آرے ہست وامید میدارم کہ باشی تو ای ابوبکرؓ از ان کسان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیہ . وہم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ اَصْبَحَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَائِمًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ تَبِعَ

یعنی پرسید اصحاب کیست کہ صبح کرد از شما امروز روزہ دار گفت ابوبکر صدیق منم یا رسول اللہ و فرمود آنحضرت کہ

مِنْكُمُ الْيَوْمَ جَنَازَةً قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ فَمَنْ اَطْعَمَ مِنْكُمُ

از شما امروز جنازہ را گفت ابوبکر صدیق منم گفت آنحضرت پس کیست کہ طعام خوراند از شما

الْيَوْمَ مِسْكِيْنًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ

امروز مسکین را گفت ابوبکر صدیق من ہستم گفت وکیست کہ پرسید از شما امروز

مَرِيْضًا قَالَ اَبُوْ بَكْرٍ اَنَا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیمار را گفت ابوبکر صدیق انا پس گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَا اجْتَمَعْنَ فِيْ امْرِءٍ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

جمع نشوند این چہار چیز در یک روز ہیچ مرد را مگر آنکہ در آید در بہشت رواہ مسلم و روایت است از

عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عائشہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

خُلِقَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِنْ بَنِيْ اٰدَمَ عَلٰى سِتِّيْنَ وَثَلٰثِ مِائَةِ مَفْصِلٍ

پیدا کردہ شدہ است ہر شخص از اولاد آدم بر سہ صد و شصت بند

فَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ وَحَمِدَ اللّٰهَ وَهَلَّلَ اللّٰهَ وَسَبَّحَ اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

پس کسیکہ بگوید اللہ اکبر و الحمد للہ و لا الہ الا اللہ و سبحان اللہ و طلب آمرزش کند از

اللّٰهَ وَعَزَلَ حَجَرًا عَنْ طَرِيْقِ النَّاسِ اَوْ شَوْكَةً اَوْ عَظْمًا

خدا و دور کند سنگے را از راہ مردم یا خار را یا استخوانے را

[illegible handwritten marginal notes]

أَوْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ عَدَدَ تِلْكَ السِّتِّينَ وَثَلٰثِمِائَةٍ

یا امر کند بمشروع یا نهی کند از نامشروع موافق عدد سه صد و شصت بند

فَإِنَّهُ يَمْشِي يَوْمَئِذٍ وَقَدْ زَحْزَحَ نَفْسَهُ عَنِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بدرستیکه آنکس راه میرود یا شام میکند در آنروز حال آنکه دور انداخته است خود را از آتش روٰه مسلم

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ

نیست هیچ مسلمانے که به نشاند درختے را یا بکارد کشتے را پس بخورد ازان

إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

آدمی یا پرنده یا چارپایه مگر آنکه باشد مر او را صدقه متفق علیه

وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رض وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ

و در روایتے مر مسلم را از جابر آمده است و آنچه دزدیده شد ازان نیز او را صدقه است

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ غُفِرَ لِامْرَأَةٍ مُؤْمِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلٰى رَأْسِ رَكِيٍّ

وسلم که آمرزیده شد مر زنے زانیه که گذشت بسگے بر سر چاهے

يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَأَوْثَقَتْهُ

درحالیکه می برآرد آن سگ زبان خود را از تشنگی نزدیک است که بکشد او را تشنگی پس بکشید آن زن زانیه موزه خود را پس بر بست

بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَغُفِرَ لَهَا بِذٰلِكَ قِيلَ إِنَّ

بسر پوش خود پس بکشید آن زن برای آن سگ چیزے از آب پس آمرزیده شد مر آن زن را بآن عمل گفته شد بدرستیکه

لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا قَالَ فِي كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ

ما را در احسان کردن بهیمه ها و سیراب کردن آنها ثواب است فرمود آنحضرت در احسان کردن به هر حیوان که خداوند جگر تر است

متفق علیه وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله

متفق علیه وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلی الله علیه وسلم مر رجل بغصن شجرة علی ظهر

صلی الله علیه وسلم گذشت مردے بشاخ درختی که بر پشت

طریق فقال لانحین هذا عن طریق المسلمین لا یؤذیهم

راه است وفوق او پس گفت هر آینه یکسو گردانم این شاخ را از راه مسلمانان تا ایذا نکند این شاخ مسلمانان را

فادخل الجنة متفق علیه وعنه قال قال رسول الله

پس درآورده شد آنمرد در بهشت متفق علیه وهم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم لقد رایت رجلا یتقلب فی الجنة

صلی الله علیه وسلم هر آینه تحقیق دیدم مردیرا که میگردد وتنعم میکند در بهشت

فی شجرة قطعها من ظهر الطریق کانت توذی الناس

بجهت درختیکه برید آنرا از ظاهر طریق وفوق آن بود آن درخت که آزار میکرد مردمرا

رواه مسلم وعن ابی برزة رض قال قلت یا نبی الله

رواه مسلم وروایت از ابی برزه رض گفت ابو برزه گفتم اے نبی الله

صلی الله علیه وسلم علمنی شیئا انتفع به قال اعزل

صلی الله علیه وسلم بیاموزان مرا چیزے از اعمال که سود مند شوم بدان فرمود آنحضرت یکسو کن

الاذی عن طریق المسلمین رواه مسلم وعن عبد الله

آنچه آزار کند از راه مسلمانان از خار وسنگ وجز آن رواه مسلم وروایت است از عبد الله

بن سلام رض قال لما قدم النبی صلی الله علیه وسلم المدینة

بن سلام رض گفت هنگامیکه قدوم آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را ازمکه بیجرت

جئت فلما تبینت وجهه عرفت ان وجهه لیس بوجه

آمدم نزد آنحضرت پس هنگامیکه دیدم وتامل کردم روی مبارک آنحضرت را شناختم که روی وی نیست روے

كَذَّابٍ فَكَانَ أَوَّلُ مَا قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلَامَ

دروغ گوئی پس بود آنحضرت نخستین چیزیکه گفت در تحیت و دعوت ای مردم این کلام امر و ما فاش گردانید سلام گفتن را

وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الْأَرْحَامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ

و بخورانید طعام مسکینان را و پیوند بدر رحمها را یعنی قرابت را و نماز بگذارید در شب در حالیکه مردم

نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

در خواب باشند اینکارها بکنید می درآیید به بهشت بسلامت از عذاب رواه الترمذی وابن ماجه

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ

والدارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رضی الله عنه گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُعْبُدُوا الرَّحْمٰنَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عبادت کنید خدای مهربان را

وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَأَفْشُوا السَّلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ

و بخورانید طعام گدارا و بلند گویید سلام را می درآیید به بهشت بسلامت از تعب و حجاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رضی قَالَ قَالَ

رواه الترمذی وابن ماجه و روایت است از انس رضی گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه تصدق کردن هر آئینه میکشد آتش

غَضَبَ الرَّبِّ وَتَدْفَعُ مِيْتَةَ السُّوْءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

خشم الهی او دور میگرداند مرگ بد را اشارتست بحصول سلامت رواه الترمذی

وَعَنْ أَبِيْ ذَرٍّ رضی قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رضی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَبَسُّمُكَ فِيْ وَجْهِ أَخِيْكَ صَدَقَةٌ وَأَمْرُكَ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ

تبسم کردن تو یعنی لب شیرین کردن در روی برادر خود صدقه است و امر کردن تو بمعروف صدقه است

وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ

و نهی کردن تو از منکر صدقه است و راه نمودن تو مرد را در زمین گمراهی که مردم در راه گم شده

صَدَقَةٌ وَنَصْرُكَ الرَّجُلَ الرَّدِيَّ الْبَصَرِ لَكَ صَدَقَةٌ

صدقه است و یاری دادن تو مرد تباه بینائی را مر ترا صدقه است

وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشَّوْكَ وَالْعَظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِفْرَاغُكَ

و دور کردن تو سنگ را و خار را و استخوان را از راه مر ترا صدقه است و ریختن تو

مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

اندلو یعنی آب را در دلو برادر خود مر ترا صدقه است رواه ترمذی و روایت است از

سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سعد بن عباده رض گفت اے رسول خدا صلی الله علیه وسلم

إِنَّ أُمَّ سَعْدٍ مَاتَتْ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ الْمَاءُ

بدرستیکه مادر سعد مرده است پس کدام صدقه بروح وی کنم بهتر است فرمود آنحضرت که آب

فَحَفَرَ بِئْرًا وَقَالَ هٰذِهِ لِأُمِّ سَعْدٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کند سعد چاهی را بنام مادر و گفت این چاه برای ام سعد است رواه ابو داود و نسائی

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عُرْيٍ كَسَاهُ اللّٰهُ مِنْ

وسلم هر مسلمانے که بپوشاند مسلمانے دیگر را جامه بر برهنگی بپوشاند او را خدا از

خُضْرِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جُوعٍ

حلهای سبز بهشت و هر مسلمانے که بخوراند مسلمانے دیگر را بر گرسنگی

أَطْعَمَهُ اللّٰهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا

بخوراند او را خدا تعالی از میوه های بهشت و هر مسلمانے که بنوشاند مسلمانے را

عَلٰى ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللّٰهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ

بر تشنگی بنوشاند اورا خدا تعالی از شراب خالص که مهر کرده شد ظروف آن رواه ابوداود

وَالتِّرْمِذِیُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّهُمْ ذَبَحُوْا شَاةً

والترمذی روایت است از عائشه رض بدرستیکه ایشان یعنی اهل بیت ذبح کردند گوسپند

فَقَالَ النَّبِیُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَقِیَ مِنْهَا فَقَالَتْ

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه چیز باقی ماند از آن گوسپند پس گفت عائشه

مَا بَقِیَ مِنْهَا اِلَّا كَتِفُهَا قَالَ بَقِیَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا رَوَاهُ

باقی نماند از وے مگر شانهٔ وے یعنی همه بخشش کردند بفقیران فرمود آنحضرت باقی ماند

التِّرْمِذِیُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

الترمذی روایت است از ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا

صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مسلمانے که بپوشاند مسلمانے را

ثَوْبًا اِلَّا كَانَ فِیْ حِفْظٍ مِنَ اللّٰهِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مِنْهُ خِرْقَةٌ

جامهٔ مگر آنکه باشد آنجامه پوشاننده در حفظ خدا تا آنوقت که باقی ماند از آن جامه پاره

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ وَعَنْ اَبِیْ ذَرٍّ رض قَالَ

رواه احمد والترمذی روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سه کس اند که دوست میدارد ایشانرا

وَثَلٰثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللّٰهُ فَاَمَّا الَّذِيْنَ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ فَرَجُلٌ اَتٰى

و سه کس اند که دشمن میدارد ایشانرا خدا پس آن کسانیکه دوست میدارد ایشان را خدا

قَوْمًا فَسَاَلَهُمْ بِاللّٰهِ وَلَمْ يَسْاَلْهُمْ بِقَرَابَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ فَمَنَعُوْهُ

که آید گروهے را پس سوال کرد ایشان را بمحض نام خدا و سوال نکرد ایشان را از جهت خویشی

فتخلف رجل باعيانهم فاعطاه سرا لا يعلم بعطيته

پس سبقت کرد از ایشان مردی پس نداخت ایشانرا پس داد اورا پنهانی در حالیکه نمیداند بداده شده اورا

الا الله والذي اعطاه وقوم ساروا ليلتهم حتى اذا كان

مگر خدا تعالی و آن کسیکه داده است اورا و دوم مردیست از میان قومی که راه رفتند تمام شب تا آن وقتی که

النوم احب اليهم مما يعدل به فوضعوا رءوسهم

خواب دوست داشته شده تر است بسوی ایشان از هرچه برابر کرده شود با آن پس نهادند انقوم سرهای ایشانرا

فقام يتملقني ويتلو اياتي ورجل كان في سرية

پس ایستاد یکی از مردان در حالیکه خوشامد میکند و میخواند آیات کتاب مرا سوم مردی که بود در لشکری

فلقي العدو فهزموا فاقبل بصدره حتى يقتل

پس ملاقات کرد دشمنانرا پس شکست داده شدند اهل آن پس اقبال کرد این مرد بسینه خود تا آنکه کشته شود

او يفتح له والثلاثة الذين يبغضهم الله الشيخ الزاني

یا کشایش کرده شود و آن سه کس که دشمن میدارد ایشانرا خدا تعالی یکی پیر زناکننده

والفقير المختال والغني الظلوم رواه الترمذي والنسائي

دوم درویشی که تکبر کننده است سوم توانگر ظلم کننده روایت کرد ترمذی و نسائی

مثله وعن انس قال قال رسول الله صلى الله عليه

مثل آنست و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم لما خلق الله الارض جعلت تميد فخلق الجبال

وسلم وقتیکه پیدا کرد خدا تعالی زمین را شروع کرد زمین که میل کند و بجنبد پس پیدا کرد خدا کوه را

فقال بها عليها فاستقرت فعجبت الملئكة من شدة

پس زد کوه را بر زمین پس قرار یافت زمین پس شگفت کردند فرشتگان از سختی

الجبال فقالوا يا رب هل من خلقك شيء اشد من الجبال

کوه ها پس گفتند ای پروردگار آیا هست از آفرینش تو چیزی سخت تر از کوه ها

قَالَ نَعَمْ اَلْحَدِيْدُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ

فرمود حق تعالے آرے آہن سخت تر است از کوہ پس گفتند فرشتگان اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزی سخت

مِنَ الْحَدِيْدِ قَالَ نَعَمْ اَلنَّارُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ

از آہن گفت پروردگار آرے آتش است پس گفتند اے رب آیا ہست از

خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ اَلْمَاءُ فَقَالُوْا

پیدایش تو چیزے سخت تر از آتش گفت حق تعالے آرے آب است پس گفتند

يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمْ

اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از آب گفت حق تعالے آرے

اَلرِّيْحُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الرِّيْحِ

باد است پس گفتند اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از باد

قَالَ نَعَمْ اِبْنُ اٰدَمَ تَصَدَّقَ صَدَقَةً بِيَمِيْنِهِ يُخْفِيْهَا

گفت حق تعالے آرے سخت تر از آن صدقہ دادن فرزند آدم است کہ تصدق میکند بدست راست خود میپوشد

مِنْ شِمَالِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

از دست چپ خود رواہ الترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ بندۂ مسلمان

يُنْفِقُ مِنْ كُلِّ مَالٍ لَهُ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِلَّا

کہ خرچ کند از ہر مالے کہ مر او راست دو چیز چنانکہ دو اسپ دو شتر در راہ خدا تعالے مگر اینکہ

اِسْتَقْبَلَتْهُ حَجَبَةُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ يَدْعُوْهُ اِلٰى مَا

پیش می آیند او را پردہ داران بہشت ہر یک از ایشان میخوانند او را بسوے چیزے کہ

عِنْدَهُ قُلْتُ وَكَيْفَ ذٰلِكَ قَالَ اِنْ كَانَتْ اِبِلًا فَبَعِيْرَيْنِ

نزد وے است از نعمت گفتم وچگونہ است انفاق دو چیز از ہر مال فرمود آنحضرت اگر باشد اموال شتر پس دو شتر را انفاق کند

وان كانت بقرة فبقرتين رواه النسائي وعن

داگر باشد مال گاو ان پس انفاق کند دو گاو را رواه النسائی در روایت است از

مرثد بن عبد الله قال حدثني بعض اصحاب رسول الله

مرثد بن عبد الله گفت مرثد حدیث کرد مرا بعضے از اصحاب آنحضرت

صلى الله عليه وسلم انه سمع رسول الله صلى الله عليه

صلی الله علیه وسلم که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه

وسلم يقول ان ظل المؤمن يوم القيمة صدقته رواه

وسلم که میگفت که جای پناه مومن وسبب آسایش وے در روز قیامت صدقه اوست روا

احمد وعن ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

احمد در روایت است از ابن مسعود رض گفت گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من وسع على عياله في النفقة يوم عاشوراء وسع

کسیکه فراخی کند بر اہل وعیال خود در خرچ روز عاشورا فراخ گرداند

الله عليه سائر سنته قال سفيان انا قد جربناه

خدا تعالی بروے در باقی سال وے گفته است سفیان ثوری بدرستی ما آزمودیم این را

فوجدناه كذلك رواه رزين وروى البيهقي في

پس یافتیم این را همچنین رواه رزین و روایت کرد بیهقی این حدیث را در

شعب الايمان عنه وعن ابي هريرة وابي سعيد وجابر

شعب ایمان از وے واز ابی هریره رض واز ابی سعید واز جابر و حکم کرد بیهقی

وضعفه وعن ابن مسعود رض قال قال رسول الله

بضعف این حدیث و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم اذا انفق المسلم نفقة على اهله

صلی الله علیه وسلم که چون انفاق کند مسلمان نفقه را بر اہل خود

وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

وحال آنکه وی نیت ثواب دارد بیاید آن نفقه مراورا صدقه اگرچه بفقرا نداده است متفق علیه

بَابُ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ

باب در بیان افضلیت صدقه

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

ومیدهند طعام را باوجود احتیاج بآن فقیر آنرا ویتیم را و زندانی را میگویند

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

جز این نیست که طعام میدهیم شما را برای ذات خدا نمی طلبیم از شما مزدی و نه شکری

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ

صفت آنانکه خرج میکنند اموال خود را در راه خدا مانند

حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ

صفت یک دانه است که بروباند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است

وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ لَن تَنَالُوا

وخدا دوچند میدهد هر کرا خواهد وخدا جواد داناست هرگز نیابید

الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ

نیکی را تا آنکه خرج کنید از آنچه دوست میدارید و هر چیز که خرج کنید

فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض وَحَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ

پس هر آینه خدا بوی داناست در روایت است از ابی هریره رض و حکیم ابن حزام رض

قَالَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ الصَّدَقَةِ

گفتند هردو که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بهترین صدقه

مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزیست که باشد از قوت غنی یعنی عیال را محتاج نگذارد و آغاز کن بانفاق کسیکه غمخواری میکنی از عیال رواه

۳۲۷

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ حَكِيْمٍ وَحْدَهُ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ
وروایت کرد مسلم از حکیم بن حزام تنہا و روایت است از ابی ہریرۃ رض گفت
قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دِيْنَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِيْ سَبِيْلِ
فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم یک دینار است کہ انفاق کردہ در راہ
اللّٰهِ وَدِيْنَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِيْ رَقَبَةٍ وَدِيْنَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهٖ عَلٰى
خدا یعنی جہاد و دیگر دینار یست کہ انفاق کردہ تو بنا در آزاد کردن بندہ و دینار دیگر یست کہ تصدق کردہ تو بر
مِسْكِيْنٍ وَدِيْنَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلٰى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِيْ
مسکین و دینار دیگر است کہ انفاق کردہ تو بر اہل عیال خود بزرگترین آن دینار ہا از روے اجر آن دینار است
أَنْفَقْتَهُ عَلٰى أَهْلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ثَوْبَانَ رض
کہ انفاق کردہ بر اہل و عیال خود روا ہ مسلم و روایت است از ثوبان رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ دِيْنَارٍ
گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فاضل ترین دینار ے
يُنْفِقُهُ الرَّجُلُ دِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ عَلٰى عِيَالِهٖ وَدِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ
کہ انفاق کند آنرا مرد دینار یست کہ انفاق کند آنرا بر عیال خود و دینار یست کہ انفاق کند آنرا
عَلٰى دَابَّتِهٖ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَدِيْنَارٌ يُنْفِقُهُ عَلٰى أَصْحَابِهٖ
بر چارپائے خود کہ در راہ خداست و دینار یست کہ انفاق کند آنرا بر یاران خود
فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ
در راہ خدا این ستحل افضل صدقہ ہست رواہ مسلم و روایت است از عائشہ رض گفت
يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ إِنَّ لِيْ جَارَيْنِ فَإِلٰى أَيِّهِمَا أُهْدِيْ قَالَ
اے پیغمبر خدا بدرستیکہ مرا دو ہمسایہ است بسوئے کدام یکے ازین دو ہدیہ بفرستم فرمود آنحضرت
إِلٰى أَقْرَبِهِمَا مِنْكِ بَابًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض
بفرست بسوئے کسیکہ نزدیکتر است در وے از در تو رواہ بخاری و روایت است از ابی ہریرۃ

قَالَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ الصَّدَقَةِ

گفت اے پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کدام صدقه

اَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُوْلُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

فاضلتر است گفت آنحضرت آنکه مرد قلیل المال باشد و مشقت کند و بدهد و ابتدا کن بکسے که عیال کنند آنها یعنی رواه ابو داؤد

وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

وروایت است از سلیمان ابن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِيْنِ صَدَقَةٌ وَهِيَ

الله علیه وسلم تصدق کردن بر مسکین ثواب یک صدقه دارد و صدقه

عَلٰى ذِى الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

بر کسیکه قرابت ولادت و رحم دارد ثواب دو صدقه دارد یکی صدقه دوم صله رحم رواه احمد والترمذی

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

والنسائی وابن ماجة والدارمی وروایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلَا اُخْبِرُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنم شما را

بِخَيْرِ النَّاسِ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

به بهترین مردمان مردیست که نگاه دارنده است عنان اسپ را در راه خدا یعنی جهاد با کافران

اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِالَّذِيْ يَتْلُوْهُ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِيْ غُنَيْمَةٍ لَهُ

آیا خبر نکنم شما را ببرد که تابع و تالی اوست مردیست که گوشه گیرنده است در گوسپندی چند که مر او راست

يُؤَدِّيْ حَقَّ اللّٰهِ فِيْهَا اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ رَجُلٌ

که ادا میکند حق خدا را در آن گوسپندان آیا خبر نکنم شما را بدترین مردم مردیست که

يُسْاَلُ بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِيْ بِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

سوال کرده می شود بنام خدا و نمی دهد بدان رواه الترمذی والنسائی

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

والدارمی وروایت است از ام بجید گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رُدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بِظِلْفٍ مُحْرَقٍ رَوَاهُ

الله علیہ وسلم باز گردانید سائل را اگرچہ باشد سم سوختہ رواہ

مَالِكٌ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى التِّرْمِذِيُّ وَأَبُودَاوُدَ مَعْنَاهُ

مالک و النسائی و روایت کرد ترمذی و ابو داؤد معنے این حدیث را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعَاذَ بِاللّٰهِ فَأَعِيذُوهُ وَمَنْ سَأَلَ بِاللّٰهِ

وسلم کسیکہ پناہ طلبد بنام خدا پس پناہ دہید او را و کسیکہ سوال کند بنام خدا

فَأَعْطُوهُ وَمَنْ دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ وَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ

پس بدہید او را و کسیکہ دعوت کند شما را پس اجابت کنید او را و کسیکہ بکند بسوے شما

مَعْرُوفًا فَكَافِئُوهُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مَا تُكَافِئُوهُ فَادْعُوا

نکوئی پس پاداش کنید او را پس اگر نیابید چیزے کہ پاداش کنید او را پس دعا کنید

لَهُ حَتَّى تَرَوْا أَنْ قَدْ كَافَأْتُمُوهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُودَاوُدَ

مر او را تا آنکہ بدانید و گمان برید کہ مکافات کردید او را رواہ احمد و ابو داؤد

وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

والنسائی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ تُشْبِعَ كَبِدًا

اللہ علیہ وسلم فاضل ترین صدقہ آنست کہ سیر گردانی جگر

جَائِعًا رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَائِشَةَ

گرسنہ را مومن باشد یا کافر رواہ بیہقی در شعب ایمان و روایت است از عائشہ رض

قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَنْفَقَتِ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم چون انفاق کند و تصدق
الْمَرْاَةُ مِنْ طَعَامِ بَيْتِهَا غَيْرَ مُفْسِدَةٍ كَانَ لَهَا اَجْرُهَا بِمَا
زنے از طعام خانۂ خود در حالیکہ اسراف نمایندہ است باشد مر آن زن را ثواب آن بسبب
اَنْفَقَتْ وَلِزَوْجِهَا اَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ وَلِلْخَازِنِ مِثْلُ ذٰلِكَ
انفاق کردن و باشد مر شوہر او را ثواب آن بسبب کسب کردن و باشد مر خزینہ دار را مانند آن ثواب کم نمی
لَا يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ اَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
کم نمی گرداند بعضے از ین ثواب بعضے را چیزے متفق علیہ است و روایت است از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
اِذَا اَنْفَقَتِ الْمَرْاَةُ مِنْ كَسْبِ زَوْجِهَا مِنْ غَيْرِ اَمْرِهٖ
چون انفاق کند زن از مال شوہر خود بے حکم وے با علم زن برضائے زوج
فَلَهَا نِصْفُ اَجْرِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى
پس باشد مر آن زن را نصف ثواب آن متفق علیہ و روایت است از ابی موسے
الْاَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
اَلْخَازِنُ الْمُسْلِمُ الْاَمِيْنُ الَّذِيْ يُعْطِيْ مَا اُمِرَ بِهٖ كَامِلًا
گنجینہ دار مسلمان امانت دار کسیکہ میدہد آنچہ کہ امر کردہ شدہ است بدان بکمال و تمام
مُوَفَّرًا طَيِّبَةً بِهٖ نَفْسُهٗ فَيَدْفَعُهٗ اِلَى الَّذِيْ اُمِرَ لَهٗ بِهٖ
در حالیکہ خوش است بدادن نفس وے پس میرساند آنرا بسوئے کسیکہ امر کردہ شدہ است مر او را بدان
اَحَدُ الْمُتَصَدِّقِيْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ
یکے از دو تصدق کنندگان است متفق علیہ و روایت است از عائشہ رض گفت عائشہ

أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمِّي افْتُلِتَتْ

مردے گفت آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مادر من مردہ است بمرگ ناگہانی

نَفْسُهَا وَأَظُنُّهَا لَوْ تَكَلَّمَتْ تَصَدَّقَتْ فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إِنْ

وگمان میبرم او را کہ اگر سخن میکرد وہشیار میبود تصدق میکرد بچیزے پس آیا ہست مر او را ثواب

تَصَدَّقْتُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

تصدقے کہ میکنم از جانب وے فرمود آنحضرت آرے میرسد ثواب متفق علیہ وروایت است از ابی امامہ رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ

گفت شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت در خطبہ خود

عَامَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ لَا تُنْفِقُ امْرَأَةٌ شَيْئًا مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا

در سال حجۃ الوداع انفاق نکند ہیچ زنے ہیچ چیز را از خانہ شوہر خود

إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مگر بحکم شوہر خود گفتہ شد یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وَلَا الطَّعَامَ قَالَ ذٰلِكَ أَفْضَلُ أَمْوَالِنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وطعام را نیز انفاق نکند فرمود آن بہترین مالہای ما است رواہ الترمذی

كِتَابُ صِيَامِ رَمَضَانَ وَقِيَامِ لَيَالِيهِ

کتاب روزہ رمضان و قیام شبہای آن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

اے کسانیکہ ایمان آوردند لازم کردہ شد بر شما روزہ داشتن چنانکہ لازم کردہ شد

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ

بر کسانیکہ پیش از شما بودند تا باشد کہ پرہیزگاری کنید روزہ داشتن در روزے چند شمردہ شدہ

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ

[illegible] بیمار یا مسافر پس لازم است بر وے شمار آن روز از روزہای دیگر

أُخَرَ ۚ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ ۖ

دیگر و لازم است بر آنانکه می توانند روزه داشتن فدیه از خوراک یک درویش

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۚ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ

پس هر که بجا آرد نیکی را این بهتر است او را و آنکه روزه دارید بهتر است شما را

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ

اگر میدانید ماه رمضان آنست که نازل شد در وی

الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ۚ

قرآن هدایت برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ

پس هر که دریابد از شما آن ماه را پس باید که روزه دارد آنرا و هر که بیمار باشد یا

عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ

مسافر پس لازم است شمار آنچه فوت شد از روزها دیگر میخواهد خدا بشما آسانی

وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا

و نمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار و به بزرگی یاد کنید

اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝

خدا را بشکرانه آنکه ره نمود شما را و تا باشد که شاکر شوید

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ رَمَضَانُ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَفِي رِوَايَةٍ

وسلم چون می درآید رمضان کشاده می شود درهاے آسمان و در روایتے

فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتِ

کشاده می شود درهاے بهشت و بسته می شود درهاے دوزخ و زنجیر در پا کرده می شود

الشَّيَاطِيْنُ وَفِيْ رِوَايَةٍ اَبْوَابُ الرَّحْمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

شیاطین و در روایت دیگر کشاده می شود در ہاے رحمت متفق علیہ

وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از سہل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ ثَمَانِيَةُ اَبْوَابٍ مِنْهَا بَابٌ يُسَمَّى

علیہ وسلم کہ در بہشت ہشت در است از جملہ درہا دریست کہ نامیدہ می شود آنرا

الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُهُ اِلَّا الصَّائِمُوْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

ریان در نمی آید آنرا مگر روزہ داران متفق علیہ است و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ

کسیکہ روزہ دارد رمضان را از جہت ایمان بخدا و چشم داشت اجر آمرزیدہ شود مر او را آنچہ پیش گذشتہ است

مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ

از گناہ وی و کسیکہ قیام کند رمضان را یعنی نماز گذارد در شبہای او از جہت ایمان و حسبۃ للہ آمرزیدہ می شود مر او را

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا

آنچہ پیش رفتہ است از گناہ وی و کسیکہ قیام کند در شب قدر بجہت ایمان و احتساب

غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

آمرزیدہ شود او را گناہ گذشتہ متفق علیہ وہم از وے مرویست گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كُلُّ عَمَلِ ابْنِ اٰدَمَ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم ہمہ عمل نیک آدمی زاد

يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ بِعَشْرِ اَمْثَالِهَا اِلٰى سَبْعِ مِائَةِ ضِعْفٍ

زیادہ کردہ می شود یک نیکی بدہ چندوے تا ہفت صد مانند

قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اِلَّا الصَّوْمَ فَاِنَّهٗ لِیْ وَاَنَا اَجْزِیْ بِهٖ یَدَعُ

گفت خدا تعالی مگر روزه زیرا که آن برای من است و من جزا میدهم بآن هرچه میخواهم ترک میدهد بنده من

شَهْوَتَهٗ وَطَعَامَهٗ مِنْ اَجْلِیْ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ

خواهش نفس و طعام خود را از برای من مر روزه دار را دو فرحت است یک فرحت

عِنْدَ فِطْرِهٖ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهٖ وَلَخُلُوْفُ فَمِ الصَّائِمِ

نزد کشادن روزه و فرحت دیگر نزد لقای پروردگار خود در آخرت و هر آئینه بوی دهن روزه دار

اَطْیَبُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ رِیْحِ الْمِسْكِ وَالصِّیَامُ جُنَّةٌ فَاِذَا كَانَ

خوشتر است نزد خدا از بوی مشک و روزه سپر است پس چون باشد

یَوْمُ صَوْمِ اَحَدِكُمْ فَلَا یَرْفُثْ وَلَا یَصْخَبْ فَاِنْ سَابَّهٗ اَحَدٌ

روز روزهٔ یکی از شما پس باید که تکلم نکند بکلام قبیح و فحش و خصومت نکند پس اگر دشنام دهد او را کسی

اَوْ قَاتَلَهٗ فَلْیَقُلْ اِنِّیْ امْرُءٌ صَائِمٌ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ

یا خصومت کند او را پس باید که بگوید بدرستیکه من مرد روزه دارم متفق علیه و روایت است از

اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اِذَا كَانَ اَوَّلُ لَیْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّیَاطِیْنُ

چون بباشد نخستین شب از ماه رمضان بند کرده می شوند شیاطین

وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ اَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ یُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ

و سرکشان از جن و بسته می شود درهای دوزخ پس کشاده نمی شود از آن درها هیچ درے

وَفُتِحَتْ اَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ یُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَیُنَادِیْ

و کشاده می شوند درهای بهشت پس بند کرده نمی شود از آن درها هیچ درے و ندا میکند

مُنَادٍ یَا بَاغِیَ الْخَیْرِ اَقْبِلْ وَیَا بَاغِیَ الشَّرِّ اَقْصِرْ وَلِلّٰهِ عُتَقَاءُ

آواز دهنده ای طلب کننده نیکی پیش آ و ای طالب بدی باز ایست خود را از آن و مر خدای راست آزاد کرده‌ها

مِنَ النَّارِ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از دوزخ و آن آزادگی در همه شب است رواه ترمذی وابن ماجه

وَاَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

واحمد از شخصے و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا

اَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهٗ

آمد شمارا رمضان که ماہے است برکت داده شده فرض گردانیده است خدا بر شما روزه آنرا

تُفْتَحُ فِيْهِ اَبْوَابُ السَّمَآءِ وَتُغْلَقُ فِيْهِ اَبْوَابُ الْجَحِيْمِ وَتُغَلُّ

کشاده می شود درو درہائے آسمان و بسته می شود درو درہائے دوزخ و غل کرده مے شوند

فِيْهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِيْنِ لِلّٰهِ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ

درو گروه شیاطین مر خدا است را در رمضان شبے بهتر است از هزار ماه

مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ

کسیکه حرام گردانیده شد نیکی و ثواب آنرا پس به تحقیق حرام گردانیده شد از خیر کثیر رواه احمد والنسائی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عبد الله بن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ الصِّيَامُ وَالْقُرْاٰنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَقُوْلُ الصِّيَامُ

وسلم گفت که روزه و قرآن شفاعت میکنند مر بنده را میگوید روزه

اَىْ رَبِّ اِنِّيْ مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفِّعْنِيْ

اے پروردگار من بدرستیکه من باز داشتم او را از خوردنی و شهوات دیگر بروز پس قبول کن شفاعت مرا

فِيْهِ وَيَقُوْلُ الْقُرْاٰنُ مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِيْ فِيْهِ

درویے و میگوید قرآن منع کردم او را از خواب بشب پس قبول کن شفاعت مرا درو

فَيُشَفَّعَانِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسِ بْنِ

پس قبول کرده میشود هر دو روایت کرد این حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از انس بن

مَالِكٍ قَالَ دَخَلَ رَمَضَانُ فَقَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ
مالک رض گفت انس درآمد رمضان پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه
هٰذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَفِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَهَا
این ماه بتحقیق حاضر شد شمارا و در وے شبی است بهتر از هزار ماه کسیکه محروم گردانیده شد از آن
فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَلَا يُحْرَمُ خَيْرَهَا اِلَّا كُلُّ مَحْرُوْمٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
پس بتحقیق محروم گردانیده شد از خیر همه محروم گردانیده نمیشود از خیر این شب مگر هر کسیکه محروم است از سعادت رواه ابن ماجه
وَعَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رض قَالَ خَطَبَنَا رَسُوْلُ اللهِ
و روایت است از سلمان فارسی رض گفت سلمان خطبه خواند ما را آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْ اٰخِرِ يَوْمٍ مِّنْ شَعْبَانَ فَقَالَ
صلی الله علیه وسلم در پسین روز از ماه شعبان پس فرمود
اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ اَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيْمٌ شَهْرٌ مُّبَارَكٌ
اے مردمان بتحقیق سایه انداخت شمارا ماہے بزرگ ماہے است که برکت کرده شده است
شَهْرٌ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ اللهُ صِيَامَهُ
و شهریست که در وے شبے است بهتر از هزار ماه گردانیده است خدا تعالی روزه آنماه را
فَرِيْضَةً وَقِيَامَ لَيْلِهٖ تَطَوُّعًا مَنْ تَقَرَّبَ فِيْهِ بِخَصْلَةٍ
فرض و گردانیده است نماز کردن در شب وے نفل و سنت کسیکه نزدیکی جوید بدرگاه حق در وے بخوئی و عملی
مِنَ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى فَرِيْضَةً فِيْمَا سِوَاهُ وَمَنْ اَدّٰى
از نیکی باشد همچو کسیکه بگذارد فرض را در ماہے که جز رمضانست و کسیکه ادا کند
فَرِيْضَةً فِيْهِ كَانَ كَمَنْ اَدّٰى سَبْعِيْنَ فَرِيْضَةً فِيْمَا سِوَاهُ
فریضه در وے باشد همچو کسیکه بگذارد هفتاد فرض را در ماہے که جز رمضان است
وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَشَهْرُ الْمُوَاسَاةِ
و آن ماهیست که در وے صبر است از شهوات نفس و صبر کردن ثواب او بهشت است و آن ماهیست که در وے

وَشَهْرٌ يُزَادُ فِيهِ رِزْقُ الْمُؤْمِنِ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا كَانَ

و ماہیست کہ در وے زیادہ کردہ می شود رزق مومن کسیکہ روزہ کشا یاند روزہ دار یرا باشد

لَهُ مَغْفِرَةً لِذُنُوبِهِ وَعِتْقَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ وَكَانَ لَهُ

مراورا سبب آمرزیدن مرگناہان اورا و سبب آزادگی ذات وے از آتش و باشد مراورا

مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ قُلْنَا

مانند مزد او بے آنکہ کم شود از مزد وے چیزے گفتیم ما

يَا رَسُولَ اللهِ لَيْسَ كُلُّنَا نَجِدُ مَا نُفَطِّرُ بِهِ الصَّائِمَ فَقَالَ

اے پیغامبر خدا نیست ہمہ باین صفت کہ بیابیم چیزیرا کہ روزہ کشا یانیم بآن پس فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِي اللهُ هٰذَا الثَّوَابَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم میدہد خدایتعالےٰ این ثواب

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلَى مَذْقَةِ لَبَنٍ أَوْ تَمْرَةٍ أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ

کیسرا کہ روزہ کشا یاند روزہ داریرا بدمی از شیر آمیختہ بآب یا بخرما یا از آب

مَاءٍ وَمَنْ أَشْبَعَ صَائِمًا سَقَاهُ اللهُ مِنْ حَوْضِي شَرْبَةً

وکیسکہ سیر گرداند روزہ داریرا بنوشاندا ورا خدایتعالےٰ از حوض من کہ کوثر ہست نوشیدنے

لَا يَظْمَأُ حَتّٰى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَهُوَ شَهْرٌ أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ

کہ تشنہ نگردد بعد از وے ہرگز تا آنکہ درآید بہشت را و آن ماہ است کہ اول وے سبب افاضت رحمت است

وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ وَآخِرُهُ عِتْقٌ مِّنَ النَّارِ وَمَنْ خَفَّفَ

ومیان وے سبب مغفرت و آخر وے آزادیست از آتش دوزخ وکیسکہ تخفیف کند

عَنْ مَمْلُوكِهِ فِيهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَعَنْ

از جاریہ و غلام خود کہ روزہ دارند بیامرزد خدایتعالےٰ مراورا و آزاد گرداند اورا از دوزخ و روایت است از

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عباس رض بدرستیکہ بود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

اِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَطْلَقَ كُلَّ اَسِيْرٍ وَاَعْطٰى كُلَّ سَائِلٍ

چون می در آید ماه رمضان رہا میکرد ہر قیدی را و میداد ہر خواہندہ را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

در روایت است از ابن عمر رضؔ بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود

اِنَّ الْجَنَّةَ تُزَخْرَفُ لِرَمَضَانَ مِنْ رَأْسِ الْحَوْلِ اِلَى حَوْلٍ

کہ بہشت آراستہ می شود برائے رمضان از سر سال تا سال

قَابِلٍ قَالَ فَاِذَا كَانَ اَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ هَبَّتْ رِيْحٌ

آیندہ گفت پس چون میباشد نخست روزے از رمضان می وزد بادی

تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ عَلَى الْحُوْرِ الْعِيْنِ فَيَقُلْنَ

زیر عرش از برگہائے بہشت بر حوران بہشت پس میگویند آن حوران بہشت

يَا رَبِّ اجْعَلْ لَنَا مِنْ عِبَادِكَ اَزْوَاجًا تَقَرُّ بِهِمْ اَعْيُنُنَا

اے پروردگار ما گردان ما را از بندگان خود شوہران کہ خنک گردد و قرار گیرد بایشان چشمہائے ما

وَتَقَرُّ اَعْيُنُهُمْ بِنَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الثَّلٰثَةَ

و خنک گردد و قرار گیرد چشمہائے ایشان بما روایت کرد بیہقی این احادیث ہر سہ را

فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

در شعب ایمان در روایت است از ابی ہریرہ رضؔ کہ آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ قَالَ يُغْفَرُ لِاُمَّتِيْ فِيْ اٰخِرِ

صلے اللہ علیہ وسلم گفت آمرزیدہ می شود مر امت من در آخر

لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

شبے از رمضان گفتہ شد یا رسول اللہ ایا آن شب قدر است

قَالَ لَا وَلٰكِنَّ الْعَامِلَ اِنَّمَا يُوَفّٰى اَجْرَهُ اِذَا قَضٰى عَمَلَهُ

گفت آنحضرت نیست ولکن کارکنندہ دادہ نمی شود مزد او مگر وقتیکہ تمام کند عمل خود را و آن در آخر شب باشد

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه احمد ودروایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَّمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّوْرِ وَالْعَمَلَ بِهٖ

صلے اللہ علیہ وسلم روزہ دار کہ ترک نہ کند سخن دروغ و باطل را و عمل کردن را بزور ہم

فَلَيْسَ لِلّٰهِ حَاجَةٌ فِيْ اَنْ يَّدَعَ طَعَامَهٗ وَشَرَابَهٗ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پس نیست مر خدا را حاجتے درآنکہ ترک کند وی خوردنی و نوشیدنی خود را روایت کرد این حدیث را بخاری

وَعَنْهُ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم از وے است گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ اَفْطَرَ يَوْمًا مِّنْ رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ رُخْصَةٍ وَّلَا مَرَضٍ

کسیکہ افطار کند یکروز از رمضان بے رخصت شرعی چنانکہ سفر و پیری و بے مرض

لَمْ يَقْضِ عَنْهُ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّهٖ وَاِنْ صَامَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ

قضا نکند از وے روزہ تمام عمر اگرچہ روزہ دارد تمام عمر رواہ احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبُخَارِيُّ

و الترمذی و ابوداود و ابن ماجہ و الدارمی و روایت کرد بخاری

فِيْ تَرْجَمَةِ بَابٍ وَعَنْهُ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

در ترجمہ باب یعنی بطریق تحدیث نیاورده است وہم از وے است گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمْ مِّنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهٗ مِنْ صِيَامِهٖ

اللہ علیہ وسلم بسا روزہ دار کہ نیست اورا حاصل از روزہ خود

اِلَّا الظَّمَاُ وَكَمْ مِّنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهٗ مِنْ قِيَامِهٖ

مگر تشنگی و بسا شب خیز و نماز گذار کہ نیست مر اورا حاصل از قیام خود

اِلَّا السَّهَرُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

مگر بیداری رواہ دارمی

۱؎ چنانکہ روزہ دار دروغ و غیبت و افترا و دیگر منہیات گوید و کار ناروا نماید

۲؎ چنانکہ شراب خورد و زمین مغصوب را کشت کند و آنکہ بے جماعت نماز فرض ادا کند و در رعایت ارکان و آداب آن اعتنا ندارد ۱۲

بَابُ السُّحُورِ وَالْاِفْطَارِ

باب دربیان سحر و افطار

عَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ و سلم

تَسَحَّرُوْا فَاِنَّ فِی السُّحُوْرِ بَرَکَۃً مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْ

طعام سحر بخورید زیراکہ در طعام سحر برکت است متفق علیہ و روایت است از

عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ

عمرو بن العاص رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَصْلُ مَا بَیْنَ صِیَامِنَا وَصِیَامِ اَھْلِ الْکِتٰبِ اَکْلَۃُ

وسلم فرق میان روزہ ما و روزہ اہل کتاب خوردن

السَّحَرِ رَوَاہُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَھْلٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ

سحر است رواہ مسلم و روایت است از سہل گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لَا یَزَالُ النَّاسُ بِخَیْرٍ مَا عَجَّلُوا

صلے اللہ علیہ وسلم ہمیشہ اند مردم ملابس بخیر مادام کہ شتابی کنند در

الْفِطْرَ مُتَّفَقٌ عَلَیْہِ وَعَنْ اَبِیْ ھُرَیْرَۃَ رض قَالَ قَالَ

کشادن روزہ متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰہُ تَعَالٰی اَحَبُّ

پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم گفت خدا تعالیٰ دوست تر

عِبَادِیْ اِلَیَّ اَعْجَلُھُمْ فِطْرًا رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَعَنْ

بندگان من بسوے من شتاب کنندہ ترین ایشانست در روزہ کشادن رواہ الترمذی و روایت است از

سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ

سلمان بن عامر رض گفت سلمان فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ
چون افطار کند یکے از شما پس باید کہ افطار کند بر خرما پس بدرستیکہ افطار بخرما سبب برکت است پس اگر نیابد

فَلْيُفْطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
پس باید کہ افطار کند بر آب پس بدرستیکہ آب پاک کنندہ است بحدہ را رواہ احمد والترمذی

وَأَبُودَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَلَمْ يَذْكُرْ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ
وابوداؤد وابن ماجہ والدارمی وذکر نہ کردہ است لفظ فانہ برکۃ را

غَيْرُ التِّرْمِذِيِّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى
جز ترمذی ے در روایت است از انس رض گفت انس بود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُفْطِرُ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى رُطَبَاتٍ فَإِنْ
اللہ علیہ وسلم کہ افطار میکرد پیش از آنکہ نماز بگذارد بر چند خرماے تر پس اگر

لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٌ فَتُمَيْرَاتٌ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تُمَيْرَاتٌ حَسَا
نمیبود خرماے تر پس افطار میکرد بچند خرما ی خشک پس اگر نمی بود خرما ہای خشک مینوشید

حَسَوَاتٍ مِنْ مَاءٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُودَاوُدَ وَعَنْ زَيْدِ
چند کف آب را رواہ ترمذی وابوداؤد و روایت است از زید

بْنِ خَالِدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا أَوْ جَهَّزَ غَازِيًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ
کسیکہ روزہ بکشاید روزہ دار را یا سامان کند غزا کنندہ را پس او راست مانند اجر وے رواہ البیہقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمُحْيِي السُّنَّةِ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ
در شعب ایمان و محی السنہ در کتاب شرح سنہ در روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

لَا يَزَالُ الدِّيْنُ ظَاهِرًا مَا عَجَّلَ النَّاسُ الْفِطْرَ لِاَنَّ الْيَهُوْدَ

همیشه است دین غالب مادام که شتابی کنند مردم افطار را زیراکه یهود

وَالنَّصَارٰى يُؤَخِّرُوْنَ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

و نصارے تاخیر می کنند در افطار. رواه ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ اَبِيْ عَطِيَّةَ قَالَ دَخَلْتُ اَنَا وَمَسْرُوْقٌ عَلٰى

و روایت است از ابی عطیه گفت که داخل شدم من و مسروق بر

عَائِشَةَ فَقُلْنَا يَا اُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ رَجُلَانِ مِنْ اَصْحَابِ

عایشه رض پس گفتیم ما اے ام المومنین دو مرد اند از یاران

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَحَدُهُمَا يُعَجِّلُ الْاِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ

محمد صلے اللہ علیہ وسلم یکے ازان دو مرد شتابی میکند در روزه کشادن و شتابی میکند

الصَّلٰوةَ وَالْاٰخَرُ يُؤَخِّرُ الْاِفْطَارَ وَيُؤَخِّرُ الصَّلٰوةَ قَالَتْ

نماز را و دیگرے ازان دو تاخیر میکند روزه کشادن را و تاخیر میکند نماز گذاردن را گفت عائشه رض

اَيُّهُمَا يُعَجِّلُ الْاِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ الصَّلٰوةَ قُلْنَا عَبْدُ اللّٰهِ بْنُ

کدام ازان تعجیل میکند افطار را و تعجیل میکند نماز گذاردن را گفتیم ما عبد اللہ بن

مَسْعُوْدٍ قَالَتْ هٰكَذَا صَنَعَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

مسعود رض گفت عائشه رض همچنین کرده است پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ وَالْاٰخَرُ اَبُوْ مُوْسٰى رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

وسلم و گفتیم و آن مرد دیگر که تاخیر میکند ابوموسی اشعری است رواه مسلم و روایت است از ابی ہریرہ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نِعْمَ سَحُوْرُ

گفت که فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم نیکو طعام سحر

الْمُؤْمِنِ التَّمْرُ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

مسلمان خرما است رواه ابوداود

دین غالب است و دین کرده ام اشارت است در دین و غلبه آن در مخالفت اعداء است

باب صيام التطوع

باب دربيان روزه نفل

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روايت است از ابي هريره رض گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم افضل الصيام بعد رمضان شهر الله المحرم

وسلم فاضلترين روزها بعد از روزه رمضان روزه ماه خداست كه محرم است

وافضل الصلوة بعد الفريضة صلوة الليل رواه مسلم

وفاضلترين نمازها بعد نماز فرض نماز شب كه تهجد است رواه مسلم

وعن ابي قتادة رض ان رجلا اتى النبي صلى الله

وروايت است از ابي قتاده رض كه مردے آمد آن حضرت را صلى الله

عليه وسلم فقال كيف تصوم فغضب رسول الله صلى

عليه وسلم پس گفت آمرد چگونه روزه ميداري پس درخشم آمد آنحضرت صلى

الله عليه وسلم من قوله فلما راى عمر غضبه قال

الله عليه وسلم از گفتن آمرد پس چون ديد عمر خشم آنحضرت را گفت

رضينا بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد نبيا

راضي شديم بخدا كه پروردگار ما است و راضي شديم باسلام كه دين ما است و راضي شديم بمحمد كه پيغامبر

نعوذ بالله من غضب الله ومن غضب رسوله فجعل

پناه ميخواهيم بخدا از غضب خدا واز غضب رسول وے پس دراستاد

عمر رض يردد هذا الكلام حتى سكن غضبه فقال

عمر رض كه تكرار ميكرد اين كلام را تا آنكه آرام يافت غضب آنحضرت پس گفت

عمر يا رسول الله كيف من يصوم الدهر كله قال لا صام

عمر يا رسول الله چگونه است حال آن كسے كه روزه دارد در همه روزگار هميشه گفت آنحضرت نه روزه

وَلَا أَفْطَرَ أَوْ قَالَ لَمْ يَصُمْ وَلَمْ يُفْطِرْ قَالَ كَيْفَ مَنْ يَصُومُ

ونه افطار کرد او یا گفت لم یصم و لم یفطر شک از راویست گفت عمر چگونه است حال کسیکه روزه دارد

يَوْمَيْنِ وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ وَيُطِيقُ ذٰلِكَ أَحَدٌ قَالَ كَيْفَ

دو روز و افطار کند یک روز فرمود آنحضرت آیا طاقت دارد آنرا هیچ کسی گفت عمر چگونه است

مَنْ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ ذٰلِكَ صَوْمُ دَاوُدَ قَالَ

حال کسیکه روزه یک روز دارد و افطار کند یک روز را گفت آنحضرت این روزهٔ داؤد پیغمبر است گفت عمر

كَيْفَ مَنْ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمَيْنِ قَالَ وَدِدْتُ أَنِّي

چگونه است حال کسیکه روزه دارد یک روز و افطار کند دو روز فرمود آنحضرت که دوست میدارم که من

طُوِّقْتُ ذٰلِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طاقت داده شوم آنرا بستر فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثَلٰثٌ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَمَضَانُ إِلٰى رَمَضَانَ فَهٰذَا صِيَامُ

بس است یا اولی است سه روزه از هر ماه و رمضان تا رمضان یکی را افاده فرمودم پس اینست روزهٔ تمام

الدَّهْرِ كُلِّهِ صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُكَفِّرَ

روزگار روزه روز عرفه در مزد و ثواب چشم دارم معتمد بر فضل خدا که تکفیر کند

السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ وَالسَّنَةَ الَّتِي بَعْدَهُ وَصِيَامُ يَوْمِ

سالے را که پیش از وست و تکفیر کند سالے را که بعد از وست و روزه روز

عَاشُورَاءَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ

عاشورا چشم دارم از خدای تعالی که تکفیر کند گناهان سالے را که پیش از وست

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت کرد مسلم و هم از ابی قتاده گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَوْمِ الْاِثْنَيْنِ فَقَالَ فِيهِ وُلِدْتُ وَفِيهِ

علیه وسلم از سبب روزهٔ دوشنبه پس فرمود آنحضرت در آن روز زائیده شده ام و در آن روز

أُنْزِلَ عَلَيَّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ

نخست فرستاده شده است وحی بر من رواه مسلم و روایت است از ابی ایوب انصاری رض

أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

که وے حدیث کرد این حدیث را که آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ

کسیکه روزه دارد رمضان را پس تابع گرداند آنرا شش روزه از شوال باشد

كَصِيَامِ الدَّهْرِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ

همچو روزه روزگار همیشه رواه مسلم و روایت است از ابی سعید

نِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بَعَّدَ اللّٰهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ

کسیکه روزه دارد یکروز در راه خدا یعنے در جهاد دور دارد خدا تعالی ذات او را از آتش دوزخ

سَبْعِينَ خَرِيفًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

هفتاد سال مراد از خریف سال است عرب ابتداے سال بخریف کنند متفق علیه واز عائشه رض مرویست گفت

كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ الْاِثْنَيْنِ

بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که روزه میداشت در بعضے احیان بروز دوشنبه

وَالْخَمِيسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

و پنجشنبه رواه ترمذی و النسائی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُعْرَضُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم عرض کرده میشوند در درگاه عزت

الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَأُحِبُّ أَنْ يُعْرَضَ عَمَلِي

اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه پس دوست میدارم که عرض کرده شود عمل من

وَأَنَا صَائِمٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ

درحالیکه من روزه دارم رواه ترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای ابو ذر چون

صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلٰثَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ ثَلٰثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ

روزه داری از ماه سه روز پس روزه دار سیزدهم وچهاردهم بز

وَخَمْسَ عَشْرَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

و پانزدهم را روایت کرد ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ يَوْمًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد یک روز

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ جَعَلَ اللّٰهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا كَمَا بَيْنَ

در راه خدا میگرداند خدا میان وی و میان آتش خندقی بقدر مسافتی که میان

السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ

آسمان و زمین است رواه ترمذی و روایت است از عامر بن

مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْغَنِيْمَةُ الْبَارِدَةُ الصَّوْمُ فِي الشِّتَاءِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

غنیمت بارده روزه داشتن است در زمستان کنایت است از حصول ثواب بے مشقت رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدِمَ الْمَدِيْنَةَ فَوَجَدَ الْيَهُوْدَ صَائِمًا

الله علیه وسلم قدوم آورد مدینه را پس یافت یهود را روزه دارنده

يَوْمَ عَاشُوْرَاءَ فَقَالَ لَهُمْ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

روز عاشورا پس گفت مر ایشان را پیغامبر خدا صلے الله علیه

وَسَلَّمَ مَا هٰذَا الْيَوْمُ الَّذِيْ تَصُوْمُوْنَهٗ فَقَالُوْا هٰذَا

وسلم چیست این روزیکه روزه میدارید شما در آن پس گفتند یهود این

يَوْمٌ عَظِيْمٌ اَنْجَى اللهُ فِيْهِ مُوْسٰى وَقَوْمَهٗ وَغَرَّقَ فِرْعَوْنَ

روز بزرگ است رستگاری داده است خدا در وی موسی را و قوم او را و غرق کرده است فرعون را

وَقَوْمَهٗ فَصَامَهٗ مُوْسٰى شُكْرًا فَنَحْنُ نَصُوْمُهٗ فَقَالَ

و قوم او را پس روزه داشت موسی درین روز بجهت شکرانه پس ما روزه میداریم برای متابعت پس گفت

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَنَحْنُ اَحَقُّ وَاَوْلٰى بِمُوْسٰى

آنحضرت صلے الله علیه وسلم پس ما سزاوار تریم بموسے

مِنْكُمْ فَصَامَهٗ رَسُوْلُ اللهِ وَاَمَرَ بِصِيَامِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از شما پس ما نیز روزه میداریم پس روزه داشت درین روز آنحضرت و امر کرد بروزه داشتن درین روز

وَعَنْ حَفْصَةَ رض قَالَتْ اَرْبَعٌ لَمْ يَكُنْ يَدَعُهُنَّ

و روایت است از حفصه رض گفت چهار خصلت اند که نبود که ترک نمی‌داد

النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صِيَامَ يَوْمِ عَاشُوْرَاءَ وَالْعَشْرِ

پیغمبر خدا صلے الله علیه وسلم روزهٔ روز عاشورا و روزه دهم ذالحجه

وَثَلٰثَةِ اَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَكْعَتَانِ قَبْلَ الْفَجْرِ رَوَاهُ

و روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت سنت قبل از نماز بامداد روایت

النَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللهِ

نسائے و روایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس که بود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُفْطِرُ اَيَّامَ الْبِيْضِ فِيْ حَضَرٍ

صلے الله علیه وسلم که افطار نمیکرد روزهاے ایام بیض را نه در حضر

وَلَا سَفَرٍ رواه النسائی وَعَنْ ابی ہریرۃ رض قال

و نہ در سفر رواہ النسائی و روایت است از ابی ہریرۃ رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ لِکُلِّ شَیْءٍ زَکوٰۃٌ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم مر ہر چیز را از نعمتہائے الٰہی زکوٰۃ است

وَزَکوٰۃُ الْجَسَدِ الصَّوْمُ رواہ ابن ماجۃ وَعَنْہُ اَنَّ

و زکوٰۃ بدن و صحت وے روزہ است رواہ ابن ماجہ و ہم از وے مرویست کہ

النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ کَانَ یَصُوْمُ یَوْمَ الْاِثْنَیْنِ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بود کہ روزہ میداشت روز دوشنبہ را

وَالْخَمِیْسِ فَقِیْلَ یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ اِنَّکَ تَصُوْمُ الْاِثْنَیْنِ

و پنجشنبہ را پس گفتہ شد اے رسول اللہ بدرستیکہ روزہ میداری دوشنبہ را

وَالْخَمِیْسَ فَقَالَ اِنَّ یَوْمَ الْاِثْنَیْنِ وَالْخَمِیْسَ یَغْفِرُ

و پنجشنبہ را پس فرمود بدرستیکہ روزہٴ دوشنبہ و پنجشنبہ می آمرزد

اللّٰہُ فِیْہِمَا لِکُلِّ مُسْلِمٍ اِلَّا ذَا ھَاجِرَیْنِ یَقُوْلُ دَعْہُمَا

خدایتعالیٰ در آن مر ہر مسلمان را مگر دو قطع کنندہ رحم را میگوید خدا کہ بگذار ایشان را

حَتّٰی یَصْطَلِحَا رواہ احمد وابن ماجۃ وَعَنْہُ قَالَ

تا اتفاق کنند و صلح نمایند رواہ احمد و ابن ماجہ و ہم از وے مرویست کہ گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ یَوْمًا

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ روزہ دارد روزے

اِبْتِغَاءَ وَجْہِ اللّٰہِ بَعَّدَہُ اللّٰہُ مِنْ جَھَنَّمَ کَبُعْدِ غُرَابٍ

بجہت طلب کردن ذات خدا و رضائے وے دور میگرداند او را خدا از دوزخ مانند دوری زاغ

طَائِرٍ وَھُوَ فَرْخٌ حَتّٰی مَاتَ ھَرِمًا رواہ احمد وروی

پرندہ در حالیکہ آن زاغ چوزہ است تا آنکہ میرد در غایت پیری رواہ احمد و روایت کرد

وَعَنْ سَلَمَةَ بْنِ قَيْسٍ عَنِ الْبَيْهَقِيِّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

و روایت است از بن قیس از سلمه در شعب ایمان بیهقی

بُرَيْدَةَ قَالَ دَخَلَ بِلَالٌ عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بریده رضی گفت درآمد بلال بر پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَهُوَ يَتَغَدّٰى فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وسلم و آنحضرت طعام چاشت میخورد پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ الْغَدَاءَ يَا بِلَالُ قَالَ إِنِّي صَائِمٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَالَ

وسلم حاضر شوی اے بلال طعام را گفت بلال روزه دارم یا رسول الله پس گفت

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَأْكُلُ رِزْقَنَا وَفَضْلَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم میخوریم ما رزق خود را و زیادت

رِزْقِ بِلَالٍ فِي الْجَنَّةِ أَشَعَرْتَ يَا بِلَالُ إِنَّ الصَّائِمَ

رزق بلال در بهشت است آیا شعور داری و میدانی اے بلال که روزه دار

يُسَبِّحُ عِظَامُهُ وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مَا أُكِلَ عِنْدَهُ

تسبیح میکنند استخوانهاے وے و آمرزش میخواهند مر او را فرشتگان مادام که خورده شود نزد وے

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَامِرِ بْنِ سَهْلٍ

روواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عامر بن سهل

الْحَرَامِيِّ سَمِعْتُ رَجُلًا يُحَدِّثُ أَنَّهُ سَمِعَ أَنَسَ ابْنَ

الحرمی که شنیدم مردی را که حدیث میکرد که وے شنید انس بن

مَالِكٍ يَقُولُ فِي الْجَنَّةِ قَصْرٌ لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا الصَّوَّامُ

مالک را که میگفت که در بهشت محل و مکانے است که داخل نمیشود آنرا مگر کسیکه روزه

رَجَبَ رَوَاهُ ابْنُ شَاهِينَ فِي التَّرْغِيبِ

در ماه رجب روایت کرد ابن شاهین در ترغیب

بَابُ فَضِيلَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ

باب در بیان فضیلت شب قدر

حٰمٓ ۚ وَالْكِتٰبِ الْمُبِينِ ۙ إِنَّا أَنْزَلْنٰهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبٰرَكَةٍ إِنَّا

قسم بکتاب واضح که هر آئینه ما فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک هر آئینه

كُنَّا مُنْذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۝ أَمْرًا مِّنْ

ما بودیم ترساننده در آن شب مبارک فیصل کرده می شود هر کار استوار فرود آوردیم آنرا بوحی کردن از

عِنْدِنَا ۚ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ۚ إِنَّهُ هُوَ

نزدیک خویش هر آئینه ما بودیم فرستنده فرود آوردیم آنرا سبب رحمت از نزد پروردگار تو هر آئینه اوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝

شنوا دانا قسم بصبح و بشبهای ده گانه وقسم بجفت و طاق

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۝ هَلْ فِي ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنٰهُ

وقسم بشب چون روان شود آیا درین مقدمه سوگند معتبر است صاحب خرد را هر آئینه ما فرود آوردیم

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرٰكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر شب قدر

خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ الْمَلٰئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

بهتر است از هزار ماه فرود می آیند فرشتگان و روح پاک در آن شب بفرمان

رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ۝ سَلٰمٌ هِيَ حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

پروردگار خویش برای سرانجام هر کاری محض سلامتی است آن شب تا وقت طلوع فجر

عَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ نَزَلَ جِبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چون میباشد لیلة القدر فرود می آید جبرئیل علیه السلام

جزء ۲۵ ربع ۱۴
جزء ۳۰ ربع ۲۴
جزء ۳۰

فِي كَبْكَبَةٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ يُصَلُّوْنَ عَلٰى كُلِّ عَبْدٍ قَائِمٍ

در جماعۃ از فرشتگان و دعا می کنند و درود میفرستند بر هر بنده که ایستاده است

أَوْ قَاعِدٍ يَذْكُرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ عِيْدِهِمْ

یا نشسته کرباد میکند مر خدای را عز وجل پس چون باشد روز عید مسلمانان

يَعْنِيْ يَوْمَ فِطْرِهِمْ بَاهٰى بِهِمْ مَلٰٓئِكَتَهُ فَقَالَ يَا مَلٰٓئِكَتِيْ

یعنی روز افطار ایشان مفاخرت میکند وے تعالی به بندگان فرشتگان خود را پس میگوید اے فرشتگان من

مَا جَزَآءُ أَجِيْرٍ وَفّٰى عَمَلَهُ قَالُوْا رَبَّنَا جَزَآؤُهُ أَنْ يُّوَفّٰى أَجْرَهُ

چیست پاداش مزدوری که تمام کرد عمل خود را میگویند فرشتگان پروردگارا پاداش او اینست که تمام داده شود مزد او

فَقَالَ مَلٰٓئِكَتِيْ عَبِيْدِيْ وَإِمَائِيْ قَضَوْا فَرِيْضَتِيْ عَلَيْهِمْ

پس میگوید پروردگار فرشتگان من غلامان من و پرستاران من گذاروند طاعت مرا که فرض گردانیدم بر ایشان

ثُمَّ خَرَجُوْا يَعُجُّوْنَ إِلَى الدُّعَآءِ وَعِزَّتِيْ وَجَلَالِيْ وَكَرَمِيْ وَ

پستر بیرون آمدند در حالیکه برمیدارند آواز خود را بدعا سوگند بعلیه قدرت و بزرگی وجود

عُلُوِّيْ وَارْتِفَاعِ مَكَانِيْ لَأُجِيْبَنَّهُمْ فَيَقُوْلُ ارْجِعُوْا فَقَدْ

و بلند قدری و بلندی رتبه من هر آئینه اجابت میکنم دعای ایشان را پس میگوید خدا برگردید بتحقیق

غَفَرْتُ لَكُمْ وَبَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ قَالَ فَيَرْجِعُوْنَ

آمرزیدم مر شما را و تبدیل میکنم بدیهای شما را به نیکیهای گفت آنحضرت میگردند بندگان

مَغْفُوْرًا لَّهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْإِيْمَانِ وَعَنْ

در حالیکه آمرزیده شده است ایشان را رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

عُبَادَةَ ابْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عباده بن صامت رض گفت عباده بیرون آمد آنحضرت صلے اللہ علیه

وَسَلَّمَ لِيُخْبِرَنَا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحٰى رَجُلَانِ مِنَ

وسلم تا خبر دهد ما را بلیلة القدر پس نزاع نمودند و خصومت میکردند بیکدیگر دو مرد از

الْمُسْلِمِيْنَ فَقَالَ خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحَى

مسلمانان پس گفت آنحضرت بیرون آمدم تا خبر دهم شما را بشب قدر که کدام شب است پس نزاع کردند

فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرُفِعَتْ وَعَسَى أَنْ يَكُوْنَ خَيْرًا لَكُمْ فَالْتَمِسُوْهَا

فلان وفلان پس برده شد آن شب از خاطر من ونزدیک است که باشد یعنی برداشتن از خاطر تعین آن بهتر

فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

در شب بست ونهم وبست وهفتم وبست وپنجم روایت کرد البخاری

وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

وروایت است از ابی بکره گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الْتَمِسُوْهَا يَعْنِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تِسْعٍ يَبْقَيْنَ

وسلم که میگفت که طلب بکنید آنرا یعنی شب قدر را در نه شب که باقی می مانند

أَوْ فِي سَبْعٍ يَبْقَيْنَ أَوْ فِي خَمْسٍ يَبْقَيْنَ أَوْ ثَلٰثٍ أَوَاخِرِ لَيْلَةٍ

یا در هفت شب که باقی می مانند یا در پنج شب که باقی می مانند یا در سه شب باقی میمانند یا در شب آخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ

رواه الترمذی وروایت است از ابن عباس رض که پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْتَمِسُوْهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

علیه وسلم فرمود طلب کنید اورا در ده شب آخر از رمضان

لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي تَاسِعَةٍ تَبْقَى فِي سَابِعَةٍ تَبْقَى فِي خَامِسَةٍ تَبْقَى

شب قدر را در شب بست ونهم که باقی بماند و در شب بست وهفتم که باقی بماند در شب بست وپنجم که باقی

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ

رواه البخاری وروایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ

صلی الله علیه وسلم بجوئید شب قدر را در شب‌های طاق از ده

الاواخر من رمضان رواه البخاري وعن زر

آخر از رمضان روایت کرد او را بخاری و روایت است از زر

بن حبيش قال سألت أبي بن كعب فقلت إن أخاك ابن

بن حبیش گفت سوال کردم ابی ابن کعب را پس گفتم که برادر تو ابن

مسعود يقول من يقم الحول يصب ليلة القدر فقال

مسعود میگوید کسیکه قیام لیل کند سال تمام دریابد شب قدر را پس گفت

رحمه الله أراد أن لا يتكل الناس أما إنه قد علم أنها

رحمت کند ابن مسعود را خدا ایتعالی خواست ابن مسعود که اعتماد نکنند مردم آگاه باش بدرستیکه ابن مسعود

في رمضان وأنها في العشر الأواخر وأنها ليلة سبع و

که شب قدر در رمضان است در ده اخیر است از رمضان و بدرستیکه آن بست و هفتم است

عشرين ثم حلف لا يستثني أنها ليلة سبع وعشرين

پس سوگند خورد ابی در حالیکه استثنا نمی کرد یعنی انشاء الله نمی گفت و جزم میکرد که شب قدر بست و هفتم است

فقلت بأي شيء تقول ذلك يا أبا المنذر قال بالعلامة

پس گفتم ابی ابن کعب را بچه چیز و بکدام دلیل میگوئی آنرا ای ابا منذر گفت ابی بسبب که خبر داده است ما را آنحضرت

أو بالآية التي أخبرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم

یا بآیت که نشانیست روایت خبر داد ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم

أنها تطلع يومئذ لا شعاع لها رواه مسلم وعن

علامت اینست که آفتاب در صبح آن شب می برآید در حالیکه نیست روشنی مر او را روایت کرد او را مسلم و روایت است از

عائشة قالت قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

عایشه رضی الله عنها گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

أرأيت إن علمت أي ليلة ليلة القدر ما أقول فيها قال

خبر ده مرا اگر بدانم که کدام شب است شب قدر در باب آنرا چه گویم از ذکر و دعا در آن شب گفت آنحضرت

قُولِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي

بگو این دعا را خداوندا بدرستیکه عفو کننده و دوست میداری عفو را پس عفو کن از ما

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ

روایت کرد احمد و ابن ماجه والترمذی و صحیح گفت ترمذی این حدیث را

بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

این باب در قیام ماه رمضان است و در قیام نصف از شعبان یعنی شب برات

عَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

خَرَجَ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلّٰى فِي الْمَسْجِدِ وَصَلّٰى رِجَالٌ

بر آمد شبے از میان شب پس نماز گذارد در مسجد و نماز گذاردند مردمان

بِصَلٰوتِهٖ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَاجْتَمَعَ اَكْثَرُ مِنْهُمْ

بهمراه نماز آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس جمع شدند زیاده تر از ایشان

فَصَلَّوْا مَعَهٗ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَكَثُرَ اَهْلُ الْمَسْجِدِ

پس نماز گذاردند با آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس بسیار شدند اهل مسجد

مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ فَخَرَجَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از شب ثالث پس بر آمد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

فَصَلّٰى فَصَلَّوْا بِصَلٰوتِهٖ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ عَجَزَ

پس نماز گذارد آنحضرت پس نماز گذاردند بنماز آنحضرت یعنی با جماعت هرگاه که شد شب چهارم تنگ آمد

الْمَسْجِدُ عَنْ اَهْلِهٖ حَتّٰى خَرَجَ بِصَلٰوةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى

مسجد از گنجایش اهل آن تا آنکه بر آمد آنحضرت برائے نماز فجر پس هرگاه که ادا کرد آنحضرت

الْفَجْرَ اَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّهٗ

نماز فجر را متوجه شد بر مردمان پس کلمه شهادت خواند پیشتر فرمود لیکن بعد حمد و نعت پس بدرستیکه شان این است

لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ مَكَانُكُمْ وَلٰكِنِّيْ خَشِيْتُ اَنْ تُفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ

رانخوف کرده شد بر شان تا ولیکن من خوف کردم که فرض شود این نماز تراویح برشما باجماعت

فَتَعْجِزُوْا عَنْهَا فَتُوُفِّيَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس عاجز آئید شما از ادای آن پس وفات کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

وَالْاَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

وحال آنکه حال تراویح براین بود روایه البخاری و روایت است از ابی هریرة رض

قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرَغِّبُ فِيْ قِيَامِ

گفت که بود پیغامبر صلی الله علیه وسلم که ترغیب نمود صحابه را در گذاردن نماز

رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ اَنْ يَّاْمُرَهُمْ فِيْهِ بِعَزِيْمَةٍ فَيَقُوْلُ مَنْ

در رمضان بے آنکه امر کند ایشان را در قیام رمضان بجد تاکید و ایجاب پس فرمود آنحضرت کسیکه

قَامَ رَمَضَانَ اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ

قیام کند رمضان را بجهت ایمان و تصدیق ثواب و طلب اجر آخرت آمرزیده شود او را چیزیکه پیش گذشته

الْحَدِيْثَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض اَنَّ

تا آخر حدیث روایه مسلم و روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه قیام کند رمضان را

اِيْمَانًا وَّاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهٗ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهٖ قَالَ ابْنُ شِهَابٍ

بجهت ایمان و طلب ثواب آخرت آمرزیده شود چیزیکه پیش رفته است از گناهان وی گفت ابن شهاب

فَتُوُفِّيَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْاَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ

پس قبض کرده شد روح آنحضرت صلی الله علیه وسلم و حال آنکه شان و کار قیام رمضان بر

ثُمَّ كَانَ الْاَمْرُ عَلٰى ذٰلِكَ فِيْ خِلَافَةِ اَبِيْ بَكْرٍ وَّصَدْرًا

پستر بود امر بر همین روش در زمان خلافت ابی بکر و همین بود امر شان در زمان اول

وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِيِّ مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ

خلافت عمر یعنی قیام رمضان بجماعت و روایت است از عبد الرحمن بن عبد القاری

اَنَّهٗ قَالَ خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ لَيْلَةً فِيْ رَمَضَانَ

گفت که بیرون آمدم با عمر ابن الخطاب شبے از رمضان

اِلَى الْمَسْجِدِ فَاِذَا النَّاسُ اَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُوْنَ يُصَلِّي الرَّجُلُ

بسوے مسجد پس ناگاه مردم پریشان و جدا جدا نشستند نماز میکرد مردے

لِنَفْسِهٖ وَيُصَلِّي الرَّجُلُ فَيُصَلِّيْ بِصَلٰوتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ

برائے خود تنها و نماز میکرد مردے پس نماز میکردند با نماز وے قومے پس گفت عمر بن الخطاب

اِنِّيْ اَرٰى لَوْ جَمَعْتُ هٰؤُلَاءِ عَلٰى قَارِئٍ وَّاحِدٍ لَكَانَ اَمْثَلَ

بدرستیکه من اگر جمع کنم اینمردم را بر یک امام هر آئینه باشد افضل

ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلٰى اُبَيِّ ابْنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهٗ لَيْلَةً

پستر عزم کرد پس جمع کرد مردم را بر ابی ابن کعب گفت عبد الرحمن بن قاری پستر بیرون آمدم با عمر بمسجد شبے

اُخْرٰى وَالنَّاسُ يُصَلُّوْنَ بِصَلٰوةِ قَارِئِهِمْ قَالَ عُمَرُ

دیگر در حال آنکه مردم نماز میگذاردند بنماز امام خود گفت عمر رض

نِعْمَتِ الْبِدْعَةُ هٰذِهٖ وَالَّتِيْ تَنَامُوْنَ عَنْهَا اَفْضَلُ مِنَ الَّتِيْ

نیکو بدعت است این بدعت و آن نماز یکه خواب میکنید و غفلت میورزید از ان فاضلتر است از ان نماز

تَقُوْمُوْنَ يُرِيْدُ اٰخِرَ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّاسُ يَقُوْمُوْنَ اَوَّلَهٗ

که قیام میکنید میخواست عمر آخر شب را و بودند مردم که قیام میکردند در اول شب

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ فَقَدْتُ رَوَاهُمَا الْبُخَارِيُّ

روایت کرد اینحدیث هر دو را بخاری و روایت است از عائشه رض گفت عائشه که گم کردم و نیافتم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَاِذَا هُوَ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم را در شب نوبت خود پس ناگاه دیدم که آنحضرت

بالبقیع فقال اکنت تخافین ان یحیف اللہ علیک و رسولہ

بقبرۂ مدینہ مطہرہ است پس گفت آنحضرت کہ آیا بودی تو کہ میترسید با نکہ جور و ستم میکند خدا بر تو و پیغامبر او

قلت یا رسول اللہ انی ظننت انک اتیت بعض نسائک

گفت عائشہ کہ گفتم یا رسول اللہ بدرستیکہ من گمان بردم کہ تو آمدی بہ بعضے از زنان خود

فقال ان اللہ تعالی ینزل لیلۃ النصف من شعبان الی

پس فرمود آنحضرت کہ سببش آن بود کہ بدرستی خدا تعالی نزول میکند بفضل و رحمت در شب نیمہ از شعبان بسوے

السماء الدنیا فیغفر لاکثر من عدد شعر غنم کلب

آسمانے کہ فرود تر از آسمان ہاست پس می آمرزد بیشتر را از شمار موہا گوسپندان قبیلہ کلب بیشترین عرب

رواہ الترمذی وابن ماجۃ وزاد رزین ممن استحق النار

رواہ الترمذی وابن ماجہ و زیادہ کرد رزین لفظ من استحق النار یعنی مستحق النار را

وعن عائشۃ رض عن النبی صلی اللہ علیہ وسلم

و روایت است از عائشہ رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

قال ھل تدرین ما فی ھذہ اللیلۃ یعنی لیلۃ النصف

کہ فرمود آیا ورمی یابی تو اے عائشہ کہ چہ چیز است درین شب از برکات و غرایب یعنے شب نیمہ

من شعبان قالت ما فیھا یا رسول اللہ فقال فیھا ان یکتب

از شعبان گفت عائشہ چہ چیز است درین شب یا رسول اللہ پس فرمود آنحضرت کہ درین شب نوشتہ شود

کل مولود بنی آدم فی ھذہ السنۃ وفیھا ان یکتب کل

ہر کہ زائیدہ شود از فرزندان آدم درین سال و دیگر در آن شب نوشتہ شود ہر کہ

ھالک من بنی آدم فی ھذہ السنۃ وفیھا ترفع اعمالھم

ہالک شود از فرزندان آدم درین سال و درین شب برداشتہ شود کردارہائے فرزندان آدم

وفیھا تنزل ارزاقھم فقالت یا رسول اللہ ما من احد

و در آن شب نازل کردہ شود رزقہاے بنی آدم پس گفت عائشہ ای پیغمبر خدا نیست ہیچ یکے

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا بِرَحْمَةِ اللّٰهِ تَعَالٰى فَقَالَ مَا مِنْ اَحَدٍ

که درآید بهشت را مگر برحمت خدا تعالی پس گفت آنحضرت که نیست هیچ یکے که

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا بِرَحْمَةِ اللّٰهِ تَعَالٰى ثَلٰثًا قُلْتُ وَلَا اَنْتَ

درآید بهشت را مگر برحمت خدا تعالے گفت آنحضرت این کلمات را سه بار گفت عائشہ که گفتم و نه تو آئی بهشت را

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَوَضَعَ يَدَهٗ عَلٰى هَامَتِهٖ فَقَالَ وَلَا اَنَا اِلَّا

اے پیغمبر خدا پس نهاد آنحضرت دست مبارک خود را بر سر مبارک خود پس گفت و نه من می آیم بهشت مگر

اَنْ يَّتَغَمَّدَنِيَ اللّٰهُ مِنْهُ بِرَحْمَتِهٖ يَقُوْلُهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ

بپوشد مرا خدا تعالے برحمت خود در حالیکه میگفت آنحضرت این کلمات را سه بار روایه

الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى

بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از ابی موسے

الْاَشْعَرِيِّ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ

اشعری رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت که بدرستیکه خدا تعالے هر آئینه

اللّٰهَ لَيَطَّلِعُ فِيْ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِجَمِيْعِ خَلْقِهٖ

واقف می شود بر احوال بندگان در شب نصف از شعبان پس می آمرزد مر همه خلق را

اِلَّا لِمُشْرِكٍ اَوْ مُشَاحِنٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ اَحْمَدُ

مگر مر کافر را و دشمن دارنده و کینه ورزنده مسلمانان را روایه ابن ماجه و روایه احمد

عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَفِيْ رِوَايَةٍ اِلَّا اثْنَيْنِ

از عبد الله بن عمرو بن العاص و در روایت احمد آمده که خدا می بخشد همه را مگر

مُشَاحِنٍ وَقَاتِلِ النَّفْسِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

مشاحن را و خون ناحق ریزنده و کشنده نفس را و روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم چون باشد شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ فَقُومُوا لَيْلَهَا وَصُومُوا يَوْمَهَا فَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى

از شعبان پس قیام کنید شب آنرا و روزه دارید روز آنرا پس بدرستیکه خدایتعالی

يَنْزِلُ فِيهَا لِغُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ أَلَا

نزول میکند برحمت درین شب بوقت غروب آفتاب بسوے آسمان دنیا پس میگوید آیا نیست

مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَلَا مِنْ مُسْتَرْزِقٍ فَأَرْزُقَهُ أَلَا

هیچ آمرزش خواهنده پس بیامرزم مراورا آیا نیست هیچ روزی خواهنده پس روزی دهم اورا آیا نیست

مُبْتَلًى فَأُعَافِيَهُ أَلَا كَذَا وَكَذَا حَتّٰى مَطْلَعِ الْفَجْرِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهْ

هیچ بلا رسیده پس برهانم اورا از بلا کذا وکذا کنایت است از انواع ارباب حاجات میگوید خدا این کلمات را تا وقت طلوع صبح

بَابُ الْاِعْتِكَافِ

باب دربیان اعتکاف

عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتّٰى تَوَفَّاهُ

بود که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان تا آنکه میرانید اورا

اللّٰهُ تَعَالٰى ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ بَعْدَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

خدایتعالی پس معتکف شدند ازواج مطهره آنحضرت بعد از وی متفق علیه

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

وروایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

وسلم که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان

فَلَمْ يَعْتَكِفْ عَامًا فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ

پس اعتکاف نکرد یکسال پس وقتیکه شد سال آینده اعتکاف کرد دو ده شب یکے قضا و دیگرا

دوست میدارد اعتکاف کند پس ثابت شد سنیت آن ۱۲

۳۶

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ

رواه الترمذی و رواه ابو داؤد و ابن ماجه از

أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتِ السُّنَّةُ عَلَى

ابی ابن کعب و روایت است از عائشه رض گفت عائشه سنت بر

الْمُعْتَكِفِ أَنْ لَا يَعُودَ مَرِيضًا وَلَا يَشْهَدَ جَنَازَةً

معتکف آنست که عیادت نکند مریض را و حاضر نشود نماز جنازه را

وَلَا يَمَسَّ الْمَرْأَةَ وَلَا يُبَاشِرَهَا وَلَا يَخْرُجَ لِحَاجَةٍ

و مساس نکند زن را و مباشرت نکند او را و بیرون نیاید برائے حاجتے

إِلَّا لِمَا لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا اعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ وَلَا اعْتِكَافَ

مگر برائے حاجتے که چاره نیست از ان و روا نیست اعتکاف مگر بروزه و روا نیست اعتکاف

إِلَّا فِي مَسْجِدٍ جَامِعٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

مگر در مسجد جامع یعنے مسجد جماعت رواه ابو داؤد و روایت است از ابن عباس رض

أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي

که پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم گفت درحق

الْمُعْتَكِفِ هُوَ يَعْتَكِفُ الذُّنُوبَ وَيُجْرٰى لَهٗ مِنَ

معتکف که آن منع کرده می شود و باز داشته می شود از گناهان و جاری داده می شود مر او را از

الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

حسنات که فوت می شود او را بسبب اعتکاف او مثل عامل حسنات همه رواه ابن ماجه

كِتَابُ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ

کتاب در بیان فضائل القرآن

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ

پس چون بخوانی قرآن را پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا

بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن بر آنکه بیارند مانند این

الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

قرآن هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مدددهنده

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ

آیا میگویند بربسته است قرآن را بگو پس بیارید ده سوره مانند این بربافته

وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و بخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راستگو هستید

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ

و اگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود پس بیارید یک سوره

مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ

مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بجز خدا اگر هستید

صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ

راستگو پس اگر نکردید و البته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش سوزان

الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝

که آتش انگیز آن مردمان و سنگها باشد آماده کرده شده است برای کافران

لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا

اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره شده

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝

از خوف خدا هر آینه ما فرو فرستادیم قرآن را و هر آینه ما او را نگاه بانیم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ وَهَٰذَا كِتَابٌ

هر آینه ما فرستادیم آنرا قرآن عربی باشد که شما در یابید و این کتابی است

مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ

و در دارنده در زبان عربی برای آنکه بترساند ستمگاران را و برای مژده دادن

لِلْمُحْسِنِينَ عَنْ عُثْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

نیکوکاران را روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم بهترین شما کسے که آموخت قرآن را و آموزانید آنرا رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ

وسلم نیکو در یابنده و استاد در قرآن بحفظ و تجوید با ملائکه که بزرگانند و نیکوکار

وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ

و آن کسے که میخواند قرآن را و در میماند در خواندن آن و خواندن قرآن بر او دشوار است او را

أَجْرَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

دو اجر است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَيْنِ رَجُلٌ

صلی الله علیه وسلم نیست جائے رشک بردن مگر بر دو کس یکے مردے

آتَاهُ اللهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ

که داده است او را خدا تعالی قرآن را پس آن مرد برمیخیزد بقرآن یعنے میخواند آنرا در ساعات

النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آنَاءَ

صبح و شام دوم مردیکه داده است او را مال پس آن مرد انفاق میکند از آن در ساعات

اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

صبح و شام متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِیْ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ آنکسے کہ

لَیْسَ فِیْ جَوْفِہٖ شَیْءٌ مِّنَ الْقُرْاٰنِ کَالْبَیْتِ الْخَرِبِ رَوَاہُ

نیست در درون وے چیزے از قرآن ہمچو خانہ ویران است رواہ

التِّرْمِذِیُّ وَالدَّارِمِیُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰہِ بْنِ عَمْرٍو رضہ

الترمذی والدارمی درروایت است از عبد اللہ بن عمرو رضہ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یُقَالُ لِصَاحِبِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفتہ می شود مر صاحب

الْقُرْاٰنِ اِقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ کَمَا کُنْتَ تُرَتِّلُ فِی الدُّنْیَا

قرآن را بخوان وترقی مدارج کن وبتجوید بخوان قرآن را چنانکہ ترتیل میکردی در دنیا

فَاِنَّ مَنْزِلَکَ عِنْدَ اٰخِرِ اٰیَۃٍ تَقْرَأُھَا رَوَاہُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِیُّ

بدرستیکہ منزل تو نزد آخر آیتے کہ می خوانی آنرا رواہ احمد والترمذی

وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالنَّسَائِیُّ وَعَنْ اَبِیْ سَعِیْدٍ رضہ قَالَ قَالَ

وابوداؤد والنسائی درروایت است از ابی سعید رضہ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ الرَّبُّ تَبَارَکَ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگوید پروردگار تبارک

وَتَعَالٰی مَنْ شَغَلَہُ الْقُرْاٰنُ عَنْ ذِکْرِیْ وَمَسْئَلَتِیْ اَعْطَیْتُہٗ

وتعالی کسے کہ بازدارد اورا قرآن از ذکر کردن من ودعا وسوال من میدہم اورا

اَفْضَلَ مَا اُعْطِی السَّائِلِیْنَ وَفَضْلُ کَلَامِ اللّٰہِ عَلٰی سَائِرِ

بیشتر ازانچہ میدہم سوال کنندگان را وفضل کلام خدا بر باقی کلام خلائق

الْکَلَامِ کَفَضْلِ اللّٰہِ عَلٰی خَلْقِہٖ رَوَاہُ التِّرْمِذِیُّ وَالدَّارِمِیُّ

ہمچو فضل خدا ست بر مخلوق او رواہ الترمذی والدارمی

وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والبیہقی در شعب ایمان در روایت است از ابن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند یک حرف از

كِتَابِ اللّٰهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا لَا أَقُولُ

کتاب خدا پس مر او راست نیکی و ہر نیکی جزا دادہ می شود بدہ چند او نمیگویم

الٓمٓ حَرْفٌ أَلِفٌ حَرْفٌ وَلَامٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ رَوَاهُ

الم یک حرف است بل الف تنہا حرفست ہمچنین لام حرف ہست و میم حرف است رواہ

التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ مُعَاذٍ الْجُهَنِيِّ رض قَالَ

الترمذی والدارمی در روایت است از معاذ الجہنی رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند قرآن را

وَعَمِلَ بِمَا فِيهِ أُلْبِسَ وَالِدَاهُ تَاجًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ضَوْءُهُ

و عمل کرد بچیزے کہ در قرآن است پوشانیدہ شوند پدر و مادر او تاج روز قیامت کہ روشنائی او

أَحْسَنُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ فِي بُيُوتِ الدُّنْيَا لَوْ كَانَتْ

خوشتر و قوی تر از روشنائی آفتاب باشد در خانہ ہاے دنیا اگر می بود آفتاب

فِيكُمْ فَمَا ظَنُّكُمْ بِالَّذِي عَمِلَ بِهٰذَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

در خانہ ہای شما پس چیست گمان شما بآن کسیکہ بخواند و عمل کند بقرآن رواہ احمد و ابوداود

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

در روایت است از عقبہ بن عامر رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَوْ جُعِلَ الْقُرْآنُ فِي إِهَابٍ ثُمَّ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت اگر دادیدہ می شد قرآن در پوستے پستر

أُلْقِيَ فِي النَّارِ مَا احْتَرَقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ

انداخته شود در آتش نسوخت رواه الدارمی و روایت است از علی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هرکه بخواند قرآن را

فَاسْتَظْهَرَهُ فَأَحَلَّ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ

پس یاد کرد آنرا پس حلال گرداند حلال آنرا و حرام گرداند حرام آنرا در می آرد خدا تعالی

الْجَنَّةَ وَشَفَّعَهُ فِي عَشَرَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ

در بهشت و قبول میکند شفاعت او را در ده کس از اهل بیت وی که همه ایشان بتحقیق

وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ

واجب شده است مر ایشان را آتش رواه احمد والترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاقْرَءُوهُ فَإِنَّ مَثَلَ

علیه وسلم بیاموزید قرآن را پس بخوانید آنرا پس بدرستیکه حال

الْقُرْآنِ لِمَنْ تَعَلَّمَ فَقَرَأَهُ وَقَامَ بِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ مَحْشُوٍّ

قرآن مر کسے را که آموخت پس خواند آنرا و قیام کرد بدان همچو انبانی است که پر کر

مِسْكًا تَفُوحُ بِهِ رِيحُهُ كُلَّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَ

مشک میدمید بوے وے در هر جا و حال کسیکه آموخت قرآن ر

فَرَقَدَ فَهُوَ فِي جَوْفِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ أُوكِيَ عَلَى مِسْكٍ

پس خواب کرد حال آنکه قرآن در شکم او ست همچو حال انبان مشک است که بسته شده است بر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ

رواه الترمذی والنسائی و ابن ماجه و روایت است از

اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی قَرَأَ طٰهٰ وَیٰسٓ قَبْلَ اَنْ یَّخْلُقَ السَّمٰوٰتِ
بدرستیکہ خدا تعالے خواند یعنے اظہار کرد سورہ طٰہ ویٰس را پیش از آنکہ پیدا کند آسمان ہا
وَالْاَرْضَ بِاَلْفِ عَامٍ فَلَمَّا سَمِعَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ الْقُرْاٰنَ قَالَتْ
و زمین را بہزار سال پس ہرگاہ کہ شنیدند فرشتگان قرات طٰہ ویٰس را گفتند فرشتگان
طُوْبٰی لِاُمَّةٍ یَنْزِلُ هٰذَا عَلَیْهَا طُوْبٰی لِاَجْوَافٍ تَحْمِلُ هٰذَا
خیر و خوبی باد مر امتے را کہ فرود فرستادہ شود این ہر دو سورہ بر آن امت و خوبی باد مر آن شکمہا راو
وَطُوْبٰی لِاَلْسِنَةٍ تَتَكَلَّمُ بِهٰذَا رَوَاهُ الدَّارِمِیُّ وَعَنْ
و خوبی باد مر زبان ہا را کہ تکلم کنند باین رواہ الدارمی و روایت است از
اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ
ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
اَعْرِبُوا الْقُرْاٰنَ وَاتَّبِعُوْا غَرَآئِبَهٗ وَغَرَآئِبُهٗ فَرَآئِضُهٗ
اظہار کنید معانی قرآن را و پیروی کنید غرایب قرآن را و غرایب وے فرایض او
وَحُدُوْدُهٗ وَعَنْ عَآئِشَةَ رض اَنَّ النَّبِیَّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
و حدود او ست و روایت است از عائشہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ قِرَاءَةُ الْقُرْاٰنِ فِی الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ مِنْ
وسلم گفت خواندن قرآن در نماز بہتر است از
قِرَاءَةِ الْقُرْاٰنِ فِیْ غَیْرِ الصَّلٰوةِ وَقِرَاءَةُ الْقُرْاٰنِ فِیْ غَیْرِ
خواندن قرآن در غیر نماز و خواندن قرآن در غیر
الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ مِنَ التَّسْبِیْحِ وَالتَّكْبِیْرِ وَالتَّسْبِیْحُ اَفْضَلُ
نماز افضل است از تسبیح و تکبیر و تسبیح بہتر است

مِنَ الصَّدَقَةِ وَالصَّدَقَةُ اَفْضَلُ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمُ

از صدقہ دادن در راہ خدا و صدقہ دادن بہتر است از روزہ داشتن و روزہ داشتن

جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَعَنْ عُثْمَانَ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ اَوْسٍ

سپر است از آتش دوزخ و روایت است از عثمان ابن عبد اللہ ابن اوس

الثَّقَفِيِّ عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الثقفی از جد خود کہ اوس است گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

قِرَاءَةُ الرَّجُلِ الْقُرْاٰنَ فِيْ غَيْرِ الْمُصْحَفِ اَلْفُ دَرَجَةٍ وَقِرَاءَتُهٗ

ثواب خواندن مرد قرآن را در غیر مصحف ہزار درجہ دارد و ثواب خواندن او

فِي الْمُصْحَفِ تُضْعَفُ عَلٰى ذٰلِكَ اِلٰى اَلْفَيْ دَرَجَةٍ وَعَنْ

در مصحف زیادہ کردہ می شود بر آن تا دو ہزار درجہ و روایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوْبَ تَصْدَاُ كَمَا يَصْدَاُ الْحَدِيْدُ اِذَا اَصَابَهُ

بدرستیکہ این دلہای مردم زنگ میگیرد یعنے تیرہ میگردد چنانکہ زنگ میگیرد آہن وقتیکہ میرسد آنرا

الْمَاءُ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا جِلَاؤُهَا قَالَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ

آب گفتہ شد اے رسول خدا چیست سبب روشنی وصفائی وی گفت بسیار یاد کردن موت

وَتِلَاوَةُ الْقُرْاٰنِ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الْاَرْبَعَةَ فِيْ

وخواندن قرآن است روایت کرد بیہقی این چہار حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا اَنَّ نَبِيَّ اللّٰهِ صَلَّى

شعب ایمان و روایت است از حسن بصری از روے ارسال کہ آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ مِائَةَ اٰيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ

اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ بخواند در شبے صد آیت قرآن محاجات نکند وخصومت ننماید از

الْقُرْاٰنَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَمَنْ قَرَأَ فِىْ لَيْلَةٍ مِائَتَىْ اٰيَةٍ

قرآن در آن شب و کسیکه بخواند در شبے دو صد آیت

كُتِبَ لَهٗ قُنُوْتُ لَيْلَةٍ وَمَنْ قَرَأَ فِىْ لَيْلَةٍ خَمْسَ مِائَةِ اٰيَةٍ

نوشته شود براے وے طاعت شب وکسیکه بخواند در شبے پنجصد آیت

اِلَى الْاَلْفِ اَصْبَحَ وَلَهٗ قِنْطَارٌ مِّنَ الْاَجْرِ قَالُوْا وَمَا الْقِنْطَارُ

تا هزار صبح میکند درحالیکه مراورا ست قنطار از اجر گفتند صحابه چیست قنطار

قَالَ اِثْنَا عَشَرَ اَلْفًا رَوَاهُ الدَّارِمِىُّ وَعَنْ اَبِىْ مُوْسَى

گفت آنحضرت قنطار مقدار دوازده هزار است رواه الدارمی و روایت است از ابی موسی

الْاَشْعَرِىِّ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رضـ گفت ابی موسی که فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

تَعَاهَدُوا الْقُرْاٰنَ فَوَالَّذِىْ نَفْسِىْ بِيَدِهٖ لَهُوَ اَشَدُّ

رعایت و مداومت کنید بقرآن پس سوگند بخدا که بقا ذات من بدست قدرت اوست هر آینه قرآن سخت

تَفَصِّيًا مِّنَ الْاِبِلِ فِىْ عُقُلِهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

از رفتن و رها شدن از شتر که بسته باشد پاے وے در رسن متفق علیه و روایت است از

اَبِىْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَّمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْاٰنِ رَوَاهُ الْبُخَارِىُّ وَعَنْ

نیست از ما کسیکه تغنی نکند بقرآن یعنے مستغنے شود از همه رواه بخاری و روایت است از

الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

براء بن عازب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ زَيِّنُوا الْقُرْاٰنَ بِاَصْوَاتِكُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْدَاوٗدَ

وسلم بیارائید قرآن را بخوش آوازهاے شما رواه احمد و ابوداؤد

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رض قَالَ

وابن ماجه والدارمی درروایت است از سعد بن عباده رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِءٍ يَقْرَأُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست ہیچ مردیکه می خواند

الْقُرْاٰنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ اِلَّا لَقِيَ اللّٰهَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَجْذَمَ رَوَاهُ

قرآن را پستر فراموش گرداند آنرا مگر آنکه پیش می آید خدا را روز قیامت منقطع الاعضا یعنی ہیچ حجت

اَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

ابوداود والدارمی درروایت است از عبد الله بن عمرو رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمْ يَفْقَهْ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که نفهمید

مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ فِيْ اَقَلَّ مِنْ ثَلٰثٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

کسیکه خواند قرآن در کمتر از سه روز رواه الترمذی

وَاَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ

و ابوداود والدارمی درروایت است از عقبه بن عامر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم جهر کننده قرآن را

كَالْجَاهِرِ بِالصَّدَقَةِ وَالْمُسِرُّ بِالْقُرْاٰنِ كَالْمُسِرِّ بِالصَّدَقَةِ

ہمچو آشکارا دہنده است صدقه را و آہسته خواننده قرآن را ہمچو پنہان دہنده است صدقه را

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ اللَّيْثِ

رواه الترمذی و ابوداود والنسائی درروایت است از لیث

بْنِ سَعْدٍ رض عَنِ ابْنِ اَبِيْ مُلَيْكَةَ عَنْ يَعْلَى ابْنِ مَمْلَكٍ رض

بن سعد رض روایت میکند از ابن ابی ملیکه از یعلی ابن مملک رض

أَنَّهُ سَأَلَ أُمَّ سَلَمَةَ رضـ عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

کہ وے پرسید از ام سلمہ رضـ از قرارت پیغمبر صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَإِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا

وسلم پس ناگاہ ام سلمہ صفت میکند قرات پیغمبر اوکشادہ است حرف بعد از حرف جدا جدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

رواہ الترمذی و ابو داؤد والنسائی و روایت است از حذیفہ

رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْرَءُوا

رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بخوانید

الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ

قرآن را بلحن عرب وخوش آوازہاے ایشان ودور دارید خود را از لحن

أَهْلِ الْعِشْقِ وَلُحُونَ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ وَسَيَجِيءُ بَعْدِي

اہل عشق ولحن ہاے اہل دو کتاب یعنی توریت وانجیل وزود باشد کہ بیاید پس از من

قَوْمٌ يُرَجِّعُونَ بِالْقُرْآنِ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ لَا يُجَاوِزُ

گروہے کہ ترجیع کنند بقرآن مانند سرود ونوحہ ونمیگذرد قرآن

حَنَاجِرَهُمْ مَفْتُونَةٌ قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبُ الَّذِينَ يُعْجِبُهُمْ

گلوہای ایشان را در فتنہ انداختہ شدہ است دلہای ایشان ودلہاے آنکسان کہ خوش می آید ایشان را

شَأْنُهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي

حال ایشان رواہ بیہقی در شعب ایمان ورزین در

كِتَابِهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رضـ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ

کتاب خود وروایت است از براء بن عازب رضـ گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ

صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت نیک گردانید قرآن را بآوازہاے خود